

13

A-P
77-938031

LIBRARY OF CONGRESS
6
MAR 27 1980
COPY.....
ORDER DIVISION

15521/0271yco



Ketabton.com



ایستاد
تیم فوتبال

ن
پیشانی
قد داشت؟

سواران

خلق افغانستان طی محفلی بعد از ظهر اول حوت
بایانیه د ستگیر پنجشیری عضو پوری
سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان و عضو شورای انقلابی جمهوری
دموکراتیک افغانستان در انستیتوت پولی تخنیک
افتتاح شد .

• • •

فیض محمد وزیر امور سرحدات ساعت
۱۱ قبل از ظهر اول حوت در دفتر کسارش
باتون کوانگ کوشارو دافیر سفارت کبرای
جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات تعارفی
بعل آورد .

وهكذا فضل الرحيم مومند وزیر زراعت
و اصلاحات ارضی بعد از ظهر اول حوت در دفتر
کسارش باتون کوانگ کوشارو دافیر سفارت
کبرای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات
تعارفی بعل آورد .

• • •

پروتوکول همکاری در ساحه نشراتی
طباعتی و فروش کتب شام سی دلو بین وزارت
اطلاعات و کلتور و کمیته دولتی اتحاد شوروی
در امور نشراتی، طباعتی و فروش کتب در کابل
عقد شد .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد از طرف شاه محمد دوست وزیر امور
خارجہ تلگرام تبریکه به مناسبت تقرر
چلانماب نگون کوتچ بحیث وزیر امور
خارجہ جمهوری سوسیالیستی ویتنام به هانوی
مخابره گردیده است .



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای انقلابی و صدراعظم هنگامیکه هیات سازمان عفو
بین المللی را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند

به مناسبت انتخاب چلانماب ادوارد گریک
بحیث منشی اول کمیته مرکزی حزب متحد
کارگری پولند به وارسا مخابره گردیده
است .

• • •

اسدالله سروری عضو پوری سیاسی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،
معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم شام
۲۵ دلو از مزار شریف به کابل بازگشت .
اسدالله سروری باتفاق شیرجان مزدوریار

وزیر ترانسپورت و توریسم و دگر منظر محمد
قواماندان عمومی قوای هوایی و مدافعه هوایی
برای بازدید از بنادر مربوط ولایت بلخ به
تاریخ بیست دلو به مزار شریف رفته بود .

• • •

فا کو لته ژورنالیسم وابسته به انستیتوت
علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک

رفیق کیمال سونگ منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب کارگر کوریا و رئیس جمهور
جمهوری دموکراتیک خلق کوریا به مناسبت
انتخاب شان بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان طی پیام جوابیه یی مقابلتا اسرا
یقین نمودند که مناسبات دوستی و همکاری
بین خلقهای هر دو کشور از طریق مبارزات
شان بر ضد امپریالیسم وارتجاع بین المللی
بیش از پیش انکشاف می یابد .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد از طرف بیرک کارمل منشی عمومی

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم
جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه

اختصار وقایع مهم

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت سه و نیم بعد از ظهر ۲۵ دلو
هیات سازمان عفو بین المللی را در مقر
شورای انقلابی پذیرفتند .

در جریان این ملاقات با اعضای هیات که
شامل ممتاز سوسل و ایران تیرلینیون می
باشند این اطمینان بوجود آمد که اساسات
حقوق بشر در افغانستان پس از مرحله نوین
انقلاب ثور بکلی احیا گردیده است .

• • •

جلسه شورای وزیران تحت ریاست بیرک
کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک

افغانستان روز ۲۷ دلو از ساعت پنج عصر
تا هشت شب در مقر شورای انقلابی دایر
گردید .

• • •

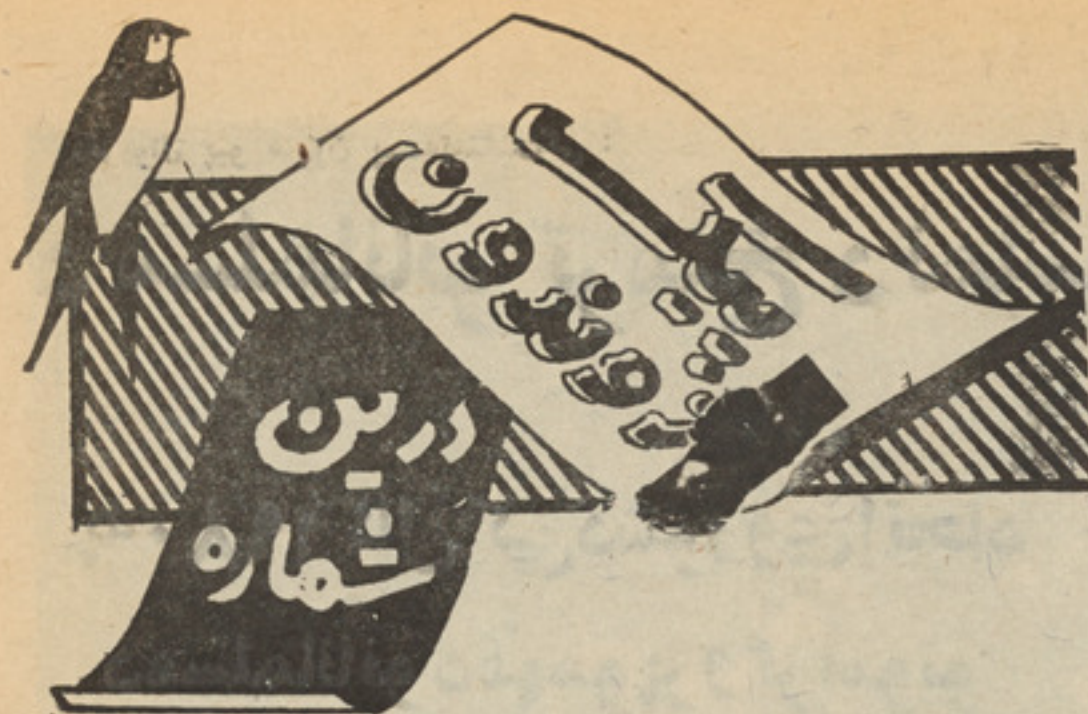
بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت چهار و چهل و پنج دقیقه عصر
۲۶ دلو هیات جبهه مردم برای آزادی فلسطین
را در مقر شورای انقلابی برای ملاقات
پذیرفتند .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
میدهد بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ضمن تشکر صمیمانه از پیام تبریک



مجید سربلند و ایوان کاروفکین هنگام امضای پروتوکول همکاری در ساحه نشراتی و طباعتی
و فروش کتب بین وزارت اطلاعات و کلتور و کمیته دوستی اتحاد شوروی در امور نشراتی



راه‌ما، راه‌حق و بمنزل رسیدنی است

د نړیوال پیوستون په ټینګښت کې د مسلمانانو ترمنځ د تماسو اهمیت .

مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند نور .

بخطر يك آینده بهتر برای تمام اطفال .

فعالیت های خرابکارانه و طرح نقشه های تهاجمی ایالات متحده، توازن قوا را در جهان برهم میزند .

باج - یولند داستان .

نگاهی بر رباعیات خیام .

په آسیا او افریقا کې دباداری نظامونه .

چگونه مبارزه با حصادات آدمیزاد را مصونیت می بخشد .

نجات از چنگال دژخیمان طاعون .

رابوری از لیلای قره قل افغانی .

مشکل بحران انرژی در جهان .

روی جلد تیمهای قهرمان ورزشی تعلیم و تربیه که در مسابقات اخیر جامهای قهرمانی را حاصل نموده اند .

پشتی اخیر یکی از شاگردان لیسه زرغونه رادر لباس مقبول صفحات مر کزی کشور می نمایاند .

عکس متن دختر زیبای افغانی را مصروف گل دوزی نشان میدهد .

«عکاسی باختر آژانس»

و برخی از ساختمانهای زیبای آنرا که باخون و گوشت مردم زحمتکش، ساخته شده است، با عملیات تخریبکارانه به آتش کشیدند، چه کسانی بوده اند که عراده ها و دوکانهای مردم را طعمه جریق نمودند؟ وجه کمالسی بوده که میخواستند مریضمان رادر حالت بی دوائی، اطفال را در حالت بی شیر و ساکنان شهر را در حالت گرسنگی بانظار مرگ نشانند؟

پاسخ واضح است که اینها نه تنها دشمنان خلق افغانستان بلکه دشمنان بشریت اند و این قاتلان حرفه‌ای که از گوشت انسان تغذیه می‌کنند از جانب گردانندگان ماشین های جنگی امپریالیزم، مأمور قتل خلق بیگناه شده بودند. آنها با حساب غلبه شان بر خورده انسانی جمهوری دموکراتیک افغانستان را دال بر ضعف آن نمود، و اعلامیه های مکرر دولت را مبنی بر رعایت آزادی های دموکراتیک مردم نادیده گرفتند اما سرانجام چنانکه با داران شان بارها در برابر مردم ما برانو در آمده اند، این ریزه خوران آنها بار دیگر بر شکست ننگین توطئه گران و آشوبگران امپریالیستی و ارتجاعی شان افزودند و لکه ننگ دیگر بر جبین دشمنان بشریت کوبیدند.

ما چنانچه بارها حقانیت انقلاب خود رادر عمل ثابت نموده ایم با بانکداری اعلام می‌داریم که راه ما حق است، ما بدون هراسی به پیش می‌رویم و به این ایمان داریم که حق بر باطل پیروز شدنیست.

زنده باد افغانستان
مرگ بر دشمنان وطن

«کارگران و دهقانان زحمتکش!
کاسبان و تاجران افغانستان!
از شما و از هر فرد وطنپرست کشور دعوت می‌نمایم در هر جایکه هستید سر بلند و باغ‌رور و مطمئن، کار های تانرا انجام دهید، برای انتقال و عرضه اجناس و مواد لازمه که برادران و خواهران، پدران و مادران و اولادهای شما سخت ضرورت دارند صمیمانه و لداکارانه کمک و مساعدت کنید، به تبلیغات خائنانه و دروغ های دشمنان افغانستان گوش فرا ندهید و فریب نخورید. دولت مصونیت، امنیت و آزادیهای شما را تامین و تضمین خواهد کرد.»
«بیرک کارمل»

شنبه ۴ حوت ۱۳۵۸، ۲۳ فبروری ۱۹۸۰

خدمت‌لذت می‌برد و رضایت خبیثانه ولینعمتانی را غنیمت شمرده و با لا تر از هر چه میداند حتی از کرامت و شرف انسانی!

پس تصادفی نیست که امپریالیزم جهانخواز امریکا، امپریالیزم محیل و مزور انگلیسی شتونیزم بکن، قلاعه ارتجاع منطقه خصوصاً ارتجاع نظامی پاکستان و صهیونیزم اسرائیل رادر دست گرفته، گاهی بجان خلق رنج کشیده

افغانستان وزمانی هم بجان خلق آواره و بیگناه فلسطین می‌اندازند.

مردم ستم‌دیده ماکه پس از تحمل قرنهای رنج وید بختی، با پیروزی انقلاب شکوهمند نورزاجیر های اسارت را شکستند و با امیدواری کامل بسوی فردا های شگوفان مستگیرستند یکبار دیگر در پنجه پیداد امین خود گام گیر ماندند، چه غذاهای که ندیدند و چه رنجهای که نکشیدند. ولی با یورش بی‌امان ششم جدی که امین سفاک و باند بی باک آن به کثیر اعمال ضد انسانی شان رسیدند، آقای کارتر و متحدینش به سوگت امین نشستند و به عنوان اینکه حفظ‌الله، «امین» شان بود خود را مستحق مداخله در امور داخلی افغانستان میدانند!

چنانچه واقعه سوم حوت شهر کابل بار دیگر پرده جنایات شوم امپریالیزم امریکا و دستیارانش را از هم درید و چهره شوم و شیطانی این جنایتکاران تاریخ را به همشهریان کابل و همه هموطنان غناید یده ما نمایان ساخت.

بیاید به بینیم که چه کسانی حادثه روز سوم حوت را در شهر کابل بار آوردند

هموطنان شریف و آزادی پسند ما و خلقهای سراسر جهان بخوبی میداند که ارتجاع و امپریالیزم، دشمنان آشتی نا پذیر و شناخته شده بشریت بوده و همواره در تلاش اند تا راه های رفاه و ترقی را بر مردم سد نمایند، زیرا آنها در پیشرفت و ارتقای خلق بسوی افق های درخشان زندگی، نابودی حتمی خود را می بینند.

این خزدان بی مروت که بقای شانرا در ظلمات جستجو می کنند از نور و روشنائی در هراسند و این خفا شان خون آشام با تواری زرین خورشید انقلابات مردمی که گر مایخی زندگی خلقهای رنج‌دیده می باشد از اصل وریشه در تصادف بناء با آن سر مخاصمت را در پیش گرفته و لجوجانه در برابر آن قرار میگیرند.

از همینجاست که امپریالیزم جهانی به سرمداری امپریالیزم جنایتکار امریکا با شتونیزم جنی در تبهانی بار تجاع بین المللی و ارتجاع سیاه داخلی در يك جبهه نامقدس بر ضد انقلاب شکوهمند نور بالاخص در برابر مرحله نوین تکامل تاریخی شش جدی آن که نماینده راستین و چاکر گوش فرمان شان امین خونخوار را سرنگون ساخت خشمناک گردیدند و با تلاش های مذبحخانه و دیوانه وار با اعمال خائنانه دست می زنند.

ارتجاع و امپریالیزم که متضمن بقای یکدیگرند و در تاراج هستی خلقها دست شریک دارند از مدتهاست که بکار برد حیل و نیرنگهای گوناگون هست و بود مستعصفتن جهان رادست بردمی زنند و با آنکه ارتجاع رادرین چا ولها چندان چیزی هم نمیرسد و با اصطلاح از «گاو غمدودی» رانصیب میگردد مگر با انهم از خوش

د مسلمانانو تر منځ د تماسو نوو اهمیت

په ۱۹۸۰ کال کې د شوروی اتحاد

د مسلمانانو د مهمو پروگرامونو

پس منظر

دی د مسلمانانو د ددغو څلو رو پور-
دو نو چاری تنظیمو ی .
ددغی مو سسی دجو پ یدو مهم
هدف دادی چی د شوروی اتحاد
مسلمانانو اودنړی دبهرنیو هیوادود
مسلمانانو تر منځ بین المللی اړ-

هادی اعظم الا کبر دشو روی
سوسیالیستی جما هیرو د اتحاد
د مسلمانانو داسلامی ټولنې د نړۍ-
والو اړیکو درئیس مرستیال په دی
ورو ستیو وختو نو کی د مسلمانانو
تر منځ د مستقیمو تماسو نو او په
یوزرو نېه سوه اتیا ویم کال کی د
شو روی اتحاد د مسلمانانو د مهمو
پروگرامونو د پس منظر په
باب دنو وستی پر سى داژا نس له
استا زى سره یوه اختصا صی مر که
کړی چی دادی دلته یی وړاندی کوو:
پو بنسټه :

که لطفاً دشو روی سو سیالیستی
جما هیرو د اتحاد دنړیوالو تماسونو
اود هغه نقش په باب چی ستا سو
ځانکه یی پکی لو بوی لږ څه معلومات
راکړی !
خواب :

د خا وری دپرا خوا لی اوجغرا-
فیا یی مو قعیت له مخی د مسلمانانو
څلور بور دو نه په شو روی اتحاد
کی جوړ اوتا سیس شوی دی. لو-
مړی بور دمر کزی آسیا او قزا-
قستان د بور د څخه عبا رت دی.
دو هم او دریم بو ردو نه دشما لی
کاکا سو س دوترا نسکاو کا سیا
بور دو نه دی په داسی حال کی چی
په څلو رم بور کی دسا پیریاسیمه
شامله ده . تر کو می اندا زی چی
په مذ هبی فعالیو نو پو ری اړه
لری دغه څلور وا په بور دو نه خپلی
مذ هبی چاری په مستقل او خا-
نکړی تو گه تر سره کوی. دشوروی
اتحاد د مسلمانانو د بین المللی
اړیکو ټولنه چی مشری مفتی ضیا-
الدین خان ابن احسان بابا خان



د شوروی اتحاد مسلمانان د دیني کتابونو او اسلامي آثارو د خپرلو په حال کې

مرکزو نوڅخه کتنه وکړی او تاریخی
آثار له نژدی څخه وگوری .

ددغه حقیقت دپه نظر کی نیولو
سره چی دشو روی اتحاد دمر کزی
آسیا اود قزا قستان دپاره دمسلمان-
انو بور د نړی دڅه دپا سه او یا
هیوادو نو سره په تما س کی دی
هر څوک دا اټکل کو لای شی چی د
شوروی اتحاد ټولو څلور گو نو
اسلامی بور دو نو نړیوال تماسونه
څو مړه او په څه ډول تنظیم او ارز-
یابی کیري .

په پورتنیو ټکو علاوه باید وویل
شی دچی دشو روی اتحاد دمسلمان-
انو دنړیوالو تماسو نو ټولنه هر
کال داسلامی تعلیماتو په بساب
دمعلو ما تو دپرا خوا لو دپاره دهغه
هیواد یوزیات زده کوونکی اومحصلین
دلور و زده کړو په غرض بهر نیو
هیوادو نو ته استوی . تر اوسه پور
ددغی اړتیا طی مو سسی له لاری
څخه یوزیات شمیر ځوان زده کوو-
نکی او محصلین المغرب ، سور یی ،
اردن ، لیبیا اود ځینو نورو هیوادونو
ته استول شو یدی .

دغه ځوان محصلین په بهرنیو
اسلامی هیوادونو کی دمعلو ماتو
دپرا خوا لو او لوړو زده کړو له
پای ته رسیدلو څخه وروسته
بیرته شوروی اتحاد ته را ستنیري
اوپه پخا را ، تا شکند او نو رو
اسلامی مدرسو او مرکزو نو
کی په تد ریس بو ختیري .

دشو روی سو سیالیستی جما-
هیرو اتحاد مسلمانان په دوه اړ-
خیزو تماسو نو سر پیره دیو زیات
شمیر نورو فعالیو نو سره هم
سر اوکار لری . په پخوا نیو کلونو
کی دشو روی اتحاد دمسلمانانو
د بور دله خوا یو زیات شمیر نړی-
وال کنفرا نسو نه تنظیم او پرانستل
شو یدی او په هغو کی دآسیا ، افر-
یقا او منځنی ختیځ له هیوادو نو
څخه یوزیات شمیر اسلامی مشرانو
برخه اخستی ده . د ۱۹۷۰ او ۱۹۷۳

کلو نو په اوږ دو کی د فلسطینی-
عرب یی وگړو ددایمی په ملا تیرد
اسلامی هیوادونو یوه نړیواله
جرگه په شو روی اتحاد کی جوړه
شوه . په دغه جرگه کی دعر بسی
وگړو دحقه حقو قو داعا دی اودغه
راز د فلسطین ولسونو دخاوری او
ملی حاکمیت د تضمین او بیر ته
اغا ده کیدو سره نړیوال پیو ستون
څرگند او داسرا ټیلی تیری کوونکو



دوشنبې دښار په یوه جومات کې داسلامی تبلیغاتو یوه څڼه

په څه ډول دی ؟

ځواب :

په دوشنبه کې دتیر کال داسلامی سمپو زیم دجوړیدو په تعقیب او دوام ټاکل شوی ده چې د ۱۹۸۰ کال دسپتامبر په میاشت کې دتاشکند په ښار کې داسلامی هیوادو نو داستا زو په گډون یو نړیوال کنفرانس جوړېږي. همدا رنگه تجویز نیول شوی دی چې په روان کال کې هم دهجرت دمراسمو دنما نڅلو په باب ستړی غوښتنې جوړې شي.

پوښتنه :

آیا ستا سو په عقیده دالمپیک دبین المللی لو بو دانسجام کمیسیون به چې دروان کال دجولای په میاشت کې په شو روی اتحاد کې جوړې شي پاتې په ۵۰ مخ کې

هیوادو داستا زو له خوا مقالی ولوستل شوی او کنفرانسو نه ورکړل شول. باید وویل شي چې په دغو ټولو کنفرانسو نو، سمپو، زیمو نو او میتنگونو کې دافغانستان عا لمانوالو پر رتبه استازو برخه واخسته. همدا رنگه په دغو ټولنو کې دافغانستان ددموکراتیک جمهوریت په استازو، علا وه د بنگله دیش، لیبیا، لبنان، هند، پاکستان، اندونیزیا، ایران، تونس، المغرب، مالی او ځینو نورو اسلامي هیوادو هم پاتې شول. گډون کړی و.

پوښتنه :

په ۱۹۸۰ کال کې دشو روی سو سیالیستی جما هیرو داتحاد مسلمانانو پلانو ته او پروگرامونه

په وینا سره پرانستله شوه داسلامی هیوادو دحکو متو نو او مذ هبی مشرانو په نامه دوه ځانگړې پرېکړه لیکونه او ابلاغی صا دري او تصویب شوي. ۱۹۷۷ کال په تاریخی اسلامي کنفرانس کې دټولو اسلامي هیوادو نو ترمنځ دگډو مرستو او څو اړخیزو همکاریو دارزښت او اهمیت په باب ټینګار وشو او د نړی دټولو اسلامي هیوادو نو څخه وغوښتل شول چې دنړی دملتو نو او بیلابیلو مذ هبو نو ترمنځ دښه نیت او غوره تفاهد اساساتو دپیاوړتیا اودغه راز دسولې او نړیوال امنیت دټینګښت دپاره سره یو مو ټی شي همدارنگه داسلامی هیوادو د نورو ترمنځ دزیاتو همکاریو دپیاوړتیا له پاره ۱۹۷۹ کال څخه تر اوسه پورې په نو موړی هیوادو کې دغه لاندې کارونه تر سره شوي دي:

۱۹۷۹ کال داکتوبر په میاشت کې دشوروی اتحاد په ختیځو برخو کې دمسلمانانو دلو مړنی اسلامي ژور نال دخبریدو دلسمی کالیزی دمرا سمو دنما نڅلو په خاطر یوه ستره غونډه وشوه او په هغې کې دنړی دیو زیات شمیر اسلامي هیوادونما یندگانو او لوړ رتبه استازو برخه واخیسته. وروسته همدی کال دسپتامبر په میاشت کې دهجرت دخوار لسمی پیړۍ د شروع کیدو دنما نڅلو په مناسبت ددوشنبې په ښار کې دنړی داسلامی هیوادو دعا لمانو په گډون یو سمپوزیم جوړ او ددغی ورځې په اړتباط دبرخی اخستو ونکی

مقاماتو څخه غوښتنه وشوه چې ددربو دنیول شوو سمپو څخه دی خپلې قواو وی وبا سي. دغه راز په دغه جرگه کې ددربو وگړو سره ددربو ددې او معنوی مرستو دور کو لو وعده وشوه.

په ۱۹۷۴ کال کې د«ابو عبدالله محمد ابن اسمعيل البخاري» دزینیدو ۱۲۰۰ کالیزې مراسم په لوړه سو په شو روی اتحاد کې په ځای شول. په ۱۹۷۶ کال کې دنړی دبیلابیلو اسلامي هیوادو نو یو زیات شمیر مسلمانان دقزاقستان او مرکزی آسیا دپاره داسلامی بوردونو دجوړیدو دشلیم کالیزی په مراسمو کې دبرخی اخستلو په غرض شو روی اتحاد ته راغلل.

همدا رنگه په هغه نړیواله جرگه کې چې ددایمی سولې په ټینګښت کې داسلامی هیوادو دمدن هبی مشرانو دونهی اخستلو په باب په ۱۹۷۷ کال کې په مسکو کې وشوه دنړی څخه دپاسه ۱۰۷ هیوادو نو څخه شپږ سوه پنځو س تنو استازو گډون وکړ. په دغه ستره او تاریخی غونډه کې دنړی دخوار لسم اسلامي هیوادو نو څخه دپاسه سلو تنو لوړ رتبه عالو او علمی شخصیتو نو داسلامی نړی دیووالی په باب وینا ویکړی او خپلې مقالې ولوستلې.

په دغه غونډه کې چې دشو روی سو سیالیستی جما هیرو اتحاد د مسلمانانو دبوررد دمشر مفتی ضیاء الدین خان ابن احسان با با خان



دجومات خطیب په نړی کی دسولې او امنیت دټینګښت په باب لمونځ کوونکو ته دوینا کولو په حال کې

حق دارد که مناسک مذهبی‌شان را آزاد وبدون

ترس اجرا بدارند.

• در طول این دوماه که از مرحله نوین انقلاب نور می گذرد، کدام يك از کار های دولت از نظر تان چشمگیر است ؟

من بصفت يك زن وظیفه خود میدانم که بگویم محترم شمردن به حقوق زن یکی از کار های پرارزش دولت ما است که بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب نور جامعه عمل پوشیده است بنظر من در طول این مدت کوتاه کار های بس بزرگی انجام شده و در آینده نیز انجام خواهد شد ولی باید این نکته را روشن سازم که آزاد شدن زندانیان سیاسی یکی از اقدام های برادرچشمپوری دموکراتیک افغانستان است که میلیون ها خانواده را از سرگردانی وبلا تکلیفی نجات داده اند .

مسترد نمودن جایداد های مردم که از طرف امین وباندوی به ناحق وبدون کدام دلیل وبرهان ضبط گردیده بودیکی دیگر از کار های مهم وبرارزش دولت ما است .

• • •

سالم جان را که از ولسوالی تگاب مربوط ولایت پروان است دریکی ازسفاخانه ها می بینیم، او که در زیر بغلش عکس های رادیوگرافی شده از شش وقلبش دارد، بخاطر تداوی خویش از زادگاهش به کابل آمده تا تحت تداوی قرار گیرد .

آزش می پرسیم که چند وقت است مریض هستی؟ میگوید :



فوزیه امیری باعده از همکاریاش در مورد دست آوردهای مرحله نوین تکامل انقلاب نور نظر میدهند

مرحله نوین تکامل انقلاب نور

ونظر دهی مردم در مورد آن

من از مدت ها مریض هستم شاید دوماه سال میشود ولی در طول این مدت هرگز تداوی نندم، بارها به کابل آمدم ولی موفق نمیشدم که داکتر رایبینم، اگر احیانا موفق میشدم که داکتر رایبینم از هوا خبری نبود ، من آنقدر مریض نبودم که اکنون هستم و علت آن اینست که بعضی از داکتر ها به من میگفتند که امروز بیا، وسای همین امروز وسای باعث شد که مریضی ام شدت بیابد تا اینکه بکلی مرا از پا انداخت .

• علت این امروز وسای دوکتوران چه بود و چرا برایشان تگفتی که زیاد تکلیف داری ؟

می خندد، خنده تلخ، لبان او را از هم باز میکند و میگوید : برادر آبا جرئت داشتم که این حرف را به آنها بزنم ، اگر کوچکترین حرفی میزد شاید سرحدم به زندان پلچرخ میکشید ... و آن وقت است که خدا به یاری ام رسید دیگر امیدی نبود .

خوب حالا چه فکر میکنی ، آیا تداوی شده ای ؟ به عکس های زیر بغلش و به کاغذ های که در دست دارد نگاه میکند و میگوید : بلی، شما هم میتوانید این ها را مشاهده کنید ، مدت کوتاهی است که بکابل آمدم ، زیرا هه میگفتند که پس از مرحله نوین تکامل

روز گار بندی در زندان پلچرخ و دیگر زندان ها چطور بود و چه بروزگار آنها میگشت . این همه مطالب بی شمار که از طرف امین وامینی ها بر مردم بی چاره وبی پناه مانتحیل میشد زندگی را آنقدر برآنان تنگ ساخته بود که مرگ هزار بار بهتر بود از آن زندگی که آنان داشتند .

ماهم دست کمی از زندانیان نداشتیم اگر چه ظاهرا آزاد بودیم ولی حقیقتش این بود که خود کشور ما به زندانی بزرگی مبدل شده بود، زیرا نه میتوانستیم حرف حق را بزنیم ونه میتوانستیم خانه دوستی وآشنایی برویم بدین ترتیب زندگانی که ما داشتیم چه ارزشی داشت آیا آنقدر تحقیر و خورد شدن را مستوجب بودیم ؟ چه گناهی داشتیم که نمیتوانستیم آزاد زندگی کنیم ؟ ولی جواب این سوال خیلی ساده بود وآنانکه امین وباندوی آزادی خود را در بندگی دیگران میدانستند . آزادی مذهب که حق مسلم هر مومن ومسلمان است در زمان امین سخت تحت تحدید قرار داشت ، چنانچه بسیاری از کسان ما که برای ادای نماز به مسجد می رفتند امیدی نداشتند که دو باره به خانه پس از ادای نماز برگردند . اما امروز خوشبختانه هر فرد این خاک

بیکار حق بر ناحق ویکار مظلوم با ظالم بود و خوشبختانه با استقبال بی سابقه تمام مردم رنجیده وفهمیده ما قرار گرفت و به پیروزی رسید ، امروز همه بدون هیچگونه تبعیض وامتیازی میتوانند آزاد زندگی کنند، آزاد حرف بزنند وآزاد به مناسک مذهبی خود بپردازند . این است معنی عدالت و دموکراسی .

در زمان امین بسیاری از وطنداران ما یابندی بودند ویا بشکل از اشکال مورد آزار واذیت باندوی قرار میگرفتند، شما و خانواده شما در آن وقت چه حال داشتید ؟ بلی این درست است که هیچکس هیچ خانواده نبود که از شر ظلم وشکنجه امین وباندوی در امان بوده باشد . من هم مانند هزاران وملیون ها خانواده دیگر بی داغ نماندم . قصه از این قرار است :

روز هفتم ماه مبارک رمضان بود که دامادم را بردند ونهالستیم که کجا بردند و برای چه بردند . ولی يك چیز مسلم بود که او در زندان است . اما اینکه چه شکنجه ودرد را تحمل میکند خدا میدانست . هنوز شش ماه از ازدواج شان نگذشته بود که روانه زندان مخوف پلچرخ شده بود وشما و همه هموطنان خوب میدانند که

ای هموطن وقتی که این سطور را میخوانی بدون شك ، به این گفته ها وسخنان که از دهان این هموطنان مایرون میشود بساور وایمان داری ، میدانی که این ها همه حقیقت است وهیچگونه مبالغه ای در آن دیده نمیشود ... به چند نقطه شهر میروم با چند همشهری و هم وطن به صحبت میشوم از این هموطنان در مورد مرحله نوین تکامل انقلاب نور می پرسیم ، وجواب های میگیرم . جواب های که از قلب وضمیر آنان بر خاسته است و همه اش حقیقت است .

اولین مخاطبم زنی است با مو های جوگندمی که مو های سپیدش گذار عمر شرافتمندانه اش را نشان میدهد . آزش می خواهم که خود را معرفی نماید، میگوید :

نام آصفه اکبر است ومستحضردر شعبه تابلت سازی دیوی نمبر يك میباشم . زندگی امروزی تان رابادوماه قبل چگونه مقایسه میکنید ؟

در گذشته مخصوصاً در دوره حکمرمایی امین وباندوی زندگی اکثر هموطنان ماشیه به زندانیانی بود که نه حق داشتند حرف بزنند ونه میتوانستند آزادانه صحبت کنند . با چنین شرایط بود که مردم ستم دیده ما روز های سخت را میگذاشتند ولی حالا ، مخصوصاً پس از روز تاریخی یعنی ششم جدی که

هر کس خواسته باشد آنرا ازش سلب نماید در حقیقت پشت پا به حقوق فردی و بشری زده است که این کارها و اعمال از طرف امین و باند سیاه کارش جز برنامه های همبستگی اش بود.

امروز در پرتو مرحله نوین تکامل انقلاب نور چه کارگر است چه دهقان، چه مامور است چه کاسب همه و همه یکسان بدون در نظر داشت رنگ، قبیله و قومیت از آزادی یکسان بر خوردارند. این همه طبقات و اقشار جامعه ما که در گذشته حتی حق حرف زدن را نداشتند چه به این که نظر بدهند یا انتقاد نمایند، اما امروز به برکت همین عدالت واقعی و اجتماعی است که مردم ما آزادانه نظر میدهند و این نظردهی آنها از طرف دولت ما پذیرفته میشود. البته مردم ما این انصاف را دارند که در خواست های شان چیزی را از دولت و حکومت مردمی شان توقع نمایند که اجرا و عمل آن در خور امکان و قدرت دولت باشد.

مردم ما نباید از دولت خویش معجزه توقع داشته باشند، این همه پسمانی را که میراث شوم گذشته است نمیتوان در مدت کوتاهی از میان برداشت، وقت و زمان می خواهد تا خواسته های مردم ما برآورده شود. بیک چیز باید ایمان داشته باشیم و آن اینکه هرچه از طرف دولت وعده داده میشود به آن عمل میگردد.

هنوز ما برای ساختن یک افغانستان آباد و معسر کارهای زیادی در پیش رو داریم و باید در امر اعمار آن مردم با عشق و علاقه فراوان کار نمائیم، عرق ریزند و با تلاش هر چه بیشتر باعث تسریع کارها در امر اعمار افغانستان نوین گردند. کارهای که در طول این مدت کوتاه صورت گرفته از نظر شما بیشتر کدام چشمگیر تر است؟

بقیه در صفحه ۵۷

بلند دولتی می بود و بورس های تحصیلی هم یکی از امتیاز های بود که دولت به جوانان که واجد شرایط می بودند می داد اما این چانس به آنانی داده میشد که صاحب قدر و قدر بودند و کسی که شایسته نبود امروز به چشم سر مشاهده میکنیم که هزاران جوان مابدون هیچگونه تفاوتی وبدون هیچگونه امتیاز و تبعیضی نظریه خواهش واستعداد شان به پوهنخی های مورد علاقه شان کامیاب شده و جذب گردیده اند. و آن عده دیگر که مستحق بورس شناخته شده اند بدون شوی و زحمتی به تحصیل خویش می پردازند اینست معنی عدالت و مساوات و برابری پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور که در کشور خود مشاهده میکنیم.

فوزیه امیری آمر شعبه تربیت سازی و نیچر سازی در پاره دست آورد های ششم جدی که مرحله تازه در زندگی و حیات مردم ما وارد آورده است چنین نظر دارد:

وقتی که گذشته را با حال مقایسه میکنم درمی یابم که چقدر بهبودی های در همین مدت کوتاه نصیب مردم و خلق زحمتکش ما شده است. در گذشته که جز حرف چیزی وجود نداشت و همیشه تبلیغات بود و پس ولی حالا در همه ساحات زندگی عمل وجود دارد پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور، چیزیکه به مردم گفته میشود وعده داده میشود به آن عمل میگردد و این خیلی مهم است برای کشور ما و برای مردم ما که زیاد حرف شنیده اند ولی عملی ندیده اند. مهمترین دست آورد های مرحله نویسن تکامل انقلاب نور آزادی است، آزادی یا این پدیده که هر انسان به آن ضرورت دارد، همانطوریکه به غذا، لباس و غیره احتیاج دارد به آزادی نیز ضرورت و احتیاج مبسوم دارد. آزادی حق فردی هر انسان است و اگر



محمدانور یوسفی

امروز در روشنی این تحول تازه است که جوانان ما احساس میکنند که آزاداندو آزادی را بصورت واقعی آن می بینند و لمس میکنند. جذب شدن بی سابقه شاگردان معارف به پوهنتون و دیگر موسسات تعلیمی یکی از کارهای بارز و درخور ستایش دولت ما است. در گذشته تنها چانس کامیابی را کسانی داشتند که صاحب قدرت و نفوذ بودند، پدر شان یا یکرا از منسوبین شان صاحب منصب

انقلاب نور همه کارها به فوریت اجرا میگردد، و راستی که چنین بود، یک هفته قبل از وطنم به کابل آمدم در ظرف یک هفته تمام معاینات طبی ام تکمیل و مرصم تشخیص گردید و حالا مبروم که دواي خود را بگیرم. خداوند دولت کنونی ما را حفظ کند و در پناي خود داشته باشد.

جوانی که خود را محمدانور یوسفی معرفی میکند و از لیسه شیرشاه سوری فارغ شده در پاره مرحله نوین تکامل انقلاب نور چنین ابراز نظر میکند:

اگر چه حرف های زیادی است که باید گفته شود ولی من می خواهم از دیدگاه یک مجمل مرحله نوین تکامل انقلاب نور را برایتان تشریح کنم:

مرحله نوین تکامل انقلاب نور در وقتی به پیروزی رسید که جوانان ما مخصوصاً محصلین و متعلمین در بدترین شرایط زندگی قرار داشته البته باید این نکته اضافه شود که دیگر اقشار و طبقات مردم کشور ما که چه حال داشتند و چگونه زندگی را برایشان سخت میگذشت موضوع جدا گانه است. و می خواهم تنها در مورد قشر جوان مملکت که بزرگترین سرمایه یک مملکت را تشکیل میدهد صحبت کنم: بلی جوانان مادر دوره امین و بانندی در شرایطی قرار داشتند که یا بایست جوانان ما در زندان های مخوف و آن هم در زیر هزاران نوع شکنجه های روحی و جسمی قرار می گرفتند و می مردند یا به پست ترین اعمال انسانی تن میدادند.

این بود وضع جوانان مادر زمان امین و باند جنایتکاری. ولی حالا مخصوصاً پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور زندگی تازه آغاز کرده اند، زندگی که واقعا درخور یک جوان است.



سالم خان که ماه ها برای تداوی اش بکابل می آمد ولی تداوی نمیشد اما حالا ...



آصفه اکبر، او با احساس خاصی حرف میزند



اطفال در کودکانها کارهای هنری می آموزند

از منابع خارجی

ترجمه: پوهنمل دوکتور سید حسام (مل)

بخاطر یک آینده بهتر برای تمام اطفال

سال ۱۹۷۹ که توسط مجمع عمومی ملل متحد بنام سال طفل اعلام شده بود، پایان یافت (نیکولای تخونوف) کاندید بوروی سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و معاون اول رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، به حیث رئیس کمیسیون سال بین المللی طفل، تعیین شده بود در یک مصاحبه اش با خبرنگار مجله (لیتراتور نایا) راجع به توجه زیاد کشورشورا هابه نسل آینده اشاره نموده بجواب سوالات او چنین پاسخ داد:

اهداف سال بین المللی طفل از چه قرار است؟

هدف عمده از سال بین المللی طفل معطوف ساختن توجه مقامات دولتی و عموم جهانیان بمنظور بهبود وضع اطفال است. که یکی از پرابلمهای مهم اجتماعی بشمار میرود. مطابق دایور صندوق بین المللی طفل صدها میلیون اطفال در جهان غیر سوسیالیستی در فقر و گرسنگی حیات بسر می برند. و در حدود (۲۵۰) میلیون طفل در سراسر جهان از باعث سوء تغذی و فقدان مواد غذایی مصاب امراض گوناگون میباشند.

قرار داپور صحنی حیات اجراییه (پان امریکن) هفت ونیم میلیون طفل در کشور های امریکای لاتین در دهه گذشته از کمی توجه طبی حیات شان را به شکلی از اشکال از دست داده اند.

در دنیای امروزه مجموعا (۳۰۰) میلیون طفل که بسن هفت سالگی رسیده اند، نسبت معاذیر اقتصادی نتوانستند شامل مکتب شوند، غربت و فقر اکثر والدین را واداشته که اطفال شان را بکارهای مزدوری بگمارند، مطابق داپور سازمان بین المللی کار و کارگر در حدود (۵۴)

ملیون طفل در قید حیات اند، که ازین جمله صدها هزار طفل بین سنین هشت و پانزده سالگی بمنظور بدست آوردن یک مزد ناچیز به انجام کار های شاقه که ساعت کار روزانه شان دوو یادوازده ساعت میباشد دست به گریبان اند.

بمنظور فراهم آوری فضای سالم زیست ضرور است که برای امر صلح و امنیت بین المللی مبارزه خستگی ناپذیر نمود. زیرا اطفال محتاج

صلح و آرامش اند. و همین صلح و آرامش است که برای اطفال خوشی و سعادت بارمی آورد.

فضای مذکور امکانات بهتر را برای آموزش و پرورش تدارک می بیند.

سال بین المللی طفل نظریات عامه جهانیان را در مبارزه به مقابل تسلیحات بسیج میسازد و در زمینه همه نیروهای صلح دو ست خواهان

تجدید تجهیزات نظامی بوده، مبلغ پولی را که مصرف تجهیزات نظامی می نمایند، بهتر خواهد بود که برای احتیاجات اجتماعی بشمول بهتر ساختن زمینه رشد اطفال بمصرف رسد. پیاده کردن این امریک پلاتفورم مشترک نیروهای

همه خلقها را با وجود اختلافات سیاسی شان خواهان است.

شما در مورد وضع اطفال در اتحاد شوروی چه می گوئید؟

دولت شورا ها کلیه امکانات را برای بهبود صحت و خوشی نسل آینده آماده ساخته است. و در قانون اساسی اتحاد شوروی در مورد حمایت طفل و مادر بصراحت ماده ای جداگانه به تذکر رفته است.

در سال (۱۹۷۸) بوجهیکه برای اعصار و ساختمانهای کودکانها، اطاقهای رهایش اطفال، کمپ های جوانان، سربازان، و دیگر مراکز بصرف رسیده بالغ به پانزده هزار و ملیون روبل میگردد که ۶۰ فیصد بودجه برای آموزش جمعی بمصرف میرسد. علاوه در حدود (۱۸۰) ملیون روبل همه ساله مصرف دانش آموزان دوره ثانوی میگردد. بالاتر از (۵۰۰) روبل برای یک طفل شیر خوار و زیاد تر از (۴۵۰) روبل مصرف طفل در کودکانها هادر سال میباشد. که ۸۰ فیصد این مصارف از بودجه دولت تمویل میگردد.

مادر کشور خود بیش از (۱۲۰) هزارانستیتوت های قبل از مکتب داریم که برای (۱۳) میلیون طفل محل ارایش دارد. در پلان پنج ساله جاری از (۲۵۰۰) تا (۳۰۰۰) کودکان و شیر خوار گاه در هر سال تحت ساختمان و اعمار است.

در در تابستان اطفال قبل از مکتب برای خوش گذرانی و تفریح، خارج از شهر درین دهات و مکاتب خورد سالان و در کمپ های جوانان سر باز زندگی می نمایند.

در کشور شورا ها برای باز پرسی صحنی و خوش گذرانی اطفال مراکز عمده وجود دارد، که این مراکز زیاد تر از یک ونیم میلیون طفل را اعم از خورد سالان و نو جوانان همه ساله می پذیرد و برای شان وسایل راحتی و تفریحی را فراهم میسازد.

مسایل راحتی و محل رهایش برای تمام اطفال از طرف دولت شورا ها به صورت رایگان در دست تهیه است.

این مصارف فوق از صندوق امنیت جمعی پرداخته میشود. و هم برای آن اطفال که در حال سیاحت و مسافرت اند، موسسه مذکور ۵۰ فیصد در وسایل ترانسپورتی شان تنزیل بوجود می آورد.

همه سناتوریم ها، اسراحت گاه ها و هتل هادر روزهای رخصتی بروی اطفال و والدین آنها باز بوده و در مراکز مذکور لحظات خوش زندگی خود را می گذرانند. قرار داپور و تکی در مراکز فوق همه ساله تا (۴۰۰) هزار طفل استراحت مینمایند. سیاحت های فامیلی در اتحاد شوروی گاه

عام است. در سال ۱۹۷۹ تقریبا یک میلیون طفل با والدین شان سیاحت های توریستیک نموده اند. در تریبه و آموزش و پرورش اطفال نمایشگاه های مختلف از قبیل، سرگس ها، بالت خانه ها درام ها و دیگر وسایل تربیوی وجود دارد، که همگی این نمایشگاه هادر تریبه سالم اطفال نقش قاطع دارد.

وبه همین منظور است که دولت شورا ها وسایل سرگرم کننده را در اکتاف و گمو شه های متعدد کشور تهیه می نماید.

همه ساله که در اتحاد شوروی هفته های بنام هفته جوانان - کتاب - موزیک - سینما - تیاتر برگزار میگردد و ملیونها طفل ملاقات های پیهم با نویسندگان - کمپوزرها - موسیقی دانان، و اکتورس ها می نمایند.

شورای اتحادیه های محلی و لیک کمونستی و سازمانهای سپورتی در جدوجهد اند، تا یک تعداد زیاد اطفال را در فعالیت های فزینگی و سپورتی جذب و داخل این سازمانها میسازند، در سال ۱۹۷۸ در اتحاد جماهیر شوروی تقریبا (۷) هزار اطفال شامل مکاتب سپورتی گردیدند که به این ترتیب تعداد ورزشکاران در اتحاد شوروی قریب به دو ملیون میرسد. علاوه در نظر است که بین سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۰ تقریب (۲۷۰) مکاتب ورزش و سپورت جدیدا تاسیس شود.

بقیه در صفحه ۵۷



اطفال حین بازی و ساعت تیری در کودکانها

فعالیت‌های خرابکارانه و طرح نقشه‌های تهاجمی ایالات متحده تو از ن قوار ادر جهان بر هم میزند

مورد وا گذا ری يك قسمت خاك
خو یش به منظور جا بجا کردن
سلاحهای پیمان نا تو تا حال موا-
فقه ننموده است و نیز اعضای دیگر
پیمان اتلا نتيك شما لی به شکل
صر یح و آشکا را از این اقدام
تجا وز کارانه ایالات متحده امر یکا
و تصمیم نا تو در زمینه یاد شده جدا
انتقاد کردند ، چنین حا لتي در بین
اعضای پیمان اتلا نتيك شما لی
موجب نا رضا یتی اعضای پیمان
گرد یده و آنها را به تلا شهای مذ-
بوحانه ای متوسل کرده است .

از آنجا ٲیکه سیا ست صلحدو -
ستا نه کشور های متر قی همیشه
و در همه جا و در کلیه ادوا رتاریخی
بخصوص در نیم قرن اخیر ما نع
بزر گی برای تطبیق نقشه های
امر یما نه جنگ افرو زان امپر-
یالیستی بوده و همیشه با فعالیت‌های
دامنه دار وو سیع و بزر گی که
کشور های صلحدوست انجام می
دهند . تو از ن قوا را حفظ نموده و بر
ضد نقشه های تجا وز کا را نه و علیه
فعا لیت های محیلانه و نقشه های
تعرضی امپر یالیسم و در راس-
آن بر ضد نقشه های تجا وز کارانه
ایالات متحده و محافل ار تجا عی
در ارو پا کشور های نامبرده همیشه
در صدد آن بوده تا در راه تحد ید
سلاحهای ائومی تهاجمی و توریید
و تولید سلاحهای مر گبار مجا-
هدا ت پیگیر نما یند .

ایالات متحده امر یکا و بخصو ص
محافل جنگ طلب اروپای غربی سخت
در تلاش اند تا بدوره جنگ سرد
دوباره عودت نموده و مقدمات پیدا-
یش و ایجاد برخوردهای گرم نظامی
رافرا هم آورد ، در حا لیکه پرو-
بقیه در صفحه ۵۶

ٲیکه به استقلال ملی ، حا کمیت-
ملی، و تما میت ار ضی خو یش
دلبسته و علاقمند ند . ایالات
متحده امر یکا بدون در نظر داشت
ارا ده رزمنده خلقها و خلاف ادعای
محافل انقلابی و کشور های
متر قی به خصوص خلاف اعتراضات
پیهم خلقهای ارو پا در این اوا خر
مرمی های تها جمی کروزو پرشنگ
را در ارو پای غربی جا بجا نموده
است ، این عمل جنگ طلبانه و خلاف
رو حیه مقرر ات بین المللی و خلاف
قرار داد ها بین اتحاد شو روی و
اضلاع متحده امر یکا در مورد
تحد ید سلاح تها جمی است که
واقعا چنین اعمال و چنین کوششهای
شیطان ی بخودی خود اصل دیتانت

را مورد مخا طره جدی قرار مید هد
این تصمیم اضلاع متحده امر یکا
در کنار تصامیم دیگری که در این-
زمینه اتخاذ گرد یده است بیش از
پیش ما هیت جنگ طلبان و خصلت
عمده فعا لیت های امپر یالیسم ای-
لات متحده امر یکا را بر ملا میا زد
اکنون که امپر یالیسم اضلاع متحده
امر یکا بر مرگ نیرو های هوادار
جنگ و غار تگری خلقها اشك تمساح
میر یزد متحده ین هم پیمانش در
جهان ، جبهه نا مقد سی را تشکیل
داده و با این اتحاد نا مقد س بر
ضد نیرو های ترقیخواه جهان و به
کمک همه جا نبه دستگاه مر کزی
جا سو سی امر یکا و سیا ء نقشه‌های
محیلانه و غار تگرا نه ای را سازمان
بخشیده و سیلی از دلار امر یکا یی و

پوند انگلیسی در این راه یعنی در
راه تطبیق این نقشه ها به کشور
های مورد نظر سرا زیر میشود .
نا تو چندی قبل تصمیم گرفت
تا در خاك ها لند سلاح جد ید
و مدرن خویش را جا بجا نما ید
کشور ها لند در این مورد یعنی در

دیگر بخون صدها هزار و ملیو -
نبا انسان شریف آسیا ، افر یقا و
امر یکای لاتین آلوده است ، ما شین
جنگی ایالات متحده امر یکا درو یتنام
قهر مان ، در شرق میا نه ، در انگولا
موزمبیق و سایر کشورهای جهان
کشتگان بیشمار ی از خود بجا
گذا شته است . خلقهای مبرا رزو
شجاع جهان این کشتار ها و آن
قربانی ها را هر گز فراموش
نمی نمایند ، حالا دیگر وقت آن
رسیده که خلقهای رزمنده جهان در
مجموع به امپر یالیسم و کلیه متحد-
این ناپاک و منحطش یورش برده و با
ضربات کوبنده شا لوده امپر ی-
لیزم جهانی را در هم ریخته و بر-
خرابه های استعمار رنگ و روغن
زده یعنی استعمار جد ید شا لوده
و اساس زنده گی نو ین و متر قی،
آزاد و شگرفان را بنا نهند .

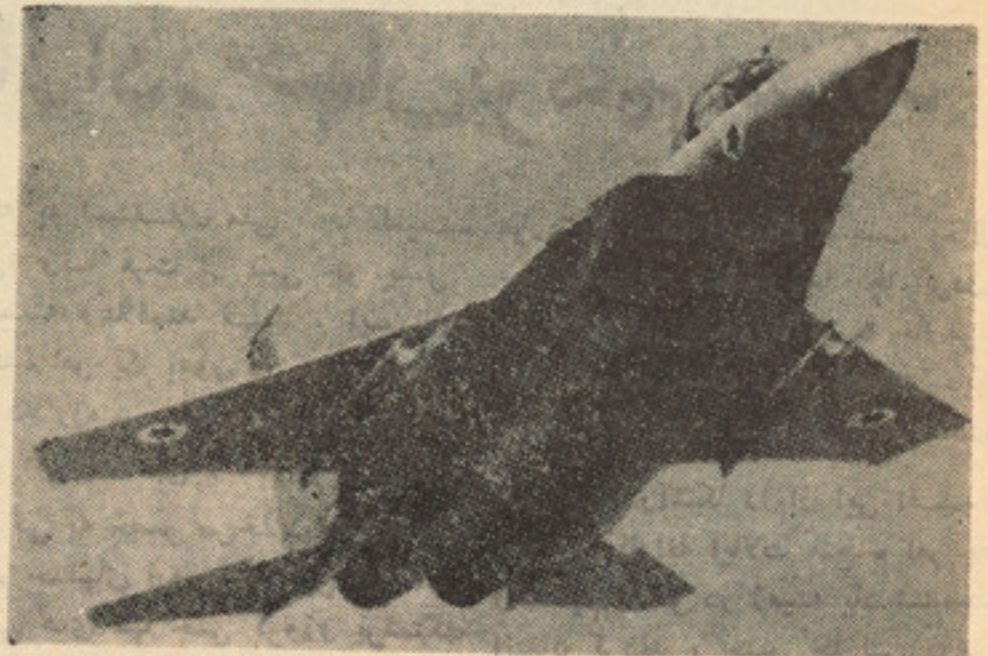
در این ا و خرایالات متحده امر یکا
تصمیم گرفته است تا سیستم های
جدید اسلحه ذروی را در کشورهای
عضو نا تو تمر کز دهد ، این-
تصمیم ایالات متحده امر یکا بخودی
خود علیه دیتانت بوده و تو از ن قوار ادر
ارو پا بر هم می زند . در حقیقت عا-
ملین و گردا نند گان ما شین آدمکشی
امپر یالیسم سخت در تلاشی بوده
و در این زمینه ت لاشها و فعا لیت
های تب آلودی را انجام میدهند ، با
وجود چنین حا لتي که پلا نه‌ها و
نقشه های نا توهمه و همه متوجه
تشدد ید تسلیحات ذروی است ، به
شکل بیشمار ما نه و در عین حال بسیار
ظریفانه موضوع مذاکره با
اتحاد شوروی و مساله تحد ید
سلاحهای ائومی را به پیش می
کشد . این دیگر واضع و آشکار

است که چنین نقشه های محیلانه
و شیطان ی نه مورد قبول خلقهای جهان
قرار میگیرد و نه مورد قبول کشورها

خلقهای سرا سر جهان خا طرات
بسیار تلخ و نا گوار جنگ جهانی
دوم را ، فجایع آدم کشی، کوره‌های
آدم سوزی ، گسیل داشتن اسرای
جنگی به از دو گاه های کار اجباری
بمبارد ما نها و خرابی های بیشمار
که این جنگ خا نما نسوز بر خلقهای
اروپا تحمیل کرد و میلیو نها انسان
فدای هوا و هو س و خوا هشات
شیطان ی امپر یالیزم جها نی و
نیرو های جنگ طلب و در راس آن
فدای خوا هشات دو زخی و آرمانهای
سیاه نا زیسم و آلمان وفا شینسم ایتالیا
گرد ید ند . هنوز آن خا طرات نا-
گوار که دلهای آدمیان را بر قت
میا ورد و وجدان آدمی را تکان می
دهد از خا طره ها فراموش نشده
است . بعد از جنگ جها نی دوم که
قوای متفقین بر نیرو های اهریمنی
متحد ین فایق آمدند . امپر ی-
لیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم
ایالات متحده امر یکا در صدد آن شد
تا منا بع بیشتری بفر ص تحصیل
منا فع آزمندا نه جها نخوا ران
امپریالیستی فرا هم آورده و بیش
از پیش کشور های جدا گانه را
یا به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم
در اسارت خو یش نگهدا شته
و این کشور ها را مبدل به مناطق
تهیه مواد اولیه و تهیه و فرا هم آوری
مواد خام برای خو یش مبدل سازد،
همان شد که استعمار را بشکل نوو
باظا هر آراسته و پیراسته در این
کشور ها گسیل دا شت و با وجود
اینکه با ایجاد حکومت ضد ملی
و ضد دمو کرا تیک بر ارا ده اکثریت
خلقهای کشور های نا مبرده مسلط
گرد یده و بر سر نو شت آنها حا-
کمیت دارد ، باز هم خا ثنا نه و با
دیده درایی از عدل و تقوی ، از ایجاد
حکومت مردمی ، از دمو کراسی،
از آزادی (!) و... داد میزند، این
دیگر صاف و پاک فریب خلق
است ، داستان نا پاک امپریا لیستان

نگاهی به اوضاع شرق میانه

پالیسی صهیونیستی اسرائیل خطر بزرگی در راه تحقق صلح و دیتانت



یکی از طیارات اسرائیلی که همواره با بمباردهای خائنانه و خشونت خلق فلسطین را بکشتن و خون می‌کشد.

بی رحمانه زندانی می‌شوند و با وسیله شیوه های فاشیستی مجازات و شکنجه می‌شوند. وضع مالیات های نو و کمرشکن ، اخراج اعراب از مناطق اشغالی ویران کردن خانه های آنها، و یا قتل عام ها و گلوله باری به اجتماعات خلق های اعراب باشند مناطق اشغالی همچنان ادامه دارد .

ولی علی‌رغم این همه اعمال وحشتناک لحظه‌ای هم مبارزات دلیرانه خلق فلسطین خاموش نشده است. بلکه آن متهورانه برای کسب حقوق ملی و طبیعی خود مبارزه نماید. و برای احقاق حقوق خود یگانه شیوه مبارزه انقلابی و مسلحانه پذیرفته اند.

روز بیست و ششم مارچ که روز ۱ مضای معاهده نام‌نهاد جداگانه (معاهده صلح) بین مصر و اسرائیل بود ، در مناطق اشغالی این روز منبخت روز عزا داری اعلام گردید و تظاهرات و اعتراضات دامنه دار و وسیعی در تمام جهان عرب بشمول مصر صورت گرفت به مناسبت اظهار اعتراض و نفرت علیه دسایس ارتجاع حاکمه اسرائیلی و امپریالیزم و رژیم سادات باشندگان مناطق اشغالی در نوار غزه بتا ریخ (۲۷) دسمبر کنفرانس را تشکیل دادند شرکت کنندگان این کنفرانس نامه را به کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین فرستادند و در طی این نامه سازش های مصر و اسرائیل بشدت تبیح شده بود . همچنان اشتراک کنندگان این کنفرانس به وضاحت اعلام داشتند که آنها از هیچ گونه مساعی بغاظر طرد استیلا غارتگران امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل اعمال می‌گردد همچنان سلسله چنین کنفرانس ها در بیت المقدس ، و شهر های نابلس ، الخلیل ، و مالا و غیره ادامه یافت . در تمام این کنفرانس ها که به اشتراک هزاران نماینده خلق های فلسطین انعقاد یافت از داعیه برحق خلق فلسطین پشتیبانی عمیق بعمل آمد . شاملین این کنفرانس ها همچنان دفاع بی‌دریغ خود را از سازمان آزادی فلسطینی (پ.ل.او) ۱ برآز داشتند.

در طی تظاهراتی که علیه سازش ها و اعانت های که به خواست انسانی خلق فلسطین از طرف امپریالیزم و صهیونیزم : اسرائیل اعمال می‌گردد چندین نفر از مبارزین وطنپرست فلسطین در دوائر گلوله باری بر تظاهر کنندگان شپید شدند این گلوله باری بر اجتماعات تظاهر کنندگان بدون اخطار قبلی صورت گرفت .

مناطق شرق میانه از دیر زمان است که در صدر مناطق متشنج جهان قرار دارد. مضافات شرق میانه در ظرف سی سال چهار بار مبدل به صحنه های خونین نبرد ها و ترازیدی المناک جنگ ها گردید. ولی این ترازیدی بعد از سفر سادات به بیت المقدس در سال (۱۹۷۷) منطقه شرق میانه را در حالت انفجار قرار داد . که در هر لحظه امکان خطر جنگ دیگر را احیای نماید در اثر اعمال ، نفوذ و فشار صهیونیستان اسرائیل یکونیم میلیون فلسطینی از مناطق آبایی خود جبرا رانده شدند . و آن‌ها از خلق های عرب فلسطین که در مناطق اشغالی باقی ماندند هیچگاه خود را در خانه های خود نمی‌بینند. بلکه خویشان را در زندان و شکنجه گاه رژیم فاشیستی اسرائیل ملاحظه می‌نمایند . سالانه بیش از چهل هزار فلسطینی در تحت محیط اعراب و فشار در مناطق اشغالی مجبور به مهاجرت می‌شوند .

قوای تجاوز کار نظامی اسرائیل در مناطق اشغالی عربی بخصوص بعد از طرح دسیسه ها و پلان های مبنی بر اعطای (آزادی داخلی) و تلاش های مذبحانه ارتجاع مصر و ارتجاع حاکمه اسرائیل که آنها تحت نام (مساعی برای صلح) می‌خوانند حالت تشنج و تضییق را بکلی حاد نموده است. سازش ها و پالیسی خائنه رژیم سادات که بی شرمانه خود را در آستان امپریالیزم بین المللی انداخت و بر ضد سیر تاریخ و نیات خلق های آزادی خواه مصر و خلق های عرب اوضاع شرق میانه را هنوز هم مغتنق نموده است و امکان هر نوع حل عادلانه داعیه فلسطین و برابرلم های شرق

رویدادها و حوادث جاری در شرق میانه بطور بارزی نشان می‌دهد که این تلاش های مصر و اسرائیل کماکان به ناکامی مواجه گردیده است. معاهده ننگین و نام نهاد کمپ دیوید که در ماه دسمبر سال گذشته به امضا رسید نیز زنجیرهای اسارت و وحشت صهیونیزم اسرائیل را در مناطق اشغالی و بطور اعم در قسبات غربی رود اردن و نوار غزه محکم تر و سفت تر ساخت و هدف اساسی این معاهده ننگین قانونی ساختن اشغال خاکهای عربی و ادامه نظارت و کنترل مستقیم مناطق مذکور در تحت حاکمیت اسرائیل بمانند بیت المقدس شرقی می‌باشد . تجاوز کاران اسرائیلی در مناطق اشغالی از باشندگان عرب هر نوع آزادی فرهنگی ، دینی را سلب نموده است . کسانی که علیه محیط رعب و وحشت اعتراض می‌نمایند



اسرائیل جز از گلوله ها و مر می چیز دیگری نمی شناسد.

عجب ساده ژوند یی در لود. د ژوند د نیمګړي تیاو په نړۍ کې یی بیا هم په خپل ژوند شکرونه ایستل د صداقت په انګېرې یعنی د طبیعت په لمن کې لوی شوی محمد عمر — د سپیڅلي زړه خاوند وه. دده دینې نه داسې ښکارېده چې تا به ویل خاص بزرګ دی.

محمد عمر کوچنی د ژمی په موسم کې به یی د هسکو غرو نو د سرته تو دو سیمو ته کډی کو لی دی به همیشه په خپله دود و هلی شپې کې داسې تا و وه چې دو ه سترګې به ترې ښکارېد لی لوړه ونه او رو ښانه قواره یی در لوده، دمخ چوکاټ یی ډیر ښکلی وه. د طبیعت په لوی یو غېږ کې داسې لوی شوی وه چې غټ او قوي اندامونه یی لکه دشتي پهلوان دورایه ښکارېده. ده به همیشه خپلی توری کیردی د ژمی په موسم کې د ناو کی غره په

دی صحنې څخه زیات خوند اخست. گلي. دمحمد عمر کوچنی ښځه وه چې ددی ښکلی او سپین بدن به په شلید لو جا مو کی داسې ښکارېده چې تا به ویل سپوږمۍ خپلی شغلی دوریځی څخه را بیرون کړی، دی به دکور کار کاوه و لی کله کله به ژوندی ته تلل او دواړو بڼی به یی په سر سپیره میره به خپلی توری کیردی ته را ننو ته، دی آرام نه در لود، سترې ستومانه بدن یی په ډیرو کارو کی لکه مز یی داسې کیدل چې پښی به تنه کی شوی وی دچاو دو نونه به یی وینی بهیدي، خو پدغه حال یی هم شکر کاږه.

یوه خبره چې دیا دونی ورده هغه دا چې په ژوند کی ترې ډیره بده خاطره در لوده هغه دباچ مسئله وه. دا به ډیرو ته معلومه وی چې باچ

یو لنډ داستان

دشپسوار (سنگروال) لیکنه

باج

لمن کی پلنولی دمپرو بچیانو چی وری یی بو لی دکین دیو شاوخوا رمباری وهلی. چې دی آوازو به دلورو غرو نو په زړو کی انګا زی جوړو لی. رنگین طبیعت په خپله ارته لمن کی دسڅا لایې وهلی دشو ورڅو میلمانه کو چنیان یی خو — شحاله ساتل.

دناو کی غره کی وابنه ډیر و دده دما لو نو گذاره پری کیده. ددی غره په بیخ کی یوه لویه چینه چی (شوناو یی) ورته ویل مو جوده وه. ډیری خوږی او به یی در لودی. کله به چی محمد عمر کو چی خپله رمه دغر ه څخه راښکته کړه دلر گیو گیږی به یی هم په شاوه چی دچینی خوا ته به راغی دخپلی ملا څخه به یی خپله روزی راخلاصه کړه او داو بو تر څنګه به کښیناست د جواړی غټی مړی پسی به یی داو بوغړپ کاوه رمی به هم دخپری دونو پانی خرڅو لی. او محمد عمر کو چی به له

دزړو فیوډا لی منا سبا تو یوه بسی پته او کر غیر نه پینښه ده چی بی وزلو کو چیانو به په ډیره بیرحمی باندی هضمو له.

محمد عمر کو چی هم پسی بد مر غی نارو غی باندی په ټول ژوند کی اخته وه هغه دا چې ده به دناو کی غره په لمن کی واړول، نو یو څه کړت او یو سیر لی به دباچ په نوم دسیس لوی خان ته ور وې خو بیا هم دی پدی سوغات دکال تر پایه نه خلاصیده محمد عمر کو چی مجبور وه چی یوڅه نقدی پیسی هم ورکړی.

عجبه خولا داو ه چی یو ورځ سپار وختی محمد عمر کو چی خپله رمه غره ته بو تلل او گلي توپ یی په توره کین دی کی چی دو پی تری پو رته کیدی. دنغری خواکی حیرانه بیرانه ناسته وه چی شاه ولی خان خپل (نو کر) ورو لیږه چی دمحمد عمر کو چی نه دباچ پیسی تر لاسه

کړی. که څه هم (دخان نو کر) دعاظفی خاوند وه و لی مجبور وه چی دخان بیرحمه پیغام ورسوی نوکر پداسی حال کی دکین دی خوا ته ورسید. چی گلي توپ لاس ترزنی ناسته او دغره سر ته گوری. او په زړه کی داسی ور تیریدل چی ددی خاوند به په ازغو سو ری سو ری نن دکوم

تیکی به څنګ کی تکیه وهلی و ی اودخپلی رمی څارنه به کوی. چی د شاه ولی خان مزدور ور ناری کړی وگلي توپ یی. گلي توپ یی تاته وایم گلي توپ یی دغمونو دکر داب ته سر راپور ته کړ او په ډیره حیرانه خبره یی ور ته وویل: څویه خیرت دی. دخان مزدور دپټکو داستا ن ورته و غوړوه او دخان دقهر جنو ستر گو پینښی یی و کړی او دخان بیرحمه عادتو ته یی یو دبل پسی ورته وویل او په پای کی یی ور ته ښکاره کړه چی خان دباچ پیسی غواړی. پیسی غواړی وا در ویده که نه؟

گلي توپ یی ډیری نا امید لی دلی وی. دی اولادنه در لود. بسی کسه وه د ژوند ټو لی ستر تیاوی پدی خوار کی تیریدی. ددی تن دډیرو محرو میتو د گذار نښه وه. خو دباچ غم دبی کوری غم دشمکی دنه در لود لو غم ددی په زړه هغه گذار وه چی دا به یی. کله کله په خوب کی ویرو له. یو ځل بیا یی دباچ ترڅه خاطره په زړه شوه او د خان نو کر ته یی په ډیری عاجزی چی ساره اوسیلی یی دخو لی نه غیری ارادی پور ته کیدل داڅکه چی دا له اوسیلو سره عادت شو یوه وو یل: بچی زما خاوند غرته زمه وړی ده دشپي که راغی زه به ور ته وایم، تادی خدای لوی کړی ته ډیر ښه هلك یی.

دخان نو کر نرم زړه در لود په خواری گلي توپ یی زړه وسو دهغی نا امید یو یو ځل مزدور هم خپل ترڅه ژوند ته متو چی کړخپلی بد بختی یی دگلي توپ یی په بدبختیو کی ولټو لی، خوبیا هم نوکر ورته وویل چی گلي توپ یی محمد عمر ماما ته زما له خوا عذر و کړه چی لماڅخه خفه نه شی زه مجبور یم چی دخان دبیاکله پټکو نه هر چا ته کیسی وکړم.

نه څو په. زه پدی پوهیږم ته هم زمونږ غونډی خوار کی یی ستا په مخکی هم دبیر حموسپیرو تقمی دورایه معلو میری.

گلي توپ یی بیر ته خپلی غمجنی کین دی ته ننو ته او مزدور تری رخصت شو. خان پداسی حال کی چی ستر گي یی پتی ختلی وی دلاری څاری کاوه چی په مز دور یی سترگی ونښتی غږ یی پری وکړ. چی وهلکه څنګه شو. مزدور پداسی حال کی چی سایي سترې سترې کیده په وارخطایی ور ته وویل چی محمد عمر کو چی غرته رمه بیو لی وه کو رکی نه وه. (خبره یی په خو له کی وچوی) خان هیڅکله چا په خندانده لیدلی بیا یی په ډیر غضب وویل چی هلکه نور هلکان هم درسره ملګری کړه نن ماز دیگر به حتمی رمی څخه خو سیر لی رابیلوی هو دا کار به حتمی کیری. تا ته وایم وهلکه پوه شوی کنه؟ ددی عمل به دا جزای محمد عمر کو چی دغره دلورو څوکو څخه خپله رمه راکوزه کړه اودلرگیو گیږی یی هم په شاوه دشوکارو لاسو او پښو نه یی غوټی غوټی وینی په چاو دو کی ښکاریدی را روان و ه گوری چی دخوږ نه خو تنه در می خوا ته را روانی دی چی نژ دی شو گوری چی دخان نا حقه کوټ والیانو دده په رمی باندی حمله وکړه. په شمیر اوه څاروی یی درمی څخه را بیل کړ. محمد عمر کوچنی چی څومره ناری ووهلی او دخپلی گناه دمعلو مو لو پو ښتنه یی گو له غوړونه پری کاڼه شول. چو پی چو پتیا هیڅ ځواب نه ورکاوه.

خو پس دیوه وخت نه ددی دمینځ نه داسی آواز راږو رته شو. (باچ — باچ او باچ) دا آواز ونه پورته کیدل درمی نه بیل شوو سیرلیو هم دجدایی رمباری وهلی دشپي تیاری هم دمحمد عمر کو چی ستر گي پتی کړی او په مات زړه کین دی خواته را روان شو.

څه به درته وایم هغه دغم شپه په محمد عمر کوچنی او گلي توپ یی دومره اوږده شوه چی تا به و یل کال دی.

خو لنډه دا چی ډیری دارنګه ناوړه پینښی په ټول ژوندکی پری راغلی وی. غم خپلو زړونو به گاللی چاره نوه وایی چی د وخت غو ښتنی دمرګ غوښتنی دی خو دهر وخت غوښتنی دمرګ غوښتنی نه دی وختونه فرق لری. په ځینی وختو کی د ژوند غو ښتنی هم پر تی وی رښتیا وختونه بد لیږی. غو ښتنی چاته انتظار نه باسی هو پدی ارمان بقیه در صفحه ۵۰

روزی که گشت هیچ ازو یاد مکن
فر داکه نیامده است فریاد مکن
بسر نامده و گدشته بنیاد مکن
حالی خوش باش و عمری بر باد مکن

ای کاش که جای آرمیدن بودی
یا این ره دور رارسیدن بسودی
کاش از بی صد هزار سال زدل خاک
چون سبزه امید بر دمیدن بودی
بسا از رباعیات خیام مویده این بیان
آند که آنچه برای آدمی درید امکان
است همین هستی است و تا حد امکان
توان از آن باید مستفید شد. و این بدان
معنی خواهد بود که خیام را از معتقدین
به جهان هستی میدانند. رفتگان ازین جهان
را به مسافران گم گشته و ناآمد نسبی
یکسان دانسته است.

افسوس که سرمایه زکف بیرون شد
وز دست اجل بسی جگه ها خون شد
کس نامد از آن جهان که پرسیم از وی
که احوال مسافران دنیا چو شد

از جمله رفتگان ایمن راه دراز
باز آمده گشت تابه ماگوید راز
بس بر سر این دوراهه آرزو نیا
تا هیچ نمائی که نمی آیی بسا

وهم چنان در جای دیگری غم فردا را
نمی کرده و میگوید :

ای دوست بیانا غم فردا انخو ریم
وین یکدم عمر را غنیمت شعریم
فردا که ازین دیر فنا در گذریم
با هفت هزار سال لکان سر بسریم

ای دل توبه اسرار معما تر می
در نکته زیر کان دانا تر می
اینجا به می لعل بهشتی میساز
کآنجا که بهشت است رسمی یا نه می

باری هم واعظان و ناصحان را که سخن
فرا تر از حد توان خویش میزدند چنین
نکوهش مینماید :

آنانکه محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زمین شب قاریک نبردند بیرون
گفتند فضا نه و در خواب شدند

و در رباعی میفرماید :

در فصل بهار اگر بتی حور سرشت
یک ساله می دهد بر لب کشت
هر چند به نزد عامه این با شد زشت
سگ به زمین است اگر بر زمین بهشت

اما آنگاه که خود هم نمیتواند را هشی
به منزل بکشد فریاد میزند که :

قومی متفکرند اندر ره دیمن
قومی بگمان فتنه در راه یقین
میرسم از آنکه بانگ آید روزی
کای بیخبران راه نه آست نه این

و به این ترتیب میرسیم بدان جایی
که صاحب نظران چه فرما یند و چه قضاوت
کنند که خیام بکجا میخواهد برسد.

تنها او ادیب متصوفی بلکه دانشمند، حکیم
و ریاضی دان و مصلح بزرگ زمان خود
بود. وی در مورد اینکه وایا سر انجاش
بکجا خواهد رسید میگوید عاقبت انسان
پس از مرگ چه خواهد بود.

تا چند زلم بروی دریا ها خشت
بسیار شدم زبنت بر ستان کشت
خیام که گفت دوزخی خواهد بود
که رفت بدوزخ و که آمد بهشت

چون نیست حقیقت و یقین اندر دست
نشان به امید شک همه عمر نشست
هان تانه نیم جام می از کف دست
در پیخبری مرده عشیار و چه مست

ای آمده از عالم رو حانی گفت
حیران شده در پنج و چهار و شش و هفت
می خور چو ندانی از کجا آمده
خوش باش ندانی بکجا خواهی رفت

و در مورد اینکه آنچه در دست است
باید حساب نمود نه آنچه که وعده داده
شده رباعیات زیاد دارد که بطور نمونه
بذکرش می پردازیم.

گویند کسان بهشت با حور خوشست
من میگویم آب انگور خوشست
این نقد بگیر دست از آن نمیه بدار
که آواز دهل شنیدن از دور خوشست

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت
از اهل بهشت کرد یا دوزخ زشت
جامی و بتی بر بتی بر لب کشت
این هر سه مرا نقد و ترانیه بهشت

گویند بهشت و حور و کوثر باشد
جوی می و شیرو شهد و شکر باشد
پر کن قدح باد مویر دستم نه
نقدی دهر از نمیه خوشتر باشد

در دهر چو آواز گل تازه دهند
فرمای بتا که می به اندازه دهند
از حور و قصور و زینت و دوزخ
فارغ بنشین که آن هر آوازه دهند

آنانکه تصوف را بر میگزینند و به آن
گرویده میگردند از مرگ هراسی بسند
را نمیدهند نه تنها از مرگ هراسی ندارند
بلکه مرگ را مایه خوشی میدانند و به
عقیدت اینکه به اصل خویش و بخدای
نخود و صلت حاصل مینمایند شا دان
میباشند اما خیام در رباعیاتش از مرگ
هراسی را بیان میکند و عمر دست داشته
را غنیمت می شمارد :

این قافله عمر عجب میگذرد
در یابدمی که با طرب میگذرد
ساقی غم فرمای حرفان چه خوری
پیش آر پیاله را که شب میگذرد

زان پیش که بر صورت شبیخون آرند
فرمای که تا باد گلگون آرند
توانزه نی ای غافل تا دان که ترا
در خاک نهند و باز بیرون آرند

سنت گرائی مذهبی منسوبش کرده اند
خلاصه هر کسی به اندازه برداشت و
توانائی فهمش در باره رباعیات خیام چیزی
گفته اند و چیزی نوشته.

اما آنچه را که به یقین و بدون تعصب و
کینه و مجزای از هرگونه کج بحثی و کج
فهمی از رباعیات خیام بدر آورد آن خواهد
بود که روش خیام و طرز دید وی در بیان
اندیشه و افکار، روش مردان بزرگ و آزاده
گیتی است. اگر چه به این طرز دید در
باره خیام از دیر باز به این سو متعصبین به
طعن و غضب دیده اند. بر مقام آزاد گسی
و آزاده اندیشی، زیبایی بیان و سلامت
و صراحت کلامش چشم پوشی عمدی روا
داشته و بران رشک برده اند. و ربه رباعیات
فارسی این گوینده درد شناس، از گو
ترین همه آنهائی است که تا حال سروده
شده است.

شکی نیست که قلب خیام از عشق پرورده
گارش و احساس حسن جمال مظاهر کائنات
مملو نبوده باشد و این هم برواضح است
که خیام ادیبی است دارای کمالات صورت
معنوی که رباعیات زیبا و شیکارهای
ادبی بی نظیر او مویده این مدعا است
اما آنچه درین میان قابل و تامل بیشتر
میباشد آنست که آیا میتوان خیام را صرف
یک شاعر متصوف و یک واعظ این دانست و همه
آنچه را که وی سروده است به نوعی از انحاء
متکی و پیوست به معنویات آن
برشمریم هر تعادل عارفانه اگر بدین
گونه در مورد وی انجام پذیرد چشم پوشی
خواهد بود به آنچه که در خود چنین
شخصیت است.

از رباعیات متعددی خیام چنین پیداست
که وی همزمان با آنچه که سالک تصوفی
ایجاب مینماید، دانشمند آزاده می-
است که خود را در بند هیچگونه او هان
نمی اندازد.

و این مطلب از رباعیات موصوف به
وضوح پیدا است :

چون عهده نمی شود کسی فردا را
حالی خوشدار این دل پر سودا را
می نوش به ماهتاب ای ماه که مساه
بسیار بر بتا بد و نیا بد ما را

اکنون که گل سعادت بر بار است
دست تو زجام می چرا بیکسار است
می خور که زمانه دشمن گذار است
دریا فتن روز چنین دشوار است

امروز ترا دسترس فر د نیست
و اندیشه فردا بجز سودا نیست
ضایع مکن ار دلت شیدا نیست
کاین باقی عمر را بیا پیدا نیست

خیام با آنکه عمری در تحقیق جهان مسا
فوق تصور انسان سفری نمود، در مورد
جهان هستی هم تا آنجا که فهمش اجسازه
میداد بی خبر نبود. و چنانچه از تحقیقات
دقیق در مورد آثار وی واضح میشود که نه

خیام این دانشمند نامور، شاعر و حکیم
دانای شرق، یکی از آن چهره های ادبی
است که همواره درباره اش هر نکته ستی
که سخن از حکمت، ریاضیات، ادبیات و
شعر بمیان آورده است اعتقاد متفاو تی
را ابراز داشته است. عده در موردش تعصب
ورزیده اند و عده هم بنابر علل که خود
میتراشیده اند فهم و درک خیام را کم بها
جلوه داده و یا به باد انتقادش گرفته است.
در مورد رباعیات خیام نیز دیدهای
متفاو تی موجود است. یکی بنا بر
عقیدت شخصی و یا به شکل کینه تو زانه
وی را از فضیلتی سرگشته غافل و گم
گشته عاطل دانسته است.

دیگری منجمش شمرده و سو می او را
فیلسوفی گفته است. جمعی هم در باره
خیام ظالمانه تر صحبت نموده و به تخریب از

نگاهی بر رباعیات خیام

غ، حضرت

بلکه هدف عمده آن تشخیص نحوه تحول اقلیم و نو سانات آن میباشد. طور مثال مقدار ریزش با را ن مربوط به برا حل مختلفه مهتا ب بوده واز قرا ر معلوم چا نس با ریدن آن در اواخر و اوایل ماه نسبت به اواسط آن زیاد تر است.

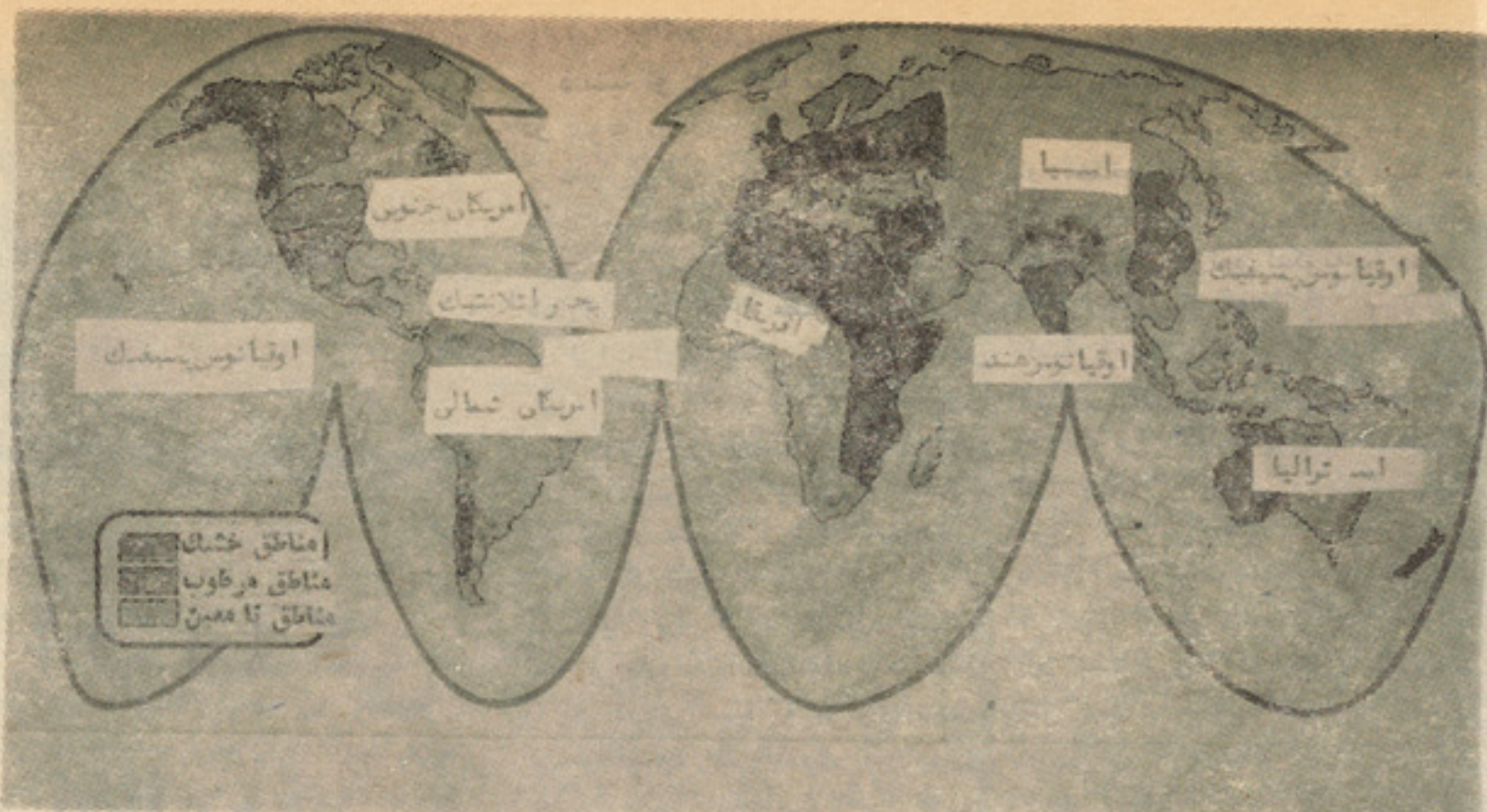
اما مطالعات نشان میدهند که مهمترین منبع فعالیت های نوسانی آفتاب است. مدارک مستیری در لایرا توار ایلتنو ن انگلستان بدست آمده مبنی بر اینکه اختلالات در ریونو سفیر زمین که باعث بر خورد با امواج رادیویی میگردد مربوط به سایکل آفتاب است که در طول ۲۷ و نیم روز یکمرتبه با لای محور خود چرخیده و زمین بصورت بریودیکی در معرض اشعه آن قرار میگیرد این شعاعات باعث تولید اختلالات درایونو سفیر زمین و تغییر فشار دراتموسفر گردیده و در نتیجه باعث سفیر سمت وزش بساد میگردد.

سایکل لکه های سطحی آفتاب :

مشهور ترین خاصیت بریودیک آفتاب سایکل تقریباً یازده ساله شمسی است که در طول این مدت تعداد و درخشش این لکه های سطح آفتاب به حد اعظمی رسیده و دوباره نا پدید میگردد. نتایج مطالعات نشان دهنده آنست که وقوع خشکسالی بعد از گذشت دو سال از زمان ناپدید شدن نقاط فوق الذکر در یکدور در میان سایکل شمسی رخ میدهد زیرا

سمت ساحه مقناطیسی آفتاب، که کنترولر این نقاط است، بعد از تکمیل دو سایکل معکوس گردیده و بنا سمت مشخص و مدت ساحه مقناطیسی بعد از سیری شدن تقریباً ۲۲ سال دوباره بحالت اولی بازگشت میکند اما علت اینکه چرا ساحه مقناطیسی آفتاب و خشکسالی با هم مربوط اند هنوز معلوم نیست. تحقیقات اخیر نشان میدهد که آفتاب این سایکل یا زده ساله را بصورت

بقیه در صفحه ۵۶



ترجمه زلمی ذهاب

پیشگویی طویل المدت اوضاع جوی

گرم شدن هوای جهان چه اثراتی در بر

خواهد داشت؟

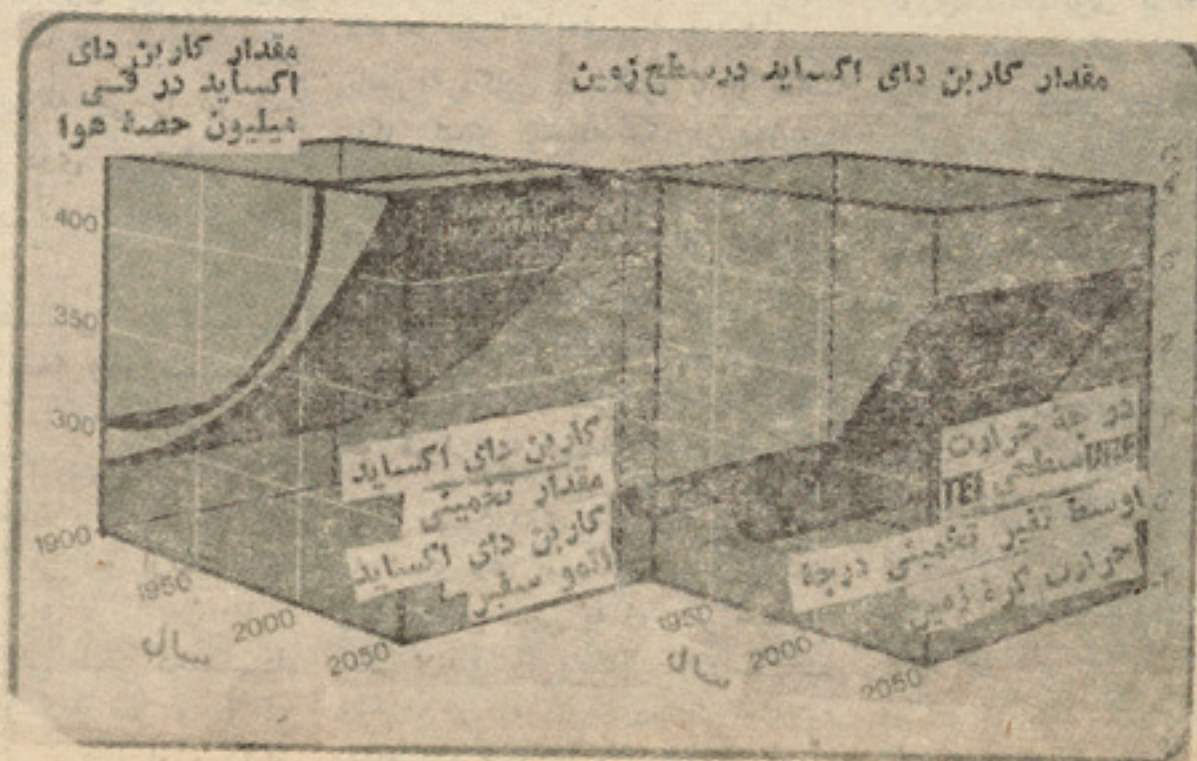
بدون شك پیشگویی های قصیرالمدت اوضاع جوی تا اندازه زیادی قرین بسه واقعیت بوده و با استفاده از احصائیه های درجه حرارت، شدت وزش باد و فشار هوا که با کمک اقمار مصنوعی، شعاعات هواشناسی، و کمپیوتر بدست آمده صحت پیشگویی اوضاع جوی برای دو روز ۸۵ فیصد بوده ولی صحت این رقم برای سه ماه به ۶۵ فیصد پائین میاید. اما پیشگویی های طویل المدت اوضاع جوی در این زمینه دقیق نبوده

تحقیقات ملی ایالات متحده امریکا حاکی از آن است که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت ۳ درجه سانتیگراد معادل ۴ درجه فارنهایت نسبت به حالت فعلی، در صورتیکه سوخت نفت و ذغال به عین تعداد دوام نماند، بلندتر خواهد گردید. این از دید درجه حرارت تأثیر جدی بالای مناطق زراعتی میگذارد. البته این پیش بینی ها تا اندازه زیادی به اساس حد سیات صورت گرفته زیرا پیش بینی های طویل المدت اقلیم امر است مشکل.

برف باری ها و شدت سرمای سال ۱۹۷۷ در بعضی قسمت های امریکا شمالی این سوال را به میان آورده است که آیا هوای تابناک روبه سردی میرود؟ متخصصین علم هواشناسی که نحوه تحول هوا را در طول چندین دهه و یا قرن تحت آزمایش قرار داده اند چنین نظر دارند که این تغییر اقلیم خیلی ها تا چیز بوده و نمیتوان از آن نتیجه گیری نمود. این نوع حوادث ضمنی نشان دهنده تغییر دوره های جهان است.

اینکه این تغییرات بخواهد انجا میدهنوز معلوم نیست. اما یکتعداد زیاد متخصصین علم هواشناسی به این منگوره اند که آتومو سفیر گرمتر میگردد نه سرد تر و دلیل عمده آن از دید روزافزون

گاز بی رنگ و بی بوی کربن دای اکساید میباشد. این گاز توسط نباتات جذب، از آنها متصاعد و به پسمانه وسیع از اثر سوختن نفت و ذغال به هوا بخش میگردد این گاز در آتومو سفیر مانند آینه یک جاذبه اجرای عمل مینماید بدین معنی که این گاز اشعه آفتاب را بطرف زمین اجازه ورود داده ولی مانع انتشار حرارت سطح زمین در فضای خارج آتومو سفیر آن میگردد چون مقدار کربن دای اکساید آتومو سفیر بصورت مداوم روبه افزایش میباشد ناء یکتعداد زیاد متخصصین مربوط فکر میکنند که این منبع تشخیص سبب گرم شدن هوای جهان میگردد. یکی از گزارشات مرکز



د(ان اوټ لیناف سو شل
دیو لو پمنت) نومی کتاب څخه

د امین الله محک ژباړه

په آسیا او افریقا کې د باداداری نظامونه

دو همه بر څه

د بل خور وټکو دولتو نو تاریخي
دو لو نه یو د بل سره تو پیرلری
خو دټو لو ماهیت هما غه پر خوا-
ریکښانو باندی د یوه مفت خوره
اقلیت حکمرانی وه .

قبیلوی اتحاد یی :

قبیلوی اتحاد یی د دولت هغه
دیر لو مړنی شکل و او د پروباداری
(مړی والا) دو لټونو نوموړی مړ-
حله تیره کړیده .

گڼ شمیرلو نکی او پیا وړی قبیلې
دټو موړی اتحادی زڼه جوړول .

باچا به دکلان د حکمرانانو څخه
ټاکل کیدی (پخپله حکمران به زیاتره

وخت دیوه جنگ افسر په حیث
انتخا بیدی) دباچا واک مورثی

و . دباچا د کلان ټول لوړ رتبه
رو حانیو نو ته هغه مهم او حساس
پو ستو نه (وظیفی) ورسپارل کیدل
خو قبیلې به د هغه موافقی له

مخې چی د دوی د مشرانو له خوا
به شوی وی یو ځای کیدی او کمز-
وری قبیلې به یی به زور تر خپلې

حکم لاندی را وستلی . داسی
دو لټو نو به داووزر دوجگر وله لاری
خپله سیمه از ټول . ځینی داسی
کو چنی قبیلې هم وی چی هېڅ ډول
دولت ته یی غاړه نه ایښودل .

د آسیا او افریقا لو مړنی باداداری دو لټونه :

دمړی لرو وټکو دو لټو نو
پیدا یښت د باداداری نظام دټو لیدی
شکل دیربالتوب نښه وه . لومړنی
باداداری دولتو نه په مصر ، دجله
او فرات (بین النهرین) په وادی
کې را څر گند شول . نو موړی
دو لټو نه دسو مړی ، اکدی او بابلی
امپراطوری وی . دچین او هند
باداداری دو لټو نه د میلاد څخه مخکی
د څلو رو څخه تر درو زرو کلو نو
کې اوپه اټور کې د دوهم زر پښه
نیما یی کی منځ ته راغله . دا مهال
و چی دوړی آسیا په مرکزی دښت
کې د (هیتی) یوه پیاوړی امپراطوری
جوړه شول . (مینایی) امپراطوری
چی یو لر غو نی عربی دولت و د
میلاد څخه مخکی پنځلسمه پیړی
د اوسنی یمن پر سیمه یی بنسټ
کښیښودل شو داو راتو (۲) باجهی
دمیلاد دمخه په اول زرم او په ماورای
قفقاز کې منځته را غله . دخوا رزم

پیا وړی پیا چهی په
منځنی آسیا کې د میلاد دمخه
له اتمی څخه تر شپږ می پیړی
پوری څر گنده شوه . اوپه وروسته
کې یی خپل ځای د کوشان و امپرا-
طوری ته خوشی کړ د میلاد د مخه
په اتمه پیړی کې ماوان اوورپسی
پاسان اودمیلاد د مخه شپږ مه پیړی
کې دایران په لوید یزکی مخ ته
را غله . د لر غونی یونان د باداداری
دولت د میلاد څخه د مخه له اتمی
څخه تر شپږ می پیړی پوری او د
لر غونی روم د میلاد د مخه په شپږمه
پیړی کې منځ ته راغی . د مرکزی
او جنو بی امریکا باداداری دولتو نه
کابو د (۱۵۰۰) څخه تر (۲۰۰) کالو
پوری داسپانوی یرغلگرانو څخه
مخکی ظهور وکړ خودا کار (مایانو)
سره سر نه خو ری څکه دهغوۍ
دولت ژښت پخوا نی دی .

د باداداری استبدادی دولتونه :

قبیلوی اتحاد یی پخپله دولت نه
گڼل کیدی او یوازې دهغه د پیدا-
یښت لومړی پړاو دی . د حکمران-
نانو د تند ریجی واک د زیاتوالی اود
دولتی دستگاه د پیاوړتوب په
نتیجه کی قبیلوی اتحاد یو استبدادی
مړی لرو نکی دولت ته ټکا مل
وکړ او په آسیا ، افریقا او امر-
یکی کې د لر غو نو مړی لرو وټکو
دو لټو نو هغه معمول شوی شکل دی
دبا داری دو لټو نو شکل
په تاریخي او اقتصادی شرايطو
همدا راز په جغرافیایي محیط پوری اړه

لرل .
د استبدادی مړیتوب صفتو نه
او مشخصات د مړ جوده اسنا دو
څخه په لاس راغلی دی ، دمصریانو
یا پیرو س او نور لیکوته پر تیگو
باندی د لر غو نو لیکوالانو او نورو
کسا نو خبرو نه چی پخپله گواهی
ورکوی ، ډول ډول حماسی ، شعرو-
نه او نور اسناد ټول د مطلب په
رسو ښانه کو لو کی را سره مرسته
کوی . دبابل باچا ، حمورابی
د قوا نینو مجموع په مړیتوب کی
د ژوند کو لو دخیړنی دپاره زیات
ارز ښت لری . دنوموړو قوانینو
متن دمیلاد څخه د مخه په اتلسمه
پیړی کې په پایتخت کې د یوۍ
توری ډبرې پرستون کیندل شوی دی
نو موړی د قوا نینو ډیره پخوانی
مجموعه ده چی موړ ته راپاتۍ
شوی ده . دمړیتوب نظام د یوه
انسان له خوا دبل گټه خوړل یی
ښه توضیح کړیدی د حمورابی
د حکمرانی په وخت کې د بابل
امپراطوری دیوه باداداری استبدادی
دولت نمونه وه او باچا دمر کزی
دولت یو کر غیر نه حاکم و چی ټول
اجرای قاننون نافذ ونکی ، قضا یی
او مذهبی واک یی در لود . دظالمی
باداداری مسلطی ایدیالوژی د مشخصات-
تو څخه یوه هم دا و چی باچا یی
لوی حکمران اود ځمکی خدای گانه
او د هغه فرمان نازل شوی وهی
(وحي) بللی . باچا د حکومت کولو
دپاره د یو پیچلی بیور کرا ټیکی
دستگاه څخه کار اخیستی . دمامو-
رینو یوه بر څه دمر کزی دستگاه
دبیلو بیلو شعبو متصدی وه
په داسی حال کې چی نور د باچا
دنما ینده په توگه پرمختللو ښارو
او ناحیو باندی حکمرانی کول .

په مړیتوب کی تولیدی روابط :

تولیدی اړیکی دلته هم لکه
د تولیدی وړتیا باندی دخصو-
صی مالکیت دتولید په نور جریان
کې ، دطبقو اساس او دمحصولاتو
د توزیع شکلونه په بر کی نیول .

مړ ټیان او باداران -
د حمورابی قوا نین نه یوازې
د تولیدی اړیکو مشخصات په بین-
النهرین بلکی په عمومی ډول په
هر باداداری دولت کی راته ښی .

دبا بلی دو لټ حاکمه قدرت وپو
او منځنیو بادارانو تشکیلات وه او
د حمورابی په قوانینو کې د دولت
او قوا نینو یو طبقا تی شکل له
ورا په څرگند شوی دی خپلی گټی
یی زیاتی ساتلی . د قوا نینو یوه
برخه دبادارانو له گټی څخه

میخا نیکی کار خانی جوړی شوی دلو یوډېرو د پور ته کو لو دپاره چی د مصر په اهرام کی ور څخه کار اخیستل شویدی یوه خانګړی میخا نیکی دستگاه اختراع شو .

داسیا او افریقا په او بو لکو لو سیستمونو کی دوندو نو او ډنډ شوو او بو څخه ګټه اخیستل تر مر ئیتوب تر وخته د لومړنۍ تکنالوژی د وړاندی تګک نښه وه . داسوان بند چی د نیل پر سیند باندی ودان شو خورا لو په طرحه وه او دا ډول بند ونه او وندو نه چی دډېرو څخه جوړیدل دهماغه مهال د تکنالوژی نښی وی .خومره چی سو دا ګری دسیند له لاری وړاندی تګک کاوه دبادی او پارووالا کښتیا نو ته اړتیا زیاتیده . لښکری صنعت وړاندی تګک وکړ او په جګړو کی یی دجنگی ارا بو او جنگی کلا (ارګ) څخه ډیره ګټه اخیستل کیدل . لښکری کښتیا په وسلو باندی مجهزی شوی .

د تجارتي مال (کالا) مبادله :

په لومړنی اشتراکی نظام کی د مبادلی وړاندی تګک د ارزښت دیوه عمو می معیار په پیدا یښت سره پای ته ورسید . په بیلو بیلو سیمو کی مختلف شیان لکه خاروی ، پوټکی ، خرم او عاج د ارزښت دیوه ګډ معیار په تو ګه ټاکل شوی وه . د مریتوب په نظام کی فلزا تو په تدریج سره دارزش دمعیار رول په غاړه واخیست . په اول کی اوسپنه او مس داندنه په غاړه اخیسته وه . چی په ورسته کی بیا سره زراو بیا سپین زر هم ور سره یوځای شول . پیسه دیوه بازار زښت ګډ معیار او مبادلی د وسیلی په تو ګه او یو خانګړی مال چی د نورو ټولو مالونو په مبادلی کی یی بر څه اخیستل ، په کار ولویدل په اوکی پیسه دمیلی په ډول وه او وروسته یی دسیکی شکل غوره کړ .

د تجارت وړاندی تګک دسو داګرو درا پیدا کیدو سبب شو ، دوی هغه خلک وه چی دتو لید په ساحه کی یی ګډون نه در لود او یوازی به یی دما لو نو په مبادلی او سو داګری سره لاسونه اړوه اوځنی محصولات به یی تر لاسه کول سوداګران له یو ځای څخه وبل ځای ته تلل اوځنی وختو نه به یی هم لیری او اوږده واټنو نه وهل په دی ډول دتولنیز کار دریم ویش منځ ته راغی .

(نورید)

شرا یطو کی با دا ری دو لست کلان استثمار اود کلا ن غړی لکو لو دویا لواو کاریزو نوڅارنه کول چی دی کار ډله ایز انسانی کو ښښو نوته زیا ته اړه در لود دپخوا په شان یی کر نه کول خو اوس یی دمحصول زیاته بر څه با چا او سپاهیانوله لاسه کښل . د پاچا نماینده ګانو سملاسی داو بوشبکی او د کلان د غړو دما ليو او جر یمو سم تادیه کولو نظارت اکاوه تولید ونکی یی په دی ډول دخپل کار د حاصل څخه بی برخه کول .

دلر غو نی مصر ، هند او چین او نورو هیوا دونو په استبداد ی مرئیتوب کی هم د دا ډول شرا یطو وجود د با داری دولت علاقه چی دکرنی داشترا کی ټولنی په ساتلو کی یی لرل ورو ورو منځ پر کمزور تیا شول . پاچا په خپله ډیری ځمکی په واک کی لرلی او سم لاسه به یی دټولنی په نور مخکو په غصبو لو سره پر خپل مالکیت زیا توالی را وستی . دسمی مخکو مرکز یست میند لی و اود دولت یوازینی حکمران یعنی پاچا اړه در لودل دجګړو دلاری به یی وړا ندی تګک کاوه .

د آسیایي او افریقایي لرغونو دولتونو تولیدی قوا وی :

داسیا او افریقا لرغونی دو لتونو په پیدا یښت کی د تو لید وړاندی تګک دوام در لود . په کر نه دتولیدی او زارونو څخه ګټه اخیستل په بابل کی رواج ومو ند کاسبا نو به هم او زا رو نه جوړول . دحمورا بی قوا نینو په مجموعه کی هغه وخت په ډول ډول کسبو نه لکه بتایی ، او بدنه ، پښی ، ترکانی ، کښتیی جوړ ونه ، ودانی جوړ ونی اونورو نوم اخیستل شویدی .

په مصر کی هم کسبو نو وړاندی تګک وکړ او په ټول هیواد کی خلک داو بد لو سره بلد شول . داو بدلو افقی څر خو نو خپل ځای نسبتا بشپړ شوو عمودی څر خو نو ته خوشی کړ دمسګرا نو په کرو کی دڅر منی بنیو څخه اخستل پیل شول . یوی بشپړه شول اوښښه جوړول یو خانګړی شغل سو او له دی نه وروسته به یی خښتیی هم په کرو کی پخو لی .

سر بیره پردی کاسبان خپلواک وه خومرئیان هغو کارو نو ته چی مهارت ته یی دو مره اړتیا لرل اوکراپ (سخت) به هم وه لکه ساختمانی کارو نه ، ګمارل کیدل . لومړنی

ور سیدی ، مقصر به یی یوازی جر یمه کړی که کوم موسکینو غلا کړی وای د لومړی ډلی د جر یمه په پر تله به یی خو چنده جر یمه تا دیه کول بیا چی کوم سړی مری غلا کړ (چی دټولنی د اساس پر ضد یوجنا یت ګڼل کیدی) بیله دی څخه چی مقام یی په نظر کی ونیسی حکم یی دمر ګک و . هغه چی دپوره حقو قو څخه بر څخه لرل ، پردو ډلو شتمنو او بی وزلو ویشل کیدل . بی وزلان د دی دپاره چی خپل شتمن ژوند ته یایښت ور کړی او دومره څه پیدا کړی چی له مرګک په راوګر ځی مجبوره وه چی دشتمنو څخه پیسی وسایل او نور شیان پور کړی چاچی به خپل پور نه ور کاوه په بدل کی به یی مالو نه ور څخه اخیستل د کار طرز داسی و چی دیوالی (افلاس) شوی پوروی (معمو لاد کورنی دغړو سره) به دیوه ټا کلی مودی دپاره مری کاوه او په دی کار کی به د ژوند تر پایه پوری پاتی و . پر مرئیا نو باندی دسو داګری نوی شکل منځ ته را غی او هغه به داسی و چی چا به خپل ښار یان را نیول او هغوی به یی بیا هغو بادا را نو ته چی دکار قوی ته به اړو په اجاره ور کول .

د مرئیتوب په دولت کی اشتراکی ټولنه :

خله په لر غو نی با بل کی زیات شمیر آزادو وګړو دمرئیا نو سره په څنګ کی ژوند کاوه ؟ دوی زیا تره دکلا نو غړی وه چی لومړنۍ اشتراکی نظام ته یی منځ اړ ولیو . د دولت منځته راتلو څخه مخکی په هغو مخکو کی چی د کر نی وړی او د سیندو نو دسیل له کبله څړو بی کیدی داو بو لکو لو یو پیچلی اوسا زمان لرونکی سیستم منځ ته راغی . که چیری مخکی او بو لکو لو شبکی د با دا را نو تر منځ ویشل شوی وای په پای کی داو بو لکولو سیستمونه ډګیدل اودکر هنی درا ټیتیدو سبب کیدی ځکه مرئیا نو دخپل کار له نتیجی څخه کو مه ګټه نه تر لاسه کول . له دی امله دولت پوه شوی و چی د کلان خو ندی کول ور ته ګټه لری . خدا نوره هغه پخوانی اشتراکی ټولنه نه وه چی هلته هیڅوک نه استثما ریدل او یوه دټولو او ټولو دیوه په خاطر کار کاوه په دی نورو

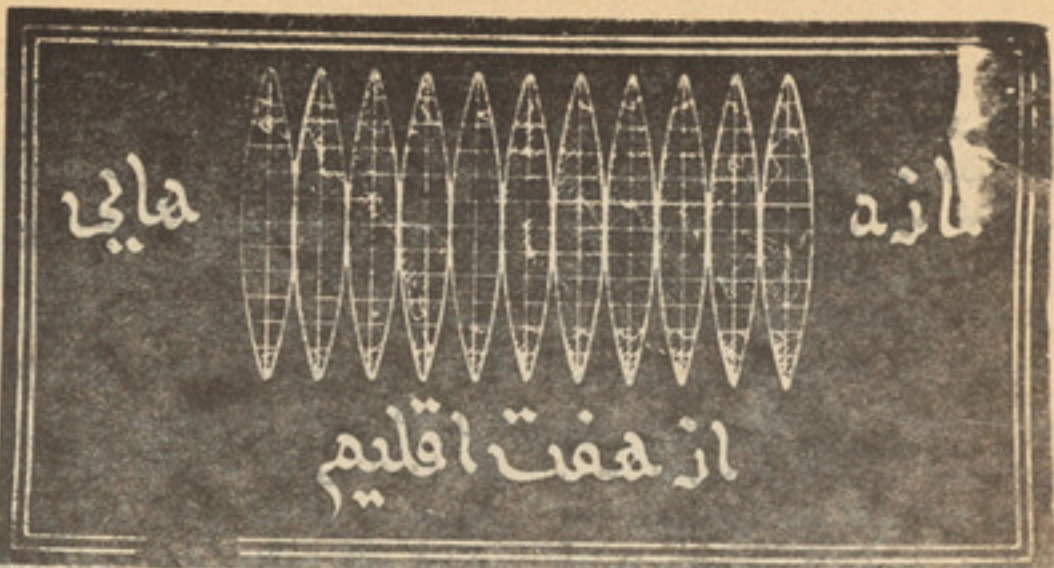
په مستقیمه یا غیر مستقیمه تو ګه ملاتړ کاوه . د قوا نینو سره سم چاچی به دیوه بل چا مری دبدن کوم ځای خوږ کړ دهماغه مجازا تو چی څارو دپاره په نظر کی نیول شوی وه دجر یمی په تادیه کو لو مکلف و . هغه وخت چی به یی دبل چا مری ووز نی نا چا ره و چی خا وند ته یی بل مری ورکړی دیوه مری کو رنی په شمیر کی نه را تلل مرئیان یی په خپل واک سره پلورل یو او بل ته یی بخښل دنور مر ئیا نوسره بد لول اود میراث په شانی له یوه څخه بل ته پاتی کیدل . کوم وخت چی چا دبادارا نو دشتمنی دساتلو دپاره دنافذ شوو قوا نینو څخه سر لغاوه په سخته جزا سره محکومیدل . چاچی به مری غلا کړ او یا به یی تښتید لی مری ته ځای ورکړ حکم یی دمرګک و . هر مری د خپل خښتن یوه خانګړی نښه پر خپل بدن در لودل که کوم آزادسړی هغه نښه ور څخه لیری کړی وای هغه ته هم سخته جزا ورکول کیدل . مرئیان دتولیدی وسا یلو څخه لاسه کوی دډیرو لومړنیو انسانو حقو قو څخه هم بی برخه وه .

په دی ډول ، بادارانو به دتو لید پر وسا یلو سر بیره زحمتکښان اومر ئیان هم پخپل شته کی را وستل چی دا دمرئیتوب نظام دتو لیدی روا بطو له خو یو نو څخه و .

بابلی ټولنی تجاوز کارا نه او بی پایه جګړی ، دمرئیا نو لاس ته وروستلو دپاره سر ته رسیدی آزاد وګړی به یی دهمدی لاری مر ئیان کول . دمرئیتوب په ډیرو دولتو کی دبا دارا نوحاکم قدرت دآزادو وګړو او کاسبا نو دوری شتمنی څخه هم صرفه نکول .

په با بل کی هم دغی وضعی په یو لږ تو پیر سره وجود در لود چی خپلوا کی وګړو په ډیر ژر خپله آزادی د لاسه ور کول اود مرئیا نو په لښکر به ګډیدل .

دبا بل آزاد و وګړی پر دا سی ډلو چی د مدنی حقو قو څخه به پوره بر خور داره او داسی ډلی چی دحقو قو څخه به یی لږ بر څخه لرل او مسکینو بلل کیده ویشل شوی وه . څه وخت چی دلو مری ډلی وغړ و ته به چا تاوان ورساوه دیوه ګناه کارسړی په شانی به یی جزا لیدل . که چیری کوم مو سکینو ته به تا وان



ترجمه و تنظیم از : میرحسام الدین پرومند

با کیمیا و فزیک در جهت محو کامل سرطان

سرطان این مرض مدهش و جانکاه و قویور های سرطانی پروبلم های زیادی برای متخصصین امراض سرطانی ببار آورده است. باری این مرض علاج ناپذیر ، وزمانی هم امیدواری هایی درزه پیدایش میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیایی برای محو این مرض متوسل میگرددند وزمانی هم به کمک فزیک میخواهند جلو پرور سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او آخر دیده شده که از فزیک درجهت از بین بردن امراض سرطانی بیشتر استفاده بعمل می آید . در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه داری برای نابودی کامل امراض سرطانی و طرق درمان آن ، صورت گرفته است . لکن بدین تازگی ها گزارش گردید که عناصر را دیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز ، جگر و تریتش را ثابت و حتی حیثیت و قیام وجود را از امراض سرطانی میتواند داشته باشد . گرچه اقوم موارد استعمال زیاد دارد که در پهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بحیث وسایل تخریب از آن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیک اتومی ، قوه های تخریبی اتم را در ارگان بطوری بکار می بندند که زخم ها و تومورهای سرطانی را به محض رسانیدن بدن ، از پیشروی آن در وجود باز میدارد . بدین مفهوم که در پهلوی طرق تداوی از طریق جراحی ، میشود نظریه آزمایشات دقیق قویور ها و زخم و علایم و اثرات سرطانی را به کمک مواد اتومی از وجود دور ساخت و بطور حتم اشعه گاما و اشعه ایکس بکلی بی تاثیر نمیتواند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحت مطالعه بار بار گرفته اند . اما متخصصین امراض سرطانی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعه لازم تا آن حد کم بوده که با آن مقدار میشود بطور قطع زخم و تومور های سرطانی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعه گاما یا هم ایکس زیاد گردد درین صورت مرگ زود به

سرطان این مرض مدهش و جانکاه و قویور های سرطانی پروبلم های زیادی برای متخصصین امراض سرطانی ببار آورده است. باری این مرض علاج ناپذیر ، وزمانی هم امیدواری هایی درزه پیدایش میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیایی برای محو این مرض متوسل میگرددند وزمانی هم به کمک فزیک میخواهند جلو پرور سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او آخر دیده شده که از فزیک درجهت از بین بردن امراض سرطانی بیشتر استفاده بعمل می آید . در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه داری برای نابودی کامل امراض سرطانی و طرق درمان آن ، صورت گرفته است . لکن بدین تازگی ها گزارش گردید که عناصر را دیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز ، جگر و تریتش را ثابت و حتی حیثیت و قیام وجود را از امراض سرطانی میتواند داشته باشد . گرچه اقوم موارد استعمال زیاد دارد که در پهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بحیث وسایل تخریب از آن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیک اتومی ، قوه های تخریبی اتم را در ارگان بطوری بکار می بندند که زخم ها و تومورهای سرطانی را به محض رسانیدن بدن ، از پیشروی آن در وجود باز میدارد . بدین مفهوم که در پهلوی طرق تداوی از طریق جراحی ، میشود نظریه آزمایشات دقیق قویور ها و زخم و علایم و اثرات سرطانی را به کمک مواد اتومی از وجود دور ساخت و بطور حتم اشعه گاما و اشعه ایکس بکلی بی تاثیر نمیتواند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحت مطالعه بار بار گرفته اند . اما متخصصین امراض سرطانی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعه لازم تا آن حد کم بوده که با آن مقدار میشود بطور قطع زخم و تومور های سرطانی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعه گاما یا هم ایکس زیاد گردد درین صورت مرگ زود به

سرطان این مرض مدهش و جانکاه و قویور های سرطانی پروبلم های زیادی برای متخصصین امراض سرطانی ببار آورده است. باری این مرض علاج ناپذیر ، وزمانی هم امیدواری هایی درزه پیدایش میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیایی برای محو این مرض متوسل میگرددند وزمانی هم به کمک فزیک میخواهند جلو پرور سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او آخر دیده شده که از فزیک درجهت از بین بردن امراض سرطانی بیشتر استفاده بعمل می آید . در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه داری برای نابودی کامل امراض سرطانی و طرق درمان آن ، صورت گرفته است . لکن بدین تازگی ها گزارش گردید که عناصر را دیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز ، جگر و تریتش را ثابت و حتی حیثیت و قیام وجود را از امراض سرطانی میتواند داشته باشد . گرچه اقوم موارد استعمال زیاد دارد که در پهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بحیث وسایل تخریب از آن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیک اتومی ، قوه های تخریبی اتم را در ارگان بطوری بکار می بندند که زخم ها و تومورهای سرطانی را به محض رسانیدن بدن ، از پیشروی آن در وجود باز میدارد . بدین مفهوم که در پهلوی طرق تداوی از طریق جراحی ، میشود نظریه آزمایشات دقیق قویور ها و زخم و علایم و اثرات سرطانی را به کمک مواد اتومی از وجود دور ساخت و بطور حتم اشعه گاما و اشعه ایکس بکلی بی تاثیر نمیتواند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحت مطالعه بار بار گرفته اند . اما متخصصین امراض سرطانی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعه لازم تا آن حد کم بوده که با آن مقدار میشود بطور قطع زخم و تومور های سرطانی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعه گاما یا هم ایکس زیاد گردد درین صورت مرگ زود به

سرطان این مرض مدهش و جانکاه و قویور های سرطانی پروبلم های زیادی برای متخصصین امراض سرطانی ببار آورده است. باری این مرض علاج ناپذیر ، وزمانی هم امیدواری هایی درزه پیدایش میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیایی برای محو این مرض متوسل میگرددند وزمانی هم به کمک فزیک میخواهند جلو پرور سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او آخر دیده شده که از فزیک درجهت از بین بردن امراض سرطانی بیشتر استفاده بعمل می آید . در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه داری برای نابودی کامل امراض سرطانی و طرق درمان آن ، صورت گرفته است . لکن بدین تازگی ها گزارش گردید که عناصر را دیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز ، جگر و تریتش را ثابت و حتی حیثیت و قیام وجود را از امراض سرطانی میتواند داشته باشد . گرچه اقوم موارد استعمال زیاد دارد که در پهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بحیث وسایل تخریب از آن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیک اتومی ، قوه های تخریبی اتم را در ارگان بطوری بکار می بندند که زخم ها و تومورهای سرطانی را به محض رسانیدن بدن ، از پیشروی آن در وجود باز میدارد . بدین مفهوم که در پهلوی طرق تداوی از طریق جراحی ، میشود نظریه آزمایشات دقیق قویور ها و زخم و علایم و اثرات سرطانی را به کمک مواد اتومی از وجود دور ساخت و بطور حتم اشعه گاما و اشعه ایکس بکلی بی تاثیر نمیتواند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحت مطالعه بار بار گرفته اند . اما متخصصین امراض سرطانی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعه لازم تا آن حد کم بوده که با آن مقدار میشود بطور قطع زخم و تومور های سرطانی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعه گاما یا هم ایکس زیاد گردد درین صورت مرگ زود به

آن از سایر حصص وجود ، میکشد . روی این اصل بزرگ یعنی خدمت به تپدید - شوندگان امراض سرطانی سیمیناری بسوی بین المللی در سال ۱۹۷۷ دایر و در آن سیمینار ندگان سیمینار پیرامون تولید «بسته های پروتونی» تصمیماتی بعمل آوردند. در سیمینار که در مورد استفاده از اتم در دارو های کاملاً مدرن ضد سرطانی پافشاری بعمل آمد اهل خبره ، فزیکدانان ، دکترینان ، متخصصین کیمیا و انجمنیان متعدد از کشور های سوسیالیستی ، اضلاع متحده ، سویدن و فرانسه درین سیمینار گرد آمده بودند . منظور ازین گردهم آیی و ملاقات دانشمندان بایکدیگر ، معرفت با فزیک اتومی ، تخریب سرعت عمل در کلینیک های عملیه های تازه مجادله علیه سرطان بوده است . تلاش های مؤثر متخصصین علوم کیمیا و فزیک و طبیبان بخاطر رهایی بشر از چنگ امراض جانکاه و مدهش امریست انسانی و در خور ستایش ، که اینک مبتلایان سرطان امیدواری به آینده ، آینده که مرض شان درمان خواهد یافت ، می اندیشند .

هم فزیکدان هم هنر پیشه

کمین کرده بود . گرچه مسابقات تلویزیونی مزبور در ۱۹۶۲ انجام پذیرفت لکن با وجود کار های علمی «زرگی نیگین» کتون صد آهنگ خوب دارد که موضوعات و محتوی آهنگ ها و کمپوز های او رزمی ، حماسی و دراماتیکی بوده است . اشعار و آهنگ های وی بیشتر مورد توجه همگان قرار میگیرد و



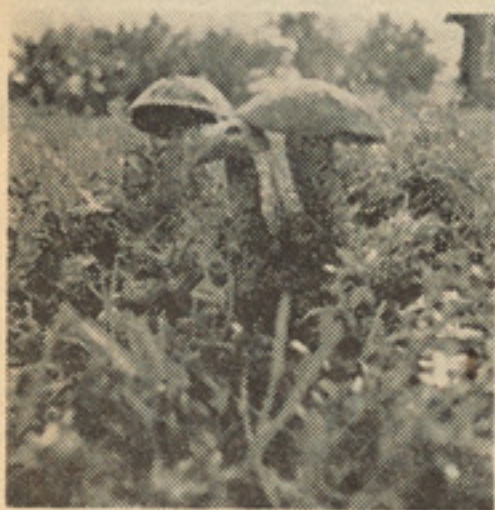
زرگی نیگین با گیتارش در حال هنرنمایی

میسازد ، ازینرو با نسلرداشت مطالبی که گفته آمد ، اشعه جد ید درمانی برای امراض سرطانی در مجموع در راس همه تداویر دیگر حیاتیوی مریض از مرگ که تاکنون صورت گرفته میتواند بحساب آید که این میتود در نوع خود از سایر میتود ها برتری تام دارد ، البته این ادعائیت که متخصصین امراض سرطانی مینمایند اما يك مطلب را نباید فراموش کرد که اشعه ایکس در تشخیص مرض سرطان و چگونگی نوعیت آن معجزه میکند و چه زود کار تشخیص مرض را آسان میسازد اما مساعی که در زمینه تولید چنین يك اشعه در مانی که در فزیک علم کیمیا و فزیک تدارک دیده شده است . سرعت بختیدن پروتون های اتومی در وجود ، محض از طریق کمپوتر های مخصوص برای اینکار عیار شده میتواند و پس . این اشعه هائرشناخانه ها از طریق يك سیستم کانالی در اتاق ها تقسیم وبوسیله کمپوتر هر شاخه علیحده فعالیت نموده وبانظر داشت خصایل فزیولوژیکی مریض ، به وجود مریض خاصا در قسمت های که غدد سرطانی فعالیت دارند ، در برطرفی مرض وتقلیل در دوکاهش اثرات

شام ها با گیتار خود روی سن ظاهر میشود و همراه آن با آن پنجه های ظریفش ماهرانه روی تارهای گیتار به وبالا میدوند . آواز گیرایش شور و شغف خاصی به نوای گیتار او میدهد و چه مشکست باور کردن این مطلب . مذکور صبح تا شام چه مشقات و خستگی هایی را که در مرکز علمی کسار خود متقبل نشده است منظور ما (زرگی - نیگین) یکتا از فزیکدانان وارد و جبره - دست است ، مردیکه روی مالیکول های سفید تخم مصروف گشته ومطالعاتی انجام داد و چند ساعت بعد آن بدون آمادگی قبلی در فلم کمیدی (جهنم سر نوشت) آوازخواند

که کمپوزشر آن از (میکائیل تازی فردی) بود . این فزیکدان که در کیمیا نیز وارد است در ساعات فراغت از کار های مربوطه به شعبه اختصاصی اش یعنی فزیک ، کمپوز مینماید . آواز خوان مذکور با گیتار خود وآواز خود در رادیو ، تلویزیون وتالار ها ظنین می اندازد با آنهم پیروزی او تا آن حد است ، که از محصلان گرفته تاجیولوجست وکارگران معدن ، آهنگبایش را منحیت آهنگ روز زمزمه میدارند . وی خودش می گوید که قبل از آنکه آواز بخواند و در محافل هنری راهش را بساز نماید ، يك فزیکدان بوده است که در مکتب ، اود فزیک بیشتر از هر چیز لیاقتش را توانسته بود بشکل قابل توجهی تبارز دهد ، گیتار را فقط در مکتب فرا گرفت و خود به تنهایی به کمپوز اشعار دست یازید . وی خودش را درین راه بیشتر مدیون شرایط بهتر گوارای کشورش میداند چه در پرتو همین شرایط مساعد بود که «زرگی» در مسابقات تلویزیونی (هلو، ما - استعداد های شگوفان را سراغ وشگوفاتر میسازیم) يك پیروزی غیرمنتظره در برابر او

دوگرام وزن داشت پس از چند دقیقه دفعتاً صد برابر بزرگ و سنگین میگردد. بدین تازگی ها محققین و پژوهشگران نباتی یکنوع سماری را کشف و مطالعه کرده اند که هر کدام آن در حدود هفت کیلو گرام وزن و ۸۰ سانتی متر ارتفاع داشت که قطر کلاه آن ۴۶ سانتی متر محاسبه گردید و تنها ساقه آن ۲۲ سانتی متر اندازه شد. یک شاخه دیگر از نوع سماری سنگی بنام سماری ناکی شناخته شده است که زود رشد میکند. سماری های ناکی فقط چهارونیم سانتی متر قد می داشته باشد که البته در نوع خود نظر بشکل ظاهری فرق فاحشی از ساختمان سایر سماری ها



این هم از جمله سماری های شفا بخش است

داشته و زیاد جالب میباشد، سماری های مذکور دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده و اما زود فاسد شده، در روز سوم و چهارم چیدن از خوردن می افتد. «سماری شگوفه یی» که دارای کلاه سرخ میباشد از سایر انواع سماری ها بسادگی فرق میگردد اما اگر شخص آنرا از قسمت زیر کلاه آن قطع نماید،

حصه قطع شده کبود مینماید. یکنوع دیگر که بانوع سماری «شگوفه یی» شباهت نزدیک دارد، برگهای تازه سبزه کنارش می روید و به اسرع وقت یعنی در ظرف یک دقیقه دفعتاً

چنان نمو میکند که هر دانه آنرا به شکل میتوان در یک سبد گنجایید. سماری عجیبی که کلاه سرخ و قسمت پائین کلاه و یا عباره ساقه آن دارای رنگ زرد یا پسته یی میباشد نظر به نظریه محققین نوع مذکور گرچه زهر آکین نمیشد، لکن صرف کردن آن نیز مطلوب نیست.

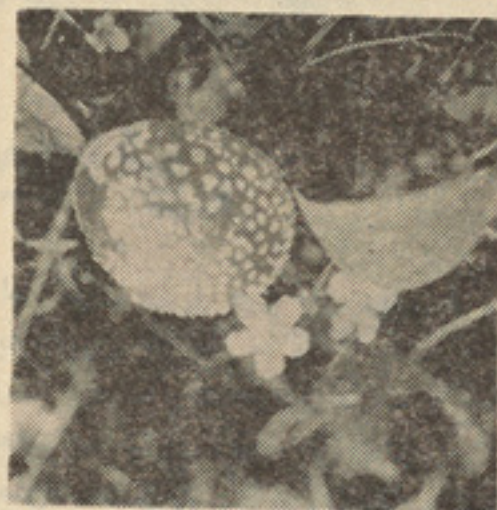
باری در نزدیک سرایشی یک کوه که با درختان غوش، کاج احاطه گردیده و کوه مذکور را همین درختان سبز با جنگل

سمت دیگر مرتبط میساخت. گرچه گرگ، خرس و خوک جنگلی آنجا زیاد بود، با وصف آن برای تماشا و ملاحظه سماری های متعدد و انواع آن بی حد و حصر ذوقزده شده بسو دم

در جنگل گرچه بادلهره به پیش گام میزد با یکنوع سماری دیگر برخورد، سماری که غیر از سماری سنگی، ناکی مسکه دار و رنگی که بیش از دو کیلو گرام وزن داشت این نوع سماری نظر به تحقیقاتی که نسبت به آن بعمل آمده، میتوان آنرا سماری شفا بخش خواند بدین مفهوم که این سماری در شفا بخشیدن بیماری از امراض و گرداندن سلامتی مریضان یقین معجزه میکند. سماری بقیه در صفحه ۴۸

بعضی از انواع آن. من که سماری های فراوان را با انواع آن بلد بودم، کنجکاوی من تحریک گردید تا بدانم شمار انواع این خسو را که به چند میرسد. بمسوجب آخرین تحقیقات در مورد چگونگی، مزه، مواد و مقدار نوع، سماری را لازمست قبل از همه یاد آور شد که تا کنون دانشمندان بیش از (۸۰۰۰۰) نوع سماری را شناخته اند که با تاسف باید متوجه گردید که فقط مقداری کمی از اینهمه انواع آن قابل استفاده و خوردنست، تقریباً دوصد نوع آن. در حالیکه از جمله این دوصد نوع محض (۱۵-۴۰) نوع خالص قابل استفاده بوده و متباقی دارای مواد است

که امکانات مسموم ساختن صرف کننده را دارا می باشد در تشخیص سماری های مورد نیاز از ملاحظه کامل کار گرفت چه سماری ها دارای تلایم خاص و مشخص میباشند. یکنوع سماری که بنام «سماری سنگی» موسوم است که نسبتاً قوی و از جمله انواع سماری های طرف استفاده، بحساب می آید. بعلاوه بهترین نوع سماری هاراکه بایستی چید بعلاوه سماری سنگی.

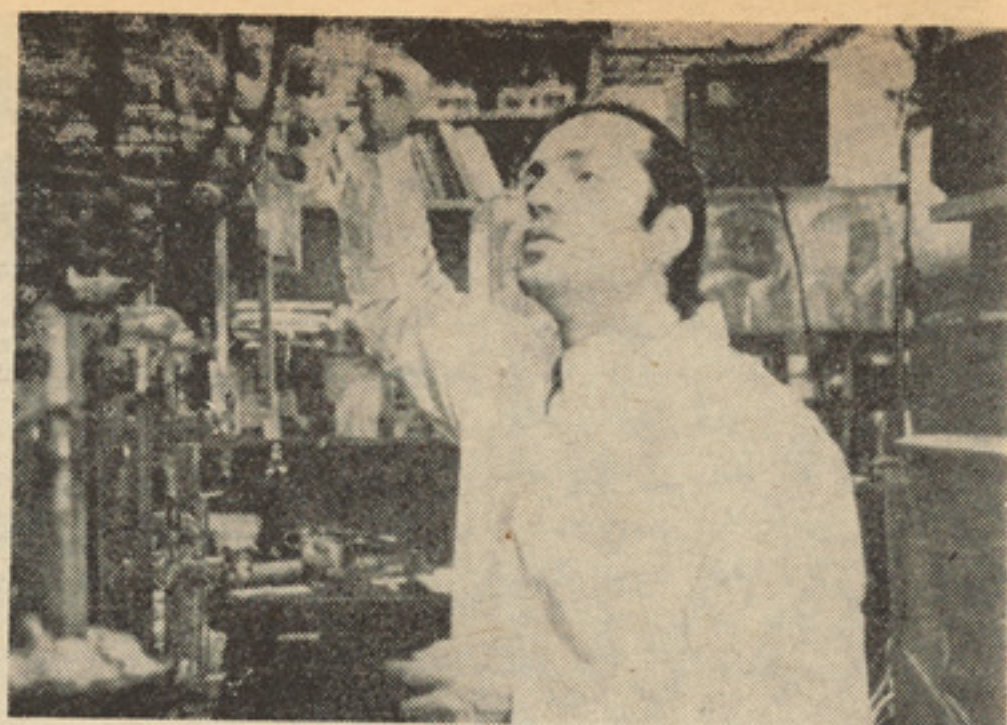


از نوع سماری های بال دار

سماری های نوع محرك، سماری سرخ و سماری مسکه دار نیز دارای مواد بهترین نسبت به سایر اقسام سماری ها میباشد.

همچنان نوع دیگر از سماری ها، بنام «سماری بالدار» نیز در قطار سماری های مفید می آید. محقق مذکور میگوید: حین چیدن سماری، یکی از دوستانم که بصورت خودش تمامی انواع سماری ها را میتوانست از هم تفکیک بدارد در آن محلیکه تاجش کار میکرد سماری بود بدینیکه چشمها از دیدنش خیرگی میکرد بمن مشوره داد که فقط چند دانه و محدود سماری ها را از جمله آنهمه سماری ها بردارم و بس. دوستم در

مورد شناخت سماری ها برایم تشریحات داده گفت مثلاً کدام نوع سماری اگر دارای چگونه کلاهک باشد و چگونه روئیده باشد قابل استفاده است و کدامش برخلاف زهر آکین و مسموم کننده میباشد. من در اواخر نومبر در ریگستانی به یکنوع سماری برخورد که بسان سنگ سخت بود و با کوبیدن انگشت صدا میداد بی بردم که حتماً سماری سنگی است که دفعتاً روئیده و سر میزند. این نوع سماری که در ابتداء یعنی لحظه سر زدن فقط



هنریشه جوان در یکی از لابراتوارهای فزیک.

میخواهد هر کجایی رنجیده و ستم دیده ایست بایست به کمک او شتافت، برای او شعر گفت، پس شعر او شعر زمانست، او که از طبیعت الهام میگردد، برخوردار از یک جهان بینی کامل بوده و بیشتر از اشعار یفگینی یفشکو، میخائیل زفتلوف، زفتلوف، یونانورتیس، جوزف اوتکین و ایلینا ایرنورگ خوش می آید. وی طرفدار آتست که ادراک و احساسات انسان میشود از طریق موسیقی و شعر خوب بسایرین انتقال یابد. او با این نظریه جوامعی را که آنجا که طبقات وجود دارد تذویر نیز بصراحت چشم میخورد. او که مرد مریض و شوخی و سایل خوشی می آفریند.

است زیاد دوست دارد اکثر اوقاتش را با طرفداران هنرش باشد. گرچه خودش بدین عقیده است که صدای او زیاد دل انگیز نیست لکن دیگران درین مورد که صدای نا هنجاری دارد همراهش هم عقیده نیستند. در همین تازگی ها این فزیکدان صاحب نام اشعار کمیدی سرود و آهنگهای را در قید فوت در آورد. کنسرت او سرو - صدایی در میان خواستاران صدای گرایش ایجاد کرد. او میخواست به کمک علم فزیک احساسات علاقمندان هنرش را سر تعش گردانیده، تحریک بدارد. از نگاه او فزیک و موزیک دو علمی اند که هر دو به انسان

بموجب تحقیقات گسترده یی بیش از هشتاد هزار نوع سماری وجود دارد

بموجب تحقیقات گسترده یی، بیش از هشتاد هزار نوع سماری وجود دارد.

اینکه سماری چگونه خوراکی است و چه مفاد و مضامیری در خود نهفته دارد در زمینه، یکی از آنالیکه بخوردن سماری میل فراوان دارد با ارتباط بموضوع فوق یکی از جمیع کننده هایی سماری ها، خاطراتش را چنین خلاصه میکند: هنگامیکه تعطیلات تابستانی ام را باید سپری میکردم بدینکه پدری رفتم، شفق



سماری شفا بخش

تازه دمیده بود و من با سیدی راهی جنگل شدم تا سماری جمع کرده باشیم، تاجنگل دو کیلو متر راه بود، راهی را که من پیش گرفته بودم، راه یک مزرعه بود که به یک باغلاق کوچک منتهی میگشت و اما در سمت دیگر، گویسی کلبه و سبزه های گوناگون فرش شده بودند که امتشام آن فرحت انگیز بود در حین جمع آوری سماری در حالیکه بشکلا رنیز می اندیشیدم بیاد گرفته های سماری شفا بخش



فضا نوردان در لباس فضا نوری شان دیده میشوند

تر جمه از احمد شاه

ریکار دبو دو باش در فضای کیهانی

همه چیز ها ما نند همیشه بود مانند چند ین پرواز های کیهانی گذ شته و در ضمن همه چیز ها غیر عا دی بود . هنوز دو کیهان - نورد اتحاد شوروی و لا - دیمیر لیا خوف ووالری ریو میین در زمین بود ند اطلاع یا فتند که به یک سفر دور و دراز به فضای کیهانی میرو ند . قبل از این ها ریکا رد مداومت پر واز در فضای کیهانی یکصد و چهل شبانه روز بود . در شام بیست و پنج فبر وری سال جا ری سفینه فضا ی (سیوز - سی و دو) با دو کیهان نوردان لیاخوف وریو مین به مدار بر آمد . هنوز قبل از عز یمت به فضای کیهانی این نکته تثبیت گرد یده بود که در استیشن تحقیقاتی (سا لوت شش) یعنی در جا ئیکه دو کیهان نورد نیز به تحقیقات ادا مه می داد ند یکعه نقایص جدی موجود است . سر نو شت کار های تحقیقاتی دو - کیهان نورد واستیشن «سا لوت - شش» مر بوط به مو فقت کیهان - نوردان متذ کر ه در قسمت اصلاح نقایص استیشن مذکور بود . این دو کیهان نورد با ید یکی از مخزن های محرو قا تی دستگاه مو تور استیشن را متوق ف می سا ختند و آنرا از مایعات مضره تصفیه می سا ختند .

لیا خوف وریو مین این وظیفه را به بسیار مو فقا نه به پا یان رسا نید ند . هفته اول ما نند پر واز های سا بق کیهان نو ردان روز های سخت را سپری کرد ند زیر ازود تر خسته میشدند و احساس درد های شد ید میکرد ند ضرور بود تا تحمل کنند اما در پهلوی مشکلات کار ها بطور عجیبی پیش می رفت . دا کتران در دستگاه رهبری زمین از ین نکته به تعجب شد ند و قتی که در روز سوم پر واز لیا خوف وریو - مین پیشنهاد کرد ند تا در تقسیم اوقات روز مره آنها ور زشی گنجا نیده شود قبل از اینها این نوع پیشنها دات بعد از روز پنجم به دستگاه رهبری مخا بره می شد . ماه اول پرواز را در تر میم استیشن سپری کرد ند . کیهان - نوردان سیستم انر ژیک استیشن آلات را غرض ار قباط را دیو بی و تلویزیونی ، لباس کیهانی را غرض کار در خارج در استیشن تجدید کرد ند حتی شش و را نیز سر از نو سا ختند . قبل از پرواز لیا خوف وریو مین استیشن (سالوت شش) یکنیم سال به کار خود ادا مه داده بود ، شش دسته کیهان نوردان به آنجا سفر کرده بودند . بعد از پرواز لیاخوف وریو -

یومین استیشن «سا لوت شش» در طول شش ماه سه سفینه با ر بر ویک سفینه بیدون پیلوت (سیوز - سی و چهار) رانیز پذیرفت از پیاز و بادرنگ که در سفینه کاشته بودند استفاده میکرد ند اگر چه در سفینه همه چیز ها خوبتر نمی روئید مگر با هم در وقت صرف طعام تا اندا زه از آن استفا ده میکرد ند . لیا خوف وریو - مین با دستگاه رهبری در زمین رابطه ثابت دا شتند و از سفینه اطلاعات تلویزیونی ارا ئه میکرد ند . در اواخر ماه دوم سفر اطلاعات تلو - یزیونی در زمین در تلویزیون ظاهر شد . در ین دو ماه اطلاعات تلویزیونی تنها به یک جهت یعنی از حاشیه (عرشه) سفینه فضایی به زمین داده میشد و ارتباط تلویزیونی دو طرفه نظیر به یک سلسله علل تخنیک بر قرار نکرده بود ند . از جانب دیگر این نکته برای آنها نیز مهم بود که نه تنها با اقارب خود ار قباط مخا بروی بگیر ند بلکه باید آنها را ببینند . در ین مدت دستگاه رهبری زمین توا نست که یک سلسله اطلاعات را به شکل گرافیکی و اشکال به آنها بر سا ند این کار از اصراف وقت جلوگیری نمود واز طرف دیگر ارتباط مدا کروی را بین زمین و فضا آسا نتر سا خت . هنوز یکنیم ماه را در فضا سپری نکرده بود ند که به استقبال مهمانان باید آما ده میشد ند . سفینه فضایی سیوز سی و سه به رهبری فضا نورد اتحاد شوروی نیکلای رو کوف - یسینیکوف و فضا نورد بلغا ریای گیور کیا ایوا نوف نزد آنها فرستاده شد . متا سفا نه در فضا همیشه تمام کار ها مو فقا نه صورت نمی گیرند زیرا نظر به عللی سیوز سی و سه نتوانست به سا لوت شش ملحق شود و دو با ره بزمین برگشت در نتیجه یکتعداد تجا ربی را که سیوز سی و سه با ید انجام میداد ید و ش لیا خوف وریو مین اقتصاد تعداد تجا رب به حدی رسید که حتی مخا سبه آنها مشکل است . این دو کیهان نورد در طول مدت اقامت خود در سفینه بطور منظم از زمین عکس بر دا ری میکرد ند زیرا امروز بدون نقشه بر دا ری کیهانی جیو لو جست ها ، کار کنان زراعت ، طراحان سا ختمانهای بز رگت هایدو تخنیک کار های خود را بطور مو فقا نه پیش برده نمیتوانند نقشه های که برای آنها ترتیب می شود چند سال بعد مجددا نقشه برداری میشود . در طول مدت اقامت خود کیهان نو ردان به ما هسی گیران ، کشتی را نان کمک های مهمه جا نبه میکرد ند و اطلاعات بسیار ارزنده را به آنها میدادند . برای تحقیقات اتمو سفیر زمین و عکس - بر داری ذخایر طبیعی زمین کیهان - نوردان از کمره عکاسی استفاده می کرد ند که قبلا در استیشن سا - لوت شش موجود بود و تو سط علمای بلغار یا طرح ریزی شده بود . لیاخوف وریو مین در ین پرواز در عر شه استیشن برای اولین مر تبه در جهان رادیو تلسکوپ را نصب کردند که بقیه در صفحه ۴۶



فضا نوردان در حال صرف میوه جات دیده می شوند

اوقیانوس اطلس وساحات انگلیند جدید
مشاهده شده به سرعت سی میل فی ساعت
سرعت داشته خسارات ناشی از وقوع چنین
حوادث ناگوار که در بعضی قسمت های از
جهان گذارش یافته شکل افسانوی را بخود
اختیار نموده است چنانچه طوفان که در سال

۱۹۰۰ در ایالات متحده امریکا بوقوع پیوست
منجر به نابودی شش هزار نفر گردیده است .

طوفان سالهای ۱۹۵۵ تنها در شهر نیویارک
ایالات متحده منجر به قتل دوهزار نفر گردیده
و اضافه از هفتصد میلیون دلار خساره مالی در
بیکراقتصاد ملی آن کشور وارد نمود اما
طوفانیکه در سال ۱۹۷۲ در آن کشور بوقوع
پیوست در مدت دوازده ساعت ۱۱۷ نفر را
به قتل رسانیده و در حدود سه بلیون دلار
خساره مالی وارد نمود .

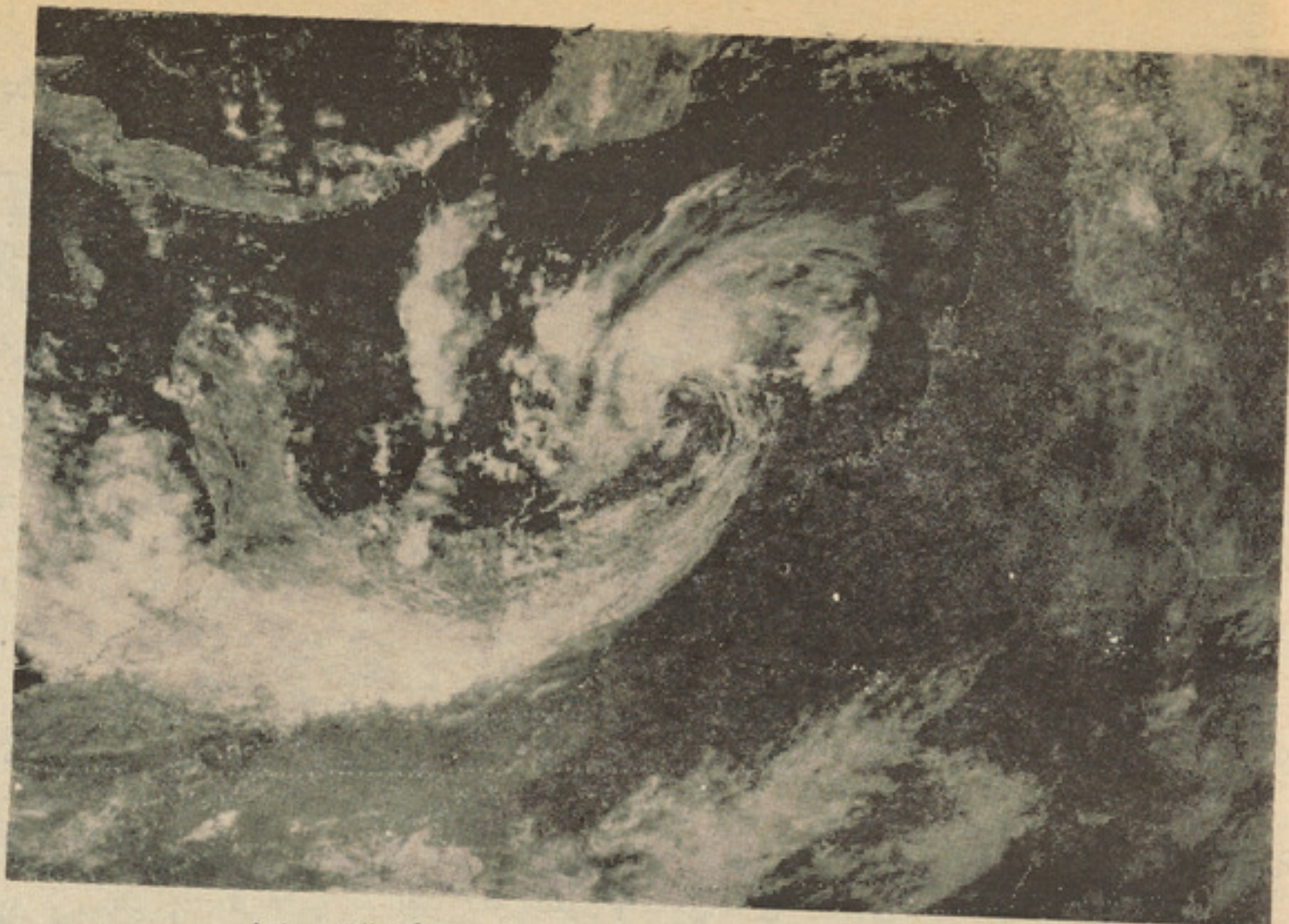
حوادث سال ۱۳۵۷ در کشور افغانستان
که بارندگی های شدید را در قبال داشت در
اکثر ولایات ضربات کوبنده و مدھشی را به
دببال داشت که کمتر نظیر آن را می توان
در چندین دهه های گذشته جستجو نمود

درین سیلاب در حدود ۱۲۰ نفر یکم مرگ
کشیده شد و در حدود ۷۱۲۵ فامیل به مشکل
بی سر پناهی و آواره گی مبتلا شدند .

نظربه احصائیه و ارقام که در دست است
گفته میشود که این طوفان مدھشی در حدود
۹۳۰۲۲ جریب زمین را کاملاً از بین برد و
خسارات مالی و جانی نیز با آن همراه بوده
که در حدود (۱۷۳۳۴۷۲۲۵) افغانی مجموعاً
خسارات آن را میتوان ارزیابی نمود .

امروز دانش بشری به چنان مقام رسیده
است که بخوبی وبه آسانی میتواند وقوع
چنین حوادث ناگوار و تباہ کن را پیش بینی
نموده و آلات و وسایل دقیق تخنیک که قدرت
پیش بینی دقیق حالات اقلیمی را در بدترین
شرایط دارد بواسطه زحمات و تلاش های
خستگی نا پذیر دانشمندان بوجود آمده و
میتواند زندگی مصون تری را برای انسانها
تدارک نماید .

طوفان ها امروز آن چنان عامل کشنده و
خطر ناک که در گذشته شمرده می شد به
بقیه در صفحه ۴۹



چندر ومد اوقیانوس ها باعث ایجاد طوفان ها و حین حالات در خشکه هادیده میشود

ترجمه ج. آمنگر

چگونه مبارزه با حوادث حیات آدمیزاد را مصونیت می بخشد

سرعت طوفان ها که شدت آن زیاد بوده در
حدود ۲۰۰ میل نیز تاکنون اندازه گیری شده
است توأم با این سرعت ممکن است گرد و
غبار و دمه به قطر چندین میل فضا را
پوشاند .
بعضی از طوفان ها که در قسمت های

سایبان اندیشه های عبادت از آنها را در
ذهنیت انسانهای آن زمان ایجاد نمود .
اما هر قدر از زندگی آدمیزاد در روی
زمین میگذشت نیرو های مولده رشد و تکامل
می نمود همای رشد و تکامل نیرو های مولد
شعور و افکار آدمیزاد نیز در پروسه رشد
و تکامل طی طریق نموده تابه تدریج انسانها
توانستند وسایل جهت جلو گیری از ضربات
کوبنده طوفانها ایجاد و مصونیت برای خود
و احضای شان ایجاد نمایند .

امروز دانشمندان و متخصصین اقلیم شناسی
توانسته اند وقوع چنین طوفانها سیلاب ها
و غیره را که امروز به اصطلاحات علمی بنام
سایکلون ها - هریکن و غیره یاد میشود
پیش بینی نموده و از وقوع آن قیلا اطلاعات
لازم را در اختیار جامعه بشری قرار بدهد
تابه اساس آن بتوانند قیلا در جساهای
مصون بود و پاشی اختیار نمایند و مواضع
و محل را که در آینده مورد حملات و تهدید
طوفانها قرار میگیرد به مردم معرفی نموده تا
از اعمار منازل رهاش در آنجا خود داری
و اجتناب بعمل آرند .

طوفانها یکی از خطر ناک ترین حوادث
است که خسارات مالی و جانی را به جامعه
بشری بوجود می آورد سرعت طوفان و گردباد
ها که تا کنون اندازه گیری شده در حدود
۷۴ میل فی ساعت و زیاد تر از آن است و هم

از زمانیکه آدمیزاد در روی زمین اساس
زندگی را گذاشتند از همان آوان آنها دچار
مشکلات و تکالیف زیاد بودند و این تکالیف
زیاد تر از ناحیه طوفان ها ، سیلاب های
مدھش و سایر آفات طبیعی و سماوی بود، در
آن زمان که سطح زندگی نازل بوده و همین
محدودیت های محیطی و جغرافیای در تعین
شعور و افکار اجتماعی نقش مهم داشته زیرا
هر قدر زیر بنای زندگی مادی پهن و وسعت
داشته باشد به همان اندازه شعور و افکار
داشته باشد به همان اندازه شعور و افکار
اجتماعی نیز همای آن رشد و تکامل می نماید .
روی همین لحاظ بوده که در گذشته ها

با وجود محدودیت های زیر بنای مادی زندگی
افکار آدمیزاد نیز رشد کافی نه نموده و
نمی توانستند علل و موجبات ایجاد و پیدایش
طوفانها گرد بآنها ، رعد و برق و غیره را در
یابند بنا برین از وجود آن ترس و هراس
داشتند و برای جلو گیری از آن دست به
تضرع ، توبه و استغفار می زدند تابه این طریق
توانسته باشند نیرو های مدھش و خطر ناک
را که به اساس قانونمندی های درونی
علی پدیده ها وقوع آن جبری و ناگزیر بوده
مطیع و آرام سازند همین نیرو های مادی
و ترس از آنها بوده که بعد ها با گذشت



مأمورین نجات در کمک آسیب دیدگان رسیده اند

در عو ض اینكه تر جمه آلهامی
اش را تكمیل كند برای دو ساعت
پهلوی میز پگون نشست و قشش را
تلف كرد .

ار كار دی ایوا نو ویچ هیچگاه
شكا یت نمی كرد، این حقیقت است
اما نیکیتا همیشه مواظبت می بود.
ما در شش در وقت ناشتا گفت که
شب هنگام سرهای بسیار شدید
بود و مجرای بیلر آب را یخ زده
بود و قتیكه نیکیتا میخواست بیرون
برود با ید رو پو شش عسکری اش
را بر تن كند اما نیکیتا گفت :

«صا دقا نه می گو یم كه بسیار
گر می است.»

«لطفا رو پو شش را بر تن كن.»
این سخن را ما در شش بر زبان
آورد .

«این رو پوش رخسارم را
فشار مید هد و مرا خفك میکند.
مادر ! این رو پوش مرا بر یز شش
گرفتار میسازد .»

مادر به ار كا دی ایوا نو ویچ و
نیکیتا دید و قتیكه گپ می زد آوا-
ز شش لر زان بود .

«تو باین حدنا فرمان هستی كه
نمی دانم بكه می مانی.»

ار كا دی ایوا نو ویچ گفت ، -
«بیاكه بدرس های خود شروع
كنیم.» دست هایش را طوری می
مالید كه گو یی خوشی بزر گتری
از حل مسایل ریاضی دكته كردن
ضرب المثل ها و یا سخنانی كه آدم
را بخواب ببرد (خسته كن - مترجم)
وجود ندارد .

نیکیتا در اطاق سفید بزر گك
بیکار كه نقشه دو نصف كره در
دیوار شش آویخته بود پهلوی یكك
میز كه باداغ های رنگ و تصویرهای
عریان پوش شده بود نشست و
اركادی ایوا نو ویچ كتاب ریاضی
را كشود .

«تا كجا خوانده ایم؟» با تندى
گفت . بایك پنسل نوك تیز
پرا بلم درسی را نشان داد .

«تاجری چند متر تكه آبی را فی
متر سه رو بل و ۶۴ كو پك و یكك
اندازه تكه سیاه را.» بخوان نیکیتا.
همزمان بان ، طور معمول ، اورا جمع
تاجر كتاب ریاضی اش تصور می
كرد . او دریك بالا پوش گرد آلود
دراز در نظر شش می آمد كه رنگك
پریده و تر شرو بود - يك مرد
سنگین ، مدور و خا موش ، دو كان

حتی گرد نشش بشو ید . بعد از ین
ار كا دی ایوا نو ویچ از شش نشه
ها یشش گرفته او را بطرف اطاق
نان به ما ر شش برد ، ما در شش كه
لباس خاکی پشمی بر تن داشت
كنار سما وار نشستیم بود در حالیکه
روی نیکیتا را در دست ها یشش
گرفته بود با چشمان رو شش و در-
خشان بطرف او دید او را بوسید .
«نیکیتا، آیا خوب خوابیدی؟» بعد او
به از كا دی ایوا نو ویچ دست دراز
كرد .

«خواب خودت چطور بود ؟ اركادی
ایوا نو ویچ ؟» او با دلجو یشی
پرسید :

بروت های سر خش خندیده
پهلوی میز نشست به چایشش شیر
ریخت ، پارچه قندی را در دست

اهدای به پسر نیکیتا الکسی
ایویچ تو لستوی با عشق عمیق
موتلف

حو یلی دا خل شود و از حویلی
تا در یا، جاییكه توده های برف در
كنار نشیب انباشته شده بود يك
سنگ انداز فاصله بود . نیکیتا
از بستر شش بر خاست و با نوک
پنجه هایش در چار گو شه خا نه
كه آفتاب آنرا گرم كرده بود حر كت
كرد . در همین هنگام در باز شد و يك
كله با عینك ، ابرو های سرخ و بر-
جسته و ریش سرخ تیز نما یشان
گشت . كله چشمك زد و گفت :
«تو دزد كوچك ، از خواب بر-
خاستی»

ار كا دی - ایوا نو و یچ
آدميكه ریش سرخ داشت معلم
خصوصی نیکیتا بود - ار كا دی
ایوا نو و یچ از شام گذشته در
تجسس بود و صبحگاهان عمو وقت-

الكسی تو لستوی

طفولیت نیکیتا

يك

صبح

آفتابی

مترجم : دكتور خدايداد بشرمل

گرفته میان دندانهای سفید شش
قرار داد و از پشت عینك ها یشش به
طرف نیکیتا چشمك زد .

طور ساده اگر گفته شود اركادی
ایوا نو ویچ غیر قابل تحمل بود: او
همیشه سر خوش بود ، پیوسته
چشمك میزد ، هیچگاه چیزی را
روشن نمیگفت بلکه همواره جملات
مرموزی استعمال میکرد و شخص را
به تشویش میگذاشت طور مثال
وقتیكه مادر بسیار ساده پرسید
كه خوابش چطور بود ؟ او جواب
داد: (اگر منظور خواب باشد، بد
نبود ، خوب خوابیدم) از همین جمله
باید فهمید ه شود اما نیکیتا می
خواست از ناشتا بگر یزد و به
در یا گو شش دهد . دیروز نیکیتا

تراز خواب بر خاست ، ار كار دی
ایوانو ویچ يك آدم هوشیار و زیرك
بود او با طاق نیکیتا در حا-
لیكه خنده معنی داری در چهره اش
نمایان شد و به طرف كلکین رفت ،
به آئینه تنفس كرد و و قتیكه یخ
آن آب و آئینه صاف شد عینك
ها یشش را مرتب نموده از كلکین
بطرف حویلی نگاه كرد .

«در آنجا نزد يك در» او گفت:
يك تخته بر فی مقبولی ایستاده ،
نیکیتا چیزی نگفت و تنها کمی تر-
شویی كرد . او مجبور شد لباس
سبب بپوشد ، دندان ها یشش را پاک
كند و رویش را با گوشه یشش و

زما نیکه نیکیتا بیدار شد آهسته
كشید و چشمانش را باز كرد ، از
سطح یخ زده كلکین ، از بالا ستاره
ستاره ها ییكه طور عجیب رنگك
شده و از بین شاخ و برگها ییكه
به نمونه غریبی نقشه شده بود ند
شعاع آفتاب می تابید . در دا خل
اطاق : اشعه خورشید ما ننسد
برف سفید می درخشید . انعكاس
شعاع آفتاب از دست شو یی بر
دیوار در حال لر زه بنظر می خورد .
با كشودن چشمانش بیدار وی
آمد كه شام گذشته (پگون نجار)
برایش گفته بود:

«حالا من رنگش خواهم كرد و
بالایش آب خواهم ریخت و و قتیكه
صبح از خواب بر خاستی می توانی
روی آن بالا شوی و بر وی.»

شام گذشته پگون با سما س
خواهش جدی نیکیتا يك تخته
برفی برا یشش ساخته بود ، تخته
چنین ساخته شده بود: در حالیکه
پگون در وسط جای تراشش كردن
پهلوی میز كار نجار در گاراج
ایستاده بود دو تخته و چار پا یه
تراشید ، كنار های عمده تخته
پائینی طوری اوریب تراشیده شد
بود كه در برف فرو نرود ، پا یه ها
نهایت نازك ساخته شده بود ، در
تخته با لایه دو فرو رفتگی برای
پایه ها وجود داشت تا را ننده خود
را محكم كرده بتوانند . تخته پایینی
با كود گاو رنگ شده و آب بر آن
ریخته می شد و در بیرون در هرای
سرد گذاشته میشد تا آنرا یخ
بزند ، این عمل سه بار تکرار شد
بر تخته بالایی يك ریسمان نصب
شده بود تا تخته برفی توسط آن
كشش شود و در حال را ندن سمت
حرکت آن در اختیار راننده قرار
گیرد .

تخته برفی با ید حالا آماده و
نزد يك در ایستاده باشد «پگون
چنین يك آدمی بود ، او می گفت
اگر من چیزی را وعده كنم ، كلام
با اندازه قانن راسخ خواهد بود
و آنرا انجام خواهم داد.»

نیکیتا در كنار بسترش نشست
و گوشش داد ، خا نه خاموش بود
هیچكس هنوز از خواب بیدار نشده
بود . اگر او لباس ها یشش را در
ظرف يك دقیقه می توانست بپوشد
بدون اینکه رویش را بشو ید
و دندان ها یشش را برس كند ، قادر
خواهد بود از دروازه عقبی به

نگاهی به اوضاع...

بین المللی راه زانو در آورد
ارتجاع عرب وداعیه فلسطین :
امپریالیزم و انحصارات ممالک پیشرفته
کاپیتالیستی از دیر زمانی برای غارت منابع
سرشار نفتی ممالک عربی، و برای تسلط و نفوذ
اقتصادی و سیاسی خود بالای این ممالک
و نگهداشتن آنها در مدار کاپیتالیستی، دولت
تجاوزکار اسرائیل را موظف تطبیق اعمال
خود قرار داده است . ولی در سالهای اخیر
در اثر تعمیق و توسعه مبارزه سازمان آزادی-
بخش فلسطین امپریالیزم برای کشتادن ممالک
عربی در پروسه ضد فلسطین و ضد حل عادلانه
معضله شرقیانه مساعی زیادی بعمل آوردند.
ارتجاع عرب در قلم نخستین رژیم سادات

بعد از مرگ جمال عبدالناصر فقید، علاقمندی
خاص برای جلب کمک ها و مساعدت های
نظامی و اقتصادی امپریالیزم از خود نشان داد.
و در های اقتصادی خود را بی مهابا بروی
جیولگران استعماری گشود . ارتجاع عرب
بازدویند های که با امپریالیزم داشتند به
نحو از آنها از مساعی برای حل عادلانه داعیه
فلسطین و برایم های منطقه شرقیانه سرباز
زدند . و در صدر همه آنها رژیم سادات قرار
گرفت . ارتجاع عرب با مبارزات آزادی خواهی

و روحیه انقلابی سازمان آزادی فلسطین کینه
می ورزند . و اغلب از کمک های مالی با آنها
ابامی ورزند .

ارتجاع مصر در مقابل اشاعه این شعار
اسرائیل که «اسرائیل بزرگ از یوفرات-
الی نیل» هم عکس العمل از خود نشان ندادند.
این شعار را سادات شخصا هنگام مذاکرات
ماه نومبر سال (۱۹۷۷) خود نیز تماشاً نموده
بود . بعد از این تاریخ رژیم سادات همواره

تقاضای کمک های نظامی و اقتصادی اسارت بار
را از ممالک غربی و امپریالیستی می نماید .
چنانچه قرا نوشته مجله «افریقا و آسیای
امروز» رژیم سادات از ممالک غربی بیست
میلیارد دالر قرضه را تقاضا نموده است .

چاکر منشی رژیم سادات در استان
امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل بعدی ارتقا
نموده است که رژیم وی وظیفه پاسبانی
منافع امپریالیزم رادر منطقه شرقیانه و حتی
قاره افریقا بعهده گرفته است هم اکنون قوای
مصری در بیش از ده کشور افریقایی مداخله
نظامی می نمایند . رژیم سادات همچنان برای
تشویق ممالک دیگر عربی در سازش های
جداگانه با اسرائیل نیز مبادرت می ورزد .
در اثر تعقیب پالیسی درهای باز مصر
میزان انفلاسیون درین کشور پانزده فیصد
افزایش نموده است .

وضع سیاسی درین کشور آشفته بوده و
بحران اقتصادی شدید ی دامنگیر جامعه
مصری باشد .

بقیه در صفحه ۲۵

در نهمین مجمع عمومی موسسه ملل
متحد که در بیست و دوم نومبر سال (۱۹۷۴)
صورت گرفت . احترام به حق تعیین سرنوشت
خلق فلسطین بدست خود شان و از آزادی
ملی خلق عرب فلسطین دفاع بعمل آمد .
فیصله نامه ای مجمع پیرامون داعیه فلسطین
بزرگتری موفقیت بین المللی سازمان رهایی
بخش فلسطین بشمار می رود .

بعد از این تاریخ پرستیژ بین المللی
سازمان آزادی فلسطین (پ، ل، او) بطور
روزافزونی به سطح عالی روبه فزونی نهاد .
همچنان یک کمیته بررسی تامین حقوق مسلم
خلق فلسطین در چوکات موسسه ملل متحد
تاسیس گردید .

سهم گیری نمایندگان موسسه آزادی
فلسطین در فعالیت های موسسه ملل متحد
وارگان های آن اکنون به معیار قبول و
پشتیبانی خلق های سراسر جهان ارتقا نموده
است . نمایندگی های این سازمان در بیش
از صد کشور جهان تاسیس گردیده است .

ستراتژی صهیونیزم اسرائیل ادامه اشغال
مناطق عربی ، لبنان، سوریه و حتی تمام
شبه جزیره عرب رادر بر دارد . چنانچه
اسرائیل هم اکنون برای تحقق این مقاصد
شوم خود ، اوضاع رادر جنوب لبنان فوق العاده
وخیم ساخته است . و این کشور را به کمک
ارتجاع سیاه لبنان و تجزیه طلبان این کشور
به کانون جنگ و تیرد قوای متخاصم تبدیل

نموده است . قوای بحری هوایی و زمینی
اسرائیل که با انواع سلاح مدرن و عصری
مجهز می باشد همواره به کمپ های مهاجرین
فلسطین و قصبات جنوب لبنان گلوله باری می نمایند
صهیونیزم اسرائیل همچنان خیال واهی
نابودی ، نهضت مقاومت فلسطین را که

نیرومندترین قدرت ضد امپریالیستی و ضد
صهیونیستی در منطقه شرقیانه به حساب
می شود نیز در سر دارد . درین مورد بیگن
اظهار نموده است «که در اسرائیل ، جنبش
مقاومت فلسطین را در همه جا، در زمین،
در هوا، و یا اقیانوس ازین می برد » این گفته
بیگن می تواند برای امپریالیزم و ارتجاع
بین المللی امید یی بیاورند . ولی در واقع
این گفته شکست و نابودی ارتجاع حا که
اسرائیل را باز گو می کند . ایجاد حکومت
اسرائیل به ارتباط اسناد تاریخی جز از نقشه
شوم امپریالیزم و استعمار چیزی دیگری
نیست .

رژیم جنایتکار اسرائیل اگرچه ظاهراً با در
دست داشتن آبار خانه های سلاح فراوانی که
امپریالیزم و استعمار سخاوتمندانه آنها در
اختیار آنها قرار داده است قدرتمند به نظر
می رسد . ولی در حقیقت پایه های عینی این
رژیم بعد کافی بی ثبات و لرزان می باشد .
امواج نیرومند مبارزات سرسختانه خلق
های انقلابی فلسطین سر انجام پیروز خواهد
شد . همانطوری که ویتنام قهرمان امپریالیزم

مرتب نمود .

«ام - ام» تمام حیوانات روی
زمین مطیع و ساعی اند چرا
خنده می کنی؟ نوشتی...؟ ضمناً
حالا تفریح کو تا می خوا میسم
داشت . ارکادی ایوا نوویچ در
حالی که لبهایش را روی هم فشار
می داد، انگشت وسطی دستش را
که ما نند پتسل معلوم می شد
بحرکت داده و از اطاق در سبی
بخارج شد، در را هرو با ما می
صحبت کرد :

«الکساندر را لیو نیتفنا، آریا
نامه دارم؟»

نیکیتا حدس زد که او - از که
انتظار نامه را داشت - اما فرصت
زیاد نبود - نیکیتا یک جا کت
اکوتا پو ست گو سفندی را بر تن
کرد، بوت های نمادی و کلاهش را
پوشید، و روی او را پوشش
الماری انداخت تا از نظر پنهان
شود و بطرف دالان دوید ..

توده برف ..

حویلی پهناور از برف نرم
وسفید و براق پوشیده بود و جای
پای های عمیق آبی رنگ انسان ها
ورد پله های متعدد سنگ ها در آن
هشامده می شد - هوا تند و بسیار
سرد بود . بینی اش را غفلت می داد
و در خسارش را مانند سوزن نیش
می زد - گاراج، چتری ها و طوطی پله
و کلاه های سفید سنگینی پوشیده
بودند و به زمین نزدیک معلوم می
شدند که گواهی از میان برف
روئیده اند - رد پا ها نیکه
از راندن قایق های برقی ما نده
بود مانند دو تریشه شیشه بامتداد

تمام حیاط بنظر می رسید -
نیکیتا از دالان از راه زینه ها نیکه
آواز می کردند پائین شد - درپائین
یک تخته برقی کاملاً نو از چوب
کاج ایستاده بود و یک حلقه ریسمانی
که از الیاف نپا تی ساخته شده
شده هم بالای ایش قرار داشت .

نیکیتا بطرف آن دید، محکم ساخته
شده بود، آن را امتحان کرد تا با-
سای نی نلغزد - تخته برقی را بالای
شانه انداخت ، پیل را هم که
فکر می کرد بدرش می خورد با
خود گرفت و بتمام طول باغ تا
نزدیک بند دوید . در آنجا درختان
بزرگ بید ایستاده بودند همه
شبیم یخ زده پوشیده شده بودند
و ساخته های شان طوری معلوم
شد که از برف ساخته شده باشد .

ناتمام

مانند یک مغازه تاریک بود، بالای
یک اطاق هموار غبار آلود دو پا رچه
تکه گذاشته شده بود - تاجر دستش
زادر راز کرده، تکه هارا از اطاق
برداشت و با نگاه آرام بطرف
نیکیتا دید .

خوب نیکیتا، چرا اینقدر فکر
میکنی ؟ ارکادی ایوا نوویچ پرسید:
بصورت مجموع تاجر ۱۸ متر تکه
فروخت . چند متر تکه آبی و چند
متر تکه سیاه فروخته خوا هد بود؟

نیکیتا عصبانی شد، تا جگر
ساکت و دو پا رچه تکه در دیوار
ناپدید و در گرد و غبار بالای هم
انباشته شد ... ارکادی ایوانوویچ
گفت - ای - ای - ای . و به توضیح
پرداخت، اعدادی را با پتسل به
سرعت نوشت ضرب و تقسیم کرد
و با خود تکرار میکرد، «ده بریک»،
«ده بردو» - به نیکیتا چنین معلوم
می شد که در جریان ضربیه ایمن
«ده بریک»، یا (ده بردو) از کاغذ
به کله اوومغزشش را تکان

داد طوریکه دیگر فراموشش
نخواهد کرد و یک احساس بسیار
ناخوش آیندی بوجود آورده . آفتاب
بیکه بردو کلکین در سخا نه که
اتوسط یخ با هم وصل شده بودند
تابید - همیشه او را صدا می زد:
«بیا بدریا» بالا خزّه درس ریاضی
به پایان رسید و املا شروع شد -

ارکاد ایوانوویچ بامتداد دیوار
بالا و پائین قدم می زد بایک آواز
مخصوص خواب آلود، آوازی که
هیچکس برای سخن زدن بکار نمی
بردند املا گفتن پرداخت -

تمام حیوانات روی زمین دایم
در مشقت هستند و کار می کنند -
شاگرد مطیع و ساعی نبود ...
نیکیتا در حالیکه نوک زبانش را
بیرون آورده بود به نوشتن آغاز
کرد، قلم بر روی کاغذ کش شد
و ترشح کرد .

ناگهان آواز بستن دروازه بلند
شد و او صدای تماس بوت ها را با
یخ می توانست از راهرو بشنود -
ارکاد ایوانوویچ کتایش را پالائین
آورد کرد و گوش داد . آواز خوشی ،
می از نزدیکی هاشنیده می شد ...
- پوسته را آوردی ؟

نیکیتا سرش را بطرف کتاب
تمرینش فرو برد، و خند اش
را خفه می ساخت - او به آواز
یکتواخت تکرار می کرد . «ساعی
و مطیع» «مساعی را نوشته ام» .

ارکادی ایوانوویچ عینکها یش را

از زمانیکه بساط ترور و اختناق را اعمال امپریالیزم در کشور ما گسترده بودند در چنان لحظات فضای شادی و سرور در همه اطراف و اکناف در شهر ها و دهات افغانستان مکدر شده در کلبه های زحمتکش و بیچاره گان آوای (غم) و اندوه - نجوا و بیقراری طنین داشت - در فابریکه ها و کشتزارها کارگران و دهقانان و تمامی زحمتکش و وطنپرستان در هر کجایی که بودند تعجب - تعجب - توهین روانه زندان و اعدام می شدند - استادان مکاتب و پوهنتو نهاد دانشمندان دکتوران و پرفیسوران بابی حرمتی به باستیل بلچرخ کشانده می شدند خلاصه هر آنکه سر وطنپرستی و تعالی مبین و آزادی انسان داشت در ردیف کسانی قرار میگرفت که بنوبه یکی

و برای آخرین بار دست ساطور بدستان در هوا قطع شد و خوشبختانه عده ای از زحمتکش و وطنپرستان از خشم آن دژخیمان نجات یافتند که این آزاد شدگان از جنگال مرگ کسانی بودند که افرایشان فاتحه آنها را خوانده در مرگ شان اشک نومییدی ریخته بودند ، چه در کشتار گاه بلچرخ هر که را میبردند دیگر هیچ امیدی به زنده بودن او نبود سازمان ترور این ستمگران درست همانند باند تروریستی امیر عبدالرحمن (پادشاه ظالم) بود که در آن روز کاران بنام (نام گیرگ) یاد می شد نام گیرگ یاسازمان تروریستی امیر عبدالرحمن چنان رواج داشت که شب هنگام درب بیچاره ای رابه امر امیر میکوبیدند و آنرا به زندان برده به سیاه چاه

کریمداد *

نجات از جنگال

دژ خیمان طاغوت مشرب

دیگر با ساطور جلادان نابود می شدند.

در چنان روزگاران غم آلود که گمانشگان امپریالیزم (باند فاشیستی امین) مذبوحانه تلاش داشتند که انقلاب شکوهمند نور را از سیر اصولی و اصلی آن به بیراهه بکشند ، یکبار دیگر آن همه غم و اندوه، آنهمه رنج و محنت، آنهمه نجوا و فریاد های کودکان ، زنان، مادران پدران ، دانشمندان ، مبارزین و تمامی زحمتکش بهم گره خورده و چون گرز کوبنده ای فرق بی مغز سردار ستم راجان پاشان ساخت که امروز خنجره امپریالیزم در مرگش نوحه سرایی دارد *

عامی انداختند زنده بگور نموده، تیل داغ، واسکت بریدن و نشر زدن چشم ها و غیره ظلم ها و اعمال ضد کرامت انسانی را رواج دادند . امیر حفیظ خان نیز باند تروریستی داشت که مرکز اداره آنرا شخصا بنام (کام) نامگذاری نموده بود و گمانشده های امین هم در این باند آن ددغستانی بودند که شبانگاه در حالی نشه چون گرگان درنده در منزل شخصی افراد به درو دیوار بام حویلی و اتاق های آن حمله نموده بدون کوچکترین احساس مسوولیت بالای آن فامیل قیامتی را برپایی کردند آن ددغستان آدم صورت که با تفنگچه و ماشیندار ارباب خود مسلح می بودند منزل مذکوره را تلاشی میکردند و اجناس قیمتی

و با ارزش آن منزل رابه سرقت برده و بالاخره هر که از افراد آن منزل در جنگ ایشان می افتاد اکثر آنها (بجرم) وطنپرستی، بشکل وحشیانه بادست و چشم بسته بصوب نامعلومی کشانده می شد ندو این همانند سازمان (نام گیرگ) امیر عبدالرحمن بود که هیچ کسی را این جرئت نبود که افلا بپرسد که آن بیچاره رابه کجا می برند ، و گناهش چیست؟

به این صورت با کمال جرئت میتوان این باند فاشیستی رايك باند سیاه وحشی ننگ زمان نامید زیرا چه وحشت و ستمگرایی نبود که از آنها سر نزد به آبرو ، حیثیت و شرافت مردم بازی کردند از کشته ها پشته ها ساختند کشتند ، بستند ، برق دادند ، سوختاندند، ناخن کشیدند ، پنجه دست و پا را قطع کردند و حتی زنده بگور نمودند .

امیر حفیظ الله خان امین مبتکر و حامی باند فاشیستی و تروریستی مخصوص تیپ خودش (فاشیست انقلابی نما) در افغانستان که برای سالیان متدای توانسته بود خود را به لباس مردم جازده سخن پرانی و پروپی نماید برای اولین بار پس از قیام مسلحانه ششم جدی اعمال ضد مردمی و ضد انسانی او بشکل آفتابی افشاء شد . گر چه ازین امیر نابکار و مرد فریبکار و این فیودال خونخوار عناصر روشنفکر و مترقی جامعه مانشناخت قبلی هم داشته و هم دارند تنها و تنها چند نفر اعضای فامیل او و وابسته های باند اوشان لفاظی و پروپی این قاتل هزاران وطنپرست را تائید و برایش کف می زدند و بس : چه روشنفکران انقلابی ما آگاهانه و برویت استاد و مدارك میدانستند که امین از نگاه سیاسی هم تربیه یافته دامان ننگین قدرت بزرگ امپریالیزم است و این وفاداریه امپریالیزم از همان دوره تحصیل خویش توانسته بود که موفقانه فعالیت سیاه سیاسی اش را پیش برد و حتی در مراکز امپریالیزم جهانی توانسته بود که به کرسی ریاست اتحادیه محصلین دربار نماید . و این مستند ریاست به کسانی داده می شد که او عضو سازمان سیاه (سی سی ای) می بود و این بهترین دلیل وابستگی این فاشیست با محافل امپریالیستی میباشد .

در داخل کشور نیز این امیر نابکار دژخیم صفت که با عوام فریبی مختص بخودش زمام امور را بدست گرفت عملا به اثبات رساند که او يك فاشیست و سر دسته تروریستان بوده زدوبندش را با محافل امپریالیستی ما هرانه حفظ نموده بود . این گفته ها روی سخن نیست بلکه حقایقی است که داغهای قلوب هر هموطن مادفتری از بس رویدادها میباشد در دوره سیاه همین امیر امین بود که بهترین جوانان و وطنپرست در زندانها و مخفیگاهها انباشته شده بشکل وحشیانه

مجازات و به صورت دستجمعی کشتار شدند . شهرها ، قریه ها ، منازل ساختمانها بمباردمان ویران و با خاک و خون کودکان ، جوانان و پیر مردان بی دفاع یکسان شد و اجساد بهترین و وطنپرستان بی گور و بی نشان در گودالها و خند قبا پرتاب شد . و امروز هیچ کسی نیست که در نابودی این باند جنایتکار خوش نمده باشد چرا که هیچ فامیلی سراغ نمیشود که به نحوی از آنحاء داغی از ظلم و ستم این باند رانندیده باشند .

آنطور یکه امیر حفیظ الله امین بطور کل قهرمان ترور و آدمکشی ، دزدی و ویرانگری بود . بهمان ترتیب والا حضرت سردار اسد الله امین نیز قومانده باند تروریستان مشخص رابه عهده داشت که مردم ستمکش اعم از دهقانان ، کارگران مزدوران ، جوانی ها ، کراچی را ، کپنه فروشان دختران ، پسران ، اطفال و بزرگسالان ، ملاها ، روحانیون محصلین و معلمین را مورد تعقیب تحقیق توهین ، اذیت ، شکنجه و انواع ستم قرار داده و بالا خره پس از مدتی در حالیکه مست می بودند در صحن زندان و یاد ر پو لیگون آنها را با تفنگچه و ماشیندار خود بقتل میرساندند .

رو به پرفته والا حضرت عبدالله امین که در طول عمرش بسوی علم و معرفت ، اخلاق و شرافت يك نگاه هم نکرده و چون (امیر بزرگ) عفته بی دانشی داشت با چنین بی حیثیتی به امر همان برادر مهربان و بزرگوارش والی والیان سمت شمال مقرر شد این بی فهم و جاهل فکر میکرد که حکمروایی یعنی آدمکشی ، چورو چاول ، کشتار های دستجمعی و شهر سوزی میباشد بهمین اساس ستم عبدالله امین بدل هر يك از هموطنان ما بخصوص در سمت شمال چون لاله های صحراداغی گذاشته فراموش نشدنی چه این مرد نابکار بهترین جوانان و نو جوانان را کشته خانه های ایشان را حریق نموده کودکان معصوم و خانم و مادر و پدر شان را در زندان می کشیدند ، شهر ها و قریه ها را یکجا با انسانها ، حیوانات اهلی اشجار و غله چات آن با پرتاب بم ها و اعمال تروریستی خود حریق و نابود میکردند .

در آن فضای اختناق و ترور که هر وطنپرست را روانه زندان می نمودند و گاهگاهی که در زندان جایی برای زندانی نبود بدستور شخص والا حضرت عبدالله امین دست های زندانی ها را بسته نموده آنها رابه دریای امو به دریای کوچکه پرتاب میکردند . بهمین ترتیب هر عضو ایمن باند سیاه به نوبه خود بالای مردم ظلم و ستم نموده بیرحمانه کشتار کردند این يك واقعیت انکار ناپذیر است که هر فردی از افسراد افغانستان در شمال و جنوب در شرق و غرب به نحوی از آنحاء مورد ضرب و آزار باند ترور و ارباب ستم قرار گرفته بودند . خوشبختانه که آن باند جنایتکار به سر نوشتی که باید مبتلا می شدند و خواست مردم مابود دچار شدند .

افتخار به مردم و وطنپرست و مبارزین انقلابی افغانستان که دشمنان بشریت و وطن خود را از مسیر انقلابی شان چون پوکاهی نابود ساختند .

! صدمت! اعني باب لة



بر گردا ننده نصیر ابو ی

از منا بع خار جی

جراحی روانی شیوه خطرناک باباز تاب امیدوار کننده!

مندی انسان به فرد مقا بلش نیز افزا یش می یا بد . در عین حال انسان امروزی محکوم به سر خور- دگی و تصا دمات روز مره عا طفی اند، زیرا در طول دوره زند گی نیازمندی عاطفی افراد غیر ار ضا کننده است. پس چنین حالت یعنی کثرت نیاز- مندی های زیاد و روان پر ششی هاو اضطرا بات و انواع واقسام آن اس- سی برای اختلا لات روا نی پلا- ریزی می کنند .

دا کتر کوردل معتقد است مغز یک انسان امرو زی مجبور است آنقدر

مغز انسان که از ده ملیارد سلول سا خته شده بز رگتر ین معم-ای آفر یش است .

با جرا حی مغز میتوان جنا یتکاران و معتا دان را معا لجه کرد .

با این شیوه جلو گیری از خسو نت های جنسی امکان پذ یر است.

هم اکنون با جرا حی روا نی هوش، حافظه و استعداد های گونا گون افراد رادستگا ری میکنند .

سر عت و شتا بزند گی مد رن، واضطراب های درو نی و دهها عامل تحول سر یع جا معا بشری که دیگر مغز، انسان امرو زی را در باعث میشود هر روز فشار بیشتری معرض خطر شد ید قرار داده است بر مغز ما وارد آید بر خورد های هر چه تمدن بشری انسا نها را با نا مطلوب و نا راحت کننده، دلهره فور مول پیچیده در هم می تند نیاز-

مطال ب واطلا عات را در خود جوا از آن استقا ده بکند که برای عمه افراد یک نسل قبل دشوا رمی نمود . سنگینی در مغز و حا فظه یکی از زیاد نا را حتی های عصر مسا است و در سرا سر جهان ملیونها نفر از سنگینی بارفکری و خستگی های رو حی و دما غی رنج میبر ندا آنچنان که در بالا گفته آمد خطر- اتی که در کمین مغز انسان خوا بیده اند سخت نگران کننده اند. بنسا مغز انسان برای اینکه خود را با شرا یط نو تطبیق دهد تحت فشار قرار میگیرد و از طرف دیگر شیوه های نو جرا حی روا نی نیز ممکنست بهتر ین یا بدترین شیوه با شد. بهر حال نگران کننده اند .

مغز انسان به ما نند یک خا-ازن بر قی است با ده ملیارد سلول که مهم تر ین عضو بدن است پروفیسور سرجان الیکلز دانشمند آسترلیایی و بر نده جا یزه نو بل می گو ید: اگر قشر خار جی مغز گستر ده شود صفحه ی بد ست می آید با طول پنجاه سا نتی متر، سه ملی متر- ضخا مت سلول عصبی نشین گاه همه تجر بیات در سرا سر طول زند گی هستند با احسا سات عوا- طف، ادرا کات خا طرات و عکس العمل های ما، اندا یشه های ما همه و همه از همین ده ملیارد سلول سرچشمه می گیر نددرجهان هیچ پدید- وجود ندارد که پیچیده تر از قشر خار جی مغز باشد در زبان علمی این سلول ها را نیو رون گو یند هر نیو رون میتوا ند با سلول های همجوار خود پنجاه هزار را بطه برقی ایجاد کند مغز مادر هر لحظه هزاران اطلا عات را به شکل امواج بر قی دریافت می کند . سر چشمه علامات و سگنال ها مواد کیمیایی هسته که در سلول ها مغزی پخش شده اند اطلا عات در یا فت شده به حسب نوع آنها حا فظه ما را تشکیل مید هند (به تاز گی کشف شده است که حا فظه سا ختمان-ما- لیکولی دارد) بر رسی و مطالع- مغز بو سیله مکرو الکتروود نشان داده است که در مغز، برای کنترول اعمال ما مراکز بخصوص وجود دارد مرکز گر سنگی، عطفی و تشنگی،

یا دهانی میکردند ، نه يك اصل علمی اما بعدا آزمایشات عکس مناسقه را ثابت ساخت.

در دهه پنجاه دو فکتور (عامل) عمده تداوی کیمیا یی واستفا ده از الکترولشاك باعث پیش رفت وسیله فوق گردید زیرا تا ثیرات جانی نبی ومخالفت های زیاد حلقه های علمی بیشتر از پیش سد پیشرفت بقیه در صفحه ۴۶

نگاهی به اوضاع...

در زدوبند واتحاد نامقدس باهم تشریک مساعی می نمایند بحث صورت گرفت . نمایندگان حلقه های سیاسی مترقی اروپای غربی نیز پلان های امپریالیزم رادر قبیل داعیه عرب وتامم پرابلم های ناشی از تشنجات بین اعراب واسرائیل را مورد تگوشش قرار دادند . اهمیت این کنفرانس با حضور یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین وبنایه های پرتحرک وی بیشتر گردید .

یاسر عرفات رهبر خلق فلسطین پیرامون مبارزات قهرمانانه آزادی خواهی خلق عرب فلسطین سخنرانی نمود . واهمچنان از کمک وبشتیانی پیدریغ تمام کشور های جامعه سوسیالیستی و بخصوص از مساعی اتحاد شوروی برای حل عادلانه شرق میانه اظهار خرسندی نمود .

تمام شرکت کنندگان این کنفرانس قاطعانه اعلام نمودند که باید تمام قسوی اشغالگر اسرائیل بدون قیدو شرطی از مناطق اشغالی که در سال (۱۹۷۶) متصرف نموده است خارج شوند وحقوق طبعی و مسلم فلسطین را یعنی برتشکیل نمودن دولت آزاد فلسطین مورد احترام قرار دهد .

در این کنفرانس به آئنده از کشور های که تاهنوز موسسه آزادی فلسطین را به رسمیت نشناخته اند خاطر نشان گردید تاهر چه زودتر این موسسه رابه رسمیت بشناسند . در خلاصه تحلیل وبررسی اوضاع سیاسی در منطقه شرق میانه این نتیجه گیری حاصل خواهد شد که پرابلم های شرق میانه ومسئله فلسطین در صورتی میتواند عادلانه حل گردد که همه جوانب ذی علاقه بشمول نماینده سازمان رهایی بخش فلسطین به اساس فیصله نامه های موسسه ملل متحد عمل نمایند . زدوبند ها و معاهدات که در خفای خلق عرب وبدون اشتراك موسسه آزادی فلسطین صورت گیرد جعلی وسطحی خواهد بود . ودر امر صلح هیچگونه تأثیری مثبت نخواهد نمود .

حل عادلانه مسئله شرق میانه قدم بزرگتری خواهد بود در راه تعمیم دینات وامنیست بین المللی .

سر زبانها بنشانده اما به یقین اساس این روش در سال ۱۹۳۵ گذارده شد . در گردهم آیی دانشمندان بین المللی که در هما نسال منعقد گردید . اساسات آن برای نخستین بار توسط داکتر کار لیل ودا کتر جان فو لتن باز گو گردید و یکی بعد دیگری چاقوی جرا حی را روی انساج دماغ خوا با نیدند . دراوایل ازین طریق به عنوان يك فنا نتری

بقیه صفحه ۲۱

به اساس نوشته لوموند چاپ پاریس عرصه زندگانی کارگران ، دهقانان و غیره طبقات پایین وزحمتکش پیوسته تنگتر می گردد .

سازش های مصر واسرائیل مورد نفرت همه جهان مترقی قرار گرفت . و متجمله پروسه ضد سازش های خائنانه مصر در کنفرانس ماه مارچ بغداد که به اشتراك (۱۸) کشور عربی انعقاد یافت بخوبی تجلی نمود . از مواد برجسته وفیصله نامه این کنفرانس که به اتفاق تمام اعضای شرکت کننده به استثنای سوماتی وعمان بتصویب رسید مواد آتی را می توان ذکر نمود .

۱- وضع تعذیرات اقتصادی با حکومت موجوده مصر .
۲- قطع روابط دیپلماتیک با حکومت مصر .
۳- اخراج مصر از عضویت کانگرس جهانی اسلامی .

۴- اخراج مصر از تمام سازمان ها واتحادیه های منطقه ای عربی .
۵- قطع صدور نفت به مصر .

همچنان در اجلاسیه سوم کانگرس خلقهای عرب که در ماه می ۱۹۷۹ در عدن به اشتراك هفتاد حزب وسازمان های سیاسی ویکصدو چهل و دو اتحادیه کارگری وسازمان های زنان وغیره سازمان های اجتماعی از هفده کشور عربی انعقاد یافت به وضاحت اعلام نمود . که آنها برضد سازش های مصر واسرائیل مبارزه خواهد نمود آنها ضرورت تحکیم همکاری خود را باتمام ممالک مترقی وبطور اعم با کلیه کشور های جامعه سوسیالیستی تاکید نمودند .

کنفرانس لزبن وخواست عادلانه فلسطین : در آغاز ماه نومبر سال ۱۹۷۹ در لزبن مرکز پرتگال کنفرانس تساند وهیستگی باخلق فلسطین انعقاد یافت . درین کنفرانس اعلام گردید که اسرائیل حالت وخشتناکی را برای کلیه خلقهای شرق میانه وبخصوص خلق فلسطین ایجاد می نماید . سخن گویان این کنفرانس تاکید نمودند که معاهده نام نهاد کمپ دیوید وسازش های خرابکارانه مصر و اسرائیل حقوق انسانی وملی مردمان عرب فلسطین را زیر پا می نماید . و پالیسی صهیونیستی اسرائیل عمده ترین تهدید کننده صلح ودینات در منطقه شرق میانه وسراسر جهان پنداشته می شود . همچنان در یسن کنفرانس پیرامون ستراژی های امپریالیزم ارتجاع عرب وار تجاع حاکم اسرائیل که حال

بیمار فرو می کنند . وچند نسج را می برند . اما عملا معلوم شد که این بهبود یا فتگان به انسا نهی تبدیل شد ند گیسج وبسی ارا ده تغییرات روانی آنها چنان شد ید بود که حتی نزد یکان شان به شناخت آنها مو فق نشدند . اما امروز شکل تکان مل یا فته تری از جرا حی روانی مغز در آلمان ، امریکا از آزما یشگاه ها به شفا خانه هاراه یافته است با این شیوه جراحی بعضی از صفات خشنونت آمیز وانحرافات جنسی بیمار را از بین می برند . يك کمسیون جهانی شامل پروفیسوران بین المللی مامور بر رسی درباره این مسند جرا حی شد . اعضای این کمسیون صریحا اعلام داشتند

که میتر سبند در مورد اینگو نه جرا حی افراد بشودواز ین روش استفاده های غیر انسانی نمایند با این هم رئیس کمسیون دا کتر رایان اعلام داشت : جرا حی روانی مغز تا حال به بیماران زیادی کمک کرده بدون اینکه هوش وفرا ست آنها از بین برود ویا به زندگی عاطفی شان لطمه وارد شود . از سال ۱۹۷۰ به اینسو جراحی روانی پیشرفت زیادی کرده است اما

جراحان بخش مغز سعی می کنند که برای عمل خود حدود قاطعی تعیین وبرای آن جامه ی قانونی در بر کنند تا کار به افراط نکشد . ها کسلی متفکر بزرگ پیش بینی کرده بود که اگر این شیوه از آزما یشگاه های علمی به جامعه سرایت کند . جامعه انسانی دچار سقوط خواهد شد . این بحث ومناقشات علمی ، انتقاد و طرفداری ، طی سالیان دراز ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۷۴ کنگره جهانی عصب شناسی ادامه

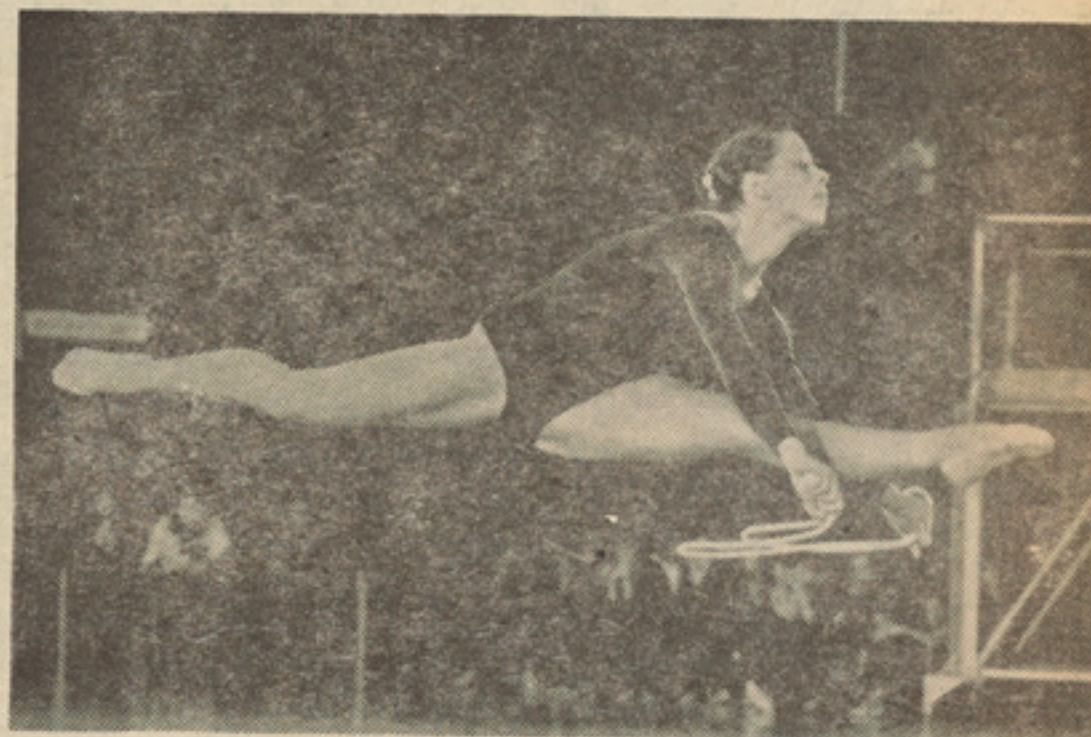
تحقیق کنترل عادات روانی را تا سال ۱۹۸۴ اعلام کرد ند . یعنی این کنگره در مرحله اول شیوه را تا سال ۱۹۸۴ وفوق آن بوسیله جراحان مغز تضمین نمود . ودست اندر کاران وکارشناسان آزما یشگاه را صلاحیت قا

نون داد ومطابق بق به اجرا آت این کنگره پیا ده ساختن عمل روی بیماران روانی ز تدا نیان و اطفال قبول گردید . واین وسیله همانندی که پیشگوی می شد میر فت تاداغ ترین موضوع علمی روز را بر

مرکز خوشونت ، مرکز غرایس جنسی وبالاخره مرکز روانی . درین اواخر مرکز درد ولدت نیز تشخیص شده اند وحتى دانشمندان توانایی آنرا داشته اند تا با وسایل برقی در مرکز اخیر الذکر را به تحریک بیاورند وبطور مصنوعی ایجاد درد ولدت نمایند . مهمترین پدیده مغز ما حافظه است وچنین به نظر میرسد که ضبط خاطرات دیدنی ها وشنیدنی های عمل پیوشیمی است که بکمک برخی از مواد ساخته شده از مغز انجام می پذیرد . تنها شاک میتوانند این دستگاه پیچیده را ازهم بپاشند . شاک های روحی نیز می تواند کار حافظه را دچار اختلال ودگرگونی نماید . «زیگموند فروید» ثابت ساخت که حافظه برخی از خاطرات تحمل نا پذیر خود را به صورت خودی بدست فراموشی می سپارد وهم ثابت ساخت که ضمیره نا آگاه شخص خاطرات را طرد میکند . امار واحصائیه های یونسکو در مورد افراد یکه از درد گیری های روحی رنج می برند جالب است طی خبر آخرین این موسسه تعداد کسانی را که درحال حاضر به کار های علمی وفکری مشغول اند نود فیصد وانمود کرده است .

کارشناسان اعلام کرده اند که کشف اسرار مغز انسان البته باعث درمان ومعالجه بسیاری از بیماری هادر سال های دو هزار وفوق آن خواهد بود . اما آنچه مسلم است شاید انسانها بحدافرا طی به جراحی روانی رو ببرند وبا دادن الکترولشاك هاویا دهها وسیله دیگر مغز انسا نها را تغییر دهند . دانشمندان نباید به استفا ده های احتمالی از کشفیات خود شان بیندیشند زیرا از هر پیشرفت یا کشف علمی ممکنست روزی به قصد غیر اخلاقی استفاده بشود . اما این وحشت از آینده نباید مانع کار هردانشمند باشد . جراحی روانی از هنگامی پدید آمد که يك داکتر پرتگالی بنام آگاس لوئیز شیوه معالجه مخصوص را برای بیماران روانی پیشنهاد کرد این شیوه لوبو تو می نام دارد . مطابق این اصل برخی از انساج را که از ناحیه پیشانی (محل تفکر) به سوی مغز می روند قطع می نمایند . ظاهرا عمل ساده هم است . نیشتری را در سر

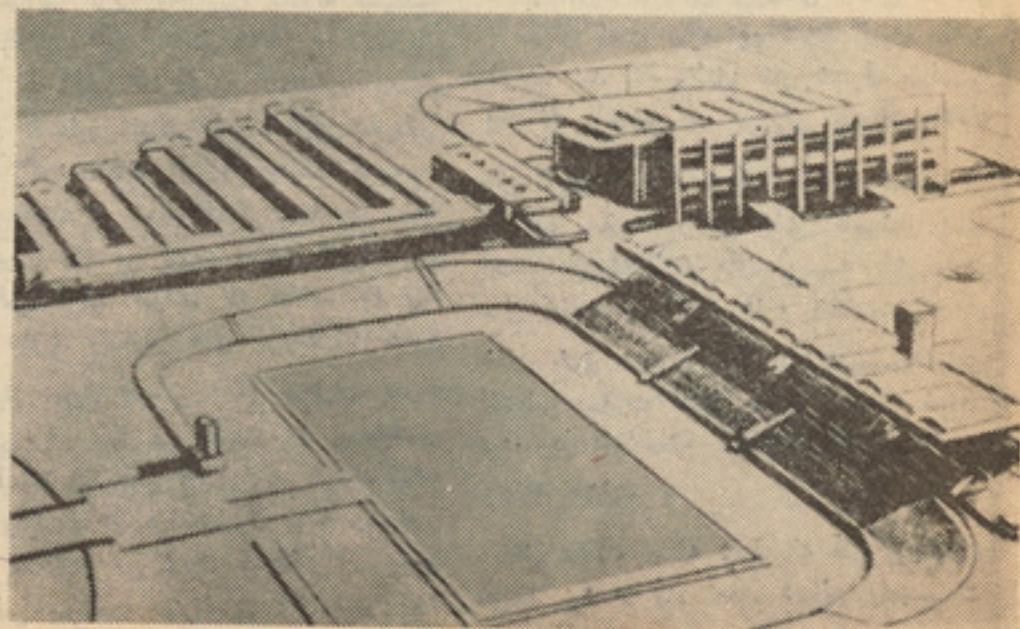
پلان اعمار شهری برای اسب سواران



مشق و تمرین های ورزشی درستند یو می که برای المپیا ۱۹۸۰
ساخته شده است.

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی يك ستند یوم بوده زیرا مردم به
که در آن در سال ۱۹۸۰ مسا بقیه آسا نی میتوانند از هر نقطه شهر
او المپیا جهانی دایر میگردد شهری به آن جا رسیدگی نموده وهم
برای اسب سو ران و مسا بقیه اسب در پهلوی مناظر طبیعی خوش
دوانی در منطقه بیست که در حد و آب و هوای قرار دارد. این ستند یوم
بیست و شش کیلو متری مرکز در حدود چهل و پنج هکتار زمین
قرار دارد در نظر گرفته شده را در بر میگردد.

يك گروه مهندسين وانجنييران
اما مهندسين در مورد تعیین مو فق شدند تا توا زن میان عمارت
موقعیت ستند یوم مذکور چهار های بلند و زمین های هموار وجود
تردید و سردرگمی های می باشند آورند. خشت پخته و چوب موا دی
اما عده به این نظر اند که این است که روی سا ختمان ستند یوم را
منطقه محل مناسب برای اعمار با آن اعمار نموده اند که رنگ نمای

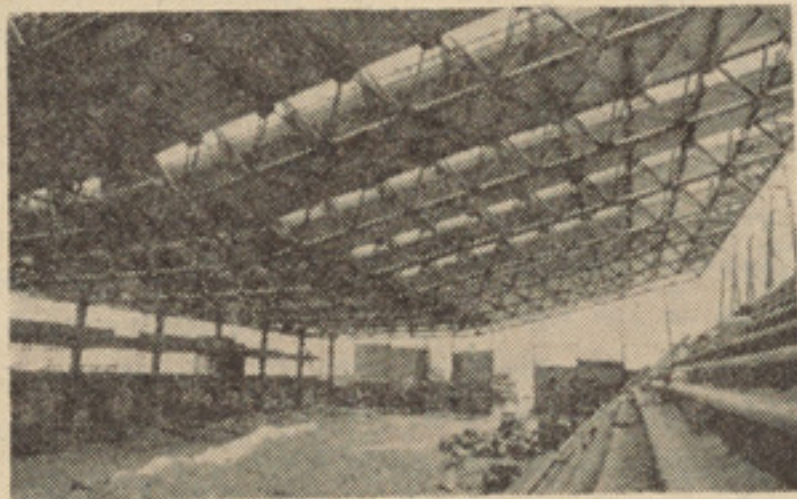
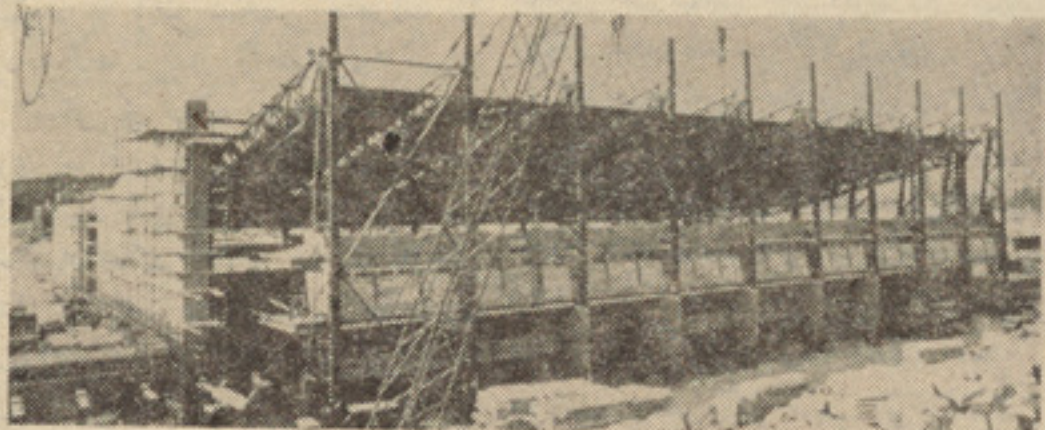


مادل ونمو نه سا ختمان ستند یوم ورزشی برای اسب سواران در منطقه
بیستا.

خارجی ستند یوم مذکور با رنگ
طبیعی طبیعت همگونی را وانمود می
سا زد. عمده ترین قسمت این
ستند یوم را محل جست و خیز و تمرین
تشکیل میدهند در حدود دوازده هزار
چوکی در روی زمین ساخته شده
که در سه قطار قرار دارند هر
قطار آن نود تا یکصد و پنجاه متر می
باشند.

قسمت های درونی ستند یوم
میدان مسابقه در حدود یک هزار و
هشتصد متر بطور مدور بوده و بیست
متر فراخنا دارد که در درون حلقه
های دو شش محل برای تمرین
و آما دگی برای مسا بقیه در نظر
گرفته شده است.

تعداد زیاد مردم بدون داخل شدن
در ستند یوم مذکور میتوانند
از نقاط دور از مرا تع و زمین های
هموار نیز مسا بقیه را تماشا نمایند.
در ستند یوم مذکور دو محل
مرکز گرمی نور و روشنی کافی و



يك ستند یوم سقف دار برای مسابقه اسب دوانی در اتحاد شوروی

برای پوشیدن و تبدیل کا لا وجود
دارد یکی از این محل ها که سر
کشاده بوده دارای یک هزار و پنجصد
چوکی بوده و دیگری آن را
دو هزار چوکی است این محل که
دارای دو هزار چوکی است سقف
آن کاملاً پوشیده است و طوری
دیوارین و طرح ریزی گردیده که
اشعه سقف آن در هجده متری طرف
دگر تا بیده و قسمت با لایی را در
تبدیل هوای آزاد کمک میکند.

حما می باشد که در مجا و رت
آن کلنیک حیوانی و بیتا ران نیز
قرار دارد.
ییلی نا قهرمان جهانی او-
لمپیک در مورد این استند یوم چنین
اظهار عقیده نموده است این استند یوم
شگفتی انگیز که در اتحاد شوروی
سوئیا لیستی اعمار میگردد نه
تنها یک طرح و دیزین زیبا برای اعمار
يك ستند یوم بزرگ مسا بقیه
بقیه در صفحه ۵۰

باشتر اک در روز نامه ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

شرح اشتراک روزنامه ها
و مجلات در خارج کشور:

وجه اشتراک روزنامه حقیقت-
انقلاب نور، انیس، هیواد و کابل-
نیو تایمز در خارج کشور، هوایی
صد دالر و زمینی سی دالر.

برای محصلین، هوایی هفتادوپنج
دالر، زمینی بیست و سه دالر.
وجه اشتراک مجله ژوندون در
خارج کشور هوایی صد دالر، زمینی
سی دالر برای محصلین، هوایی
هفتادوپنج دالر، زمینی بیست و سه
دالر وجه اشتراک مجله کمکیانوانیس
در خارج کشور، هوایی پنجاه دالر،
زمینی بیست و پنج دالر.

وجه اشتراک مجلات پکتیا، کندهار،
ننگرهار، بلخ، کهول، آواز، فرهنگ
خلق، هنر، کتاب، کو شانی و
جرايد یو لډوز، گوراش و سوب
در خارج کشور هوایی پانزده دالر،
زمینی پنج دالر برای محصلین،
هوایی دوازده دالر و زمینی چهار
دالر.

وجه اشتراک مجله آریانا در خارج
کشور، هوایی دوازده دالر، زمینی
پنج دالر برای محصلین، هوایی نه
دالر، زمینی چهار دالر.

مدیریت عمومی توزیع روزنامه
ها و مجلات از آغاز سال نو با وسایل
بیشتر و جدی تر در خدمت علاقمندان
روزنامه ها و مجلات است تا آخرین
اطلاعات روز و داغ ترین حوادث روز
را بشما برساند و مجلات و جرايد
محبوب خانواده ها را در مو قعش
برای آگاهی و سرگرمی تان تقدیم
کند.

وقت گرانبهاست، از زود ترین
فرصت استفاده نمایید تا کلکسیون
تان از آغاز مرتب باشد. زیرا با ختم
سال جاری میعاد اشتراک پایان
میابد.

مرجع اشتراک:

مدیریت عمومی توزیع روزنامه ها
و مجلات.

در بدل یکصد افغانی و اگر شاگرد
و محصل باشد در بدل هفتادوپنج
افغانی یکسال روزنامه در خدمت
شما است.

کابل نیو تایمز.

اگر روزنامه کابل نیو تایمز
را انتخاب کنید در
هر نقطه کشور که باشید با پرداخت
یکهزار و شصت افغانی و اگر شاگرد
و محصل هستید با ارائه تصدیق و
پرداخت دوصد و پنجاه افغانی
یکسال شما مشترک ما هستید.

مجلات و جرايد ما نیز حسب زیر
یکسال در خدمت شما خواهد بود:
مجله ژوندون:

سالانه پنجمند افغانی برای متعلمین
و محصلین با ارائه تصدیق چهار-
صد افغانی.

کمکیانوانیس:

سالانه یکصد و بیست و پنج افغانی.
مجلات پکتیا، کندهار، ننگرهار،
بلخ، کهول، آواز، فرهنگ خلق،
هنر، کتاب، کو شانی و جرايد
یولدوز، گوراش و سوب در داخل
کشور سالانه شصت افغانی برای
متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق
چهل و پنج افغانی.

مجله آریانا بزبان انگلیسی:

سالانه یکصد و شصت
افغانی برای متعلمین و محصلین با
ارائه تصدیق یکصد و سی افغانی.
شما میتوانید در مرکز همه روزه از
اول تا آخر حوت به مدیریت عمومی
توزیع روزنامه ها و مجلات در جوار
عمارت مطابع دولتی، انصاری وات
مراجعه و اشتراک نمایید و یا وجه
اشتراک تا ترا از مرکز و ولایات
بحساب (۶۰۰۱) و ارداد
دولت تحویل و اویز آنرا مستقیماً
عنوانی مدیریت عمومی توزیع
روزنامه ها و مجلات انصاری وات
کابل بفرستید.

اطلاعات و کلتور بافرور یختن مرز
تفاوت وجه اشتراک شهر و ده در
خدمت بیشتر علاقمندان روزنامه ها
جرايد و مجلات است.

بخاطر اینکه در سال نو کلیه
روزنامه ها، جرايد و مجلات بتوانند
دروازه های تمام مشترکین را صرف
نظر از شهری و روستایی یکسان
بگویند، مدیریت عمومی توزیع
روزنامه ها و مجلات وجه اشتراک
علاقمندان را در کلیه نقاط کشور
یکسان میپذیرد.

دوستداران روزنامه ها، جرايد
و مجلات:

شما که بر قلل شامخ و پر برف
زندگی میکنید و یا در دشت های
گسترده و وسیع حیات بسر
میرید....

شما که در کابل هستید و یا در
دره های پرخیم و پیچ میتوانید با
پرداخت وجه اشتراک یکسان در
جمله مشترکین روزنامه ها، جرايد
و مجلات ما باشید از داغ ترین
رویدادها، خبرها، حوادث آگاهی
بیابید و ساعت ها سرگرم شوید.

روزنامه حقیقت انقلاب نور:

اگر خواهان روزنامه حقیقت
انقلاب نور میباشید در هر جای
کشور که هستید در بدل دو صد
افغانی و اگر شاگرد و یا محصل
باشید با ارائه تصدیق در بدل ۱۵۰
افغانی یکسال بشما روزنامه
میفرستیم.

انیس:

اگر انیس میخواهید در
هر گوشه میهن که باشید با پرداخت
دو صد و بیست افغانی و اگر
شاگرد و محصل هستید با پرداخت
یکصد و پنجاه و پنج افغانی یکسال
روزنامه رسان در منزل شما را
میکوبد.

هیواد:

اگر روزنامه هیواد را
بخواهید در هر کنار وطن که هستید



انجیلا وفا نثار

زن و شناخت مسوولیت هایش

در فامیل

همانطور که مردان در مقام بل فامیل و اجتماع خود مسوولیت های دارند و شناخت مسوولیت های شان باعث خوشبختی و سعادت آنها میگردد. زنان نیز درحالی که نسبت به مردان حقوق مساوی دارند، در مقام بل خانواد و اجتماع مکلفیت های قابل شناخت دارند که به شناخت و ایفای وظایف خویش میتوانند از بسی مشکلات و نارسایی های فامیل بکاهند.

بطور مثال: اگر خانمی با وجود داشتن مصروفیت رسمی روزانه در محیط کار شش کمتر در امور منزل سهم و علاقه گرفته و منتظر آن باشد تا پسر، دختر و یا شوهرش هفت ساعت در دفتر کار مینماید، دیگر از همه کارهای منزل معاف است، واضح است که، وظایف خود را آنطوریکه لازم است نشناخته، شوهر و یا دیگر اعضای فامیل بخاطر گذشته که دارند، شاید بعضی کارهای محوله او را تا اندازه انجام دهند و یا شاید نتوانند قسمی که لازم است به ترتیب وانسجام امور منزل سپیم گردند.

زیرا یک مرد نمیتواند، طوریکه

موفق باشد. با وجودیکه مرد در این قبیل کارها مبادرت ورزد باز هم نتیجه مطلوب نخواهد گرفت و دیری نمیگذرد که از زندگی خسته شده و نارضایتی از خود نشان میدهد.

برای جلوگیری از خلق شدن چنین روحیه، در صورتیکه مرد و زن هر دو با داشتن هدف واحد و خلوص نیت در کارهای منزل سهم بگیرند. ممکنست نتیجه این اتحاد بسیار عالی و سودمند باشد. در بادی امر با وجودیکه آنها خوب شنبخت شده و بدون مشکلات زندگی مینمایند، در آیه زندگی نیز اتحاد نظر عمل و همکاری متقابل آنها باعث جلوگیری از نارضایتی ها و مشاجرات گردیده و هیچگاه ضرورت احساس نمیشود که برای حل مشکلات فامیلی شان شخص دیگر از اقارب میانجی شده و فرو گذاشت هر یک را بر شمرد و بعدا به آنها بگوید که در آن قسمت کی ملامت و مقصر است؟

از این چه بهتر خواهد بود، قبل از آنکه موضوعات خورد و ریزه خانوادگی کسب و خا مت نموده به درازا بکشد، خانم و شوهر شش بیک نگر شش همه جا نبه، موضوعاتی را که نزد آنها لاینحل و معشوش است، بررسی نموده

مادری به اطفالش رسیدگی و هموایی مینماید، بهمان کیف و کان در قسمت تربیه طفل و یا تهیه غذا

پس بهتر است، آنقدر زحمت و مراد نیکه به این امر کمتر رقی میگذرانند با شناخت وظایف و موقع خود و جلو تمام این گونه سو تفاهات و بی اعتنائی هار گرفته و نگذرانند که با این فرو گذاشت ها، برعلاوه خود شان اطفال آنها نیز پریشان شده و از محبت و لطف مادرانه و پدرانه محروم گردند.

ترجمه و نگارش

عبدالله «محب حیرت»

زنان یوگوسلاویا

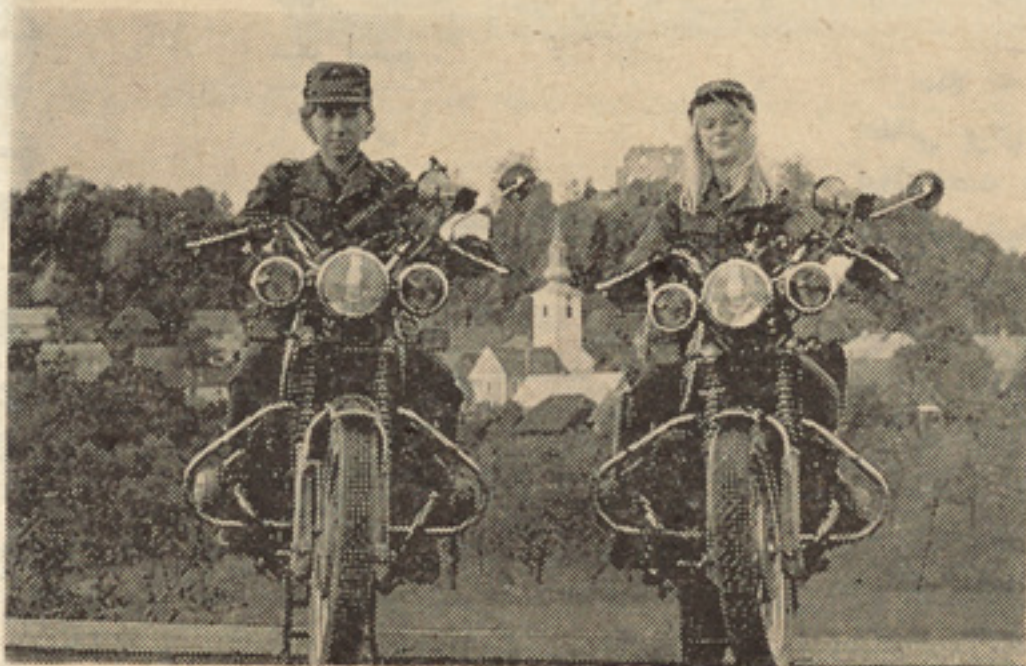
وسهمگیری شان در امور دفاع ملی!

نخست بایست یادآورد شد که جمهوری فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا بعد از جنگ عمومی دوم جهانی، بتاریخ ۲۹ ماه نوامبر ۱۹۴۵ در ردیف کشورهای مستقل گیتی عرض وجود کرد و در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ عضو موسسه ملل متحد شده و تاریخ سی و یکم جنوری ۱۹۴۶ تاسیس فدراسیون مردم یوگوسلاویا سروسامان گرفت و بحث یک کشور آزاد غیر منسلک تحت زعامت مارشال جوزف بروز تیتو بسوی پیشرفتهای گوناگونی طور بگیر گامزن شده و بوقیتهای مطلوبی نایل آمده است که مظاهر آن در هر گوشه و کران آن سرزمین بخوبی پیداست.

قبل از توصل به آنچه پیر و زیبا و حصول آزادی کامل، مبارزات دلیرانه و رهایی بخش باشندگان حریت طلب این کشور در مقابل

تجاوزات آلمان هتلری و نیروهای تبهکار و بیرحم فاشیزم، صفحات تاریخ از خودگذریهای ملل آزادخواه و با شهامت اروپای جنوب شرقی را پر رنگ و زیب ساخته است.

البته در پهلوی سایر انکشافات آنجا، مساله تامین تساوی حقوق زن و مرد هم مورد نظر بوده است که یکی از آنجمله سهمگیری زنان در امور نظامی و دفاع ملی میهن شان



دوتن از دختران وطنپرست یوگوسلاویا مربوط به گروه پارتیزانان هنگام تمرینات به سواری موتورسایکل.



عسکر دوشیزه‌یی از دسته های پارتیزانی بالاباس وساز وبرگ ستر واخفا



دسته از دوشیزگان سر سپرده پارتیزانی که بخاطر آموزش عملی ونظری تعلیمات عسکری در دشت ودهن به تمرین ومشق می پردازند .

گروه بزرگی از دستجات زنان مبارز مربوط به بنالیون وقشون معروف «پوهورچی» طبری تربیت وتنظیم شده بودند که عملیات شان برپایروزیها وشهرت نیکوی نظامی آن قشون میافزود. طی جنگهای این دوره (۱۹۴۵-۱۹۴۰) بیست وهشت هزارزن پارتیزان مقتول وجبل هزار زن جنگجو مجروح شدند. آن عده زنان ودوشیزگانیکه جان سلامت بردند، دوهزار تن شان بمقام افسری وآدری رسیدند ونودنفر آنان بعالیترین مناصب والقصاب نظامی ودارندگان نشان قهرمانان ملی نایل گردیدند.

مارشال تیتو قوماندان عالی جبهه آنزمان در اثنای وقوع یکی از وقایع رزمی وقش گفت: «من بختیار وعفتخرم که قومانده و رهبری چنان قشون سر سپرده را در برابر دشمنان مهاجم بعیده دارم که شماربزرگ آنرا زنان در بر گرفته است، لذا من گفتم میتوانم که آنان با روحیه شجاعت وقهرمانی خویش درین مجادله بخاطر اجدای دشمن نقش وسهم بیشتر وقابل ملاحظه داشته اند، بنحویکه آنان در مقامهای پیشرو ومقدم قرار دارند، از آنرو این انگیزه افتخار آمیز و آمیخته باغرور ملی مردم یوگوسلاویا برشمرده میشود که ایشان چنین دخترانی دارند.....»

بعد از پایان جنگ، شمار ثابت ومعینی از زنان مبارز ورزمنده، بمقصد انجام خدمات نظامی در قوای مردم یوگوسلاویا، بحیث کارمند ومحاسب، نرس ودکتور طب، بدون معید شدن یا ملبس مسردیدن با یونیفرموم مخفی نظامی، وظایف محوله شانرا ادا می دادند. بدینترتیب دریوگوسلاویازنان خدمات نظامی را بصورت اجباری در جبهه عمده دار نمیشوند اما زنان مستعد یکه جسم و روحا در مواقع ضرورت برای اجرای وظایف مورد نظر در ساحه دفاع ملی ودفاع ازوطن آماده فداکاری وسپهگیری میشوند، یاداوطلب میگردند بشمول طبقه ذکور (مردان) طسور عموم از سنین شانزده تا شصت وپنجاه، اعضای چنین نیرویی را مشکل میسازند و وارد صحنه عملیات رزمی میگردند.

فعلا در قشون یوگوسلاویا، دکتورمیرمن «روزاپایو» بحیث یک جنرال زن ورزیده از طبقه نموان مصروف خدمتگذاراست که هنگام جنگ دکتور پارتیزانان همین خود بود ودر قبال ارزیابی وقدردانی از کارگزاریهایی متداومش توانست تا درسال ۱۹۷۳ بمقام رتبه «میر جنرال» نایل شود. وی در عین حال پروفیسور اکادمی طبی نظامی در بلگراد بوده وتاحال بیش از شصت اثر علمی او بر اعتبار وشخصیت علمی اش افزوده است. همچنان چندین زن ودوشیزه دیگر بصفت کلونل در اکادمی طبی عسکری وسایر انستیتوهای اختصاصی بلگراد وسایرایالات وشهر های یوگوسلاویا شامل خدمت اند. به تعقیب روشها، سنن وطرز العملهای جنگ پارتیزانی وتداوم معانی رفتار وشبه های بازمانده نسل کهن وپیشین، کلیه واحد های زنان وگروههای رزمی نسل معاصر نموان بشکل پیشرفته آن در یوگوسلاویا تاسیس گردیده وفعال است. بطور مثال

بقیه در صفحه ۴۹

میباشد که محتوای این میحث، صحنه وشصه از آن دگرگونیهای مرقی را بصورت نمونه بیانگر میتواند شد.

بتاریخ ۲۵ می ۱۹۴۴ دستهای سر بازان آلمان در شهر کوچک «دروار» واقع ایالت یوسنیان (یوسنی) سرازیر شده و بمقصد عملیات دستگیری واز بین بردن بزرگترین سران ورهبران نیروی آزادیخواه یوگوسلاویا دست به اقدامات شدیدی زدند، چنانچه مارشال تیتو را زندانی ساختند. درین وقت گروه های متعدد وبیشماری از پارتیزانان کشور با قوای مهاجم سخت در آویختند، بنحویکه ساحه جنگهای پارتیزانی بهرگوشه وکنار یوگوسلاویا قدم بقدم گسترش یافت. پارتیزانان با یک عدد تانک کوچک وسایط محدود دستداشته میکوشیدند تا در قبال مبارزه متداوم وبیگیری بردشمن متجساز ضربات سنگین ومرگباری را وارد آورند، هنگام با عملیات تدافعی پارتیزانان وتهاجم دشمن، سر بازان آلمانی طی یک لحظه کوتاه موفق شدند تا در نقطه دریچه پیشروی تانک که محل دید وتشنخیص تانکران است، برده رابینگنند وسربازان داخل تانک را از مشاهده وترصد ماحول شان محروم کنند. بدینترتیب یگانها وسیله نقلیه پارتیزانان درعالم ناپیایی ومحیط درماده حرکت کنان بجلو میرفت تا اینکه بدیوار محکم سنگی یی تصادم کرد واز حرکت بازماند. درین اثنا یکتسن ز سربازان مهاجم آمادگی گرفت تا نارنجکی را که یکتونق آله محترقه ومخراب است از روزنه تانک بداخل آن پرتاب کند و بدینوسیله آنرا باسرنشینان پارتیزانی اش ازبین ببرد ولی همزمان باچنین رویدادی، یکران جدان یوگوسلاوی که مترصد ومراقب آن صحنه بود، خردرا از میان یک گسروپ اسمیران وطهرست که بدست سربازان مهاجم افتاده بودند، برق آسا کشیده وبست تانک یاد شده پیشرفت وبا شجاعت وتهورحیرت آوری پارچه افتاده پیشروی نقطه دید تانک را پس زد و آنرا روی زمین پرتاب کرد ولی درازای این عملیه وطنرستانه، یکسری لطیفش در برخورد با فیر های مسلسل عاشیندار دشمن تکه تکه وسوراخ سوراخ شد و تسانک پارتیزانان دو باره عملیات تدافعی ومجاریوی خودرا از سر گرفت.

بافر فداکاری ییغله «میکابوسنیک» آن دوشیزه شجاع اسمش دردریغ قهرمانان ملی کشور یوگوسلاویا اعلام شد و بیاد بود و ی ودیگر همزمانی بزرگداشتیایی بعمل آمد. همچنان موصوفه قش هیرویین رادر فلم مستندی بنام «اوپانزدهم یوه» موفقانه بازی کرده که بر شهرت قهرمانیش افزوده است. در اثنای جنگ آزادیبخش ملی که از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در یوگوسلاویا تحقق پذیرفت، در حدود یکصد هزار زن بحیث پارتیزان علیه مهاجمان سهم گرفتند و از خود عملیات فوق العاده را بر ضد دشمن تبارز دادند. آنان رزمندگان وجنگجویان، کمیساران سیاسی، پرستاران ونرسمان و آمران بررسی امور معالجه زخمیان وتداوی مجروحان درمانده بودند که لمحّه از تداوم وظایف مقدس شان باز نشستند. بدینترتیب از زمره یکبزار وهشتاد تن رزمندگان «چهارمین دسته متشکل پرولتاریان» بتعداد دو صد نفر شان زن بودند. در «سلووبنا»

راضی و متیقن شدند که تجارت ما بحالت عادی جریان خواهد داشت. تبلیغاتی که در قسمت کیفیت و جنسیت قره قل افغانی به عمل آمد بالای کمپنی های خریدار و فروشنده تاثیر فوق العاده نمود.

پرسیدم سالانه چه تعداد پوست در مارکیت های بین المللی عرضه می گردد و مشتریان پوست های افغانی کدام ممالک اند؟

گفت: مجموعاً در حدود هشت میلیون پوست در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می گردد. مشتریان و مصرف کنندگان پوست افغانی را آلمان فدرال، ایتالیا، فرانسه و امریکای شمالی تشکیل میدهد که بریتانیا و ممالک اسکاندینوی در قدم دوم قرار دارند.

امسال از نظر تجارت پوست قره قل افغانی خیلی خوب بود در ایلام های امسال تنها هشتاد و پنج فیصد پوست کبود بفروش رسید. پوست قره قل که در چند سال اخیر

پوست قره قل افغانی در بازار های بین المللی



دو شیزه افغانی با کلاه و بالا پوش زیبای قره قل

از رئیس انستیتوت قره قل پرسیدم که مهمترین صنایع تولید کننده قره قل کدام کشور ها اند؟

در پاسخ گفت: افغانستان، اتحاد شوروی و افریقای جنوبی در تمام دنیا سه منبع تولید کننده پوست قره قل می باشند که در بازار های بین المللی پوست قره قل عرضه می کنند. بصورت عمومی تعداد پوست ای که در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می گردد چهار میلیون از افریقای جنوبی، سه میلیون از اتحاد شوروی و یک میلیون و سه صد هزار از افغانستان میباشد.

پوست قره قل افغانی برتری و امتیازی که دارد اینست که پوست کبود قسمت زیستاد تولیدات را تشکیل میدهد که با داشتن رنگ طبیعی و گلپای مقبول و بی نظیر خریداران

بازار های بین المللی چه می باشد؟
بقیه در صفحه ۵۱

نگاهی تجارت تقریباً بی سابقه می باشد. در ایلام لیننگراد (۴۸۵۳۵) جلد پوست کبود (۳۵۹۲۱) جلد پوست سیاه و (۲۳۴۲۲) جلد پوست تفر کبود و سیاه شامل بود که صرف یک هزار و دویست و بیست و شش جلد از فروش باقی مانده است. در سابق اتفاق می افتاد که یکتعداد پوست از یک ایلام ایلام دیگر باقی می ماند و حتی دو باره به کابل آورده می شد. مگر در ایلامهای اخیر طوری مارکیت را آماده ساختیم که پوست تازه ارسال گردد و همه بفروش برسد.

مایرامون موضوع فوق با رئیس انستیتوت قره قل، عبدالنبی پایاکه چندی قبل جهت تنظیم و رسیدگی امور ایلام پوست قره قل افغانی به لیننگراد رفته بود مصاحبه ای بعمل آورده ایم که جهت معلومات بیشتر برای خوانندگان مجله ژوندون تقدیم می گردد. وی در جواب سوالی گفت: مطلب مهم

و بازارش در قسمت ایلام پوست قره قل اینست که امسال هر اندازه پوست تازه که در مارکیت های بین المللی عرضه شد بفروش رسیده البته با قیمت های مناسبی که از



ز شب رفتگان یاد کن!

این پارچه منظوم خواست قربانیان را انعکاس می‌دهد که زیر ساطور امین چلاد، جان سپردند. مطلع از سیمین بهیبا نیست. بخاطر تهریفیکه در مطلع آورده ام از شاعره بلند پایه آن پوزش میطلبم.

« ز شب رفتگان یاد کن شبی آرمیدی اگر
سلامی هم از مارسان بصبیحی رسیدی اگر »
یکی شمع روشن بیاد رفیقان بی‌سرو:
ازین گور تاریک شبها رهیدی اگر
غم مرگ ما را شاید فراموش کردن
بسو گ شپیدان گریبان دریدی اگر
بیروز نوری درین تیره صحرای وحشت
بسر چشمه نو و فردا رسیدی اگر
به انسان آگاه فردا بگو راز ما را
ازین نره غولان و حشی جهیدی اگر
بیاد عزیزان بنوش آذرین جام تلخی
گهی باده تلخ مردی کشیدی اگر
بتوفان تن و قوشه بهار چون مرغ توفان
ازین لاشخواران مملخ پریدی اگر
بیاد آر ما کشتگان جدلهای خو این
سختهای پیکار خو این شنیدی اگر
بیاد آر شبهای مرگ آور آرمسون را
ازین میل خونین قاتل پریدی اگر
بیاد آر شیدایی خفته در خاک ما را
گل سرخ وحشی کجایی شنیدی اگر!

سلیمان لایق

۱۳۵۸/۳/۱۰



۱۳۵۸: به قربانیان فاشیزم

درسوگ آن شهید

صد بار آن پرنده غمناک
زین غصه گاه گوشه قلبم
روسوی آن طلیعه بیدار
اندوه بال و پرزدن آموخت
• • •
باقلب گرم فاجعه رادیدم
تودر شط شقاوت خونین

غریق نام

۱۴۱

« ما انبوه کرگسان تماشا »

درسوگ آن شهید عزیز، آن غرور پاک

آن دشت آفتابی پرگل

تنها گریستیم

• • •

گفتند :

قلب هزار ماهی مرجانی

دربرکه های زنده گی افسرد

اکنون به سایه درشب آن هول

هول عظیم فترت

دیگر چه اعتباری ؟

• • •

نام شما عزیز تران ، دانم

چون مرده ریگ هستی همراهان

« ثبت است بر جریده عالم »

۱۴۱-

داغ جبین آن که ترا کشت

یا استخوان هستی ما را

بشکست

در پولگون فاجعه تاریخ

تاریخ رنج، اشک، مصیبت

هواره تیره است و سیا هست

• • •

اکنون تو نیستی که ببینی

ملت به سوک یاد تو در خونت

در اشکهای آینه میبینم

تصویر توبه خانه هر چشم

در قلب هر شرافت معصوم

- گلگونست

در جستجوی گور تو هممین

د رناکجای این شب تاریک

- گل بگذارم ؟

زیرا .

حتا .

با سنگ ایستاده خالی

دیوان بی شرافت ، بدنام

نام ترا چوقامت آن دار

- سوی اوج

برپانکرده اند

رویین

عالم و عابد

صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه
بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود
تا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن گلیم خویش بدرمی بردموج
وین جهد می کند که رهاند غریق را
سعدی

شهیدانو ورونو

ما چي دعا در ته کو له
یا می حق خبره کړ له
سترگو اوښکه تویو له
زپه کی مینه پاریدله

چی زندان ته په در تلمه
په سرو سترگو ژپیدمه
گو نکه خوله به در ید مه
له یخنی به رپید مه

په ژپا وی خو یندی میندی
ور سره دکا کو پښی
بری وهلی یی ملنډی
ډکی مرو خنی کندي

په کو رو ننو تل به
ما شو مان یی چارول به
هم بکسو نه یی ماتول به
دغلو پشان یی وږل به

ما به ته خنی غو بښلی
دوی به سترگی برغولی
او ویل به یی فرار دی
زپه دی ولی بری پرهاردی

نه یی رحم و په زپو کی
نه یی پوهه وه مغزو کی
هسی خوشی شان وحشیانو
بس زموږ غوښو لیوان و

دوی ته ښه چوکی موټرو
هم ولاپورته نو کر و
خوله پوهی نا خبر و
د ټولنی په ضرر و

دخمو دجمود دوره وه
عجیبه شان ننداره وه
توره شپه وه توره شپه
خو نړی شان سلسله وه

زما ورو ښو شهیدا نو
په ریښتنی مینا نو
«افغا نیار» درنه قربان شه
با غیر ته افغا نا نو

ظا لما نو چا ر ولم
په بر چو به یی وهلم

خوانخواړانو ټیل وهلم
په برچو به یی وهلم

تاته یی کله پرېښولم
په برچو به یی وهلم

په ټیلو به یی ویستلم
په برچو به یی وهلم

پدی شان یی غو لو لم
په برچو به یی وهلم

شپه او ورځ به خور یدلم
په برچو به یی وهلم

تل غمو نو کړو لم
په برچو به یی وهلم

دشپی کله ویدیدلم
په برچو به یی وهلم

کار نامی به مو تل لولم
ولولی به مو تل لولم
«در محمد افغا نیار»

حانه رعیت

غافلۍ را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی
تاخرانه سلطان آباد کند بی خبر از قسول
حکیمان که گفته اند :
هرکه خلق خدای عزوجل را بیازارد نادلی
پدست آرد، خداوند تعالی، همان خلق را
پرو گمارد تا دمار از روزگارش برآرد .

آتش سوزان نکند با سپند
آنچه کند دود دل مستمند

سر جمله حیوانات گو یند که شیرست
واذل جانوران خرو با تفاق خربار پر به که شیر
مردم در .

مسکین خر اگر چه بی تمیزست
چون بار همی برد عزیزست
گاووان و خران بار بردار
به ز آدمیان مردم آزار

باز آمدیم بحکایت وزیرغافل . ملک را
ذمائم اخلاق او بقراین معلوم شد . در شکنجه
کشید و با انواع عقوبت بکشت .

حاصل نشود رضای سلطان
تا خاطر بند گمان نجو یی
خواهی که خدای بر تو بخشد
با خلق خدای کن نکویی

آورده اند که یکی از ستم دیدگان بر
سر او بگذشت و در حال تباه او تأمل کرد
و گفت :

نه هرکه قوت بازوی منصبی دارد
بسلطنت بخورد مال مردمان بگراف
توان به خلق فرو بردن استخوان درشت
ولی شکم بندد چون بگیرد اندر ناف

نماند ستمکار بد روزگار
بما ند برو لعنت پایدار

سعدی



یادونه :

در لوستونکویه اته خلویښتمه گنه کی دشفق

زپه تر عنوان لاندی شعر دخوان شاعر

«منگر وال» شعر دی

از گلستان

برچیده

ایم

ازاین بعد، هرچندگاهی وزمانی یابوسته
ودایم ، سیر وگشتی به دیوانهای اشعار
بزرگان ادب و شعر می کنیم و خوشه های
از خرمن پرفیض آن بر میگیریم و به شما
نوقمندان شعر و ادب پیشکش مینماییم .

اینبار گلستان اوراق ذرین سعدی را به تورو
گرفتیم و صفحه گلهای سرخ را با مقالات او
که بر مقالات او، بقولش، «هفت کشور نمیکند
انجمنی»، آذین می بندیم که از سوی نشان
ونامی و تجدید یادی باشد از ابر مردان
میدان شعر و ادب .. و از جانبی برانگیخته
فکر خوانندگان این صفحه به مکاشفه
و مراقبه در ادب و فرهنگ پر بار ما ...



بنیاد ظلم

آورده اند که نوشیروان عادل رادر
شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود .
غلامی بروسارفت تا نمک آرد . نو شیروان
گفت : نمک به قیمت پستان تا رسمی نشود
وده خراب نگردد . گفتند : ازین قدر چه خلل
آید ؟ گفت : بنیاد ظلم در جهان اول اندکی
بوده است هرکه آمد برو مزیدی کرده
تا بدین غایت رسیده .

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی
بر آوردند غلامان او درخت از بیخ
پنج بیغه که سلطان ستم روا دارد
زنند لشکریانش هزار مرغ بسخ
سعدی

و نیز همه اضافه گی ها و جریانات بعدی باین
تهداب ها علاوه می شود تا اثر این کار ها
و شیوه ای که آنها به سلوک انسانی تعبیر
می گردند طور قابل ملاحظه به تهداب های
ارتباط و بستگی دارند که توسط فامیل گذارده
شده اند ، همین است علتی که می گویند
فامیل ، نه کمتر از هسته های فعال اجتماعی
اندازه جوهر ایدئولوژیکی و فکری جامعه را
تعیین می نماید . این در داخل فامیل است
که روابط خاص در حیات انسان بمیان می
آید و در آن صورت وقتی که خود مابوالدین
مبدل گردیم می توانیم از برخورد و تماس
خوب خویش با دیگران به حیث یک ایده آل
عالی آگاهی حاصل نماییم . بلی اطفال در
حیات اجتماعی نقش ارزنده و مهمی دارند و از
سبب دخیل بودن آنها در سیستم مناسبات
انسانی این بخش جوان نوع بشر - بسز گمان
خود را در عوققی قرار می دهند که در آنها
ملکان عالی انسانی بوجود آمده و شخصیت
صالح خود را در جامعه حفظ می نمایند .

(پایان)



مواظبت طفل عمدتا با یداز طرف والدین
صورت گیرد .

روانی پرورش دهند و باین صورت می توانند
به پیروزی و موفقیت نایل شوند .

باید متذکر شد که فامیل از نگاه کار و
مسایل اجتماعی یکی از اساسی ترین هسته
هاست و این یک تهدابی است که در رشد و
ارتقای اجتماعی نقش مؤثر حیاتی دارد .
غفلت درین ساحه جز عین تناسب و ایجاد
تضاد ها در رشد جامعه چیزی به بار نمی
آرد . آری این فامیل است که تهداب اصلی
شخصیت هارا گذاشته و برخورد او را در برابر
دنیای ماحولش تعیین و تثبیت می دارد .

میر نعمت الله فاروق استاد اداره انستیتوت صنعت

وظایف و مسوولیت های والدین و معلمان در رشد ذهنی و اخلاقی اطفال

تقلید قرار میدهند . ما نمیتوانیم چنین
رو حیه را در تمام شاگردان بیک نسبت
به وجود بیاوریم بعضی از آنها تما یل
بیشتر به همکاری دارند و عده به علت
تجارب بعدی که از اقتدار و تسلط بزرگان
داشته اند مایل به همکاری نبوده و دا یم
تولید مزاحمت میسازد .

در مدارس موقعیت های مناسبی برای
نشان دادن رعایت حال دیگران به
کودکان وجود دارد و جو دیت دسپلین
مدارس خود نمونه با رزی است در بعضی

طوری که همه میدانند اطفال در صنف
سر مشق قرار دادن معلم خود البته نه
به علت ترس و انضباط خشک و خالی افراد
دقیق و قابل اعتماد میشوند معلمینکه حتی
در مورد تاخیر صفتش ساکت و آرام است
معلمی است که برای اداره صنف از همکاری
و تعاون شاگردان خود استفاده
میکند و با آنها رفتار دو ستانه دارند
معلم برای ایجاد چنین روحیه در شاگردان
دان خود با آنها همکاری میکند و خود
را با آنها وابسته نشان میدهد بعدا
شاگردان نیز رفتار معلم خود را مورد

مترجم : «لیلا شرمل»

نویسنده : یوری ریوریکوف

مواظبت جسمی و روانی طفل

در عصر ما تربیه طفل بمراتب نظریه زمان
های گذشته ، که عمدتا کودک از نظر جسمی
مواظبت می شد مشکل تر است . در مراحل
اولیه حیات بشری بخش روانی طفل منسل جنبه
تکامل خود بخودی را داشت .

ضرورت اینکه نموی فکری و دماغی طفل
باید رهنمایی و مواظبت شود در زمان مابیشتر
احساس می گردد . این حادثه تربیه طفل
را هنوز هم مشکل تری سازد . مخصوصا با
انقلاب علمی و تکنیکی پیشرفته و آرزو هاییکه
این انقلاب بوالدین در تربیه طفل ایجاد میکند .
اکثر والدین برای چنین فعالیتی آماده نیستند ،

فقدان دانش درین ساحه یک مشکل حاد
اجتماعی است - دکتور ها مشاهده نموده اند
که در حدود پنجاه فیصد والدینی که
فارغ التحصیل پوهنتون هستند نمی دانند
چطور باید زندگانی طفل مرتب شود . در
ساحات تربیه اخلاقی ، ذکاوی و روانی حالت

هنوز بدتر ازینهاست . چنین غفلت غیر قابل
تحمل است ، چه مابه کار همیشگی و فعالیت
وسعی نیاز داریم تا کلتور اصیل تربیوی
که با اساس دست آورد های جدید علوم
بنیاد گذارده شده باشد جای کلتور کهنه
را بگیرد .

در نتیجه انقلاب علمی و تکنیکی در تیوری
و عمل تربیه طفل تغییرات جذری بوجود آمده ...
در شرایط مدنیت امروز که به تربیه روانی
و عصبی بیشتر از مواظبت جسمی نیاز احساس
میشود - باید در نموی اطفال یک برخورد

کاملا جدیدی صورت گیرد ، بالخاصه با اساس
ضرورتیکه انقلاب علمی و تکنیکی بمیان
آورده باید کودکان رشد همه جانبه نمایند .
از همین دلیل است که تنویر علمی وسیله
بسیار مهمی است در بهر ساختن تمام
شرایط فامیلی و اجتماعی ساختن بیشتر هر
نسل جدید - باید تدابیر وسیع و متین به
پیمانه سرتاسر ملی برای چنین تنویر اتخاذ
شود و همین اصل باید در پروگرام درسی
مکاتب ثانوی گنجانیده شده و برای والدین
جوان هم کورس های آموزش و تدابیر مشابه
اتخاذ گردد .

مواظبت دقیق و درست والدین از طفل
نه تنها به توجه جسمی بلکه به مقدار قابل
ملاحظه توجه دماغی و روانی نیاز دارد - قابل
تأسف است که بیشتر والدین تنها در بخش
جسمی نموی اطفال مانند غذا خوردن ، شستن
لباس و سایر خدمات همانند توجه خود را مبدل
میدارند . و جنبه تعلیمی آن را به مسجد ،

مکتب ، کودکانستان منحصر می دانند و از نقش
پراهمیت و با ارزش خود درین بخش اطلاعی
ندارند . آنها پدر بودن و مادر بودن را یک
کار شاقه و یک بار خسته کن دانسته و خود را
نوکر اطفال خود تصور می نمایند . آنها
همچنان یک اسلحه نیرومندی رشد خودی را
نیز از دست داده مخصوصا رشد اخلاقی
و انسانی و این نیروی خلاقه را ضایع مینمایند .
اما نشو و نما ی مثبت و صحیح کودکان
باین کار نیاز دارد که والدین برای تربیه
خود بذل مساعی نموده و کیفیت پدر بودن
یا مادر بودن را در خود از نظر اخلاقی ، ذکاوی



کودکان در اطراف مربی شان خود را خرسند می کنند

افراط پیموده شود از صورت نیک و پسندیده خود خارج می شود. احساس مسئولیت در دختر و پسر فوق العاده و وظیفه شناسی که به علت ترس از کثیف کردن لباس ها و یا شکستن اشیاء با زیاده روی می شود تا آنقدر زیاد رشد کرده است و رشد فوق العاده احساس مسئولیت در چنین کودکان باعث تاکید آن توسط اطرافیان و استقامت قسمی که از ارتکاب اشتباه کوچکی خیلی ناراحت می شود - کمالات به خاطر مطالب فوق العاده جزئی و بی اهمیت متحمل زحمات فراوان می شود در همین قماش اند. بعضی از کودکان نیز هستند که واقعا وظیفه داری دارند و اینها کودکانی هستند که عصبانیت پدر و مادر خود را از دست داده اند و در نتیجه غفلت و نادانی بزرگتر اینچنین تصور میکنند که با نیستی در زندگی مسئولیت پدر و مادر فوت شده را بدوش بکشند برای اینکه بتوانیم تشخیص دهیم که آیا واقعا احساس مسئولیت فوق العاده مانع بازی و سازگاری کودک است یا نیستی این احساس مسئولیت را در سائر موارد و کارهای که کودک انجام میدهد مشأله می نماید بعضی از کودکان دارای احساس مسئولیت فوق العاده هستند ولی در عین حال خیلی هم خودمانی و برحرا رت و اهل بگو و بخند هستند یک عده دیگری از کودکان که حاضر نیستند بار هیچگونه مسئولیت را بدوش بکشند یا از انجام انتظارات دیگران ناراضی اند و یا از آنچه از خود توقع دارند چندان ناراضی نیستند.

به ایجاد احساس مسئولیت در کودکان کمک کنند این امر هم در مورد کودکان خود و هم کودکان بزرگسال صلیق می کند. در این دوره که ما آنرا (دوره اصلاح) می نامیم اگر متوجه شدیم که کودک علاقه زیادی به فعالیت دارد باید بایستی به او فرصت بیشتری داد که در این مورد «اصلاح» وقت بیشتری صرف آن فعالیت کند، بگذارید با اینکار کودک احساس کند که شما با توجه به علاقه زیادی دارید. بگذارید کودک که حس کند که شما حتی موقعیکه در خانه نیستید به فکر او می باشد بعداً به تدوین شما می تواند با احساس عدم مسئولیت فرزند ندان خود مبارزه کرده و او راه تدوین را دار به قبول مسئولیت بیشتری بنماید شما بتدریج می توانید به فرزند یاد بدهید که چگونه مسئولیت را بر عهده بگیرد و با نظم بار بیاورد یا سایر کارهایی که شما فکر میکنید فرزندتان با آن احتیاج دارد فراموش نکرید که از قطع کردن در چنین مواردی بایستی به شدت خود داری شود و بعضی وقتها برپا ساختن چنین به خاطر کودک می تواند به پیشرفت او کمک نماید ممکن است منظور از این چنین این باشد که به کودک اجازه دهیم یک روز قدرت انتخاب غذای مورد علاقه را پیدا نماید و یا اینکه یک شب به پروگرام تلویزیونی که مورد علاقه او است توجه خاص به آن مبذول دارید.

آیا ممکنست کودکی دارای احساس مسئولیت فوق العاده باشد؟ هر صفتی هر قدر هم پسندیده و مطلوب باشد شکی نیست که اگر در آن را

دارند پس او ممکنست که در جلب توجه پدر و مادر بخود که به آن احتیاج دارد خسته - نا امید شده است و یا اینکه به علت اشتباهات واقعی یا غیر آن خود را مقصر بداند.

ممکنست که در شرایط مخصوصی که ملا غیر مسئول باشد و لی در وضع دیگر، دارای احساس مساوی و لیت نماید همینقدر که فرستاده کودک کی از لحاظ جسمی ضعیف باشد یگر کوشش برای مسئول بار آوردن او چندان مشرب نخواهد بود.

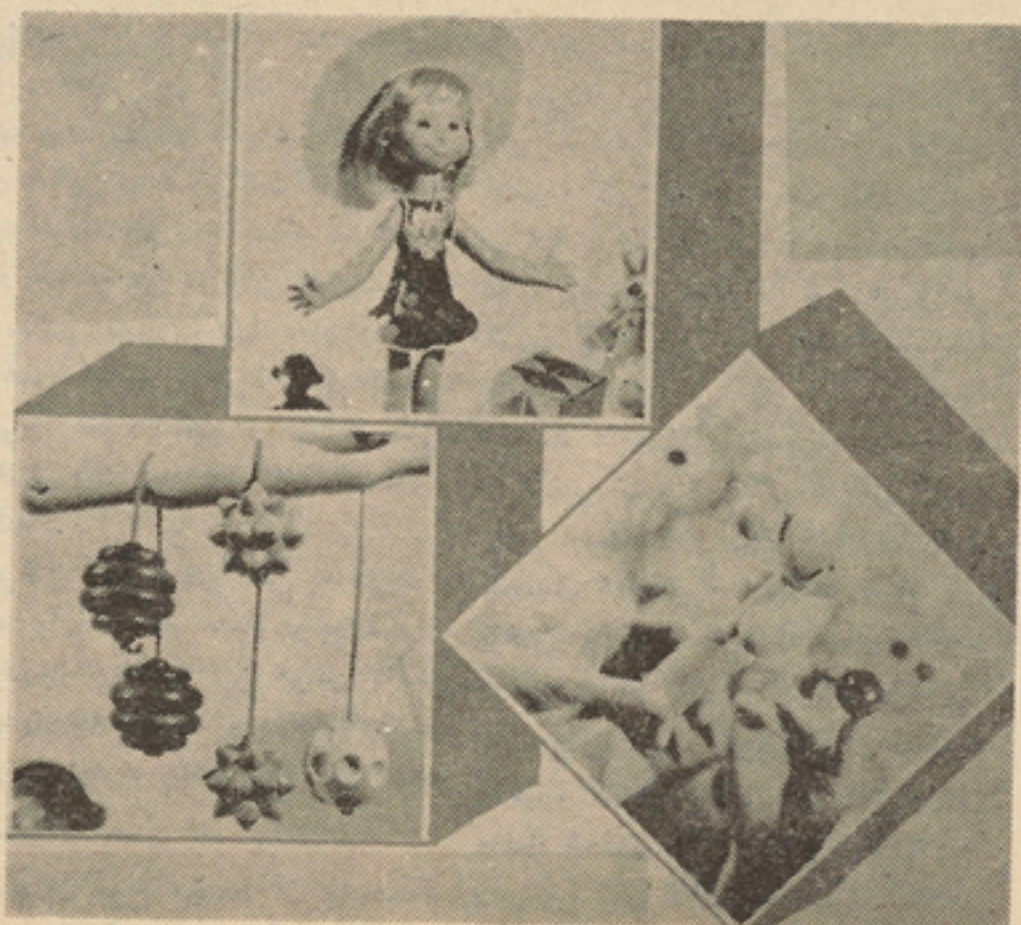
آیا مسئول بودن طفل میتواند به تنهایی ناشی از عقب افتادگی او باشد؟ آیا بجز این راه راههای دیگری برای شناسایی عقب ماندگی کودکان در دست است؟ اگر کودک علاوه بر غیر قابل اعتماد بودن - خونسرد و بی علاقه و بی حال نیز باشد و یا دایما با دیگران دعوا کند یا نتواند با دیگران کنار بیاید یا از چیزهای موهم ترس داشته باشد اشکال چنین کودک کی علت روانی عمیقی دارد. مراجع به مشاور و این اطفال در مورد اینگونه کودکان لازم و ضروری است حال اگر عدم مسئولیت کودک کی غلامی غیر از آنچه گفته شد داشته باشد به نظر میرسد که کودک به رشد خود به طوری رضایت بخش ادامه میدهد.

در اینصورت کمک های اولیه معلمین یا والدین کافی به نظر میرسد اگر نتیجه مثبتی از روش های قبلا متذکر شدیم حاصل نشد ما میتوانیم با مطالعه وضع عمومی کودک قدم های موثری در این راه برداریم. صحبت در تنهایی با پدر و مادر، انجام دادن بعضی کارها از روی تفنن میتوانند

از مدارس متوسطه مدبران و امری - حتی یا را از این دایره فراغ تر نهاده اند آنها چند دقیقه قبل از اینکه مدارس تعطیل میشود نفر از شاگردان خود را به کلاس و یا به دهن دروازه مکتب می فرستند تا آنها به اطفال کو در کلاس در پوشیدن لباس ها یش کمک کنند و یا اینکه در دهن دروازه مکتب اطفال خود را به والدین شان سپرده و یا از مسیر ترافیکی آنها را عبور دهند. جریانی عمل شاگردان بزرگسال را موقع میدهند تا خوا طلبانه و به نوبت در انجام آن سپیم شوند و علاوه بر پاک نگه داشتن صنوف و واحده با زیری مرتب ساختن کتابخانه - کار کردن در سالن غذا خوری اینها همگی به ایجاد حس قایل اعتماد بودن و کار دانی کودکان کمک فراوان میکند.

این نکات متذکره بیان گر آن روشی است که در مقابل کودکان که احساس مسئولیت مینماید می باشد. پس سوال مطرح بحث قرار میگیرد که با کودک که در خود احساس مسئولیت نمیکند چگونه باید رفتار شود. وقتی که کودکی علی الرغم سعی و کوشش دیگران حاضر نیست وظیفه خود را انجام دهد ما با یستی فوراً تشخیص دهیم آیا عدم انجام وظیفه این کودک ناشی از توقع زیاد ما است یا نه چون گاهی شده است که یک کودک غیر مسوول را با کودک فوق العاده کار دان و قایل اعتماد مقایسه میکنیم.

غیر مسوول بودن دایمی کودک در بعضی مواقع ممکنست ناشی از اوضاع و احوال خاصی باشد و یا اینکه ممکنست کودک غیر مسوول فکر کند که پدر و مادرش به برداشتن و خواران او توجه بیشتری



چند نمونه از بازیچه های تجزیه ای که توسط انستیتوت بازیچه هادر اتحاد شوروی پیشنهاد شده اند

جلو گیری از سوء تغذی و عوارض ناشی از آن



طفلی که در اثر سوء تغذی به این حالت در آمده است .

سوء تغذی عبارت از تغذی غیر نور مال و غیر طبیعی (فرط یا تقریط تغذی) بوده که باعث يك سلسله تشوشات فزیکي و روحی میگردد. البته باید دانست که فرط و تقریط تغذیه بصورت جدا گانه باعث امراض گونا گون میگردد .

اول - فرط تغذی :-

فرط تغذی و امراض گونا گون حاصله از آن عموما نزد کسانی دیده میشود که نظر به وضع اقتصادي شان قادر اند تا مواد غذایی گونا گون را اضافه از ضرورت روز مره شان صرف نمایند . و امراض ناشی ازین پرو بلم بیشتر در ممالک انکشاف یافته دیده میشود . ولی وقایع آن در ممالک رو به انکشاف خیلی محدود است .

امراضیکه ناشی از فرط تغذی بوجود میآیند قرار ذیل اند :
۱- چاقی ۲- اتیرو سکلیروز (حالتی که با استحاله سختی و تصلب جدار های روعیوی و گاهی اجواف قلبی مشخص میشود).
۳- امراض قلبی و عایی ۴- دیابت (مرض شکر) ۵- فرط فشار خون ۶- تسممات مواد غذایی مختلفه از اثر فرط استعمال شان .

دوم - تقریط تغذی :-

تقریط تغذی یکعده از پرو بلمهای عمده حیاتی را در کشور های روبه انکشاف تشکیل مید هد سوء تغذی ناشی از تقریط تغذی ابتدایی ترین و اولین سبب مرگ و میر در ممالک رو به انکشاف قبول شده . و از همه امراض بیشتر حیات اطفال را درین کشور ها بمخاطره انداخته از همین سبب است که در اکثر کشور های رو به انکشاف فیصدی مرگ و میر در اطفال خورد تر از پنج ساله بمراتب بیشتر از ممالک انکشاف یافته است .

آنچه اطفال لیکه با وجود مصاب بودن با سوء تغذی زنده میمانند

۱- مرض مرسموس : يك مرض اطفال بوده با لخاصه اطفال خورد تر از یکساله و اطفال غریب

چون سوء تغذی مقامت عضویت را تنقیص مید هد لهذا برای مبتلا شدن عضویت به امراض انتانی زمینه را مساعد میسازد . یا بعباره دیگر سوء تغذی حساسیت عضویت را در مقابل امراض گونا گون انتانی بالا میبرد .

چون تغذی خوب زمینه صحت بهتر را در تمامی مراحل حیاتی تضمین میکند لهذا باید در مورد تغذی تما می مرد مان با لخاصه اشخاص حساس یعنی ما دران حامله و شیر ده ، اطفال نوزاد تا سن پنج سالگی و اطفال قبل از مکتب توجه خاصی مبذول گردد ، تا از سوء تغذی و عوارض جانبی نا گوار حاصله از آن جلو گیری بعمل آمده باشد .

اینک بطور مثال از یکعده امراضیکه ناشی از تقریط تغذی بوجود میآیند نام میبریم :

الف :

امراض ناشی از کمبود مواد پرو تینی :

۱- مرض مرسموس : يك مرض اطفال بوده با لخاصه اطفال خورد تر از یکساله و اطفال غریب

شهری و دهاتی مصاب آن میشوند و دایمی میباشند . اسباب عمده این آفات عبارت از فقدان پرو تین و کالوری ، انتانات معدی معایی و اسهالات متکرر تو بر کلوز (سل) ، سیاه سرفه تغذیه مصنوعی ، تغذی توسط شیر مادر بصورت دوا مدار و بدون غذا های متمم ، گر سنگی پی در پی ، شیر ابکین و غذا های متمم نا مکمل و قبل از وقت معین میباشد .

اعراض این مرض نظر به درجه وخامت آن از هم متفاوت بوده و از نظر درجه وخامت این مرض به سه شکل (درجه خفیف ، درجه متوسط و درجه شدید پیشرفته) دیده میشود .

همچنان نوع مختلط آن بنام سر سمیک کوا شیور کور یاد می گردد نیز موجود است . واعراض در جات مو صوف بصورت موقتی

۲- افت یا مرض کواسیور کور: این مرض در حقیقت يك سندروم

اعراض موقتی آن عبارت از تغییر مو ها برنگ خر مایی جلادار لشم و در خشنده بوده که اعراض او لیه مرض را نشان میدهد بر علاوه اعراض فوق الذکر اعراض کمبود ویتا مین های مختلفه بالخاصه ویتامین (آ) نیز بمشاهده میرسد . اعراض دایمی مرض عبارت از تاخیر نشو و نمای فزیکي از بین رفتن عضلات و نسج حجروی تحت الجلدی شحمی ، عضلات ضمو ری باختن وزن و تغییرات بسیار خفیف روحی و حرکی ، کم خونی ، دیها یدریشس ، تغییرات در احشاء و غیره که در ینصورت طفل مریض مانند شخص پیر معلوم میشود .

و چهره اش شکل شادی را اختیار میکند .

۲- افت یا مرض کواسیور کور: این مرض در حقیقت يك سندروم

(مجموع ا لعراض) است و عموماً در دهات دیده شده و اطفال را مصاب میسازد که بالاتر از يك سال عمر دارند. و عوامل ذیل باعث بر وجود آمدن آن میگردند.

۱- دادن شیر مادر بصورت دوا مدار ولی غیر کافی و ضمیمه ساختن بعضی از غذا های غیر پروتینی عادی و معمولی خانواده گوی به اندازه ناکافی و غیر متوازن - رسم و روا جهای نامناسب بعضی از فامیلهای که از غذا های مفید حیوانی و نباتی مثلاً: گوشت شیر، تخم، میوه جات، حبوبات و غیره تنها کاهلان فامیل حلق استغاده دارند. و به اطفال شان یا اینکه هیچ نمیدهند و یا اینکه بمقدار جزئی و غیر مکفی میدهند. - استعمال مقادیر زیاد غله جات که حاوی مقادیر زیاد مواد قندی اند. - گذشتن دادن امراض تب دار مانند: ملاریا، توبرکلوز، سرخکان، سیاه سرفه و غیره که احتیاج روز مریه عضویت را بغذا های متنوع زیاد میسازند. - وضع نامناسب اقتصادی و اجتماعی: بیسوادی، غربت والدین اقتصاد خراب و عدم توانایی خرید غذا های متنوع و مفید. - حفظ الصحه خراب غذا و استعمال غلط طرق پخت و پز و غیره.

و اعراض این مرض عبارت از تاخر و از بین رفتن نشو و نما، ازیمای (پندیده گی)، ضیاع عضلات و تجمع شحوم در تحت الجلد تغییرات روحی و عقلی، کسالت و سستی، تغییرات موهای نازک، باریک، صاف بیرنگ سست و جلا دار میگردند. و از بین رفتن رنگ جلد، تغلس جلدی جروحات مختلفه جلدی، و جه مهتابی مانند (که سبب آن معلوم نیست) کبد ضخاموی و شحمی، طحال ضخاموی، کم خونی و اعراض و علایم کمبود ویتامین های مختلفه میباشند:

ب: ویتامین ها:

۱- کمبود ویتامین (آ): از فقدان ویتامین (آ) بر علاوه توقف نشو و نما بطور مقدم شب کوری ظهور نموده و به تعقیب آن کوره عین خشک شده و به کوری تمام منجر میگردد. همچنان در اثر فقدان این ویتامین حشرات ایتیل در اکثر نقاط عضویت تغلص نموده

جوانان تشوشات عمیق تشکله عظام رونما میگردد که زیاده تر در نهایات و نقاط نشو ونمای عظام تصادف مینماید.

۲- کمبود ویتامین (دی): در اطفال استخوان ها نرم شده و مقاومت خود را از دست میدهند بالاخره تغییر شکل اختیار می نمایند. در نزد کاهلین سبب تلین عظام و نرم شدن استخوانها که مترافق با اوستیوپوروز (تخلخل غیر طبیعی استخوان بعلم عدم توانایی استیوپلاستها در ته نشستن در متریکس استخوان) ظهور میکند. همچنین نشو ونمای

۳- کمبود ویتامین (ب یک): از فقدان این ویتامین عوارضی بر وجود میآیند که تحت عنوان بری بری یاد میشوند، ضعف، بی اشتها، باختن وزن، تشوشات



سوء تغذی اطفال را باین روز می نشاند:

دندان ها به تاخیر افتاده مقاومت خود را از دست داده و بزودی فرسوده میشوند.

۳- کمبود ویتامین سی: از قدیم دانسته شده بود که کسانیکه از میوه و سبزیجات تازه محروم میشوند به مرض سکار بوت مصاب میشوند. درین مرض به تعقیب متضرر گردیدن اندوتیل سهریه نرف به اشکال مختلف در اکثر نقاط عضویت دیده شده بیرها به التهاب دچار شده و متورم میشوند.

دندانها مقاومت شان را از دست داده و بزودی تخریب میشوند. در نزد اطفال و نوجوانان تشوشات عمیق تشکله عظام تصادف مینماید.

عضمی و سیستم عصبی تظا هر مینماید و تحت نام پلاگرا مطالعه میگردند. بر وجود میآیند که عبارتند از بر وجود آمدن یک نوع احمرار و اذیمای در نواحی مکشوفه جلد که معروض به اشعه افتاب میباشند، خشک و تغلصی شدن جلد و تظا هر یک نوع تفرحات در نواحی فوق الذکر، عدم اشتها، تنقیص اسیدیسی معدوی، قبضیت و اسهالات، بی خوابی، خستگی سر چرخ، سر دردی، تشوشات عقلی که بالاخره منجر به دیوانگی میگردند.

۶- کمبود ویتامین (ب یک): از اثر فقدان این ویتامین یک کم خونی خبیث بوجود میآید که درین کم خونی لوحه خون تغییر نموده و مقدار هموگلوبین نور مال خون تنقیص مینماید. بر علاوه اعراض و تشوشات عضمی و عصبی نیز در نزد این مرضان دیده میشود.

ج: کمبود مواد معدنی:

۱- کمبود آهن: کم خونی ناشی از کمبود آهن بوجود میآید. ۲- کمبود مواد ایودیسن دار: جاغور اندیمیک (در مورد بیماری گفته میشود که کم و بیش پیوسته در یک محل وجود داشته باشد) ۳- امراض ناشی از افسراط و تقریط فلورین.

در صورت تقریط: کرم خورده گی دندانها را سبب واز همین باعث است در مناطقی که آبهای شان از مقدار کافی فلورین فقیر اند دندانهای اطفال بیشتر کرم خورده گی میداشته باشد. - در صورت افسراط: فلوروزیس بوجود میآید.

۴- کمبود کلسیم و فاسفورس: در اثر کمبود وقلت این دو منرال استیومالا سی (نرمی استخوان بالغ بعلمت اهکی شدن ناقص و جذب اضافی کلسیم و فاسفورس از آن) و استیومالورس (تخلخل غیر طبیعی استخوان) بوجود میآید.

حال که معلومات کم و بیش راجع به سوء تغذی کسب نموده ایم بهتر است تا نخست نکات چند راجع به اسباب و عوامل سوء تغذی ارا نه نموده و بعد از آن تدابیر لازم وقایوی را تحت بررسی قرار دهیم.

بقیه در ص ۴۸

[illegible]

1-2-3-4 (p 71)

مجلسه اول در تاریخ ۱۳۰۲/۱۲/۱۵

عنه
عنه

Id. ۱۵

١٤. ع. مائة رماية على كل ج ٢

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

١٠٠٠ زیدہ لیک ۷۰۰۰
 ۲۰۰۰ زیدہ لیک ۷۰۰۰

هذه تلخيص خبره و حقيقه في نسبه اجداد عظيمه و ملكه و

ملک : لیبیہ
شماره : ۱۰

سفلتضه والاشاء على سفلتضه
نسيبه لتيه عجبها

۱: دولت و ملوک شایسته و مستحق
 ۲: دولت و ملوک بالهستای

نالت منه ع لقه لها اناء
ولست رويها في ع مئة ثلثه

سبعة رجب و نحو و هناك تسعة راجعوا تاراجه زينه لتبع زينا
و القائل و نحو و هناك تسعة راجعوا تاراجه زينه لتبع زينا

1

اگر کودک نتواند از پدر و مادر و معلم خود پاسخ مثبت و معقول که بتواند او را قانع سازد بشنود، این سوال ها در آینده برای او عقده های تولید خواهد کرد که شاید تا آخر عمر او را در رنج و عذاب قرار دهد.

بنا پاسخ به سوال کودک آنها بشکلی که کودک را قانع و مطمئن بسازد از جمله وظایف اساسی و مهم برای والدین جوان و معلمین جوان است.

آزاد گذاشتن کودک در بعضی از مسائل زندگی البته تحت نظر والدین و معلمین به کودک موقع خواهد داد تا در زمینه های مختلفی زندگی بخود متکی گردد و در آینده این اتکاء بخود، او را جوان با کفایت و برومند بار خواهد آورد.

پس ای جوانان، شما که مسوولیت بزرگ پدری و مادری را بدوش دارید با کودک خویش طوری رفتار نمایید که شایسته اوست.

اگر به آینده او می اندیشید، و اگر می خواهید که فرزندتان جوان آزاد، با دانش و معقول بار آید از حالا به تریه او کوشش بعمل آورید و این کار را یک بازیچه نه پندارید و نباید آینده او را به تقدیر و سرنوشت بگذارید.

و برداشت او از وطن و مردمش معقول و مثبت باشد.

مادر فهمیده و معلم آگاه و پدر دور اندیش همیشه به این اندیشه اند که چگونه طفل را تربیت کنند تا فرد صالح بار آیند.

در عکس شما مادر جوانی را مشاهده میکنید که چطور مشکل و پرابلم کودک را بر رسی میکند و او را در کارش یاری میدهد. این طرز پیشی آمد به کودک موقع میدهد تا آزادانه مشکلات خود را به پدر و مادر و معلمش در میان نهد و از سوال خویش که برایش ارزشی خاصی دارد نهراسد.

متأسفانه بعضی از پدران و مادران خلاف پرنسیپ های قبول شده امروزی با اطفال و کودکان رفتار می نمایند.

مثلا بعضی از این پدر و مادران خستگی های روزمره ناشی از کار را بهانه قرار داده هینکه طفل و یا کودکشان از آنها سوالی در موارد مختلفی می نمایند والدین به قهر شده او را از سوال کردن باز میدارند در حالیکه این طرز پیشی آمد مخالف طرز تربیت امروزی است.

نباشند. در این شکی نیست که هر جوان چه دختر باشد یا پسر آرزو دارد که جوان مورد علاقه اش واجد چنان شرایطی باشد که اوست خواهد.

اما این مشکل است که انسان تمامی صفات دلخواه خود را در وجود یک شخص بیابد. هیچگاه انسانی یافت نخواهد شد که تمام صفات خوب در وجود او نهفته باشد. پس با این ترتیب جوانان در این قسمت باید یک کمی گذشت داشته باشند و زیاد سخت گیر نباشند و مخصوصاً دختران.

خوشبختی و بدبختی آینده را هیچکس نمیتواند پیش بینی نماید و به همین ترتیب هیچکس قادر نیست که آینده را تصمیم کند پس جوانان ماکه واجد شرایط ازدواج اند و می خواهند آرزو دارند زندگی مشترک خانوادگی را بسازند از یک سلسله مسائل کوچک صرف نظر کنند و به بحث و خوشبختی خویش پشت پانزند.

در آینده بعضی ناراحتی های خلق گردد که باعث بدبختی دو جوان گردد.

خوب اگر این سخن را بپذیریم و باید هم قبولش کنیم تکلیف این همه جوان که آماده برای ساختن یک زندگی مشترک خانوادگی اند چه میشود؟

آیا بگذارند همینطور روز ها و سالها به مطالعه در این زمینه بگذرد؟

در این جای شکی نیست که تحقیق و مطالعه در هر زمینه، معقول و خالی از فایده نیست اما در بعضی مسائل نباید مانند ازدواج زیاد وسواس و دلوایی نشان داد.

زیرا آینده راهیچکمی قدر نیست پیشبینی نماید و اگر قرار باشد که روی بعضی مسائل خرد و ریزه زیاد پیچیده شود پس هرگز موفق به تشکیل خانواده نخواهیم شد.

امروز که زمینه های بهتری زندگی برای جوانان ما از هر وقت دیگر مهیا گردیده است و میتواند با خیال راحت زندگی مستقل و بدون تشویش را بسازند باید جوانان ما آنقدر خرد و گیر در این مسائل حیاتی

نوشته شیرمحمد «هاج»

جوانان و راه و رسم

زندگی جدید

دادند و به قدرت جابرا نه آنان خط بطلان کشیده شد. امروز خلق مآقوده های هنر آفرین مادر تحت درفش انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت عنا و سن مختلف تحقیر نمیشوند. پیروزی انقلاب زنجیر شکن، گذشته از اینکه به آنها به بی عدالتی ها و تعصبات قومی و لسانی خاتمه داد در بارور شدن استعداد های خلاق خلق و جوانان ما نیز توجه بس عظیم دارد.

امروز دولت انقلابی مآتحت پروگرام های انکشافی و اقتصادی که بزودی ممکنه در معرض اجرا گذارده میشود، باروحیه انقلابی از انرژی سر شار آنان استفاده می نماید و به زودی جامعه را اعمار خواهد کرد که در آن هیچ نوع مشکلی سراغ نگردد.

جوانان کشور انقلابی ماکه با اتکاء بر ایمان و وجدانی که دارند و با ابتکارات و پیکار

انقلابی در تحقق بخشیدن ارمانهای توده های ملیونی رنجبران، زحمتکشان هنگام با دولت انقلابی و مردمی خویش برای بلند بردن سطح تولیدات و امحای کامل بیسوازی کار می نمایند، در تهیه و ترتیب ضروریات همه جانبه خلق خویش نیز مصروف کار و پیکار انقلابی اند.

پس با درک این واقعیت میتوان گفت: جوانان امروز از هر نگاه آماده خدمت به مردم بوده و باید نظر داشت راه و رسم زندگی جدید برای توسازی جامعه خویش گام بر میدارند و به صفت انسان ایده آل، مبارز طوریکه از آنان آرزو می رود در پیکار با نابرابری ها، بی عدالتی ها در سنگر نبرد قرار دارند.

در این عصر جدید که نیرو های مترقی راه تکامل را می پیمایند و در جریان آن عناصر ارتجاعی راه زوال را می پیمایند وظایف و مسوولیت افراد جامعه خاصاً جوانان انقلابی بس سترگ است.

در افغانستان انقلابی بادر نظر داشت شرایط اجتماعی و اقتصادی و بنابه خواست تاریخ تحول عمیق کیفی و بنیادی در حیات خلق ما وارد شد و به همان اندازه وظایف و مسوولیت جوانان ما را سنگین تر ساخته است. جوانان با نیروی سر شار و انرژی پر توان در تحکیم حفظ و نگهداشت انقلاب ثور رول بسزا ایفا می نمایند. پس باید با جرأت اظهار نمایم که: جوانان انقلابی ماکه مجهز بادانش پیکار انقلابی اند، و بادرک خصوصیت های طبقاتی، به صفت انسان نیرومند و انقلابی کار و پیکار می نمایند.

زیرا بعد از پیروزی انقلاب ظفر آفرین ثور جامعه عقب نگه داشته شده ما تحولات عمیق در همه شئون حیات خلق ما رونما گردید، حقوق انسانی ایشان عاده شد جوانان ما نیز از قید محرومیت ها رهایی یافتند. در گذشته ها خصوصاً در زمان فرمانروائی خاندان فاسد نادری، خلق ما در زیر شلاق جابرا نه آنان جان می سپردند و حتی آنان جزئی ترین ارزشی هم در برابر شخصیت آنان و حیات خلقی های رنجیده ما قابل نبودند.

ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب ظفرمند ثور خلق ما از آن بدبختی ها نجات یافتند و با آنها به بی عدالتی ها و تعصبات گذشته خاتمه

مسوولیت پدر و مادر در برابر کودک



اما یک چیز که همیشه مدنظر بوده و همه دانشمندان بدان متفق القول اند اینکه کودک باید مطابق به محیط و زندگی مردمش تربیت گردد. این امر می رساند که باید هر پدر و مادر و هر معلم جوان و فهمیده کودک را طوری تربیه نماید که برای وطنش و برای مردمش مفید باشد. یعنی تربیت او طوری باشد که کودک در آینده چون به جوان برومند بدل خواهد شد از محیطش بیگانه نباشد.

هر پدر و مادری حق دارد فرزندش را تربیه نماید، اما چه نوع تربیتی؟

این سوال برای آینده کودک که مرد و زن فردا خواهد بود خیلی ها با اهمیت است. تربیت کودک از طرف والدینش یک مساله حیاتی برای کودک شمرده میشود، و اولین خشت های زندگی او را میسازد.

در مورد تربیت درست و معقول کودک امروز جروب بحث های مختلفی بین دانشمندان و متخصصین امور تربیت کودک صورت گرفته

این ستاره را میشناسید؟



به این چهره جذاب خوب متوجه گردید آیا میدانید که او کیست؟ واز کدام کشور جهان است؟ اگر موفق به شناختش شدید برایتان چند جلد کتاب جایزه میدهم.

این چشم هاز کیست؟



این چشم های زیبا را که بدون صاحب چاپ نمودیم مربوط یکی از زیبا ترین ستارگان سینمایی میباشد خوب اگر به شناختن آن موفق گردید اسم آنرا برای ما بنویسید.

این عکس چیست؟

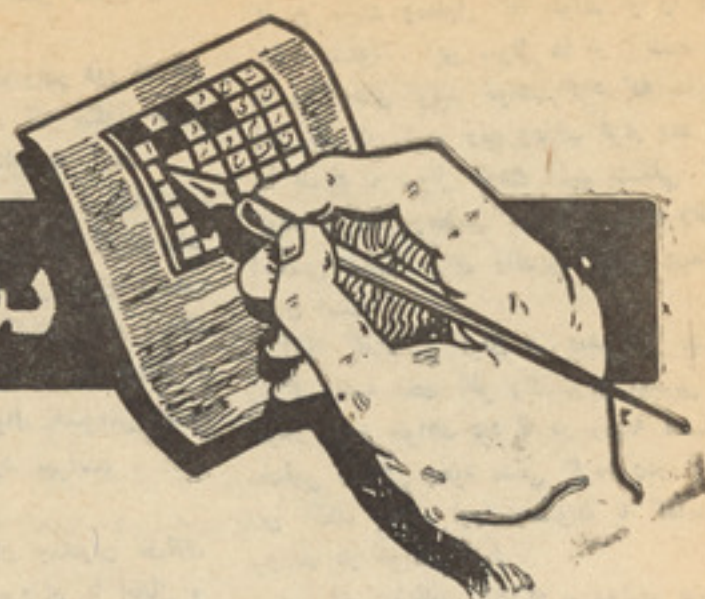


چه فکر میکنید آیا کدام تپه است و یا کدام حصه از پوست کچا لو اما بدانید که هیچیک ازین ها نبوده بلکه مربوط چیزی دیگری است اگر به شناختن آن موفق شدید باید تنها اسم او را با اسم لکه های سیاه ای که بروی آن معلوم میشود برای ما بنویسید.

زوندون

سرگرمی ها و مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کپسار

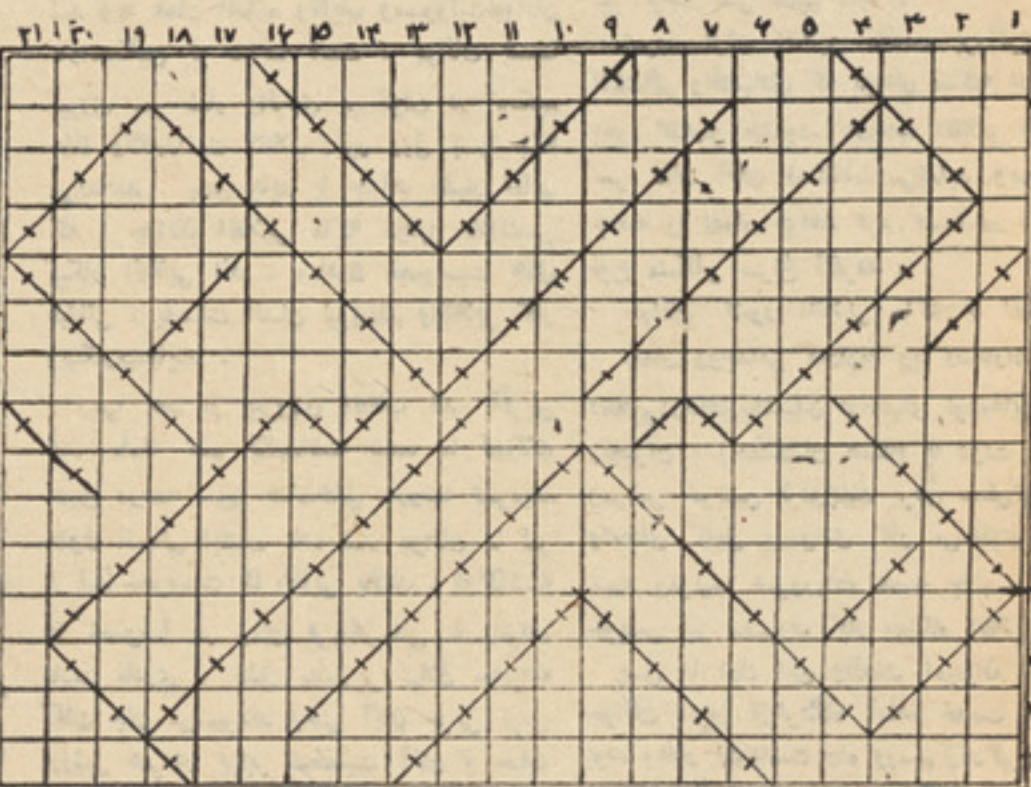


جدول کلمات متقاطع

افقی :-

از آن طرف ناز است ، ۱۱- صحرا به زبان پشتو ، از ولایات باستانی کشور ما ، فریب به زبان پشتو ، سیب به پشتو ، از فلزات ، ۱۲- برگ نامکمل ، میسوزد ، خمیمه پشتو ، در مقابل این مرص مجادله بزرگ آغاز شده است ، از آلات دهقانی ، ۱۳- بارخ خون است ، گنگ نشده ، ایستگاه پشتو ، چست نشده ، کندوی آرد ، چهره ، ۱۴- مادر عرب ، دروازه بزبان عوام ، دوده حاصل آن ، لام کوتاه ضمیر اشاره ، بیدار سیده ، ۱۵- معشوقه یوسف ، بسیار مشکل است ، مساوی به دو صد لیر است ، آتش پراکنده - عمودی :-

۱- جدید نیست ، تحریری نیست ، از پرندگان ، ۲- باده لوده است ، آرت ، و بای نام تمام نصف پارچه ململ ، ۳- خوب نیست ، کمک ، چهره ، ۴- از جویات ، در حال دیدن - ۵- نه میشوند ، برادر به پشتو ، عاشق شیرین ، داغ نشده ، ۶- ردیف اخلاق ، میدان بوکس ، در چایجوش



طرح از :- ملکه سلیمیا نخیل از لیسه سیدنور محمد شاه مینه .

یادآوری : به علاقمندان و همکاران این صفحه مزه میدهم که هرگاه تا اخیر سال جاری ، جدولی به مناسبت سال نو با محتوای ارزنده طرح و به ما بفرستند به بهترین آن جایزه میدهم و بقیه آنرا به نوبت با اسم و فوتوی طراح بچاپ میسازیم.

پیدا نمایند ؟

ح	ز	د	ج	ب	ا
۱	+	●	*	●	■
۲	■	○	*	△	*
۳	*	△	+	○	■
۴	△	●	*	*	○
۵	△	■	●	△	+
۶	○	+	○	○	*
۷	■	●	*	●	■
۸	*	○	+	○	△
۹	*	●	△	●	*
۱۰	●	△	■	*	○
۱۱	+	*	●	△	○
۱۲	*	■	○	+	○

درین جدول که دارای ۹۶ خانه میباشد دایره های سیاه و سفید و مربع ، گل ، ستاره ، علامه مثبت مثلث گنجاییده شده امادرین همین جدول در یکی از خانه ها برترتیب یک دایره سیاه است که بالای آن یک مثلث سفید و در پایین آن یک دایره سفید موجود میباشد آنرا پیدا و برای ما بنویسید .

چه کاره است ؟



هرکس که در یکی از دوائر کار میکند اسباب و اشیای میز و کارش از وظیفه او نمایندگی میکنند ما هم این تابلو را که در این چاپ نمودیم اطاق کاریک نفر را نشان میدهد آیا میتوانید بگوئید که این شخص چه وظیفه را بدوش دارد.

کدام مخترعین ؟

۱- اودر سال ۱۷۰۱ در اوپسالا (سوئد) دنیا آمد و در سال ۱۷۴۴ در استکهلم از دنیا رفت او که حرارت سنج را ساخت و پیش از آن که این آله اختراع گردد مردم تا قرن شانزدهم حد سر مارا در یک زیر زمین و حتی مارا در آفتاب تابستان یا بدن یک انسان تب

دار معین میکردند و بعد ها فارنهایت و رسومور درجه بندی آله درجه حرارت را در حال یخ شدن آب و در حال بخار آب جوش درجه بندی نمود اودر سال ۱۷۴۲ درجه حرارت صدقستی (سانتریگراد) را درست نموده است .

حالا بنگارید که این مخترع کی بود ؟



۲- این شخص که در سال ۱۷۶۵ متولد شد و در سال ۱۸۳۹ از دنیا رفت . اولین فابریکه نساجی را ساخت پیش از آن تکه های قیمتی زیاد بود و مردم متوجه گردیدند که نمیتوانند ازین پارچه های قیمت دار استفاده نمایند و پنبه که زیاد میباشد چرا پارچه های ارزان قیمت نسازند همان بود که با کمک یک کارگر که دو زندان بود دستگاه نساجی را اختراع و بسکار انداخت حالا بگوئید این دو نفر کی ها بودند ؟

بی پروایی

ما این تابلو را که از یک صحنه بالت است چاپ نمودیم درین جافظلی را می بینید که گریه را سر داده ولی آن دو بایک دنیا نشاط و بی خبری در عالم رقص خود فرو رفته اند ما به این صحنه عنوانی بی پروایی را گذاشته ایم ولی نمیدانیم که شمابه این صحنه کدام نوع عنوان را انتخاب میکند ما برای کسانی که بهترین عنوان را به این صحنه انتخاب کرد جایزه می دهیم و فوتوی شانرا را نیز در همین صحنه چاپ میکنم .



این اثر از کدام نویسنده است ؟

کردم که این يك شهر است همه كوچه ها خلوت و همه در ها باز بود هیچ موجود جاندار از كوچه ها نمیگذشت هیچكس در اتاقها راه نمیرفت و کسی در باغها گردش نمیگرد اما پشت هر زاویه دیوار پشت هر در پشت هر درخت مردی ایستاده بود که مطلقا ساکت بود هیچ جادو نفر دیده نمیشدند که نزدیک بهم باشند . این مردان بانگاه دنبال میکردند از شهر بیرون رفتن و در صحرا راه افتادن پس از مدت کمی سرگرداندم و دیدم که گروهی دنبال ما می آیند همه مردانی را که در شهر دیده بودم بین این جمعیت شناختم سرهای عجیبی داشتند شتابی در رفتار شان به نظرم نمی رسید اما از من تندتر راه می رفتند کمترین صدا از راه رفتن شان شنیده نمیشد در يك لحظه این جمعیت به من رسید و احاطه ام کرد چهره این مردان به رنگ خاک بود .

آنگاه اولین مردی که دو شهر دیده و از وی پرسشهای کرده بودم به من گفت که ما میروید مگر نمیدانید که مدتی است که مرده پیدا دهان نشودم تا جوابی گویم و مشاهده کردم که هیچکس پیرامون من نیست مادلن بیدار شد احساس کرد که از سر مایخ کرده است بادی که چون باد صبحگاهان سرد بود دولنگه پنجره را که باز مانده بود تکان میداد آتش بخاری خاموش شده بود و شمع نزدیک به خاموش شدن بود هنوز شب تاریک بود از جابر خاست سوی پنجره رفت باز هم ستاره بی بر آسمان دیده نمیشد از پنجره اتاقش حیاطخانه و كوچه نمایان بود هماندم صدایی خشك و سخت ناگهان از روی زمین برخاست و چشم او را فرود آورد زیر پنجره دو ستاره سرخ که روشنائیشان به وضوح غریبی در ظلمت دراز و کوتاه میشد به نظرش رسید چون نیمی از فکرش هنوز در تاریکی رویا غوطه ور بود با خود آلدیشید عجیب دیگر چیزی از آنها در آسمان نیست حالا دیگر روی زمینند آنگاه آشفتگی افکارش بر طرف شد صدای تازویی شبیه به صدای نخستین بیداریش را کامل کرد با دقت تگزیست و دانست که این دو ستاره دو چراغ يك درشکه است در روشنایی این چراغها توانست شکل درشکه را تشخیص دهد این يك تكانه دو چرخه بود که به اسبی سفید بسته شده بود صدایی که قبل از گوشش رسیده بود صدای ضربات پای اسب روی سنگفرش كوچه بود . مادلن با خود گفت این درشکه چیست این کیست که صبح به این زودی آمده است . هماندم کسی در اتاق رابه آهستگی گوید .

ما حصه از کتاب يك نویسنده مشهور جهان را برای شما شرح می دهیم از شما تمنا داریم تا اسم کتاب و اسم نویسنده آنرا برای ما بنویسید . در صحرای بودم صحرایی بزرگ و خزن انگیز که گیاهی در آن نبود نمی توانستم بفهم که شب است یا روز گردش میکردیم با برادریم برادر سالهای کودکیم برادری که باید باو بگویم که هرگز در فکرش نیست و تقریبا هیچگاه به یادش نمیآورم . صحبت میکردیم و بارها هکدران مصادف میشدیم از یک زن حرف میزدیم که در روزگار گذشته همسایه مان بود و مادر آن كوچه منزل داشت جلوی پنجره اتاقش که همیشه باز بود کار میکرد . در صحرا درختی نبود . مردی را دیدم که از نزدیک ما میگذرد این مردی بود سراپا برهنه هر رنگ خاکسترو سوار بر اسبی بود به رنگ خاک این مرد مو بر سر نداشت جمجمه اش نمایان بود و بر جمجمه اش رنگ های دیده میشد چوبی به دست داشت که مانند ساقه مو نرم و مثل آهن سنگین بود این سوار از جلو ما گذشت و چیزی به ما نگفت :

برادرم به من گفت از راه پایین برویم اینجا يك جاده نمود افتاده بود که بته خاری و برنگ علفی در آن نبود همه جاو آسمان نیز به رنگ خاک بود پس از چند قدم دیگر وقتی که حرف میزدم کسی به من جواب نگفت متوجه شدم که دیگر برادرم همراهی نیست به دهکده بی که در آن نزدیکی دیدم وارد شدم فکر میکردم که آنجا باید رومنویل باشد .

(رومنویل چرا ؟)

اولین كوچه که من داخل آن شدم خلوت بود به كوچه دیگر رفتم پشت زاویه بی که از دیوار های این دو كوچه ساخته میشد مردی کنار دیوار ایستاده بود پیش رفتم و از وی پرسیدم :

اینجا کجاست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

اینجا کجاست من کجا هستم جوابی به من نداد دیدم که در خانه بی باز است درون شدم اتاق اول خالی بوده اتاق دوم رفتم پشت در این اتاق مردی کنار دیوار ایستاده بود از این مرد پرسیدم این خانه از کیست من کجا هستم او هم جوابی به من نداد .

خانه يك باغ داشت از خانه بیرون رفتم و وارد باغ شدم باغ خلوت بود پشت اولین درخت مردی ایستاده دیدم به این مرد رفتم این باغ از کیست من کجا هستم مرد جوابی نداد در دهکده سر گردان ماندم و ناگهان مشاهده

میرزا آقا

قسمت دوم

البته نمیدانی که چطور همراهی گیلانی
آب نوشیده میشود. به لب جوی برو
دست های خود را بر زمین پهن کن و سرت را
همای خود را بر زمین بمان. سرت را
پایان کن و مثل گاو و آب بنوش.
بیچاره گاو نیست زیرا جل اسپاست.
چشمان قدیم از غضب و خشم مثل آتش
شد و خودش صدا زد:
صاحب... صاحب...
فقط جل را بشوید با شد. و چندین
نفر باهم خندیدند.
ما مور گفت:

آقایان... خاموش باشید حاکم
صاحب به قهر میشود. اگر غالمقال تا نرا
شنید خشمگین و از اطاق برآمده و بر همه
ما و شما غضب میگرداند.
خوب... تو از کجاستی؟
آقایان اینجا یک دفتر است یا یک
پازار؟ قدیم جیغ زد و این سوا را
پرسید.

او هو... ببینید وزیر جل اسپ.
من یک تبعه آزاد هستم و برای یک
شکایت اینجا آمده ام.
در مقام بلی این گفته قدیم، کما لیکه
در برنده ایستاده بودند گفتند ما را غو
کنید. ما شما را نمی شناسیم. آقای
جل اسپ پوش و همه شان بقا بل قدیم
صف زدند یکی از آن میان گفت:
راه بدهید باقای عا لبقدر تبعه
آزاد!!

تبعه آزاد برای یک شکایت و حمت
آمدن تا اینجا را متقبل شده اند!!!
قدیم یک قدم بجای دروازه پیش آمد
اما خود را با زمین مردم محصور یافت.
یکی از آن جمله چنین گفت: ما هیچ
فکر نمی کردیم که یک با دار جدید بخیر

اینجا تشریف آورده اند آقایان! قدیم
بعدی بلند جیغ زد که حاکم صدای او را
در داخل اطاق خود شنید. ما مور دفتر
رانزد و دطلب کرد ولی خودش فوراً
و بدون معطل شدن برای آمدن ما مور داخل اطاق
بیرون برآمده به همه حضار نظر خشم
آلود انداخته پرسید:
اینقدر غالمقال برای چیست؟

ستا لبقدر ایک نفر دیوانه پیدا شده!
- کو؟ در کجا؟
- اینجا حاضر و تیار است.
قدیم به پریشانی و بدبختی خود
فکر کنان ایستاده بود و وقتی شنید او
را دیوانه معرفی میکنند فریاد کرد:
دیوانه کیست؟ مرا دیوانه میگویند؟
سر دار حاکم چای او قدیم بر داشتو
به شدت پرسید: چه میخواهی، دیوانه؟
- آب میخواهم، سر دار!
وقتی قدیم این جمله را گفت از چارطرف
او صدای زهر خند و استهزا بلند گردید
چند نفر گفتند:
- دیوانه... بیچاره جوی با این طول و
عرض را اینجا دیده نمیتواند.
- راستی دیوانه نه است.

سردار امر کردند: او را بگیرد و ببرید
اگر تاج و زر و نا آرامی میکرد بسته اش
کنید، را سب به دیوانه خانه شهر. بلی
او دیوانه نه است و با ید هما نجا با شد.
باشنیدن این امر سردار حاکم
رنگ از رخسار قدیم پرید و پریده بریده
گفت: چه... چه... چه بعدا احسا س کرد
که یک پره کوه بر سرش افتاد. با صدای
لرزان و شکسته نا لید: سر دار صاحب
رحم کنید. من آب میخواهم. دیوانه نه
نیستم. با دار من دیوانه نیستم. من قدیم
اعظم او غلی هستم.
حاکم پا ز پا و نزدیک شد. خوب بسرو
صورت او دید و گفت را ستی دیوانه نه
شده.

او را به دار المجانین ببرید.
حاکم بعد ازین امر بد فتر خود را خل
گر دید. ما مور به محافظ گفت که قدیم
را ببر. قدیم مقا و مت و وزید. لیکن
اشراف و زمین داران همه یک یک قیله داده
و قدیم بیچاره را از زین پا یان را دلد
قدیم یک سکه نقره بی بکف دست محافظی
که او را بیرون میکشید مانند احساس
کرد که محافظ از او دست برد داشت. قدیم
فورا به جستجوی اداره میرزا کمال بیگ
برآمد.

تمام بدنتی درد داشت. راه رفتن برایش
مشکل بود. اما از راه روان پرسید
پرسید: جای مقصد خود را یافت که
یک نفر از قریه خودش نزدیک دروازه آن
ایستاده بود. با خوشحالی صدا کرد:
- هی غلام علی!! سلام علیکم و سپس
دوید و او را به بغل گرفت غلام علی که
خودش پیشه دهقان داشت و داغهای چپک
روی او را فرا گرفته بود، در حالیکه
عریضه خود را قات کرد و به جیب خود
می گذاشت از دروازه یک دفتر بیرون میر-
آمد قدیم روی خود را بر وی ریش دراز
غلام علی چسبیده و با صدای لرزان اضافه
نمود: او غلام علی. اگر بدانی که من
چقدر بد بخت هستم. تصور میکنم یک
سال شده که از خانه برآمده ام. معطل
من باش، کار خود را زود خلاص میکنم
و بده هر دو یکجا میرویم خانه.

قدیم بغدا قسم که قاطر خود را به
کار و اسرای مانده ام. میروم که ببینم
بجای خود است یا نه!

کارت را زود خلاص کن. هما نجا بیا
با هم خانه میرویم. من منتظر ت میباشم.
غلام علی اینرا گفت و روان شد. قدیم مثل
طفلی که راه خود را گم کرده باشد عقب او صدا
زد:

غلام علی ترا بغدا قسم که بی من نروی.
- نمیروم، خاطرت جمع با شد.
قدیم تا وقتی غلام علی را تعقیب نمود
که در یک کج گردشی از نظر غایب شد
و پس از آن به اداره مهر را کمال بیگ
داخل گردید. دید که میرزا کمال بیگ
شصت های خود را به جیب دو طرف و اسکت
گرفته و روی فرش خشت دفتر از پس
سو با ن سود واز آن سو با پینو قدیم
میزند. همینکه قدیم را دید پرسید:
- او رفیق... بیابا... چه خبر خوش
داری؟

صاحب... من بر عکس خبر های خبر
خراب دارم.

- چرا؟ چه واقع شد؟
- هما بطور که گفته بودید، آنها سخن
مرا نفهمیدند... نه تنها سخن مرا نفهمیدند
بلکه مرا دیوانه نه هم گفتند.
در کج دفتر یک میز مانده شده بود.
میرزا کمال بیگ بعد ازین صحبت مختصر
طرف میز رفته به عقب آن دور خورده یک
دست خود را روی میز ماند و دست دیگر
خود را به سرب می و طاس خود گذاشت.
نیده و علاوه نمود:

- بلی... عارض با ید عریضه تقدیم
کند. حرف ما و شما مردم دهات را کمی
درک نمی کند. فقط عریضه میخوانند. و

شما با ید عریضه بدهید
وقتی که عریضه دادید، آن وقت
آنرا خوانده نمی توانست و اگر با صد زحمت
بخوانند معنای آنرا فهمیده نمی توانستند
و زبانی می پرسند.

ولی بهر حال هیچ عارض با ید بدو ن
عریضه تحریری بد و ایر برود و وقتیکه
رفت با ید عریضه تحریری با خود داشته
با شد.

حاکم میگوئی برادر! اگر غمهای
عارضین کم میبودن مانند جوب خشک
و لاغری زرد و زار نمیشد.

اوسینه خود اخارید و قدیم سر خود
شور داد و بعد گفت:

صاحب همینطور است، همینطور است
اگر آدم های مثل شما نمی بود، من
نمیدانم که احوال ما غریب ها و بیچاره ها
چطور میشد؟

مرغها چشم ما را و حیوانات جسم ما را
می خوردند.

- راست میگوئی برادر. اگر آدم
تنها بفکر خود با شد، زندگیش آسان
میشود. مثلاً برای قصبه گم. یک نفر،
درین نزدیکی یک غرقه دارد. همین غرقه
سو ام از اینجا. از من میخواهد که همراهش
شریک باشم. برای من میگویند تو آدم
فهمیده است! همین حساب و گنا برآزیر
نظر بگیر و کار آنرا بکن، من مثل بر سر گهای
خران برای پول میدهم. اما من برای

گفتم که اگر من همراهی تو شریک شوم برادران غریب و غمگین عارضین من چه خواهند کرد؟ کی عریضه شما را خواهد نوشت. وقتیکه عریضه نزد حاکم میرود، اول باید به کتاب ثبت قید گردد.

قدیم پرسید: به کتاب ثبت؟
رفیق من، تو چه فکر میکنی؟ معلومدار به کتاب ثبت رسمی اباز آنرا مدیوشه به دو سیه میماند. که نوشته و نشان طائی در آن چاپ شده. عریضه را که در میان دوسیه میماند باز خودش آنرا نزد حاکم میبرد. دوسیه را بدست عارض داده و هر دو پیش حاکم خود را خیم میکنند مبینی که احوال عارضان از چه قرار است؟

قدیم از شدت آنچه بر او واقع شده بود هر لحظه درد زیاد تر حس میکرد. دیگر تاب ایستادن نداشت. پهلوی دروازه روی زمین اطاق نشست و سر خود را برای تصدیق گفته های میرزا کمال بیگشور میداد. یکبار گفت: خدا به آدم های فهمیده مثل تو صحت و سلامت نصیب کند. قصه منم ازین قرار بود. حال عریضه من روی میز سر دار حاکم صاحب افتاده و عکس ترا هم که در دیوار نصب است از همان بالا بر عریضه من مینگرد. اما اگر از دست خود همین آدم کلان عرض کنم چه میشود؟

کمال بیگ دست خود را به عقب گوش خود قرار داده پرسید:

مطلب چیست، من حرفت را نمیفهمم؟
یعنی گفتم که اگر از دست همین سردار حاکم صاحب عرض کنم و شکایت کنم چه نتیجه خواهد داد؟

چه شکایت داری از حاکم؟

تمام جانم و تنم از دست شان درد میکند. تمام افکارم شده غلو تا مرا دیوانه هم گفتند.

با شنیدن این مطلب میرزا کمال بیگ پشت میز و سر چوکی خود نشست، آرنج خود را بالای میز و پنجه خود را بالای مشت خود مانده پرسید: همین بعد عریضه ات؟

که میخواستی بنویسی و بمقامات بالا بدی؟

بله صاحب من با ید دیروز آنرا برای تان میگویم.

میرزا کمال بیگ از چوکی خود بر خاسته گفت: حالا هر چه را بمن بگو.

قدیم هم خواست که ایستاده شده حرف بزند اما میرزا کمال بیگ علاوه کرد: هم نظر داشته حرف بزن... آزاد استی اینجا دفتر من کار میکنی.

قدیم چار زانو روی فرش اطاق نشست. رویش از شدت درد تغییر رنگ میداد و بار دیگر تمام قصه خود را از سر تا آخر به میرزا کمال بیگ شرح داد و وقت گذشت خود را تمام

میرزا کمال بیگ شرح داد و وقت سر گذشت خود را تمام کرد چنان از خشم می لرزید که صدایش تغییر و با لرزش عجیبی علاوه کرد:

بله میرزا صاحب... بخود با شاه بزرگ بنویس. آقا، صاحب، عریضه

مرا بنویس و در آن علاوه کن که آیام من قدیم اعظم او غلی تبعه آزاد او هستم یا نیستم؟

همه چیزهای را که برای ت گفتم نوشته کن... به پادشاه بنویس که قانون های او را در مورد ماکسی تطبیق نمیکند. ولی اگر من تمام این داستان را بنویسم، پوره یک ناول خواهد شد.

برادر ناول چیزی را میگویند که نو یسنده از خود بیافد، قصه من چه ناول دارد، همه چیزهای که برای ت گفتم راستی و حقیقت است. بخدا قسم میخورم که هر حرفی را سستی است. یک کلمه دروغ نگفته ام. همه را بنویس. هم نظر که است بنویس.

میرزا کمال بیگ یک ورق کاغذ خط دار را از روی میز خود کشیده و یک قلم را بدست گرفت. قدیم باز گردن باریک و استخوانی خود را در حالیکه رگهای آبی رنگ آن ورم کرده و بر خاسته بود پیش آورده و گفت:

بنویس آقا جان. بحضور پادشاه، من دیوانه نیستم. و بنویس که من قدیم اعظم او غلی، رعیت صادق تان می باشم و بنویس که من برای پنبه خود آب میخواهم. زمین من خشکیده و بدون آب مانده و از بی آبی ترک ترک شده. هر چه را که میدانی بنویس، نوشته کن که...

بله آقا هر چه را خبر داری بنویس، همان طور که من میگویم بنویس، از رویه حاکم اینجا هم بنویس، ترس، هیچ و هم و خوف را بدست جای نده، من جواب ده هستم. هر چه واقع شد من جواب میدهم.

میرزا کمال بیگ ناگهان جیغ زد:
اما او برادر خط مرا همه میشناسند. مرا به کشتن نده.

ترس، من جواب ده هستم من جواب میگویم. هر چه را من گفتم همان طور بنویس.

چرا خود را خراب نکنی. من جواب این نوشته را میدهم. تو همان طور یکبار من میخواهم بنویس.

میرزا کمال بیگ برای قدیم عریضه نوشت. به عنوان همان عالیترین مقام نوشت. اما تنهادر باره ضرورت او به آب جهت کشت پنبه اش نوشت. دیگر چیزی را ننوشت. با کاغذ جذاب، نوشته های خود را خشک کرد. عریضه را بسته یک گوسفند میز مانده و دیوار را به طرف قدیم پیش آورده و گفت:

شصت خود را اینجا بچسبان.

من سر خود را می چسبانم. تونتها انگشت مرا میگوئی. اینرا گفته انگشت خود را برنگ زد و بعد به قوت زیاد بر کاغذ چسبانید.

میرزا کمال بیگ، یقین داری که هر چه را برای ت گفته ام نوشته ای؟

بله. همه چیز را نوشته ام.

و عنوان آن را بنام خود پادشاه نوشته ای؟

بله.

در باره رویه حاکم این جا هم نوشتی؟

میرزا کمال بیگ حسب عادت پشت گوش خود را خاریده عریضه را قات کرد و اضافه نمود.

هر چه ضرورت لازم بود نوشتم. حالا بر خیز و این عریضه را بگیر و را بسا برو به دفتر پست و بنام خود پادشاه به پسته بپرداز.

میرزا کمال بیگ پا کت را سرش نمود و نشانی دفتر پسته را به قدیم فهمانید که از کدام جا و کدام راه با نجا برود. قدیم کاغذ را گرفت و یک نوت را هم از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت. و جانب میرزا کمال بیگ دیده علاوه نمود: به راستی شما حاکمی عریضه دار ها هستید. همه عارضان دعای سر تا ندا میکنند.

قدیم رفت جانب پسته خانه، بزودی آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلمه و غرضه پیش کنان از آنجا پرسید که چطور آنرا به شاه برساند. پالیده با لیده غرضه مربوط را یافت و گفت:

عریضه پدر با شاه... گفته و دست خود را پیش کرد تا کاغذ را بدهد.

به خود شاه؟ پس بگو که در عریضه خود چه نوشته ای؟

اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی عریضه را در پاکت نمی انداختم و سرش نمیکردم.

و قتی بدست خود پادشاه برسد مطلب را خودش میفهمد.

چنین جوابی آنهم از جانب یک دهقان ساده میرزای پسته خانه را متعجب ساخت و گفت:

چرا مثل سر که ترش هستی؟
من وقت گفتگو ندا ندارم. پول را بگیر.

ولی پادش آمد که باید بدخلقی نکند و بهتر است قهر خود را بپوشاند و باز گفت:

او برادر جان... میرزا صاحب... قربان... لطفاً تو چه کن که همین عریضه من بیچاره در راه گم نشود و محفوظ بماند همان جایی که نوشته ام برسد.

کاتب پسته خانه طرف قدیم دیده و پرسید: دفعتاً اینطور تغییر کردی

سر که به یکبار رگی آب شد!

از سبب آب است که من مثل سر که شده ام.

آب باتوجه کرده؟

اینک برادر جان... بگیر مکتوب و عریضه مرا... لطفاً بگیر و رسید بده و آنرا بزودی به نزد پادشاه بفرست... هر قدر زود که میتوانی. من کدام وقت دیگر نزد تو میایم و تمام گپ و سخن را برای ت نقل میکنم.

اوه... آدم سخن خود را از رفیق خود پنهان میکند؟

آدم رفیق را در وقت ننگ سستی می شناسد. عریضه مرا بگیر. تو چه کن که پادشاه برسد. هر قدر زود که میتوانی آن وقت باز من میفهم که تو رفیق من هستی

کاتب عریضه را بد فتر ثبت کرد. پول پسته را از قدیم گرفت و رسید رجستری را داد.

قدیم با و گفت: اگر عریضه من گم شد باز من میمانم و تو!

یک عارض دیگر که در عقب او ایستاده بود بی صبرانه او را بادست خود متوجه ساخت که زود از غرفه دور شود تا نوبت با و برسد که نزدیک غرفه بیايد قدیم زود جای خود را باو داد. اگر چه

قهر شد اما چیزی نگفت. قدیم از پسته خانه جانب چایخانه روانه شد. تمام کار و انصاری را پالیده تا غلام علی را بیايد همراهی او به قریه برود. اما غلام علی بنظر نیامد.

چند قرص نان خرید. آنها را به

جیب هاویز بغل های کرتی خود جابجا نمود و جانب خانه خود روانه شد.

زمین دار بزرگ ده قهر شده بود که قدیم چرا به شهر رفته و چرا شکایت کرده. هر صبح و شام میرزا را نزد خود خوانسته و سر او غضب میشد و میگفت: بغضب خدا شوی... نمک من ترا بشرد ما ند... چرا کار او را نساختی... چرا نکشتی که از غش خلاص می شدیم. با دار جان بخدا قسم که ما فکسر کردیم آنقدر زده بود یمش که نفسش باید بر آمده می بود.

سباز نقش او را روی زمین مالدی و رفتی؟

این از بی احتیاطی ما بود. ما با ید او را در پهلوی جوی گور میگردیم.

اما تو این کار را نکردی. ما ندی که زنده شود و برود شهر و عرض کند

ما مور پولی فقط بها نه میخواهد. یک تولی پیره سرمن روانه خواهد کرد تا یک هفته پوره آب و نان برایشان بدیم بعد از او باز نوبت حاکم میرسد که بیاید و من با ید چاره او را کنیم. یک هفته این کار دوام میکند. باز نوبت نایب الحکومه صاحب میرسد. و من باز باید پیش او

چاره غوک نمایم. آخر برای چه؟ صرف برای اینکه یک دهقان از دست سر هتنگ آغاشکایت دارد. هر آدم بی سربویی

حالا برای ما چاه میکند!! وزیر پای ما آب میراند! حال یک دهقانی مثل قدیم هم شروع کرده.

وفیل هم نمیتواند بمقابل او ایستادگی کند. و گناه این همه بگردن کیست؟

گناه تو، میرزا اباحق لوده... بروتهای خود را مثل دم خر کلان کردی و گردنت از جاقی پندیده. کرتی بالا با تو ن دوزیت، کن جانت شود!!

با دار جان قسم میخورم که قصور من را میگردم. تو باش که یک دفعه پس اینجا بیاید. زنده بگور من میکنم.

بعد از اینکه رفت به شهر شکایت کرد و عریضه داد. تو میخواهی به آن

ما مور پولی که پدرش را کشته بود باز فرصت برسد که از من انتقام بگیرد.

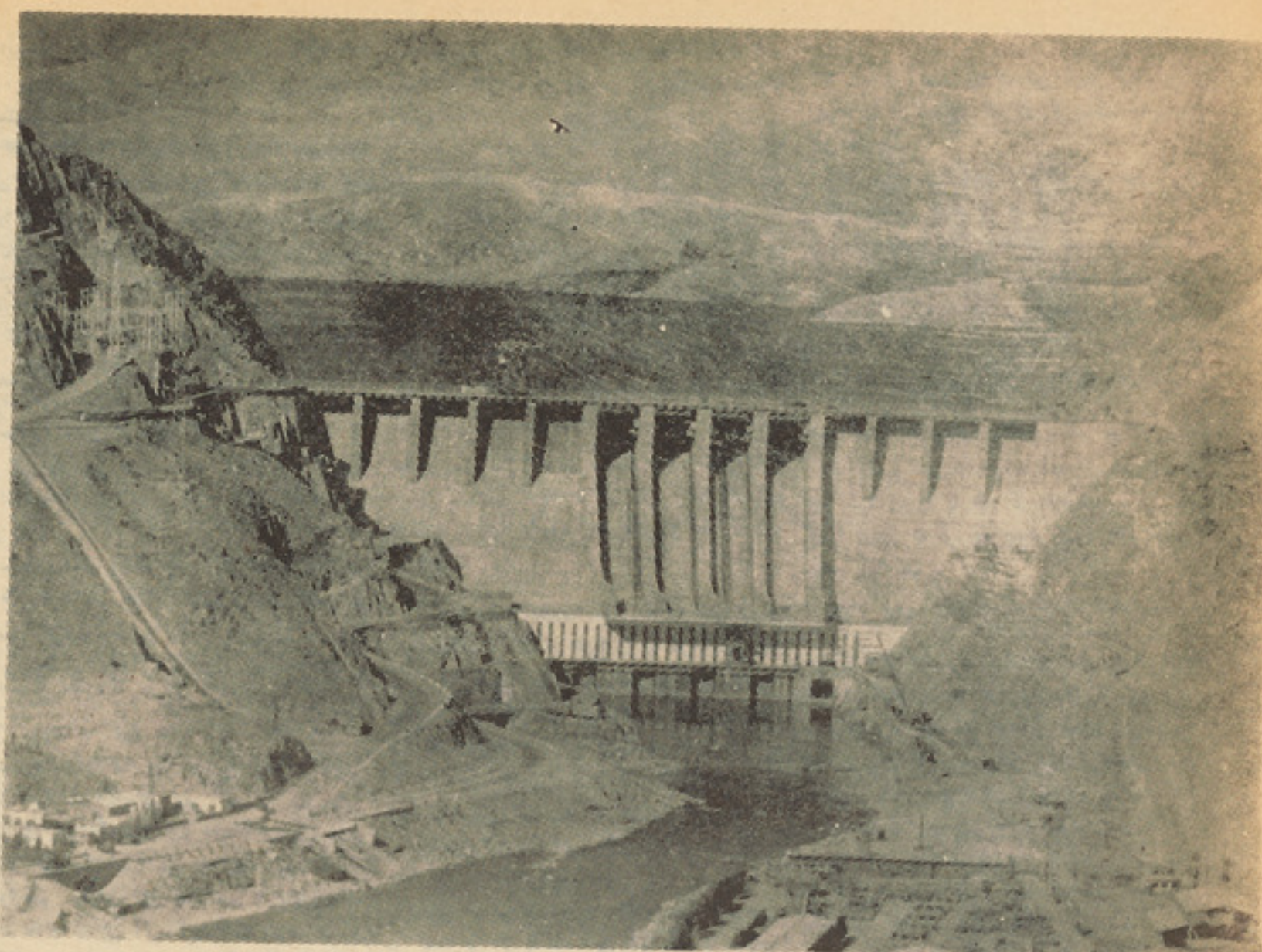
تا تمام

حادثه و بفرنگتر گردد، نمی توانست بشکل
 قانع کننده حل گردد مگر آنکه جنگلهای
 خا نما نموز بوقوع نمی یوست و یا در
 آینده از بروز آن جلوگیری شود و صلح
 پایدار سراسر دنیا را فرا گیرد و این زمانی
 میسر شده میتواند که جهان ما تا بسع
 یک نظم جدید اقتصادی و سیاسی باشد
 که دموکراسی واقعی بنفع کارگران،
 زحمتکشان و سایر طبقات تحت ستم
 بر تو افکن گردیده و بشر دست بدست
 هم داده در جامعه ای شگوفان و فارغ
 از استثمار زنده گی با همی اش را ادامه
 دهد.

زیرا با تعمیم دموکراسی واقعی که از
 طرف کارگران و زحمتکشان بنیان یابد
 منابع انرژی طور عادلانه در خدمت انسان
 قرار میگیرند و با برکت علم و تکنولوژی
 عصری و بکار بردن پشه خلاق و دورانیاز
 طبقه کارگر خلق های دورانیاز که در
 کنج و کنار این کره خاکی بصورت پرا-
 گنده زنده گی میکنند، منابع جدید انرژی
 کشف و مورد استفاده همگانی قرار میگیرند
 که بدون تردید اندیشه و نگرانی سراسر
 آور ناشی از کمبود انرژی و بحران آن در
 آینده بر طرف میگرد.

جنگلات، مواد نفتی، ذغال سنگ انرژی
 برقی اتم و آفتاب یا این بزرگترین
 منبع انرژی درجهان، در روشنی صلح
 و همزیستی مسالمت آمیز طوری در خدمت
 انسان قرار خواهند گرفت که از عر حیت
 رشد سریع جوامع عقب مانده صورت می
 پذیرد که با بخش و گسترش اندیشه متری
 و آید یولوژی دورانیاز طبقه کارگر
 خلق های سیاسی خیزند و طراح برنامه های
 انکشافی خود می شوند و با بکار بردن
 نیروی خلاق و زوال ناپذیر خویش بدون
 تشویش و نگرانی ای که امروز از ناحیه
 مواد سوخت و جهات دیگر ناشی از اقدامات
 سوء امپریالیزم متوجه آنها میباشد، زندگی
 با همی شان ادامه میدهند و با در خدمت
 انسان قرار دادن انرژی اتم و آفتاب، بر
 بحران انرژی و مشکلات ناشی از آن در
 آینده خاتمه میدهند.

با یاد گفت که نام استفاده صلح آمیز
 از انرژی اتمی جوامع بشری را از
 بحران انرژی در آینده نجات میدهد،
 مشروط بر آنکه دست امپریالیزم جهانی
 از سر خلق های تحت ستم کوتاه نگردد
 و کاهای ظلم و ستم استثمارگر اندر
 پیش پای زحمتکشان و واگونیان نگردد و
 جوهری حد حصر امروز امپریالیزم جهان
 که بر خلق های تحت ستم جریبان دارد
 بر طرف شده و بخوابسته های قانی
 زحمتکشان سراسر جهان پاسخ مثبت داده
 شود، صلح دایمی درجهان برقرار میگردد
 که در روشنی صلح و زندگی با همی
 ابناء بشری توانمند از منابع انرژی به
 صورت عادلانه استفاده نمایند.



نمایی از سربند برق نفلو (یکی از منابع مهم انرژی)

مشکل بحران انرژی در جهان

آفتاب به حیث بزرگترین

منبع انرژی

قسمت دوم

کرد که تعداد کثیری از انسانهای دیگر اصلا
 از چگونگی انرژی آفتاب، انرژی اتم و
 شکل استفاده از آنها اطلاعی نداشته
 باشند.

بهر صورت کمبود انرژی طوری که امروز
 فوق العاده محسوس است و منابع آن
 رو با تمام است نگرانی زیادی ازین ناحیه
 متوجه جوامع بشری گردیده است.

بالا رفتن فی بیل قیمت نفت در هر سال
 و پایداری نفت مواد سوخت چون ذغال
 سنگ و چوب سوخت نه تنها باعث درد
 سر برای کشورهای صنعتی جهان گردیده
 است بلکه باعث اندیشه و نگرانی قاطبه

سر نشینان این کره خاکی، میباشد
 که با دید جهان ما در روشنی صلح علاج
 واقعه را قبل از وقوع بنماید و بجای
 مصارف نظامی و پولهای مصرف شده در
 مسابقات تسلیحاتی در راه سرمایه
 جهان، کشف منابع انرژی جدید
 زیر زمینی و عمومیت دادن استفاده از
 انرژی اتمی و انرژی آفتاب بنماید تا

با جاکرفتن اندیشه متری دونهادهای انسانهای
 تحت ستم و پیروزی انقلابات
 دموکراتیک درجهان و جهان شمول شدن
 حکومت های پروتاریا و سرنگونی دولت
 های امپریالیستی جنگ طلب، بدون شک
 استفاده از انرژی اتمی بدست خود کار-
 گران پیروز مند عمومیت پیدا میکند و انسان
 پالنده و دورانیاز اتم را بصورت واقعی
 در خدمت انسان قرار میدهد و سرنگوله
 های ذروی را که جهت کشتار انسانهای
 قدر افراشته برای کسب حقوق انسانی
 شان رهبری شده اند، برای همیشه نابود
 میسازد و افق های تاریک انسانهای
 تحت ستم را با نور ناشی از انرژی اتمی،
 نورانی میگردانند.

درجهان سرمایه داری استفاده از مظاهر
 جدید زندگی عالی شکل طبقاتی داشته
 که با ادامه نظام سرمایه داری ادامه
 پیدا شده باشد و ازین سبب استفاده از
 انرژی آفتاب نیز درجهان کپیته لیستی جنبه
 طبقاتی خواهد داشت و تعداد محدودی از
 نوع بشر در حالی از آن استفاده خواهند

خوا بچند ساعت با ید طول
بکشد؟ آیا اشخا صی هستند که
بکلی نمی خوا بند؟ برای خواب
نورم منا سب و معین مو جو نیست
و همچنان اشخا صی هستند که در
صحت و سلامتی زندگی نمی
کنند.

از تجا رب چندین ساله در قسمت
مر یضان مبتلا به بیخوابی نتیجه
ذیل بدست می آید، آنها یکسره
از بیخوابی شکایت دارند در حقیقت
خواب هستند. بهتر است در این
مورد از گفتار روان شناس معروف
فرا نسوی پیر و ن یاد آوری شود
(شخصی هیچگاه نه می خوا بد که
همیشه خواب است این نوع اشخا-
صی برای مدت کم خواب میکنند اما
بعد از هر چند ساعت).

اشخا صی هستند که بطور مثال
کم می خوا بند. پتر اول، ناپلیون،
شیلر فقط پنج ساعت در شبانه
روز اما ادیسن دوالی سه ساعت در
شبانه روز می خوابید. تعداد زیاد
مردم در یک شبانه روز در حدود
شش ساعت می خوا بند اما
مشخصات جسمانی آنها به حالت
بهتر آن باقی می ماند. در عین
زمان اشخا صی یا فست می
شوند که مدت خواب مکمل آنها تا
۱۹ الی ده ساعت طول کشیده و بعد
از آن خود را آرام حس می کنند.

طبق ارقام معلوم ویدست آمده
در بسیاری مما لك انكشاف یاف-
فته دو سوم قسمت مردم از خواب
خراب خود شکایت دارند. در اتحاد
شوروی در شهر مسکو تحت يك
پروگرام معین از شش هزار نفر
درین قسمت پرسش بعمل آمد.

قسمتیکه معلوم شده در حدود چهل-
و پنج فیصد آنها از خواب خراب
خود شکایت داشتند. در این جمله
بسیار و يك فیصد آن خواب خراب و
چهارده فیصد اشخا صی هستند که
از خواب عمیق خود رضا یت دا-
رند اما مداومت آن کوتاه است.
(این نوع اشخا صی را کم خواب می
نامند) و ده فیصد آنرا اشخا صی
تشکیل داده که زیاد خواب میکنند
اما نه چندان عمیق. گروپ اشخا-
صی کم خواب را معمولا متعلمین و
محصلین تشکیل می دهند.

گروپی که از خواب خراب خود
شکایت میکنند معمولا دا رای
سن اضافی از چهل سال مسمی
باشند. این اشخا صی به زحمت می

ترجمه: س. احمد

تدابیر عمده در قسمت خواب و صحت

خوا بند در شب چند مرتبه بیدار
میشوند و خواب های خطرناک می
بینند و معمولا از نا سلامتی ارگان
های داخلی و یا از ترسیدن، عادات
تلقین شده، خرابی مزاج و خستگی
شدید رنج میبرند. حسب معمول
از دوا های خواب آورو مسکن استفاده
می کنند.

طبق نتایج تحقیقات اضافه تر
از همه کارکنان و سایر حمل و نقل
(ترا نسپورت) از خواب خود رضا-
یت داشته اما زندهای که در خانه
مصرف امور منزل اند و کسدام
مصرفیت دیگری ندا رند و متقاعدین
یعنی ما مورینکه مدت کار آن به
انجام میرسد و تقاعد می نمایند
از خواب ناراضی می باشند.

کارگرانی که با آلات اهترازی،
غالبات و مواد شیمیایی سرو کار
دارند موقعیت وسطی را در بین
دو کتگوری فوق دارند. اشخا صی
در رشته های که جنبه فکری و روحی
داشته باشند بسیار بیخوابی می
کشند.

قسمتیکه در یکی از موسسات
پرسش صورت گرفت فقط نژده
فیصد کارکنان فکری از خواب خود
رضا یت داشتند. علت این حادثه
کارهای شدید فکری، نبودن
خستگی جسمی و از دیاد معلومات و
اطلاعات است. در جمله کسانی که
از خواب خراب خود شکایت دارند
زنهای قسمت اعظم آنها را تشکیل
میدهد. يك خصوصیت با ید تذکر
داده شود از سابق این نکته معلوم
است که انسان در قسمت خواب بوس
خود بطور عینی قضاوت کرده نه
می تواند. پرسوئل طبی و اشخا-
صی نزد يك با کسانی که صبح از

عینی فعالیت مغز انسان در زمان
خواب رجوع کردند. از تحقیقات
مذکور نتایج ذیل بدست آمد:
اشخا صی وجود ندا رند که بدون
خواب زندگی کنند. بدین لحاظ در
حال حاضر استعمال اصطلاح بی-
خوابی درست نیست. این لفظ
از نقطه نظر ماهیت خود نیز
صحیح نبوده زیرا از سوی دیگر
شرایط نا گوار روحی را بار می
آورد حتی اشخا صی که از خواب
کردن بکلی انکار می کنند مدت
خواب آنها به بیست و چهار دقیقه
می رسد در حالیکه نورم این-
اشخا صی ۵-۱ دقیقه می باشد.

در این مورد اشخا صی را که
خواب خراب داشته باشند بطور
میتوان کمک کرد؟

در این قسمت بهتر است از
استعمال دوا های متعدد پرهیز شود
و در عوض رژیم استراحت، کار
و تغذیه بطور مناسب تعیین شود.
در این قسمت انتخاب کار از اهمیت
بسیاری برخوردار می شود. بد-
نیست که در اینجا نکته چند از آما-
دگی برای خواب سخن گفته شود
تمام وقت بیداری در حقیقت مقدمه
چینی برای خواب است. در این
مورد باید به عادات مقرر از احتیاط
کارگر فته شود. يك شخص بعد
از تقریبی پنج ساعت خواب مسمی
کند.

بعضی هازمانی که گرسنه باشند خواب
کرده نمی تواند اما برعکس بعضی
ها را این کار مانع نمی شود. بصورت
عموم بهتر است که قبل از خواب
کمی تفریح شود و از خوردن غذایی
قبل از خواب خود داری شود حمام
گرم بگیرد. اما عادات در این قسمت
از هر نوع توصیه ها مهم تر است.

بطور مثال تعداد زیاد دی عادت
دارند قبل از خواب مطالعه می کنند.
داکتران چشم اظهار نظر می کنند
که این کار اثرات منفی بار آورده و
مضر است. اما اگر در صورت
خلاف رفتاری از این کار خواب برهم
زده شود بهتر است تا آنرا ادامه
داد. علت برهم خوردن خواب بطور
ثابت اختلال سلسله اعصاب مسمی
باشد. اگر چه مبارزه با این اختلال
کار نیست بس مشکل اما میتوان آنرا
مغلوب نمود.

بقیه در صفحه ۴۹

خواب بیدار میشوند و از خواب
خراب خود شکایت می نمایند
از خواب عمیق آنها که گاهی با
خروپف نیز همراه می باشد شبانه
دست می دهند.

در تحقیقات متعدد دی با لای مر-
یضا نی که از خواب خراب خود
شکایت داشتند حقیقت فوق به
اثبات رسیده است بطور مثال اغلبا
این نوع مر یضان را قبل از خواب
يك صفحه کاغذ و قلم می دهند تا
در هر نو بت بیداری خود با لای
صفحه کاغذ يك خط بکشند معمولا
دید شده است که صفحه کاغذ
بدون کدام خط به حالت اولی
خود باقی مانده است.

در يك قسمت تحقیقات حتی تو-
سط آلات ولوازم مخصوص حرکات
مر یض در زمان خواب تثبیت گرد-
یده و دیده شده است که در يك وقت
معین به حالت آرام باقی مانده
این حالت در وقت بیداری هیچگاه
به نظر نه می خورد.

علت چیست؟ ممکن است مرثم
بطور شعوری خود را در این مورد
تلقین می کنند و فکر می کنند که
خواب خراب دارند؟

قسمتیکه معلوم است این طور
صورت نمی گیرد زیرا نخست
اینکه شخصی، شب در مدت بیداری
تصور می کند که وقت دیر تر
میگذرد. دوم اینکه بعضی از اشکال
فعالیت روحی را که در خواب می
بینند مانند بیداری فکر میکنند.
سوم اینکه حالتی موجود است که
در صورت آن موجودیت خواب نفی
میگردد. تعداد زیاد دی از سوا لها
زمانی حل گردید که علما به ثبت

جراحی روانی...

واقع می‌شد در دهه شصت و بعد از آن جراحی روانی به طرز نو شکل گرفت همگام با تکنولوژی معاصر روش‌های لوپوتومی ابتدایی متروک و بجای آن عملیه‌های منجمد سازی، انساج، مداوا با مدارکی صوت و نصب الکتروودها بمیان آمد.

نتایج بعدی نشان داد که هر سال چهار صد الی پنجصد فرد بیمار احتیاج به عمل روی میز جراحی قرار میگیرند. طریقه‌های گفته شده شامل فرو ریزی و انهدام یک عده انساج بخصوص مغز بوده تا عادت غیر نورمال و غیر قابل مهار در اداره آیند.

با آنکه قدم‌های مثبت برای شکل گیری بهتر این طرز العمل صورت می‌گرفت گروهی از جراحان مغز رد دست‌ها را آهسته ساختند و عمل را محدود و اعلام داشتند که در بسی و اوقات نادر منعیث آخرین در مان میتوان دست به چنین کاری زد به عنوان مثال در واقعات پیلپسی میتوان این جراحی را به خدمت گرفت اما اولین اعتراض بر مسئله توسط داکتر پتر برژن روانکاو امریکایی صورت گرفت. وی را قاتل ضمیر و روان خوانداز دیدگاه داکتر برژن هدف واقعی جراحی جز ضعیف ساختن، تغییر در شخصیت و منش، آرام ساختن بی لزوم شخص عمل سرکوب‌ساز ختن احساسات و عواطف چیز دیگری نیست ضمناً او خطرات احتمالی را بیشتر انگشت گذاشت و علاوه کرد چون نتایج این اصل نابازگردد است کاری است بسی خطرناک، ازسوی دیگر:

۱- جراحی روانی در انسانها به پیروی از شیوه جراحی حیوانی صورت میگیرد. که نتایج خوبی به دنبال ندارد.

۲- جراحی روانی مداخله مستقیم به شخصیت، عادت و منش وارد دارد.

حال که کم و بیش از مخالفان عمل گفتیم، ببینیم مدافعان در مورد چه گفتنی دارند و چگونه دلیل میاورند: دانشمندان جان دو نلی روان نشنا-

س امریکا یکی در داغترین روزهای انتشار خبر اعلام داشت که عمل روز بروز به شکل بهتر حاضر می‌شود. وجهان طبابت نمیتوانند از موجودیت و همگانی آن انکار نمایند. داکتر ویلیارد گایلین به پیشرفت این طریقه حتم دارد به نظر او با اندکی تعدیل و دست کاری میتوان موفق شد به نظر او رد عکس العمل های منفی روانی که با این وسیله

تحت کنترل در می‌روند تا ثیرات گروهی داشته و نصب الکتروودها را نیازمند است با آنها فایده های آن نسبت به زیانهای آن پیشی میگیرد. نظر به گفته های بالا بیمارمیدانند که شیوه جراحی

بقیه صفحه ۱۸

ریکارد بودو...

از آن غرض تحقیقات سطح زمین استقاده های زیاد بعمل آوردند. دراوقاتیکه کار آنها رو به اختتام بود معلوم شد که آنتن رادیو تلسکوپ از استیشن سا لوت شش جدا نمی‌شود. اگر آنتن به حالت خود گذاشته میشد استیشن مذکور نظر به پلان معین خود کار را پیش برده نمیتوانست. برای اینکه آنتن از استیشن علیحده میشد ضرورت افتاد تا کیهان نوردان به فضای آزاد بیرون آیند. سا بق کیهان نوردان به فضای آزاد در روزهای اول پرواز خود می‌برآمدند یعنی

وقتیکه دارای نیروی کافی بودند اما این دو کیهان نورد مجبور شدند تا در روز ۱۲۷ کار خود به فضای آزاد بیرون آیند اگرچه از نقطه نظر داکترها این عمل امکان پذیر بود. بالاخره به تارینخ پا نزده اگست در مرا حل اختتام کار خود این عملیه را نیز به پایان رسانیدند و علاوه تا به ابتکار خود تحقیقات اضافی را نیز انجام دادند منجمد طرا حان استیشن میخواستند بدانند که در دریچه های استیشن چرا کمی تا ریکی ایجاد شده بود. ریومین

تغییری در شخصیت او وارد نخواهد کرد که این عمده ترین تیوری روانی خود و حمل است من یضای روحی که به اصول های دیگر درمانی تن در نمیدهند این تداوی را به عنوان آخرین راه در مورد می‌دانند.

نظریه آینده: - سالیان آینده دو هزار و فوق آن هر چه بیشتر باز تاب فشارهایش را بر مغز ما وارد خواهد کرد و بیماری های روانی و روان جسمی را در دنیای طب بخش خواهد کرد که امروز آن نامی نیست. بهر حال اگر در گیری های روحی و خستگی روز بروز زیاد میشود و مغز ما را تسخیر می‌کند،

گسترش و تحقیقات علمی نیز روز بروز برای مهار نهایی آن میکوشد بهر حال سال های دوهزار ما را بیاد قصه های علمی خواهد انداخت که انسان چگونگی برای نجاتش از عواجل بیماری را در تقلا خواهد بود!

کسترش و تحقیقات علمی نیز روز بروز برای مهار نهایی آن میکوشد بهر حال سال های دوهزار ما را بیاد قصه های علمی خواهد انداخت که انسان چگونگی برای نجاتش از عواجل بیماری را در تقلا خواهد بود!

تو سطل دستمال کاغذی مخصوص در پیچه را پاک کرد و دستمال را با محتویات آن به زمین باخود آورد. ریومین ولیا خوف یک ساعت و بیست و سه دقیقه در فضای آزاد سپری کردند و سه روز بعد سیوز سی و چهار در منطقه معینه به بیمار نر می پائین آمد. به این ترتیب ریومین ولیا خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را در فضای سپری کردند تا هنوز این رقم ریکارد جبهانی در قسمت بودو باقی در فضای کیهانی میباشد اما هدف در این قسمت از قایم نمودن ریکارد نیست بلکه هدف این است تا دانسته شود که بودو با شش زیاد و طولی کدام خطرات را بار می‌آورد. علما این مسایل را بطور موافقانه حل مینمایند و وسایل حفظ ما تقدم را برای مبارزه با تمام ناگواری هاترح میکنند. این نکته هم اتفاقی نیست که مدت اقامت در فضای روز بروز طولیتر میشود بطور مثال یوری روما ننکو و گیورگی گریچکو نود و شش شبانه روز و ولادیمیر کوالو نوک و الکساندر ایوانچنکوف یکصد و چهل شبانه روز را در فضای سپری کردند و حال ریومین ولیا خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را بلند بردن با لتر قتب مدت ساخت

پرستاران مربوط در قسمت کمک با مر یض ، ثبت تا ریخ مر یضس و وقایع مربوط به او با داکتر مربوطه همکاری نموده و حتی در قسمت معاینه آنها نیز تلاش و فعالیت به خرج میدهند. در بعضی حالات مهم که پرستار و معاون پزشک نتوانند کاری را انجام دهد با دکتور مربوط ارتباط برقرار می سازد و در مورد مشکل موجود از داکتر و متخصصین مشوره طبی و هدایت های لازم را می خواهد در نقاطی که از مراکز صحتی کاملاً بعید بوده تماس مستقیم نتوانند صورت گیرد در چنین حالتی از طریق امواج را دیویی و مفاهمه تیلیفونی حل مطلب می نمایند و حتی از طریق مفاهمه تلو یزیونی و را دیویی بعضی عملیات مهم طبی را در همین امبولانس ها انجام داده اند .

یکی از دانشمندان گفته است که آنچه که باید یک پزشک انجام دهد منوط به عملیات و جراحتی مر یض نبوده بلکه آنچه که عمده تر او میتواند انجام دهد مشوره طبی و هدایت های لازم است که چگونه مردم میتواند کمک های عاجل و اولیه را حین بروز حادثات ناگوار خود بخود انجام دهند و توانسته باشند تا رسیدن به مراکز صحتی حیات شانرا تضمین نمایند .

اضلاع متحده خدمات صحتی عاجل از طریق هلیکو پتر صورت می گیرد این کار توانسته است که در حدود پنجاه فیصد خطر مرگ را از بین ببرد .

یکی از متخصصین مربوطه گفته است از زمانیکه سیستم عاجل صحتی روی دست گرفته شده در بسا واقعات عاجل رسیدگی آن صورت گرفته و در حدود اضافت از هشتصد حملات قلبی مر یضان به صورت فوری تدابیر و علاج گردیده و این بزرگترین موفقیت است که آدمیزاد تاکنون در مورد بدست آورده است .

متخصصین مربوط اظهار نظر نموده اند که امبولانس های سیار و هلیکو پتر های مربوط کاملاً با آلات و ادوات صحتی مجهز بوده تقریباً شباهت نزدیکی به یک شفاخانه میداشته باشد که در آن امراض گونه گون تدابیر میگردد. در امر یکا در چنین موسسات صحتی عاجل اکنون اضافه از یکمیزان ششصد متخصص طبی و یکصد مکتب صحتی موجود است که پرسونل مورد نیاز تر بیه و تعلیم می دهند .

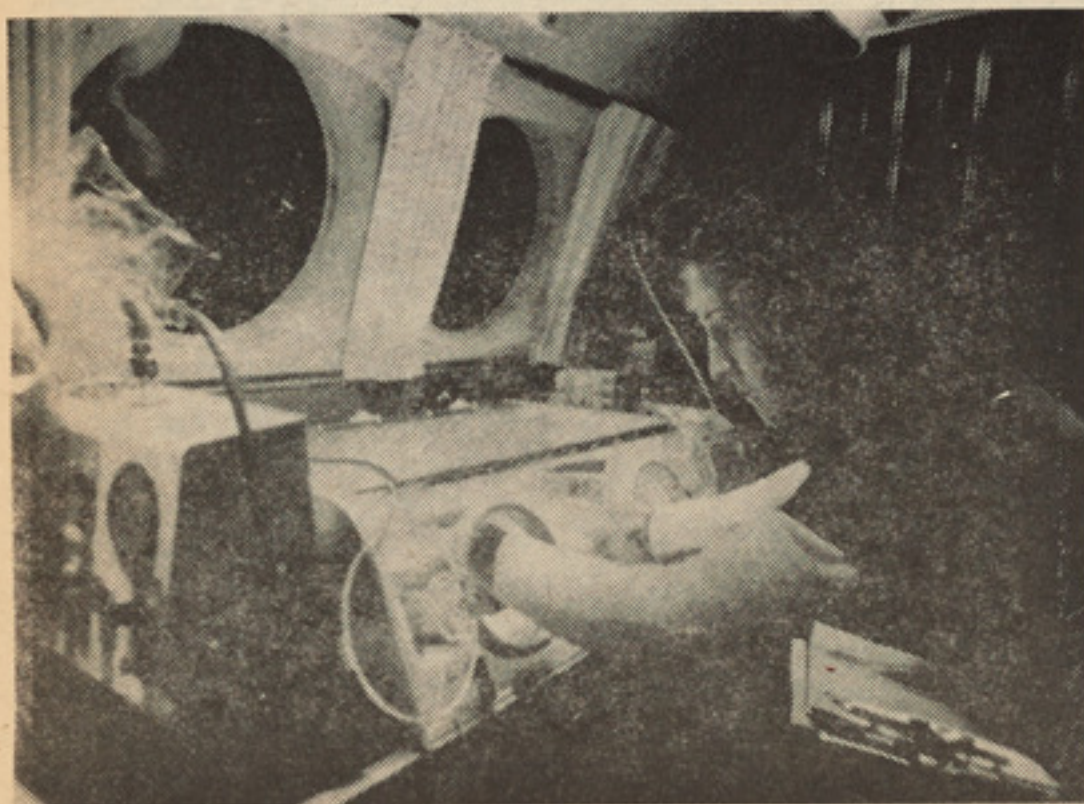
در هر یکی از امبولانس ها و هلیکو پتر ها داکتر معاون داکتر و نرسها وجود دارند که نرس و



صحنه ای از خدمات عاجل صحتی که در امبولانس هلیکو پتر در جهان امروزی جهت حفظ حیات بشری انجام می یابد .

مترجم: حفیظ الله عا دی

ساینس در راه مبارزه بامصائب ناگوار در جامعه بشری



یکی از عملیات طبی بداخل هلیکو پتر

در این اواخر در شهر های مزدحم که در آنها تعداد زیاد مردم زندگی میکنند و رسیدن از یک نقطه به نقطه دیگر وقت زیادی را در بر میگیرد و این امر حین بروز مصائب و حادثات ناگوار چون حادثات ترافیکی ، حریق و غیره مشکلات را بارمی آورد و رسیدن تا مرکز صحتی قرار دهند چنانچه در بسا نقاط

جلوگیری از سوء تغذی

۱- ازدیاد و تکثیر نفوس در ممالک روبه انکشاف :
تولدات بی در پی و نبودن فاصله معین و لازم بین دو طفل ایستادگی و تکثیر نفوس را سبب میشود .
۲- قلت و کمبود مواد غذایی از اثر زراعت و فلاحت غیر کافی .
۳- تقسیم و توزیع نامناسب مواد غذایی بتمامی افراد جامعه
۴- عوامل اقتصادی و اجتماعی :
عده از باعث فقر و بیچاره گسی قادر بخیرید مواد غذایی او لیستند . و بعضی ها نظر به کلتور و عنعنات در مقابل بعضی غذا ها تعصب دارند . یا اینکه بنا بر نداشتن معلومات کافی تغذی نمیتوانند مواد غذایی مفید را انتخاب نمایند . یعنی غربت و غفلت و بیسوادی اسباب عمده سوء تغذی اند .

عوامل مریضی :
بی اشتهاپی ، قیات ، اسهالات ، عمل هضم و جذب غیر طبیعی ، افات سیروز کبد (که از مواد غذایی جذب شده استفاده نمیشوند) . امراض خبیثه ، تب ، سرماخوردگی ، سوختگی ، کسور عظام ، دیابت (از باعث اطراح گلو کوز از طریق ادرار) . سند روم نفرو تیک زیرا باعث اطراح پرو تین از طریق بو لی میشود) عبارت از امراضی اند که باعث سوء تغذی میشوند .
۵- ضرورت زیاد بمواد غذایی :
مثلا در زمان حاملگی و شیر دهی ، کار زیاد و شاته خصوصاً در هنگام سر ما که در ینصورت ممکن غذا های عادی تکافو نکنند . عوامل که باعث تنقیص حاصلات زراعتی میشوند :

تنقیص قوه بشری در پرو سه تولید مواد غذایی ، خرابی وضع زمین از نظر زراعت خشکسالی ها و کمبود آب خصوصاً در موسم کشت ، زراعت یک نواخت و زرع یکتعداد مواد غذایی غیر ضروری تبدیل نمودن زمینهای زراعتی به چرا گاه ها قلبه نمودن خراب و غیر فنی زمین زراعتی ، آتش سوزی زمینهای زراعتی ، امراض نباتی ، موجودیت حشرات پر زده گان و

جونده گان که بها صلات زراعتی ضرر میرسانند و استفاد ه ادویه جات ضد حشرات نباتی بصورت غیر فنی عبارت از عواملی اند که باعث تنقیص حاصلات زراعتی شده و بصورت غیر مستقیم در بوجود آوردن سوء تغذی رول بسزا دارند .
جنگ و جدال و بحرانات گونا گون :
زیرا از یک طرف کار در مزارع صورت نمیگیرد و از جانب دیگر از باعث ایجاد مشکلات انتقالی و ترا نسپورتی مواد غذایی بصورت صحیح بدسترس مردم قرار نمیگیرد .
صعود تر خها و احتکار مواد غذایی .

نبودن کار و عدم استخدام :
مردم بیکار در اثر بر هم و در هم بودن توازن اقتصادی شان نمیتوانند غذا های مفید و لازم را خریداری نمایند به اینتر تیب اعضای فامیل شان با لخاصه مادران و اطفال که گرو پ حساس فامیل شان را تشکیل میدهند از همه او لتر مصاب سوء تغذی می شوند .

یکعده از فامیل ها که پولدار و قادر بخیرید ، هرگونه موادغذایی ضروری و مفید اند . بدون در نظر داشت صحت و سلامت شان جهت کسب پرستیژ شخصی و فامیلی غذا های غیر ضروری و غیر پرو تینی شیرینی دار مانند بیسکوت ، کیک ، کلهج ، شیرینی باب و غیره را که عاری از اکثر مواد تغذی و ضروری اند بیشتر تحت استفاد ه قرار داده یا اینکه همیش برنج را بصورت پاک نواخت صرف مینمایند و خود را از غذا های ضروری و اصلی محروم گردانیده به اینتر تیب بدست خود صحت و حیات خود و فامیل خود را بمخاطره میندازند . همچنان بعضی از مادران جهت کسب پرستیژ بدون در نظر داشت صحت اطفال شان عوض شیر خود به اطفال خود شیر پودری تو سط بوتل یا جو شک میدهند (اگر نظر به عللی ما دران مجبور میشو ند که

مطالعه نموده و اندازه فیصدی سوء تغذی را باتمامی عوامل مؤثره آن دریافت و تشخیص نموده وبعد از آن مطابق به علل و اسباب دریافت شده تدابیر و قایوی را طرح ریزی و اشخاص مصاب را تداوی نمود .

تدابیر عمده و اساسی وقایوی سوء تغذی :

- ۱- بهبودی وضع اجتماعی و اقتصادی بصورت عمومی و ازبین بردن غفلت ، غربت و بیسوادی که عوامل اساسی و عمده سوء تغذی را تشکیل میدهند .
- ۲- بهتر ساختن وضع حاصلات زراعتی ، مالذاری و غیره .
- ۳- تاسیس و انکشاف خدمات صحتی یا اساسی از نظر کمیت و کیفیت بصورت کلی و همهجانبه ،
- ۴- تربیه پر سونل طبی داخل سرو یسهای صحتی و اشخاص فنی که در ساحه کار میکنند .
- ۵- تعلیمات تغذی به والدین اطفال ، بخش تعلیمات و تبلیغات تغذی بگرو پهای مختلف مردم : شامل نمودن این چنین تعلیمات در پرو گرامهای تربیوی معارف و گنجاییدن آنها در نشرات مختلفه کشور از قبیل رادیو ، تلو یز یون روز نامه ها ، مجلات و توزیع پوستر و پامفلیتها در بین مردم پیشبرد پرو گرامهای تغذی تطبیقی و عام فهم نمودن تعلیمات تغذی .
- ۶- ترویج استفاد ه از مواد غذایی مفید متنوع و ارزان قیمت .
- ۷- گسترش و انکشاف فعالیت های تغذی بمنظور تطبیق تدابیر مؤثر تر در جلو گیری امراض مختلفه و توزیع غذا های پاک و صحتی .
- ۸- فاصله بین دو حمل باید مطابق به اساسات (پلان خانوادگی) صورت گیرد تا ولاد تهای پی در پی مساله سوء تغذی را در فامیل ها بار نیآورد .

بقیه صفحه ۱۷

بیمو حب

به سرطان نیز جلو گیری میدارد . عده از کارمندان یک فابریکه مشروب سازی مدعی است که از یکنوع سمارق الکحول و نوشابه های الکحولی استحصا ل داشته است . پس سمارق اینک میتواند بجای الکحول نیز کار بدهد ، ازینرو جهت شناخت نسوخت و خواص بیولوژیکی و طبی سمارق ها مطالعات همه جانبه ای ادا ه دارد . بسیاری از انواع سمارق های زهر آگین اکنون مورد استعمال زیادی در بخش های مختلفی از علوم طبی دارد .

اطفال شان را شیر پودری بدهند با ید اول شیر رادر گیلاس و یا کدام ظرف دیگر تهیه نموده و بعد توسط قاشق به طفل شان بدهند . در نتیجه تجارب و تحقیقات علمی ثابت شده که شیر مادر بهترین غذا برای طفل بوده و اگر شیر چو شک جای شیر مادر را بگیرد بر صحت طفل اثرات نا گوار دارد . زیرا از یک طرف طفل بمقا دیر زیاد شیر ضرورت داشته در حالیکه شیر پودری گران بها بوده و اکثر والدین مقادیر ضرر و زی شیر را خریداری نموده نمیتوانند . و از طرف دیگر عدم مراعات حفظ الصحتی سمانیکه شیر در آن تهیه میگردد و نشو و نمای میکروبهای گونا گون در شیر مو صوف اولاً باعث ایجاد امراض انتانی و بعداً باعث سوء تغذی طفل میگردد . که به اینتر تیب در صورت استفاد ه از شیر پودری بر علاوه گر سنگی اثقات نیز در تشدید سوء تغذی رول عمده بازی میکنند .

اشتها رات و اعلا نات زیاد در مورد یک عده مواد غذایی غیر مفید و بی ارزش تجارتنی توجه مردم را جلب وایشان را بر اراه غلط رهنمون نموده و باعث بمیان آمدن سوء تغذی میگردد .

پخت و پز نامناسب و نا تمام مواد غذایی .
یا اینکه باعث عدم هضم و جذب میگردد و یا اینکه در اثر پختن اضافه از حد مواد غذایی قسمت عمده و با ارزش آن تخریب و غیر قابل استفاد ه گردیده و به اینتر تیب راه را بطرف سوء تغذی باز مینماید .

برای اینکه بتوان از سوء تغذی جلو گیری نمود لازم است تا اولتر از همه در بی دریافت عوامل آن طوریکه فوقا تذکار بعمل آید شتافت که برای این منظور باید قبل از همه پتال وژی اجتماعی را

های مذکور یکنوع دیگر سمارق میتواند مریضان مبتلا به سرطان را از شر این مرض مهلک و جانگناه وارهاند و پس از تسدای مداوم در بهبودی زخم ها و کاهش و محو تومور های سرطانی کمک فراوان بدارد . سمارق های شفا بخش از گسترش و انتشار سرطان در سایر حصص وجود مریض مبتلا

تدابیر عمده...

یکی از طرق مبارزه ضد اختلال معالجه طبی است است زیرا در حال حاضر طبابت از وسایلی بهره‌مند است که ابلاهی محیط دماغی تا تیر مثبت را رد می‌کند.

به این ترتیب معالجه بیخوابی بطریق طبی و روانی صورت گرفته می‌تواند. اغلباً به معالجه روانی‌رول پیشرو داده می‌شود در ضمن قسمت اعظم معالجه مربوط به خودمریض نیز می‌باشد.

اگر علت بیخوابی عوامل خارجی بطور مگال‌گال‌ها ایجاد شده، ترا- نسپورت شمرده شود اثرات منفی بار می‌آورد. معمولاً اشخاصی که در محیط پر شور می‌کنند بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد به بسیار راحت می‌خوابند و اگر محیط بکلی آرام باشد این اشخاص خود را آرام حس می‌کنند. اگر بطور مثال علت بیخوابی عوامل خارجی شمرده شود گرچه در اول چندان مهم به نظر نمی‌رسد چندی بعد شکل عامل اصلی به خود می‌گیرد و چون نکه تمام افکار متوجه عامل خارجی می‌شود همیشه باعث اختلال خواب می‌شود.

طبق احصائیه دقیق در حال

بقیه صفحه ۱۹

حاضر اضافه تر از پانزده فیصد نفوس جهان در زمان خواب ازدواهای خواب آور استفا ده می‌کنند. اما اگر دواهای مذکور مدت زیاد استعمال شود بالاخره شکل عادت را بخود گرفته و بی‌الخره شخص مجبور می‌شود تا هر روز از آن استفاده نماید زیرا بدون آن هیچ‌خواب کرده نه می‌تواند.

اگر از استعمال آن در این وقت نپن‌ناوخ قست‌ضن عتقند آه‌ه صرت صرف‌ظنر شود فشار روحی زیاد را بار می‌آورد. دواهای خواب آور معمولاً رژیم خواب را بکلی تغییر می‌دهد. قسمیکه تثبیت شده است بعد از نود دقیقه خواب مرحله خواب سریع ایجاد شده و تفریباً ده دقیقه ادامه می‌یابد در طول شب مشخص چهار الی شش این نوع مرحله را می‌گذرانند و در اوقات صبح مرحله خواب سریع سی تا چهل دقیقه طول میکشد. تجارب طبی نشان داده است که استعمال مشروبات الکولی این مرحله خواب سریع را که برای انسان ضرور است برهم زده و به تدریج قلت آن حس شده و بالاخره سیستم کار رشته‌های عصبی را برهم می‌زند. بدین ترتیب اگر از تو صیه‌های بدین ترتیب اگر از تو صیه‌های فوق استفاده شود ممکن است به صحت و سلامت انسان کمک لازم نماید. لغز و زخل اشک ریز لازم بنماید.

چگونه مبارزه با حوادث

بوده طوفان امواج بحری را تحلیل و ارزیابی می‌نماید سیستم اطلاعاتی یکی از عمده‌ترین کاری است که می‌تواند بزود ترین فرصت منطقه تحت خطر جدی را از تهلکه دهشت طوفان‌ها نجات دهد در صورتی که چنین سیستم دقیق وجود نداشته باشد هر گونه احصائیه و ارقام و یا پیش‌بینی در مورد به شکست مواجه می‌گردد.

گرچه ماکنین يك منطقه که بره‌هاورد حمله طوفانهای بحری وبری قرار گرفته اند تجارب در زمینه آندوخته اند که چگونه در وقت وزماتش می‌توانند در رهایی و نجات شان تلاش و اقدام نمایند اما از آنجائیکه باشندگان جدید در منطقه ممکن است وارد گردند به این لحاظ کار به دشواری مواجه می‌گردد بنابراین ملحق‌الاست که دانشمندان تأسیس اداره مبارزه بر ضد حوادث را که دارای پرسونل فنی متجرب و سیستم اطلاعاتی و پیش‌بینی دقیق اوضاع جوی باشد تأکید می‌نمایند.

نمی‌آیند آنچه که طوفان‌ها در گذشته‌های دور تاریخی حتی در چندین دهه قبل خسارات را بوجود می‌آورد امروز فاقد آن قدرت و توان اند زیرا دانشمندان در گوشه و کنار جهان در صدد آن هستند تا وسایل و ادارات مجهز را تأسیس نمایند که قادر باشند پلان‌های وقایع و مبارزه با حوادث ناگوار را داشته باشند یکی از موسسات فعالی که تاکنون وجود دارد در ایالات متحده آمریکا است که با وسایل مجهز از قبیل اقمار مصنوعی به فاصله هزارها میل در فضا ناظر پیش‌بینی حوادث و مخابره آن در کره ارض و به اداره مربوط می‌باشد.

موسسه مذکور دارای هلیکوپتر و طیارات اند که می‌توانند طوفان‌ها و هر یک از این‌ها را به صورت متواتر تعقیب نموده و وقوع آن را بزود ترین فرصت در منطقه معینه اطلاع دهد هم چنان تعداد زیاد کشتی‌های بحری نیز روی این منظور در عمق و سطوح ابحار در گشت و گذار



گروبی از واحدهای دفاع ملی یوگوسلاویا که هنگام مقابله علیه تجاوز دشمن، داوطلبانه سهم می‌گیرند.

بقیه صفحه ۲۹

زنان یوگوسلاویا

انگیزه بیشتر در رشد شخصیت نظامی زنان و تقویت حس شهامت آنان تأثیر مثبت و موثر دارد. بطور مثال: پیغله «سوزانا جکوفلوویک» که چهارده سال عمر داشته و یکی از اعضای فعال دسته کشفان و پیگردان (مربوط به سازمان کوچک موسسه سکوت یا پیش آهنگی شهر «پوزا ریواک» واقع ایالت «سربیا» بوده و اخیراً به لقب و عنوان «سر افتخار» پارتیزان کشفان یا «کشفان پارتیزان» مفتخر و موفق گردیده است، ضمن مصاحبه به خبرنگار مجله ما هانه «ریویو» چاپ بلگراد گفته است:

«آنچه که بیش از همه با مشکلات بیشتر آنرا جستجو و دستیاب کردم، عبارت از جنبه عملی مهارت کار، هنگام آزمائش وظیفه محوله و بحث قاصد پارتیزانی بود که در قبال صبر و متانت خود را بدان مقدار ساختم. چنانچه یکروز تمام اوقات خود را بدون صرف غذا در جنگل هولناکی مخفیانه و دور از انتظار و تکسایوی پاسداران و پاسبانان طوری گذشتادم که آنان گاهی بشکل دسته‌جمعی و زمانی بطور پراکنده در جستجوی من بودند تا مرا دریابند ولی موفق نشدند. در آنحال پس از یکسلسله عملیات تجربتی خفیه توانستم پنهانی از دیدگاه و نقطه چشم انداز شان خود را چنان بهدق مطلوب برسانم که از دست شان کاری ساخته نشد. تا اینکه خاموشانه ولی بسرعت و مهارت برای طولانی روان شدم که پاسداران حتی رده قدم‌ها و راه پای مرا هم پیدا کرده نتوانستند. هنگامیکه با فراست، مواظبت و هشیاری عمیق راهپیمایی می‌کردم، کلیه آنچه پیمایایی محوله و سپرده شده را بخاطر می‌آوردم که از رهگذر يك عملیه آزمائشی بن قسیم و محول گردیده بود....»

در اخیر قابل تذکر است که علاوه بر پوهنخی‌های اختصاصی نظامی در یوگوسلاویا در مفردات درسی همه پوهنتونهای غیر نظامی آلتشور، مضمون تعلیم عسکری نیز در جهت معلومات عمومی محصلان شامل است که شاگردان محتوای آنرا باولع و اشتیاق تمام می‌آموزند.

در «سلوونی» که هنگام جنگ دسته زنان پارتیزان سرامری کشور نقش فعالی را در جبهه علیه دشمن بازی می‌کردند، امروز از بنایای نظام مذکور یکدسته بزرگی از دوشیزگان جوان و صاحب انرژی و مستعد در جهت دستیابی بر وسایط جنگی ضد تانک تعلیم و تربیه اساسی را فرا گرفته اند بطوریکه آنان حین بروز کدام حادثه جنگی، می‌توانند با استعمال بمب و نارنجکهای دستی تانکهای دشمن را از بین ببرند. این گروه دختران در اصطلاح عوام بنام «پروانه‌ها» شهرت داشته و از یکتعداد شاگردان فارغ مکاتب عالی و ثانوی و کارگران جوان مرکب و متشکل می‌باشند که واحد‌های کوچکتر آنان در هر منطقه حساس یوگوسلاویا موجود بوده و هنگام تجاوز مخاصمانه دشمن خاک، چون موروملخ یا بمان مگمان زهرناک بر سر و روی شان میریزند و با سمپاشی و کاربرد نارنجکها در امجای آنان دلبانه دست بکار می‌شوند.

برای نیل در جهت بسط و انکشاف مزید امور آموزش و فراهم آوری تسهیلات بیشتر هیات و کارمندان تعلیم و تربیه نظامی زنان بشکل منظمتر و پیشرفته تر آن، موضوع مفردات کلی مربوط به مجموع مسائل دفاع ملی کشور، فاکولته (پوهنخی) مجهزی بنام «کل دفاع ملی» مورد توجه قرار گرفت و نخستین بخش اساسی آن بسال ۱۹۷۵ در بلگراد بنیاد گذاری شد. همچنان مطابق پروگرام منظم و مرتب، نوع چنین پوهنخی بی در دیگر مراکز پوهنتونهای یوگوسلاویا نیز رویکار آمد و فعلاً در طریق آموزش عسکری دوشیزگان زنان جوان دست بکار شد. بنحویکه این تجویز به استقبال بر حرارت زنان و دختران مواجهه گردید و شمار ثبت نام درین رشته بیک معیار مطلوب و اطمینان بخشی ارتقا کرد.

باید متذکر شد که قسمت زیاد امور دفاع ملی بشکل آموزش عملی آن، خارج از حیطه پوهنخی و آموزشگاه نیز دنبال می‌شود و این

عیار نمودن...

بین السیارات طرز استفا ده از زمان تعطیل چندان مسئله مهم و عمده نبوده ، چیز یک عضویت را میا زارد . از یک طرف کاهش یکنواخت وزن بوده و از جانب دیگر زما نیکه کیهان نوردان به سطح سیاره مریخ و یامدار سیاره زهره بر سند دیگر هیچ وقت برای استراحت شان نخواهد داشتند . مگر از دیاد وزن بسان کاهش وزن معکوس گردیدن عادت خواب و بیداری را سبب گردیده و هم باعث ایجاد ناهم آهنگی نیل خواهد گردید . آیا میتوان معضله اخیر را حل نمود ؟

دو کتورس . س . ستیا نو فا (ماستر طب) در مونو گرافش معضلات مهم بیو ریتمو لژی کیهان (نی) مقاله جالبی را تحت عنوان (معلومات و ارزش انرژی بیست و چهار ساعته) بر شته تحریر در آورده است . بگمان دانشمندان ساینس هر شخص بطور انفرادی و مداوم روز مره یک مقدار معین و مشخص انرژی را مصرف نموده و هم یک اندازه معین و مشخص معلومات را کسب مینماید . ظاهرا این یکی از قوانین اساسی است که ساختمان وظیفوی و ریتمو لژیک عضویت را رهبری میکند . و از همین باعث انحرفات از حالت نور مال در هر دو جهت ریتم خواب و بیداری را معکوس میسازد .

اگر نظیر اینگونه وقایع در حین یک پرواز طولانی اشکار گردید باید سیکل شبانه روزی با افزایش دوره بیداری (دوره جریان اطلاعات خواب بحال نور مال نگهداشته و هزینه انرژی) در حالیکه زمان خواب بحال نور مال نگهداشته شود طولانی تر گردد . البته بطور طبیعی بار عضویت افزایش خواهد یافت .

مادامیکه وقت کار شاقه آمد باید سیکل شبانه روزی با تبدیل و کاهش دادن دوره بیداری در حالیکه زمان خواب و استراحت بحال نور مالش نگهداشته شود کوتاه گردد . که بلا شك این عمل مانع تحمیل بار اضافی بسایر عضویت خواهد شد .

از نظر تخنیک اجرای این چنین عملیات هیچ مشکلاتی ندارد :

بر یود شبانه روزی زمینی و زمان سنجها بیک سیستم مصنوعی که میتواند به بسیار ساده گی به یک سیکل شبانه روزی تعدیل یابد تعویض خواهد شد .

مگر شاید خواننده گرامی پرسد که او با تکنالوژی باید چه کند ؟ در آغاز مقاله تذکر داده شده بود که انسان نمیتواند خود را بایر یود های طولیل یا کوتاه تطابق دهد . و این شامل انحرفات اساسی از نمونه های عادی شبانه روزی (که چهار شش و دزاده ساعت دولم میکنند) میباشد .

عضویت انسان میتواند خود را فقط به انحرفات کوتاه (که یک یا دو ساعت دوام کند) توافق دهد . ضمنا اگر اشخاص انفرادی کاملا از تحت تاثیرات خارجی

بقیه صفحه ۲۶

پلان اعمار شهری

جها نی است بلکه محل تجمع و گرد هم آیی هزاران هزار چهره های ور زشی جهان ما شمرده میشود که در را بطه و نزد یک شدن انسا نها وشنا سایی یکدیگر نقش بزرگ را ایفای نماید او علاوه میکند که چنین گرد هم آیی ها هر قدر یکه زیاد تر صورت گیرد به همان پیمان میتواند در رفع کدورت ها و درک های نا در ست مردم از یک دگر قدم برداشته و این امر در

بقیه صفحه ۱۱

باج

نوی وخت داسی خو بنی وزیر و لی چی دمحمد عمر کو چی په شان دیر نور غم لړلی کو چیان د داسی بد بختیو څخه خلاص شول چی تصور یی نشو کو لای .

داسی انقلاب راغی چی د خوارانو مینه پکی وه د زړه سواندو څپو نغمی بلبلانو و غږو لی په چمن کی سرو گلا نو داسی میلی جوړی کړی چی نندارو نه یی هر چا گټه اخسته . د شرق ځلانده ډیوی ډیری تیاری خونی رو بڼانه کړی .

ده مخ پاتی

د مسلمانانو...

داسلامی هیوادو نو سپو رت مینانو زیاتی آسا نتیا وی برا بری کړی؟ هو ولی نه! ددی له پاره چی سر کال داوړی په مو سوم کی دالمپیک نړیوا لو لوبو په وخت کی د اسلامی هیوادونو ور زشکا را نو او سپو رتی تیمو نو ته زیاتی آسانتیا وی برا بری شوی وی د شوروی اتحاد داسلامی بورده خوا همدا اوس یو لړ پلانو نه طرح او تر اجرا لاندی نیول شوی دی . ددغو پلانو نو له مخی دتو لو هغو اسلامی هیوادو سپو رت

مینانو ته چی د ۱۹۸۰ کال دالمپیک په نړیوا لو لوبو کی دبر خسی اخستلو له پاره شو روی اتحاد ته سفر کوی بلنه ور کو له کیبری چی دمسکو په جوما تو نو او اسلامی مرکز و نوسر بیره دتاشکند ، دوشنبه بخارا او دغه راز د هغه هیواد دنور و بنارونوپه جوماتونو کی اسلامی لمونځ ادا کاندی .

له دی کبله چی دمسکو د ۱۹۸۰

کال دالمپیک نړیوا لی لوبی دروژی دمبار کی میاشتی نیکمرغه ور خو سره سمون خوری دشو روی اتحاد دمسلمانانو دبورده خوا ددغه

مبار کی میاشتی د مذهبی مرا سمو

دتر سره کو لو دپاره ضروری پرو

گرامو نه او تد بیرو نه تر اجرا

لاندی نیول کیږی . ددغه پرو گرامونو

په تطبیق او عملی کو لوسره هر مسلمان

ور زشکار او سپور تمین کو لای

شی چی دالمپیک دنړیوا لو لوبو

په ورخو کی روژه ونیسی او خپل

مذهبی مرا سم په خای کاندی .

اعظم لاکبر ددغه اختصا صی

مر کی په پای کی هیله غر گنده کړه

چی دنړی ټول مسلمانان دسو لی

او نړیوال امنیت دپینگښت په برخه

کی دهیڅ ډول مر ستو او همکارو

څخه ډډه ونه کړی .

تجربید شونده هر کدام شان (بر نامه) خاص مربوط بخود شان که نمایش میدهند ، پر یود شبانه روزی یکی شان بیست و سه ساعته از دیگر شان بیست و پنج یا بیست و شش ساعته و ... دریافت خواهد شد .

بعباره دیگر هر شخص بصورت انفرادی برای خود یک ریتم انرژی (ریتم طبیعی او از تحت تاثیر محیط زمین خاکی ازاد است) خاص دارد .

در فضای خارجی در داخل کشتی فضای دور از سطح زمین ریتم انرژی کیهان نور دان با محیط ما حول شان (در فضای خارجی) به بسیار خوبی توافق نماید مگر اینکه سیکل شبانه روزی مصنوعی کمک شان کند .

استحکام پای ه های دو لتی - صلح وتر قی وشکو فانی جا معه بشری سهم از زنده بجا خواهد گذاشت او اظهار نظر نموده که بعد از ختم هر یک از مسابقه گفته میشود دکه درین جا در حدود بیست و هفتصد الی هشتصد اسب برای کسانیکه مشتاق اسب سواری باشد وجود خواهد داشت او هم چنان میگوید که درینجا محل مناسب برای آب بازی - جمنا ستیک نیز بوده و کسانیکه علاقه تام به آموختن انواع گونه گون ورزش داشته باشند میتوانند تحت رهنمایی مشاوریان به آموختن آن بپردازند .

محمد عمر کو چی هم دخمکی خاوند شو . دکور خاوند شو دعزت خاوند شو . بالاخره داسی ژوندی پیدا کړی چی دتیرو زړو خاطر و لپاره پکی خای نه و .

هو دا دثور انقلاب و . دا هغه ویاړ لی انقلاب دی چی د ډیرو بسی وز لانو لپاره پکی د ژوند خو اړه زیږی پراته دی .

هو ، اوس کوچیان ، خوښی کوی . اتڼو نه کوی ، میلی جوړوی ، هو ، کوچیان ، هو هغه سر گر دانه کوچیان چی کوری نه در لود ، په سرو او تو دو کی لوی شوی کوچیان چی تیرو زړو مناسباً تو رېرو لی وو .

(پای)

- انستیتوت قره قل يك موسسه غیر
انتفاعی می باشد که جهت انکشاف تجارت
قره قل فعالیت می نماید .
وی افزود : تمام فعالیت های مربوط به
پوست قره قل به استثنای خرید پوست تحت
رهنمایی و کنترل این موسسه صورت میگیرد .
مثلا رهنمایی آتش دادن، سورت، عدل بندی
انتقال بمارکیت های بین المللی ، عرضه
وفروش در لیلامها، بازار یابی، تبلیغات
در خارج بخاطر بلند بردن شهرت پوست
افغانی .

این انستیتوت پوست قاجر انفرادی رامثل
يك اتحادیه جمع ودر حقیقت يك خدمت
به تمام کسانیکه با پوست سرو کار دارند
از چوبان گرفته تا فرد آخر .

همچنان برای نشان دادن پوست افغانستان
ما از طریق مجلات و پامفلت ها تبلیغات و نشرات
هم می نماییم .

کار عمده امسال انستیتوت قره قل این بود
که پنجاه و هفت هزار جلد پوست تجارتی انفرادی
رادریک بارتی بزرگ مخلوط و بنام انترسورت
بمارکیت لندن عرضه نمودیم .

نظریه اثر سورت از چندین سال پیش نهاد
شده بود مگر در زمینه گام عملی نهاده نشده
بود . و ما توانستیم در ۱۳۵۸ تجارت را قانع
بسازی و البته پول پوست هر نفر به تناسب
کیفیت پوست آن داده شد که تجارت از نتایج
آن راضی بوده و امیدواریم درین راه سال
آینده قدم فراتر بگذاریم و پوست بیشتر
انترسورت نماییم .



رئیس انستیتوت قره قل، هنگامیکه در مورد لیلامهای لندن و لیننگراده معلومات میدهد .

بقیه صفحه ۳۰

پوست قره قل افغانی...

بوده و از ساینس و تکنالوجی در زمینه استفاده
بعمل می آید مگر در کشور ما تریه گوسفند
قره قل به شکل عنعنوی آن وجود دارد ،
مالدار بصورت عنعنوی و تجربه از اجساد
آموخته اند که چگونه گوسفند تریه و
جنسیت عالی و خوب بگیرند و ناگفته نماند که
جنسیت قره قل ما عالی و کم نظیر هم میباشد .
در آخر از عبدالنسی پایا خواستیم تا مختصر
معلوماتی در باره فعالیت های این انستیتوت
برای ما بدهد .

آینده هم از نگاه تجارت پوست سال خوبی
خواهد بود و امید ما بتوانیم صادرات پوست
را انکشاف دهیم ، یکزمانی افغانستان سه
ملیون پوست قره قل عرضه می کرد .
عوامل پایین آمدن قیمت پوست قره قل
چه می باشد ؟

- چیزیکه همیشه قیمت پوست را تهدید
می نماید تغییرات مد و فیشن، بحران
اراضی وضع جوی و غیره عوامل می باشند،
خوشبختانه امسال در اثر بر فباری های اخیر
گوسفندان از ناحیه کم آبی و خشکسالی
آسیبی نخواهد دید .

از رئیس انستیتوت خواستیم تا بگویند که
مناطق تولید کننده پوست قره قل کدام
قسمت افغانستان می باشد و هم تریه گوسفند
قره قل در اتحاد شوروی و آفریقای جنوبی
و کشور عزیز ما چگونه صورت می گیرد ؟
وی چنین اظهار معلومات نموده گفت :

ولایت بلخ، فاریاب، قندز، سه ننگسان
و ولایت بادغیس مناطق تولید کننده پوست
قره قل می باشند که در صفحات شمال کشور
موقعیت دارند .

در قسمت تریه گوسفند قره قل در اتحاد
شوروی و آفریقای جنوبی با ید گفت که
تولیدات پوست قره قل در آن ممالک میکائیزه

- کمپنی های بزرگ که با پوست قره قل
سروکار دارند از عدسیت ها، شاپای کلان
و دیگر منابع خواستند تا با ابتکارات و طرح
های جدید پوست قره قل را دوباره مد کنند،
به اصلاح بازی با قره قل را آغاز نمودند
از پوست مذکور انواع مختلف کلاه، بالاپوش،
کرتی، واسکت بافرم و دیزاین های مختلف
استفاده کردند و مخلوط آن با جرم و چمبر
بیشتر مورد پسند قرار گرفت .

در نهایتگاه فرانکفورت که اکثرا ترند
مارکیت در آنجا نشان داده می شود پوست
قره قل خوب نمایش داده شد و در اتحاد
شوروی هم پوست مذکور را خوب نمایش
دادند که بعد از نمایشات فوق پوست دوباره
مورد توجه مردم قرار گرفته و مخصوصا خانها
به طرف آن رجوع کردند ناگفته نماند که
اغلب پوست های گل کلان مورد پسند واقع
شد که بطور طبیعی برفع قره قل افغانی تمام
می شود ، که مظهر آن در لیلام ماه می
معلوم شد و در لیلامهای بعدی قیمت قره قل
شروع به بلند رفتن نمود که البته برای
تجارت کشور مفید واقع گردید زیرا تمام
پوست هاییکه جمع آوری و بمعرض لیلام
گذاشته شده بود بفروش رسید .

فعلا از وضع مارکیت پیداست که سال



صحنه یی از لیلام قره قل در اروپا .

زنجیره های رنگا رنگ جهان

چهار نفر دانشمند و چهار نفر دوست

هادر آلمان باقی ماندند . پوست کارت ها و عکس هایی که از این چهار نفر دانشمند رفیق بهجامانده نشان میدهد که این چهار نفر رفیق علاوه بر مشغولیت هایی علمی به گردش و کوه نوردی نیز علاقه فراوان داشته اند .

البرت انشتین در اختراع بمب اتم کار های مهم انجام داد . او بخاطری بم اتم را اختراع کرد که بتواند آزادی را صیانت کند نه این که از آن جهت کشتار دسته جمعی استفاده نمایند . «هان» و «میت لیر» با کشف انقسام هسته ها دچار اختلال دماغی گردیدند . «لیو» در سال ۱۹۱۴ - انشتین در سال ۱۹۲۲ و «هان لیو» در سال ۱۹۱۴ بدریافت جایزه نوبل موفق گردیدند .

از سال ۱۹۱۹ الی ۱۹۳۳ این چهار نفر دانشمند و یا چهار نفر دوست عضویت اکادمی علمی برلین را داشتند . اسناد - شواهد و مدارک تاریخی زیادی در مورد اینکه این چهار نفر رفیق علمی میخواستند وقت فراغت شانرا باهم یکجا سپری نمایند نیز موجود است . این چهار نفر بودند که آینده آلمان را به صراحت پیش بینی میکردند که آلمان از حالت امپراطوری خارج شده بیک رژیم جمهوری مبدل شده وبالاخره بسوی جا معه سوسیالستی هدایت خواهد شد .

البرت انشتین در سال ۱۹۳۳ از آلمان خارج شد . رفیق او «میتز» بعد در سال ۱۹۳۸ «اتوهان» و «لیو» باوجود مشکلات و سختی

ها - تحقیقات و تئوری های علمی او زنده است و بر مبنای همان تئوری ها خصوصا تئوری نسبیت او است که تکامل علوم بی سابقه تر شده و انقلاب عظیم و چشمگیری در جهان بوجود آمده همان طوریکه البرت انشتین تئوری نسبیت را بی ریزی نمود .

هینگونه «ماکس لیو» ثابت نمود که اشعه اکس را می توان از کرسنل ها عبور داد همچنان «اتوهان» ثابت کرد که اتم های ماده یورانیوم را می توان از همدیگر جدا نمود .

درین او آخر یاد بود از چار نفر دانشمند شهیر جهان که خدمات بزرگ و چشمگیری در عالم بشریت نموده اند صورت گرفت . هر چهار این دانشمندان در طفولیت و حتی در دوران جوانی و اکادمیک باهم رفیق و دوستان صمیمی بوده اند .

«لیزمیتز» در ماه نوامبر ۱۸۷۸ ، «اتوهان» در ماه مارچ ۱۸۷۹ ، «البرت انشتین» در مارچ ۱۸۷۹ و «مکس لیو» در اکتوبر ۱۸۷۹ چشم به جهان گشودند تاکنون نوآوری ها و اختراعاتیکه در کشور های جهان صورت گرفته اکثرا مدیون تلاش و فعالیت های علمی همین چهار دانشمند بوده است .

البرت انشتین نسبت به خدمات علمی و اکادمیک خود فقط بکشور خوش یعنی زادگاهش تعلق نگرفت بلکه بیشتر بیک شخصیت علمی بین المللی محبوب میگردد همه کشور ها خصوصا دانشمندان و دانش پژوهان هر کدام صرف نظر از اینکه از کجا هستند و به کدام کشور تعلق دارند البرت را از خود میدانستند . همین نظر ها باعث شد که سوسیالست های ناسیونالست به البرت سخت حمله نموده حتی تقاضای این را نمودند که کارت هویت همشهری و تبعه بودن او را از او سلب نمایند .

باوجود اینکه مدت ها است که آنها خصوصا انشتین دیگر درین جهان نیست اما اندیشه



چهار نفر دانشمند علوم و چهار نفر رفیق و دوستان صمیمی جهان

موزه های موتور دار

کند . بعباره دیگر لازم است تادرین قسمت تجارب صورت بگیرد . به احتمال قوی برای اولین مرتبه سمپورت مین ها موزه ها را مورد آزمایش قرار خواهند داد . این موزه ها در کجا مورد استعمال قرار خواهد گرفت ؟

اول اینکه شبان میتواند به بسیار سهولت گله رمة خود را اداره کند . جیودیز یست ها نیز ممکن است به این موزه ها نیاز پیدا کنند . اما پسته رسان دهاتی ؟ سیاحین ؟ مشکل است تمام جوانب استعمال موزه های «میک» نیزه شده را پیش بینی کرد زیرا ممکن است با در نظر داشت مختلف انواع مختلف آنرا تهیه کرد و مورد استعمال قرار داد ..



کیلومتر دوش صورت گرفته میتواند . جالب اینست که درین مدت فقط هفتاد گرام مواد سوخت را بمصرف میرساند .

طبق اظهار متخصصین این دوش پرش سه کام و یادوش قبل از پریدن را که به بسیار آهستگی از آن فلمبرداری شده باشد بخاطر ما می آورد . طول «قدم» به سه متر و ارتفاع پرش آن نظر به سطح از (۲۵) سانتی متر تجاوز نمیکند . این نکته نیز ضرور است تا بگو میخانیک ها و اطباء نظریه خود را درین مورد ارائه کنند . هنوز قبل

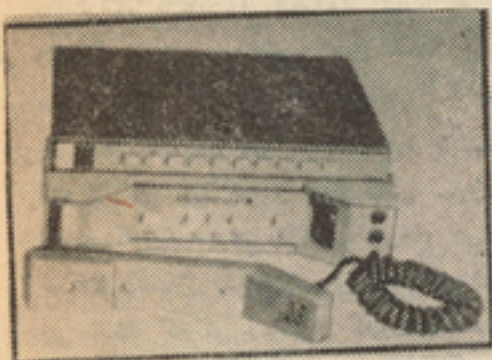
اگر این موزه ها پوشیده شود انسان بطور مثال میتواند ساعت ها به دوش بپردازد و حتی از موزه ها عقب نماند . علت اینست که موزه های مذکور با موتور ها مجهز میباشند . موتور هادر قسمت ساق ها وصل اند و در قسمت پاشنه کمپریسور نصب است به کمک کمپریسور مذکور سلسله های موتور هوا گرفته و توسط مخلوط داغ چارج میشود . درین اله منحنی محروقات بنزین کار گرفته میشود و اما موزه خود بالای بالشت کوچک تکان دهنده محکم است .

بالاین موزه ها در یک ساعت (۲۵-۲۰)

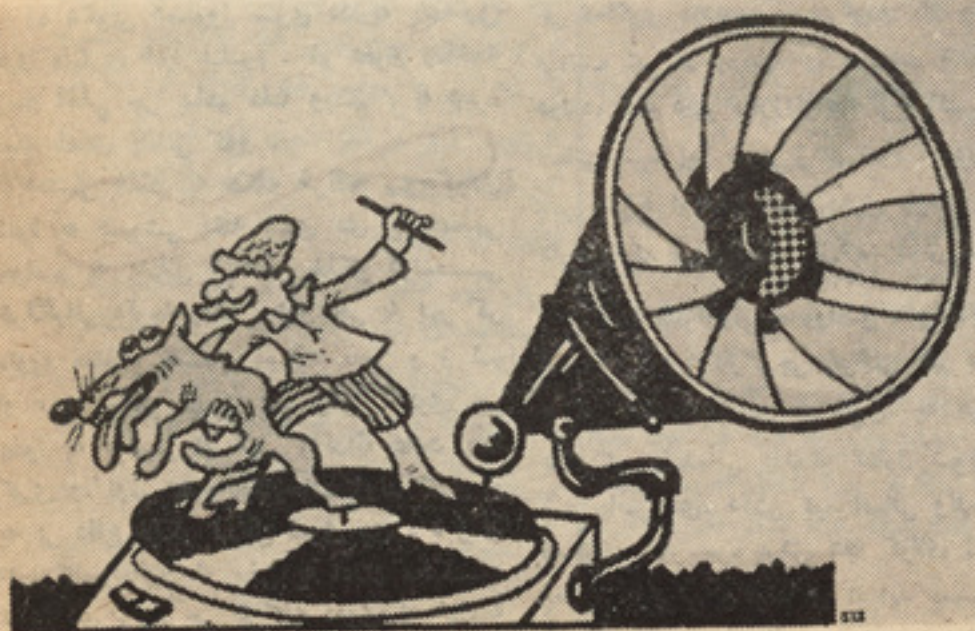
عصری ترین وسیله ارتباط

متخصصین اتحاد شوروی سیستم ارتباط رادیو تیلیفونی را درین اواخر طرح ریزی کرده اند.

این آله که بنام «التای زم» یاد میشود در زمان بازی های المپیک در مسکو بکار انداخته خواهد شد. این دستگاه بطور کلی از آلات نیم هادی ساخته شده و وزن آن ناچیز میباشد. دستگاه ارتباطی مذکور در قوه حرارت، پروت مورد آزمایش قرار گرفت و امتحان خوبی داد همچنین در مقابل اهتزازات نیز دارای مقاومت بلند میباشد. وسیله ارتباطی مذکور پروژه های سپورتی شهر مسکو و دیگر شهرها را باهم مرتبط میسازد. باآله مذکور میتوان از موترنمره تیلیفون مورد ضرورت را دایل نمود و حل مشکل کرد حتی از داخل موتر باشهر دیگر می توان در تماس شد. تا آغاز بازی های المپیک مسکو در حدود (۱۵۰۰) عدد این نوع دستگاه ها بکار انداخته خواهد شد.



را همراهی میکند. همینکه موسیقی را خاموش کردند دیدند که گرمک در یک فاصله نهمه وزوزه میکند. گرمک تا حدی در زوزه کشیدن غرق بود که نگهبانان به بسیار آسانی و بیادون سلاح آنرا دستگیر کردند و بعد به باغ وحش لنینگراد آنرا انتقال دادند. در مکتوبی که بدین مناسبت به آمریت باغ وحش لنینگراد فرستادند چنین تذکر رفته بود: «تانگو را بسیار دوست میدارد».



صحنه‌یی از دستگیری گرمک توسط موسیقی‌خاص ثبت شده درکست

ریل هوایی

در ریل های هوایی جدید پیچ و تاب های تازه ای داده شده و مسیر های پیچ در پیچ و مغلق اشخاصی را که در ریل هوایی سوار شده‌اند می چرخاند و واژگون حرکت میدهد. ریل هوایی جدید بری تفریح طلبان وسیله جالبی شده است و جای وسایل قدیمی را که در آنها امکان سقوط و شکستن استخوانها بود گرفته است.

این وسیله مرکب است از یک ریل سرباز باکمبرند های که روی شانه نصب میشود. بعد از آن چندین ریل هوایی ساخته شده است ولی نخستین ریل هوایی در شهر کلنورنیا ساخته شده که سی و پنج متر ارتفاع دارد و طول مسیر آن یک کیلو متر است و در پایان راه از یک دایره ۲۶۰ درجه ای عمودی عبور میکند.

ترجمه رازق‌علیمی



گرگ و رقص تانگو

گرگی بود که یکی از ساوخور های بلو روسی اتحاد شوروی را بستوه آورده بود. بعضی اوقات بالای گله حمله میکرد که در چرا گاه میچریدند. هر چند که کوششی میکردند گرمک را دستگیر کنند درنده از آنها جان به سلامت میبرد و موفق به فرار

میشد، حتی هر بار صید را نیز با خود میبرد. مردم طریق دیگر را در پیش گرفتند و در کست غف غف سگها را ثبت کردند اما گرمک بزودی این راز را درک کرد هر چند فرار می‌کرد در عقب خود سگ را نمی‌دید. در یکی از شبها نگهبانان گله حیوانات برای اینکه وقت را خوش سپری کرده باشند کست بابت تانگو را می‌شنیدند. یکی از نگهبانان طوری حس کرد که کسی موسیقی

جلوگیری از پیشرفت سرطان

ایک تیم علمی تحت رهنمایی پروفیسور گلو وینسکی در انستیتوت بیولوژی مولیکول

در اکادمی علوم بلغاریا ماده جدیدی را ترکیب کرده است که میتواند از نمو و رشد سرطان جلوگیری نماید. آزمایش لابراتواری نشان میدهد که بعضی از این مواد از رشد تومورها جلوگیری کرده چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجه مثبت این آزمایش دانشمندان را به این امر امیدوار نموده است که این ماده جدید با موثر ترین

ایک تیم علمی تحت رهنمایی پروفیسور گلو وینسکی در انستیتوت بیولوژی مولیکول

در اکادمی علوم بلغاریا ماده جدیدی را ترکیب کرده است که میتواند از نمو و رشد سرطان جلوگیری نماید. آزمایش لابراتواری نشان میدهد که بعضی از این مواد از رشد تومورها جلوگیری کرده چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجه مثبت این آزمایش دانشمندان را به این امر امیدوار نموده است که این ماده جدید با موثر ترین

قدم جدید در ساحه جراحی

تاریخچه طب از ماقبل تاریخ آغاز شده و از آن زمان تا امروز این علم سیر تکامل خود را طی میکند و فعلا این علم در اثر کار و زحمات خستگی ناپذیر دانشمندان به پیشرفت های غیر قابل تصور نایل گردیده است.

در اینجا یک نظر مختصر به سیر تکامل علم طب در قسمت جراحی می اندازیم:

در جریان قرن نوزدهم باستور اظهار نمود که اجسام غیر مری زنده باعث انتقال امراض میشوند و بعد از آن جوزیف لیستر به اکثر هافماند که اگر میخواهید مریضتان بعد از عملیات زنده بماند باید از همه اولتر دستهای

خوش و سامان جراحی را خوب شسته و تعقیم نمائید. با گذشت زمان و در اثر کار و کوشش زیاد علما دستگاه های جراحی را بوجود آوردند که قادر به دو باره فعال ساختن بعضی از اعضای بدن و تبدیل نمودن اعضای بدن یک شخص به شخص دیگر می باشد.

از جمله مهم ترین این دستگاه های هم دستگاه الکترونی است که قادر به ساختن گرده مصنوعی و تبدیل نمودن گرده یک شخص به شخص دیگر میباشد. همچنان این دستگاه الکترونی قادر است که درائنی عملیات قلب و شش و طیفه قلب و شش را برای انسان انجام دهد.

امروز متخصصین جراحی موفق گردیده‌اند که بعضی از اعضای سالم یک انسان مرده را به یک شخص زنده انتقال دهند و فعلا انتقال قرنیه چشم یک مرده به شخص کور به موفقیت انجام شده و اکنون دکتوران جراحی تلاش دارند که قلب را هم به مثل چشم و گرده از یک شخص به شخص دیگر انتقال دهند.

هغوی پي ژوندی دی

ژان لافایت

زه په پریشاني سره خپلو نویو ملگرو ته گورم . لنډ او سرطاس سړی ماته ښه نږدی شوی دی . داسې ښکاری چې کمیسار او خوی یې هم پدغو خبرو اترو کې او دهغې نتیجې په برخه کې مینه او ونډه لري . کارخانه لرونکی خپلو خبرو ته داسې ادامه ورکوي :

- ډیر ساده کار دی ښاغلیه، زه چې دلته راغلی يم د موضوع پرتولو خواو باندې مې ښه سوچ کړی دی او هغه مې ښه غږېدلې او په وروستی پړاو کې دې نتیجې ته رسیدلې يم چې باید خپله فابریکه دهیلو دقورمې او دالوتونکو دکانسرو دجوړولو لپاره په کار واچوم . ستا سو نظریه پدې هکله څه شی دی؟ دجوړولو هېوکی لرونکی کا نسرو دجوړولو دستور العملونه خورا ډیر دي . هغه ښاغلی چې گوري (سرطاس سړی) خواته اشاره کوي دپوی مغازی مدیریت چې هلته خوراکی شیان پلورل کیږي او ټاکل شويدي چې پدغه کار کې زما سره گډون وکړي . زه تاسو ته پیشنهاد کوم چې د فابریکې دفتي رئیس په توگه ماسره کار وکړي .

اوس نوښایي اقرار وکړم چې دیوچورلیوني سره مخامخ يم، په ډېره سوالو سترگوسره ورته گورم . نور دوستان یې هم حیران او هک پک دي .

- هوکی، مونږ کولی شو چې دالوتونکو کانسرو جوړ کړو . البته دغوږیو سره له ډیرو غوږیو سره . زه گمان کوم چې مونږ پدې توگه کولای شو چې دامریکا تیانو په غیر داسې خواږه جوړ کړو چې بیا پخولو ته اړنه وي اودغه کار زمونږ په هیواد کې ساری نلري . زما هیله داده چې دفرانسې د پخلی ټول شاهکارونه په یوه قوطی کې ځای کړو او بازار ته یې وپاڼدي کړو .

زه دکوټی دمسوول سړی دپاره پلمه خپل نوی ملگري څخه بیلیم ، خو هغوی زماڅخه ژمنه اخلي چې بیا هم هلته ورشم ، په ډیره مینه خدای پامانې کړو .

داسې خلکو په هکله څرنگه سوچ کولای شو؟ په ښېوښي اخته شوی دی یا دعمومي حواسو په اختلال ؟ ددغو خلکو دوضعې څرنگوالی دتوجه وده ، دوی چې په بهر کې دلوړو مقاماتو څښتن وودلته به یې و ز ل و او بیا خلکو تبدیل شوی دی . دوی چې پخوا په پرتمین او آرام ژوندانه عادت پیدا کړي و، اوس په ویجاړ حالت ژوند کوي او په بې دفاع خلکو تبدیل شوی دی . د دوی د اردوگاه دقانون له مخې په اعدام محکوم شوی دی . زه چې هرکله ددوی له څنگه څخه تیریم راته غبرکوي او زه هم ورته سلام ورکوم اوڅوې اهمیت خبرونه هم ورته ورکوم

خوتل یوه ښایه جوړوم چې دکښناسمتوڅخه ځان وژغورم .

دغو څلورو تنوته بهر ته د خط لیکولو اجازه ورکړ شوی دی او دوی اوس دفرانسې څخه دخپلو لیکونو خواب ته منتظر دي . یوه شپه خبررسېری چې دپولیسو کمیسار ته یوغټ پاکت رسېدلې دی، دغه سړی په اردوگاه کې لومړی سړی دی چې دپېر څخه ورته یو پاکت رسېدلې دی . زه هغه شپه ملاقات ته یې ورنغلم ځکه ډارېدم چې سوچ ولکړي چې زه ورڅخه کوم شی غواړم ، سبا سبا کله چې دڅنگ څخه یې تیرېدم هغه خپله راته غږ وکړ دتود روغېر څخه وروسته په غمجن غږ راته وویل :

- وحشتناکه ده، ښاغلیه، ډیره وحشتناکه، همدانې شپه زما پاکت یې غلا کړی دی . ملگري یې چې هماغه کارخانه لرونکی سړی دی ورته دلداري ورکوي :

- غصه مه کوه زما لپاره به زیاته اندازه کانسرو ولیري ... زښته زیاته خودغه کانسرو هڅکله ونه رسید، خواته ورځې وروسته دغه بندیان دواړه مړه شول .

ناروغ بندیان دورځې له خوا اجازه لري چې متراح ته دتللو لپاره دروغتون څخه ووځي متراح هغه لوی اوبی دروازی انبار ته ورته ده چې په پوخت کې دوه سوه کسان کولای شي څنگ په څنگ کښی او خپل ضرورت رفع کړي . متراح ته دڅنگ په وخت کې هڅوک کالی نشي اغوستی . باید دیو نیکر او ښیان سره سړی هلته لاړشي . دغه ورځنی وتل داپیکې ټینګولو لپاره یواځنی وسیله ده . موږ پدې توگه کولای شو چې دنورو بلاکونو له ملگرو سره وگورو . زه هره ورځ په یوه ټاکلې ځای کې دملگري ((دیده)) سره گورم . او په فرانسه کې د ((دیده)) سره ښه آشنایي درلود، هغه دپټو مبارزاتو په ترڅ کې په سختی سره تپي شوی ؤ او سره له دې چې ډیر ناروغ اوضعیف دی دخپل روحی قدرت سره پدې بریالی شوی چې دبنديخاني شکنجې اودجلادانو دکړاوونو په وړاندې مقاومت وکړي . دغه داوسپنې کارگر چې یوځلې هم دخپلې وضعې څخه شکایت ندی کړی، په خبر مه بلاک کې دسلمانې په توگه گمارل شوی دی، ښه چانس دی، دآش یوه اضافي ونډه ورته رسېږي . برسيره پردی هغه کولای شي چې بطولون اوکرتي واغوندی او باید دسپار له ترېنگاه پورې دبنديانو سر اوږده وڅړي . تصمیم نیسم چې د((دیده)) په ملگر تیا

وړاندې کوم :

- واخله داستا ده . هغه ملگري چې په اردوگاه کې دی دغه هواږه یې دتا لپاره لیږلي دي اودعمومي ورورگلوی دسازمان په واسطه یې ماته را کړی دی چې تاته ورسوم .

- ته ډاډه یې چې دغه غوټه یې ماته لیږلي دي ؟

- مگر ستانوم ((ژروم)) ندی ؟ مگر هېڅ کې په اردوگاه کې ((واو)) نه نومېدی ؟

- هوکی .

- ښه وروره ستامال دی . ما اشتباه ندی کړی .

سړی غوټه خپل سینه باندې پدې خو د خلاصولو جرأت یې نلري . او وروسته بیا جرأت کوي او غوټه پرانیزي . پتځه نوټه ږوي او دتري ټوټې قندیه هغې کې وه .

- اوه ! مننه هلکانو . دانو ډیره فداکاری ده ... ډیره ...

- داخبرې پرېږده . ترخوچې زه دلته يم دپرستن لاندې هغه وخوره .

ځکه چې امکان در څخه یې غلا کړی .

- نه هم لږ تر لږه یوه مړی خو واخله . ((ژروم)) خپل مخ گرځوي او دستر گو څخه یوه قطره اوبښکې پر مخکې لویږي .

- که وپو هیږي چې څومره خو شجا له نوم ... که وپو هیږي ... که وپو هیږي ... او دغه سړی چې بیر ته دژوندون خواته ځي دژبا او خندا په حال کې خپله ږوي خوري . زه پداسې حال کې چې ورته گورم، زیاته خو شجا لی احسا سوم .

اوس ښیځي دا امکان شته چې دهرڅه څخه دملگرو ژ غورنه پیل کړو .

((ژوندون ته بیرته ستندل))

- نوم دی څه دی ؟

- سره

دکوم ځای اوسیدونکی یې ؟

دومورانتن

- څو کلن یې ؟

- ډیر ش کلن .

سولی ونیول شوی ؟

- ددی یو ښتی خواب دی ډیره اوږده ده . څه فرق کوي مگر مونږ ډیر وخت نلرو !

ښه ده ، ...

هغه کس چې په پورتنی ډول ور سره په غږ یدا پیل کوم او اوس زما دوروسنښي یو ښتی د خواب لپاره ځان چمتو کوي خوشیښي مخکې زما دچېر کټ په څنگ کې بستر شوی دی . هغه دیو بل یوگوه سلای قیدی سره چې ټول ځان یې پلستردي په یوه چېر کې پروت دی . هر څلور ویش سا عته وروسته دغه یوه ټوټه پلستر سوري ، سوري کیږي او بد بوی ورڅخه جگپړي . له لیکه مرغه پدغه وخت کې هغه یې دکتنی لپاره وږی دی او مونږ کولای شو چې په هو سا خاطر یو بل سره وغږیږو زماهم چېرکټ (هغه سړی چې زما سره په یوه چېرکټ کې دی) ماته خپل شاپوولسی او ویده ده .

ښه رنه ، ته وویلي چې ؟

- هو کی ، ترټولو نه پومې ښا یې وپوهیږي چې ده یو فضل جوړونکی يم . پلار مې - آهنگرو او همدا اوس هم سره له دې چې ډیر ژوندی تکړه ده . هغه دجگړې دخلورو

کلو نو په اوږدوکی دجگړې په ډگر کې،
نو مړه درته وایم چې هغه د (بو شا نو)
سره کومه اړیکه نلري، لیکه می مړشوی
دی خو زه لاتر اوسه دهغه سپین وینستان
په یاد لرم د ۱۸۷۵ کال په جگړو کې یی
لټون کړی و. زه هم په کال ۱۹۴۰ جگړې
نه داخل شوم، په حقیقت کې زه یواځې هلته
لاړم خو نشو کولای چې ورپا ندی دجگړې
نوم کېږدو. زه ددی لپاره چې دغلیم له
خوا بندې شیم، پس له دی نه چې فرانسوی
لوتونه ماتې وکړې خپل کورته لاړم او پخپل
پلرنی کار باندی بوخت شوم. دا هم باید
درته ووايم چې زه دخپل پلار او مور سره
یو ځای او سپرم.
— کوم چنیان نلري؟

سولی، یو څلور کلن ځوی لرم. زما کار
ځای زما دپلار کار ځای و، بیا یی اقرار
وکړم ددی لپاره چې زلمه نارینه یی حوصله
دی، با ید سړی ځان دهغوی څخه لیری
وسا تی، یوه ورځ زما یو همکار چې
دبریتنا متخصص ورا ته راغلی اوزما څخه
یې وغوښتل چې ورسره یو ځای مبارزه
وکړم. زما کار هم داو هغه وسلې چې
دانگلستان څخه را تلل واخلم او وسا تم.
— دا کومه نېټه وه؟

— گمان کو م چې ۱۹۴۳ کال دفرورې
بیا شت و.

— ښه، تا خپل همکار ته څه وویل؟
— ما ورته وویل چې اوس لا دهغه غوښتنه
نیم، خو بیا یی چې دخپل پلار او مور
سره وغږ یږم. او وروسته بیا پداسی حال
کې چې می در وازی ښه وکتل دخپل پلار
سره پدی هکله وغږ یږم. ښځه می په
زېږایل وکړه مور می هم همدا سی. پلار می
چې تل په ډیرو سختو شرا یطو کې مقاومت
اوسره سپنه شینی راته وویل!

— (باید لاړ شی څو په، اوکه زه هم زوی نه
وای درسره تلم.)

اوویده کیدلو په وخت کې یی زه ښکلی
کړم. دغه کار په کال کې یوا ځی دوه درې
ځلی سر ته رسید. خوږه فکر کو م چې
دغې خبرې تا ته په زړه پورې نه وی؟
— برعکس وروړه، وغږ یږه.

— ډیر ښه زموږ کار ډیره اوږده شوه
درې ورځې وروسته زما ملگری چې (روژه)
نو میده را غی او راته وویل چې په یوه
آزمایشی کار کې گډون وکړم.

— څنگه؟ آزمایشی جریان؟
— داندی درته وایم، کله چې شپه شوه
موږ په یوه گډ لندی موټر کې دښار څخه
بهر لاړو. ما هغه سړی ته پېژاندل کو م
چې دمو تر پر چلو باندی ناست و، خو
وروسته پوه شوم چې هغه د (روژه) رئیس و
ددیر شو کیلو متر وږه شاو خواکې وا ټن
مو وواوه، ټاکل شوی و چې دبر بښنا یو
برج وچا و دوو. دمو تر چلو تکی، موټر کې
منتظر پاتی کیده یعنی زموږ د عملیات د تر

سره کیدو پورې د روژه رئیس انتظار ایستل.
زموږ کار ډیره اوږده نشوه. چا ووتلکې

مواد مو دتو موږی برج لاندی کښینیو داو
او ر مو ورته واچول او و تښتیدو. کله
چې برج چا و دیده موږ دپښې له ځا یه
ډیر لیری وو.

— ښه کار و، آیا ستا مو دکار وسایل
لر نه و؟

— اوه، هیڅکله، تر څو چې موزیه غوښته
چا و وتلکې مو پهواک لرل.

زه دهغه برج په هلکه سوچ کو م چې
بیا یی دپا ریس په سیمه کې دور انکار ی
لومړی پښه وه. هغه داسی یو برج و چې
(نامې) په سیمه کې ډیر ستر برج و. زموږ
دوه ډله ملگری په درې کمیزه تو گه پدی
هکله سلا مشورې یی کولې. هیڅ چا ووتلکې

مواد یی نه درلودل، یواځې د او سپنی د
تراشولو سامان یی درلودل دناچاری له
مخې یی دبرج دستو په غو څو لو بیل
وکړل. پداسی حال کې چې د دغو دوو ډلو
څخه یوه ډله په کار بوخت و بله ډله بهر
(څارنه) کوله.

ددی لپاره چې دا ځای دسړک په غاړه
کې و او همدا راز ډیر کو روڼه او مغا زی
ورته نږدی وی، زموږ ملگری ټوله شپه
پدغه کار بوخت واو هیله مند و چې د
ستو دغو ځینو سره سم به برج ونړی یږی
خو ددوی هیله تر سره نشوه ځکه سره له
دی چې ټولې ستنې یی غو څی کړې لا هم
برج پخپل ځای ولاړ و او سره له دی چې
هغه شپه سخت با دلگیده خو کومه بله
پښه منځ ته را نغله، سبا سهار چې آلمانیان

دگرمی لپاره راغلل دهغه کار څخه خبر شول
او دبرج ستنې یی بیرته جوړ کړل. زموږ
شیر تڼه ملگری دغه کار با ندی سرو ته
ایښی و خو دسا مان د نشتوالی له کبله

بر یا لی نه شول. دهمد غی یی اغیزی
فعا لیت له امله، (رومن) ته وویل چې د
چا و وتلکو موادو دلاسی ته راو ډ لو په

هکله سوچ وکړی. هغه اته ورځې وروسته
ماته احوال راکړ چې سل کیلو گرامه
(دینامیت) چاودونکې مواد یی تپه
کړی دی او په مخصوص پټ ځای کې یی
ایښی دی. ددغه دینا میت لپاره خپله

(رومن) اقدام کړی و ډینی مجبور شوی و چې
د (سن - ته - مارتن) اټبار ته چې ښه
پکښی بلد و لاړ شی داټبار سا ټولکې وکړی

او داټبار په موجودی لاس پوری کړی. دلته
باید اعتراف وشي چې خپله ساتو تکی هم
مقاومت نه و کړی. وروسته بیا فیللی
او دارو ته اړ وو. ددغه کار لپاره یو بل
ملگری د (لوار) اټبار تر نظر لاندی نیوه او
په وروستی پړاو کې دملگرو له خوا لو مړی
بله وچا ووتل شوه پدغه کار کې لږ تڼه
ملگری گډون کړی وو. دغه فعا لیست د
۱۹۴۱ کال دمی دلو مړی ورځې دچښ سره
سمون خو و.

په هر صورت اوس راځو د (رته) کیسې
نه چې داسی ادامه ورکړه و

— کله چې بیر ته کورته ستون شوم دښمې
شپې نه درې ساعته تیره شوی وه. ښځه
می ځلا ستلی نه وه او دپلار او مور دکو ټی
خراغ هم بل و. پلار می په بیره را څخه
پوښتنه وکړه چې دکار نتیجه څنگه وه؟
او وروسته بیا زیر ځای ته لاړ او سو.
پوتل شراب یی راوړ. دکورنی ټول غړی
خو بڼی او خو شحال ښکارا ریدل.
— څه ښه خلک!

— څه دی وویل؟

— هیڅ ادامه ورکړه.
— وروسته بیا دکار بڼه بدلتون ومو ندله
زه نور دبرجونو دنړولو لپاره نه تلم.
په تیره بیا دهما غه یو ځلی ته پر ته ما
هیڅکله دکو مښی په چا ووتو او لاس پوری
نه کړه. موږ یواځې دښار ته بهر تلو ترڅو
هغه و سلی چې دالو تکی څخه موږ ته اچول
کیدل تر لاسه کړو.

— تاسو ته ډیرا شوت سره هم و سلی
اچو لی؟

— هوکی هره شپه چې آسمان شین و ما
ویل چې اوس به (روژه) راشی. او هغه
هم را ته، او موږ پخپلو با یسکلو نو
سپړیدو او دلسونه تر شلو کیلو متر و
پوری دښار ته بهر و تلو.

— تاسی یواځې دوه کسه واست؟

— نه نور خلک هم وو. موږ په تل یسه
ټا کلی ځای کې پتځه یا څلور کسه وو. ما
ټول پېژانده څکه چې هلکان به ز مو ډ
کو ځی خلک وو. دهغوی په منځ کې یوه
تنه یوه لاری مو تر هم در لوده او وهما غه
سړی و چې و سلی یی ځای ته رسول...

(رته) ماته دوسلی دتو یلوو لورگوالی
شرح را کوی.

— تا سو ددغو وسلو سره څه چا ری سرته
رسول؟

— زه پدی هکله څه نه پوهیدم ځکه چې
موږ دغه و سلی دیو کیلو ال کور ته وپل او
هرو مرو په نور کمان دغه وسلې کو م بل
پت ځای ته وپل. خو هغه شی با ندی چې
زه ښه پوهیدم ماته چې موږ د ۱۹۴۳ کال
دژوئیه په میاشت کې ونيول شو. دوسلی
اکثره پت ځایونه دآلمانانو له خوا کشف
شوی وو.

— نو پدی رنگه دا ټولې وسلې هیڅ په درخونه
خو و؟

— هیڅ!

— ستاسو رئیس څو لو؟
— زموږ ډ سیمې رئیس (روژه) وه. خو
دهغه پور ته هماغه سړی و چې موږ یی
دمو تر سره بله ور ساوه. ددغه سړی نه
پر ته یوه ښځه هم وه چې کار کو له، خو
ما یوه ځلی هغه ولید او هغه هم یوه شپه
وه چې یو ملگری ډیرا شوت سره ښکته
کید له، هغه ښځه دغه ملگری په موټر

کې کینا وه او را هی شوه. زه یوا ځسې
دومره پوهیدم چې هغه یوه انگلیسی ښځه

وه خو بیا یی چې کومه مهمه دنده یی دره
لودله د اڅکه چې په ډیره آمارا نه تو گه
غږ ید له او ستر گډی هیڅ ډارنه درلودلی.
— ستا سو په سیمه کې کمو لیستان هم
و؟

— هوکی و، خو موږ حق نه در لودل چې له
هغوی سره اړ یکی ټینگی کړو.
— او ته سو چ نه کوی چې دهغو وسلو
یوه برخه هغوی ته ور کړای وای؟

— زه کا ملا موافق وم، ځکه زه پوهیدم
چې هغوی به دغی و سلی په کار رواچوی.
خو پدغه هکله تصمیم نیول زمو ډ حق
نه و.

— گوره (رته)، یواځې هغه وخت غلیم
باندی بریالیتوب امکان لری چې ته
او دتا په څیر نور جنگیا لی خلک سره لاس
پو کړی.

(رته) پس له دغه خبرو اترو څخه ما
سره ملگری شو. هره ورځ دخپل دژو ند
سیمې، دکور، ښځې او کوچنیا نو په
هکله غږ یدل. زه او س پوهیدم چې
ددوی دډوډی په څونه کی یوه او دسپنی
څخه جوړ شوی گل شته چې خپله رته
هغه جوړ کړی دی.

زه اوس ښه پوهیدم چې دبالښت ترڅنگ

یې یو وې خراغ شته دسړ وکونو د خرا غونو
په څیر. زه اوس پوهیدم چې ښځه یسی
شر میلی او ډیره خوږه ده. زه او س دهغه
په کور کې ښه بلد یم. پلار او مو ر یی

هم پېژنم، مینه وال، گاونډیان اوان
د دهغه دژوندنا نه ډیری وېی ټکی با ندی
ښه پوهیدم. (رته) یو نجیب، ساده او
ژوندانه ته امید وار کار گردی، هغه په
عین حال کې چمتو دی چې دخپل هیواد په
لار کې خپل خون ځان چار کړی. (رته) ما
باندی ډیر گران دی.

— نن سهار پخپل ورځنی لیک کې (تو نی)
ماته ډیر مهم خبرونه در لودل. (رو بر)
چې پتځه میا شتی مخکی زموږ نه بیل
شوی و بیرته اردو گاه ته راغی. هغه یی
پاریس ته یوو لی وه تر څو چې د گشتا یو
په وړاندی یو ځل بیا ورڅخه استنطاق وکړی
هغه یو سلو پولس ورځی د (فرن) به چیل
کې کوته قللی وه. اوس هغه دقرنطینه په
بر څه کې په اولسم نمبر بلوک کې سا تل
کیزی. ډیر ډ تکر شوی دی خو (تو نی)
کو لی شی چې هغه ته په ور ځ کې یوه
ډوډی ور سوی.

— بل خبر داده چې کو لی شو دهغه په
واسطه بندیان دمر گ څخه وژغورو. لیننگراد
بېخی خپلواک شوی دی. داپوه هدیه ده
ستا لین ته د سور پو ځ دپنځه ویشتسې
کالیزی په ویاړ. زما په څنگ کې یو
فرانسوی پروت دی چې ددغه خبر په وړاندی
بی تفاوت ښکاری، خو (رته) خو شحالیری
(نور بیا)

فعالیت‌های

گرام مجوز و پیشنه‌ها ذات کشور های عضو پیمان وارسا همیشه روی متحدید و کاهش سلاحهای نظامی و بخصوص متحدید و جلو گیری از تولید سلاح هر گبار اتو می بوده و طبعاً این موضع گیری و اتخاذ چنین مو قفی از طرف پیمان وارسا در حقیقت به منظور خلع سلاح عام و تام میباشد . اما امپریالیسم جهانی به هیچوجه حاضر نیست تا در برابر این پیشنهاد کشورهای اعضای پیمان وارسا موافقت نشان دهد و با استغاده از حیل ووسایل گوناگون در صدد آنست تا کشور های آسیای را بهخصوص ص به انبار خانه اسلحه تبدیل نموده و از این انبار ها برای اعمال مقاصد واهداف شوم خویش استفاده نموده و با استغاده از چنین وسایل، سایه شوم و نکبت بار خویش را گسترده و این کشورها را مورد غارتگری قرار داده و تمام هستی ما دی و معنری- آنرا چور وچپا ول نموده است این دیگر ا به همگان معلوم است و ضرورت امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم امریکا تجا و زکار است و با خدعه و فریب و نیرنگهای گوناگون و رنگارنگ نمی تواند توجه اذهان عامه را از بحران داخلی امپریالیسم پسوی دیگری معطوف دارد .

امپریالیسم از آنجا نیکه در عرصه های مختلفه مبارزه اجتماعی مواجه به شکست های مرگباری گردیده و به عقب نشینی های

در قبال جنبش نجات بخش خلقهای زحمتکش خود امریکا مجبور میگردد، اکنون که امپریالیسم در حالت نزاع است، با وجود آنها تلاشهای مذمومانه ای را سر می دهد، اینجا و آنجا و در گوشه و کنار مختلف جهان دست به کودتا های ارتجاعی و ضد انقلابی زده و در صدد آن برآمده تا حکومت دست نشانداده و گوش بفرمان خویش را بقدرت رسا ند، با فرستادن پندگانی و دست پرور دگان و غلامان حلقه بگوش خویش در آرزوی پوچ و خام ایجاد موافق در قبال مسیر پیروزمند پروسه انقلابی برآمده و با جان دادن نمایندگان سر سپرده و سوگند خورده خویش در صدد آنست تا حکومت ملی و دموکراتیک، حکومت خلقی و مردمی را که جدیدا در این کشورها عرض اندام نموده از درون منفجر سازد اما دیگر این آرزوی خویش را امپریالیسم امریکا از جمله درافغانستان انقلابی با خود بگوربرد. ارتجاع جهانی به سرمداری امپریالیسم ایالات متحده ای- واقعیت سر سخت را نمی خواهد بپذیرد که او و مخر بینش در جهان محکوم به شکست اند و در هیچ عرصه زندگی اجتماعی برد با آنها نیست، دوران و عصر ما، عصر فرو ریختن شیرازه امپریالیسم، عصر پیروزی های پی اندر پی خلقها و مو فقیتهای بیشمار جنبش طبقه کارگر در کشور های سرما-

یداری، عصر رشد روز افزون نیرو های صلح و عدالت اجتماعی و... در این دوران و عصر که عصر ترقی و تکامل شگوفان و سر یع السیر جوامع بشری و عصر انقلابات کارگری و آزادی بخش نام گرفته است، جریانات حوادث و تعقیب پرو- سه انقلابی جهانی خود می رسا ند که شکست استعمار یا ارتجاع و امپریالیسم امریست حتمی و قطعی و هیچ قدرت و نیرویی در عرصه مناسبات سیاسی جهان قادر نیست تا از این شکست و فتنای حتمی جلو گیری نماید.

در اثر پیروزی های پی اندر پی پروسه انقلابی جهانی و عقب نشینی ها و شکست های فاحشی که نصیب امپریالیسم و ارتجاع جهانی گردیده و میگردد بیش از پیش توان قوا بنفع نیرو های هوا خواه صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی تغییر نموده و هم چنان روز تار و زوبیش از پیش این توازن قوا بنفع مترقیتهای و جهان انسانیت تغییر خواهد نمود. این سلسله تغییرات عینی بوده تشکیل کاملاً مستقل از ذهن و شعور آدمی

تکوین می پذیرد، جهان در مجموع و بشکل یک کل در تغییر و تجدید دائمی است، این پروسه پیدایش و دانه نشینی پذیرده های نو و مرگ و فنای پدیدار و فاکت قانونداتی و عینی تکامل از جمله فعالیت های خرابکار امپریالیسم امریکا یکی هم عدم شرکت و تحریم بازمیهای المپیک ۱۹۸۰ در مسکو است، این عمل امریکا بخودی خویشا حد شکست و به اصطلاح احتجاج امریکا بر ضد

چندان و با عظمت و با بهت بیسابقه و همراه با متحدین وفادار خویش بر ضد نیرو های امپریالیستی همچنان می رزمند و در این رزمگاه پیروزی قطعی و حتمی همراه با این خلقهای ستمدیده زحمتکش بوده و دشمنان- نش و هر آنکسی که بر ضد ارا ده رزمنده توده های ستمدیده زحمتکش قرار گیرد مرگ و فتنای آن حتمی است .

بیا نید با نیروی اتحاد و همبستگی بر ضد امپریالیسم جهانی و در راس آن بر ضد امپریالیسم امریکا مجاهدت پیگیر نماییم و افتخارات بزرگی را برای ما در وطن گما نی نموده و زندگی شرافتمندانه و آبرو مندانه ای را برای خلقهای زحمتکش وطن خویش افغانستان عزیز سازمان بخشیم پیروزی از آن ماست، از آن خلقهای ستمدیده و زحمتکش افغانستان عزیز است

تغیر عمده اقلیم نیم کره شمالی میگردد که در نتیجه آن خشکسالی در مناطق گرمتر رخ خواهد داد .

آیا میتوان از گرم شدن اتو سفیر جلو گیری نمود ؟ تعداد کثیر اقلیم شناسان توجه جدی متخصصین مربوطه را برای دریافت منابع جدید انرژی جلب مینمایند . البته به مشکل میتوان حکومت را بدون داشتن شواهد و اسناد معتبر مبنی بر خطر گرم شدن اتو سفیر زمین و مشکلات حاصله از آن قانع ساخت اما انتظار کشیدن چنین زمانی و وقوع این خطر خبر از دست دادن فرصت و تحمل مشقات حاصله از آن چیزی دیگری نمیتواند از آن توقع نمود . تحقیقات وسیع جهت پیش بینی دقیق اوضاع جوی و انکشاف تکنالوژی جدید تسوله انرژی جهت تعویض انرژی مواد نفتی ادامه دارد .

پیش گوئی

منظم تعقیب ننموده بلکه بعضاً دوام بریود آن از ۵۰ تا ۱۰۰ سال وقت را نیز در بر گرفته است .

با وجود تمام این تحولات علت سردی قسمت های وسیع کره زمین که ۲۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال دوام نموده آفتاب نبوده بلکه تغییرات جزئی در مدار زمین بوده که باعث دور شدن سیارات از آفتاب و با نتیجه سبب کاهش رسیدن حرارت خورشید به زمین گردیده است .

نوشته کاربن دای اکساید، بلکه کاربن کلورو فلور و تایتروس اکساید تاثیر ممتد به در گرم ساختن زمین دارد

حتی ذرات گرد و خاک حاصله صنعتی که چند سال قبل بحیث منبع سردی تصور سفیر بشمار میرفت فعلاً منحصراً منبع مهم تسخین کره زمین بحساب می آید اما علت عمده گرم شدن سطح زمین کاربن دای اکساید بوده و محتویات آن به سرعت رو به افزایش میباشد . متخصصین دریافته اند که به اثر انقلاب صنعتی سال ۱۸۶۰ غلظت کاربن دای اکساید از ۲۸۵ حصه در فی میلیون به ۳۱۲ تا ۳۳۰ حصه در فی میلیون رسیده و به ۴۰۰ حصه در فی میلیون در سال ۲۰۰۰ و دو چند آن در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید .

تقلیل جنگلات :

تقریباً نصف اندازه کاربن دای اکساید موجود توسط ابحار و جنگلات جذب گردیده و نصف دیگر آن در سطح زمین باقی میماند . قطع اشجار و جنگلات علت

دیگر از دیاد این گاز در سطح میباشد . تاثیر از دیاد کاربن دای اکساید بالای اقلیم چیست ؟ گرچه اسناد تاریخی عینی بر اینکه کاربن دای اکساید باعث گرمی اتو سفیر زمین میگردد موجود نیست اما ساینس دانان معتقدند که گرمی اتو سفیر زمین در سال ۲۰۵۰ به اندازه گرمی آن در ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال قبل خواهد بود که در آن زمان قسمت های وسیع دشت های امروزی منطقه حاره شاهد باران های زیاد بود . متخصصین اتحاد شوروی از محاسبات خود چنین نتیجه گیری نموده اند که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت زمین به اندازه ۴ درجه سانتیگراد بلند تر گردیده که در این صورت یخ بند های بحر منجمد شمالی ذوب گردیده و برای نخستین بار بعد از میلیون ها سال در آن آب بوجود خواهد آمد البته سطح آب بلند نخواهد گردید ولی ذوب این یخبندان باعث

ورزشکاران افغانی برای مسابقات المپیک ۱۹۸۰ مسکو آمادگی می گیرند

ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک جمهوری دموکراتیک افغانستان از چندین بدین طرف جهت اشتراك نمودن ورزشکاران افغانی در مسابقات المپیک ۱۹۸۰ که در تابستان سال آینده در کشور دوست و همسایه بزرگ مائتحد شوروی برگزار می گردد به يك سلسله اقدامات موثر دست زده که در قدم اول انتخاب تیم های ورزشی را روی دست گرفته است چنانکه روز شنبه شش دلو مسابقات آزاد انتخابانی بوکسنگر را در جمنایزوم پولی تخنیک کابل با شرکت یکمده ورزشکاران تازه وارد و کمیته کاران آن دایر نمود .

مسابقات مطابق به قوانین و مقررات پیش برده شد شرکت کنندگان از وزن ۴۸ کیلو گرام به بالا رویاروی هم قرار گرفتند و برای اینکه مسابقات طوریکه جوانان آرزومند آن بودند پیش برده شود ریاست ورزش کمیته ای را مرکب از ورزشکاران سابقه دار و اشخاص چیر فهم موظف نمود تا استعداد و اهلیت کاندیدان تیم منتخب را بررسی و نظارت کنند .

مسابقات مطابق پروگرام مرقبه با در نظر داشت بر مبنای طرح شده طوری بود که هر یک آنها سه بار در برابر هم قرار گرفتند و این روند و بازدید های مدعیان تیم منتخب با حضور یابی هزاران تماشاچی با ابراز احساسات فیک و گرم شان پیش برده شد .

درین مسابقات طوریکه گفته آمدیم چهره های براننده و شناخته شده می این ورزش در بین ورزش دوستان بوکس چهره های تازه کاری درخشیدند که برای بار اول در همچو یک رویداد توجه بیشمار ورزش بکس را به خود معطوف داشت . چنانکه محمد عمر از کلب باغ بالا طی دو دیداری درین مسابقات چنان درخشید مثل که سالهای درازی را در چنین مسابقات با حر یقان مصاف نموده باشد و هکذا فرید احمد از تیم تعلیم و تربیه که شناخت چندان زیاد در بین هواخواهان این ورزش نداشت توانست با

حضور یابی اش درین مسابقات با درخشش عالی و چشمگیر خویش ثابت بکند که از استعداد خوب و قابل انکشاف درین ورزش برخوردار می باشد نامبرده دوبار در حریف خوب و شناخته شده اش را با حملات سریع مشت های کوبنده از یاد آرد و در دیداری نخست محمد کبیر از کلب عزیز و کیلی را در دیدار دوم سید ظهورالدین از کلب باغ بالا را طی سه روند توانست مغلوب خود کند .

فیض محمد از کلب کارمند چهره دیگری از کاندیدان راه یابی تیم منتخب می این مسابقات توانست با درخشش خوب و چشمگیر نسبت به مسابقات انتخاباتی اسپارتنکیاد مسکو که چند ماه قبل بود و در آن مسابقات مغلوب یکی از حریفان گردید این بار توانست

راحتی را به تیم منتخب باز کند . همچنان عزیزالله عزیز می چهره شناخته شده فیضی این مسابقات توانست با ملاحظه به سکستش در مسابقات انتخاباتی اسپارتنکیاد مسکو با پیروزی اش در دو مسابقه راه خویش را به تیم منتخب باز کند . عزیز می دو مسابقه که انجام داد عبدالسمیع از کلب باغ بالا را با چند حمله سری حسابی و مشت های کوبنده در روند اول ناک اوت نمود . و حریفش که تعادل خود را از دست داده بود توانست در رندهای دوم و سوم در برابر حریف خود ظاهر شود .

و همچنان عزیز می در دیدار بعدی خود محمد انور از کلب یاران صدیق را طی سه روند با کسب امتیازات قابل ملاحظه توانست بر حریف پیروز گردد .

درین مسابقات علاوه بر شرکت کنندگان که باهم دیدار ها نمودند چهره های دیگری چون عزیزالله اختری محمد حلیم محمد عارف و رستم کارمند چهره های بودند که بدون ظاهر شدن حریف شان در رینگ در سکوی افتخارات بالا رفته کپ های قهرمانی را افتخارانه در یافت نمودند که این پیروزی

بر چون و جبری آنها از طرف تماشاگران با گرمی خاصی استقبال گردید . و قراریکه جدول نتایج انتخاباتی بکس نشان داد :

درو وزن ۴۸ کیلو گرام :

شمس الدین از کلب آریانا حایز مقام اول .

سیدولی از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

در وزن ۵۱ کیلو گرام :

نثار احمد از کلب عزیز می حایز مقام اول .

سید محسن از کلب کارمند حایز مقام دوم .

در وزن ۵۴ کیلو گرام :

حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام اول .

حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

محمد نعم از کلب عزیز و کیلی حایز مقام سوم .

در وزن ۵۷ کیلو گرام :

سلام ربانی از کلب آریانا حایز مقام اول .

محمد هارون از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

در وزن ۶۰ کیلو گرام :

فیض محمد کارمند از کلب کارمند حایز مقام اول .

شهاب الدین از کلب آریانا حایز مقام دوم .

عبدالجلیل از کلب باغ بالا حایز

مقام سوم :

در وزن ۶۳ کیلو گرام :

صلاح الدین از کلب خراسان حایز مقام اول .

محمد حسن از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

در وزن ۶۷ کیلو گرام :

عزیز احمد اختری از کلب اختری حایز مقام اول .

در وزن ۷۰ کیلو گرام :

عزیز الله عزیز می از کلب عزیز می حایز مقام اول .

محمد انور از کلب یاران صدیق حایز مقام دوم .

بقیه صفحه ۷

در حله نوین ...

گفت : شاید من از هر کسی دیگر معنی این تحول را بیشتر درک کنم زیرا بیشتر از یکسال را در زندان مخوف پلچرخ سپری کردم ، و دوماه قبل که آزاد گشتم ، میدانم که زندگی چیست و آزادی واقعا زیاست ، و این زیایی - بلی آزادی واقعا زیاست ، و این زیایی -

و فرحت را جمهوری دمو گرام تیک افغانستان پس از مرحله نوین - تکامل انقلاب ثوریه داده است من زندان پلچرخ قصه های زیادی دارم ، قصه غای تلخ و دردناک از ظلم امین و باند جنایتکارش . یکی از این جنایات زندانی کردن صد ها کودک بی نوا بود بلی آنها زندانیان سیاسی بودند در حالیکه من این کودکان بین یک تا هفت سال بود . آه چقدر شرم آور بود آن همه ظلم و وحشیگری .

جوانان که جز سعادت و خوشبختی مردم چیزی نمی خواستند به جرم اینکه آزادی را دوست دارند به زندان افکنده شدند و ای بسا که بسیاری از این جوانان ماهر گز از زندان بیرون نشدند ، زیرا بسیاری از آنان در زیر شکنجه های طاقت فرسای باند خون آشام امین نابود گشتند و جان خود را راه آزادی از دست دادند .

باید بگویم که صدای حق و عدالت برای امین و باند وی خوش آیند نبود ، زیرا آنها از عدالت می ترسیدند .

بقیه صفحه ۸

بخاطر یک ...

بازی پرسی طبی اطفال و مادران میباشند در اتحاد جماهیر شوروی برای آن دو کشور - نیکه در رشته امراض طفل تخصص حاصل میدارند . انستیتوت های کاملاً مدرن و مجهز با وسایل طبی آماده و همه ساله عده بیشتر از دوکتوران جوان شامل این انستیتوت ها گردیده بعداً به فراغت را بدست می آورند و در مرکز طبی مشغول خدمات اجتماعی میگردند .

مردم کشور ما سال بین المللی طفل را به معنی واقعی آن برگزار نمودند ، و تمام فعالیت های مردم ما برای تربیه نسل سالم آینده در خور توجه است . و به همین اساس است که نیروهای طرفدار صلح در سراسر جهان برای امر صلح و امنیت جمعی به صورت خستگی ناپذیر مبارزه مینمایند .

زیرا این صلح است که در تربیه و پرورش اطفال ممد و موثر است و اطفال نیز ضرورت شدید به امر صلح دارند .

در اتحاد شوروی کمک های اولیه طبی برای مادران و اطفال به کدام معیارات مدنظر است ؟

پرورش مودال عالی و زمینه ای ارتقا دادن به شخصیت طفل مسأله جدای پذیر از صحت مندی طفل می باشد . در اتحاد شوروی سیستم علمی طبی از صحت مندی تمام اطفال و ارسی جدی بعمل می آورد . یعنی مادران و اطفال را با در نظر داشت میتوهای کاملاً جدید طبی تحت نظارت قرار میدهند و وقتاً فوقتاً آنها را در کلینیک های مربوط تحت بازپرسی طبی قرار میدهند .

در سال (۱۹۷۸) در حدود (۱۲۰۰۰۰) اطفال به پولی کلینیک ها و در حدود یک صد هزار خانم به زایشگاه ها و مراکز صحتی مراجعه نموده اند . به هزاران دوکتوران و ورزیده و متخصصین مسول



سلام به همکاران و خوانندگان عزیز!

بعد از دعای سلامتی به حق شما، از اینکه به جوایبی نامه های شما فوق نشدیم، پوزش میخواهیم. اشاره شود که چندی قبل جوابیه یی از محترم پوهاند محمد فاضل به عبدالعزیز ایشی در باب مباحث روان شناسی و جامعه شناسی نگاشته شد که در همین صفحه جواب به نامه ها به نشر رسید. حال محترم دادعلی نیرو به دنبال برخورد فکری آن دو دوست نااشنا مقاله نگاشته است که ذیلا میخوانید:

اخیراً در شماره (۴۶) مجله وزین ژوندون، در صفحه اختصاصی «جواب نامه های شما» جوابیه به نشر رسیده بود که نویسنده محترم آن، ضمن رد ایراد یکه قبلاً بروی وارد آمده بوده است، به این اصل نیز تاکید ورزیده است که گو یا انقلاب علمی و فنی زاییده ذهن مخترعین و کاشفین میباشد و آنها هم نویسنده محترم باورمند میباشد که این انقلاب در قدم اول محصول ذهن و دماغ مخترعین، و در قدم دوم برای رفع مشکلات بشر است و جهت تأمین سعادت آنها نیست. چون نویسنده، در نقش فکر غلو ورزیده و عوامل اصلی و عینی انقلاب ساینس و تکنالوژی را نیز از نظر بعید افکنده است، لذا لازمی به نظر میرسد تا درین خصوص اندکی مکث کنیم.

در روند پیشگر زمان، هر تحول رویدادی که بظهور میرسد بر پایه عملکرد قوانین عینی تکاملی پدید آمده ها صورت میگیرد، بویژه انقلابات اجتماعی و پیشرفت های جبهه های علمی و تکنالوژی که در عصر ما آهنگ پرطنین و شتابنده آنها در سراسر کره ارض متموج

میباشد، تصادفی نبوده و محصول ذهن این ویا آن رجل سیاسی و ساینسیست نیست. همچنان این سخن مفهوم آنرا ندارد که نگارنده این سطور از نقش افکار رجل سیاسی و محققین علوم طبیعی انکار کرده و چشم پوشی نمایم، بلکه قصد آنست که باید در همه زمینه ها، بالاخص در زمینه تنا سب منطقی بین نقش افکار و اختراعات از یک طرف و بین قوانین تکاملی جامعه و درمینیزم زمان از طرف دیگر مدنظر باشد..

پژوهش های تاریخی روشنگر آنست که سطح رشد نیرو های مولده، در هر فرما سیون اقتصادی و اجتماعی، شاخص معیار سیطره انسان بر طبیعت بوده برو فوق اقتضات مادی و معنوی همان فرما سیون تکامل میکند. از جانب دیگر عامل تکامل نیرو های مولده فکر نیست، گرچه انسان جزو فعال و خلاق نیرو های مولده را تشکیل میدهد. اما فکر خود در پروسه تولید و نعمات مادی جامعه تغییر و تحول یافته و تکامل میکند. زیرا منشأ بروز و عامل تکامل دهنده فکر، کار و بویژه کار تولیدی میباشد. بدین مفهوم که انسان بمثابه موجود زیستمند ضرورت به بقای خود دارد، این امر او را تر از همه مقتضای حواجج اولیه و ضروری نظیر خوراک، پوشاک و سرپناه میبشد، در حالیکه حواجج مادی تنها در بر تو کار و فعالیت های تولیدی و خلاق انسان میتواند میسر آید. بهمین منوال میدانیم که کار بدون ابزار کار صورت گرفته نمیتواند، اینجاست که انسان جهت تهیه حواجج اولیه خود به کار و تولید و وسایل تولید نیاز مند میباشد

معینا در شیوه ای جاد و تهیه وسایل تولید و امر بکار بستن در پرانیک تولیدی انسان می خواهد که سطح حواجج را ارتقا دهد. این امر وقتی تحقق می یابد که ابزار کار تکامل داده شود ولی در جریان چنین عملیه ها، انسان نیز خود را از لحاظ ساخت ذهنی و جسمی تغییر میدهد.

در اینجا باید تذکار داد که اگر فکر را منشأ ویا عامل رشد وسایل تولید بدانیم و باور مند آن باشیم که فکر عامل و مظهر همه انقلابات در جا مع میباشد، دچار اشتباه جدی شده ایم زیرا این تغییر و تحول شیوه تولید و در کلیت آن تغییر و تحول جا مع است که افکار انسان را تغییر میدهد. غنا می بخشد و همواره در آستانه تکامل قرار میدهد. اینکه بعد از پان دوره قرون وسطی در غرب در زمینه علم و تکنالوژی جهش های شگرفی بوقوع پیوست یک رویداد تصادفی نبود و زاییده ذهن و دماغ این ویا آن مخترع و کاشف و محقق نیست، زیرا در غرب زمانیکه ارکان نظامات کهن فیو دالیزم قرون وسطایی در برابر رشد و جوان نیرو های نوین اقتصادی کپیتالیزم از هم فرو پاشید و محمل های عینی و شرایط مادی و ذهنی را برای رشد و گسترش محیر العقول علم و تکنالوژی فراهم گردانید، همانا انقلابات بورژوازی بود که زمینه راجهت تحقیقات علمی و اختراعات مساعد ساخت یعنی در هر انقلاب اجتماعی زمینه برای رشد و جوان نیرو های مولده توسعه می یابد. اما زمانیکه با انقلابات بورژوازی نظامات مندرس قرون وسطایی در غرب درهم شکستند، باید تولید نیز سریع می شد، وسایل تولید کارگاه ها، موسسات علمی و تخنیکی بمیان می آمدند و پیوسته گسترش می یافت بدین مفهوم که بورژوازی مقتضی ایجاد و توسعه صنایع میباشد در حالیکه ایجاد و توسعه صنایع بدون ماشین و تحقیقات علمی امکان ندارد.

چون همزمان با نضج و تکوین سیستم های اقتصادی کپیتالیزم در غرب در مراکز شهری، کارگران تجمع یافتند کارگاه ها ایجاد گردید و ضرورت افزایش تولید جداً محسوس گردیده و بدین

ترتیب احتیاجات مادی در پروسه تولید و در امر افزایش محصولات تولید موجب گردید که زمینیه تحقیقات علمی، اختراعات و اکتشافات بسط و انکشاف یابد. درین عصر (قرن ۱۹) بر اثر کثرت جمعیت و تمرکز آنها در شهر ها و احتیاج به تولید زیاد تر و کامل تر رونق و پیشرفت تحقیقات علمی شروع میشود، زیرا سر و صورت دادن پیشه و هنر کارگاه ها و تولیدات کشا و رزی و صنعتی احتیاج به مطالعات دقیق درباره مزرعه، محصولات خام، نباتات و ازدیاد در اندمان کار و غیره... دارد.

اختراعات و اکتشافات که در توسعه علم و تکنالوژی در سده نزد هم تحول شگرف و جرحش کیفی رونما ساخت و با وجودیکه در عرصه تحقیقات علمی علما و نوابغ بظهور پیوست در قدم اول مرهون رشد شیوه تولید و تقاضای زمان و زندگی اجتماعی بود. هرگاه انقلاب در ساینس و تکنالوژی را که در عصر مابدان عنوان انقلاب علمی-فنی داده اند محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ بدانیم مفهوم آن را دارد که رجال سیاسی و رجال علمی قادر اند مظهر انقلابات اجتماعی و علمی و فنی گردند مگر حقیقت آنست که شروع تحقیقات علمی ظهور اختراعات و اکتشافات و در نتیجه انقلاب صنعتی، در جامعه بورژوازی صورت گرفت که ناشی از ضرورت عینی و تاریخی این جامعه بود طوریکه یکی از اندیشمندان برولتا ریا میگفت:

«اگر بعد از اینکه شب تاریک قرون وسطی خاتمه یافت، علوم و صنعت با نیرویی که خواب آن هم دیده نمی شد بمیان آمد، با سرعت معجزه آسا تکامل میکرد. یکبار دیگر این معجزه را مرهون تولید میدانیم، روی فرض اگر انقلاب علمی و فنی را در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما نوابغ و محققین بدانیم. باید به این پرسش پاسخ بدهیم که چرا این انقلاب در خصوص علم و تکنالوژی در دهلیز های صامت و تاریک قرون وسطی بظهور نه پیوست و یا چرا ماشین در فرما سیون اقتصادی اجتماعی جامعه بردگی نمایان نگردید؟ اگر جواب این پرسش ها بگویم که چون در آنوقت فکر تکامل نکرده بود ویا ذهن علما قدرت اختراع و کشف را نداشت،

تحولات، وسایل علمی و فنی تنها و محض و آنهم در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما، نوابغ و محققین باشد.

وقتیکه جای ما نو فاکتور را، صنایع بزرگ ماشینی امروز گرفت اگر آنرا مطلقا و یادر قدم اول زاییده ذهن و دماغ انسان بدانیم از تکامل قانونمند نیروها و مولده و از رشد و گسترش قانونمند زمان و زندگی اجتماعی انکار میکنیم زیرا ما نو فاکتور از آن جهت جای خود را به صنایع بزرگ ماشینی داد که ضرورت تولید سرما یاری ایجاب میکرد چنانچه این مطالب راپیشوایان پرولتاریا در سده نهم چنین ارزیابی میکنند «... اما بازارها پیوسته گسترده تر و تقاضاها دمبدم فزونتر میشد اینک ما نو فاکتور هم دیگر نمیتوانست تقاضاها را پاسخ گوید. آنگاه بخار و ماشین در صنعت انقلاب ایجاد کردند جای ما نو فاکتور را صنایع بزرگ امروزی گرفتند» در نتیجه باید گفت که انقلاب علمی و فنی در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ نیست، بلکه محصول پروسه تولید بورژوازی و ناشی از ضرورت مادی و معنوی این جامعه و بالاخره زاییده زمان معین میباشد که در آن اندیشه و تفکر و تحقیقات علمی نقش ثانوی را ایفا میباید نه درجه اول را.



مدیر مسئول: شیر محمد کاوه

معاون: محمد زمان نیکرای

امر چاپ: علی محمد عثمان زاده

مبتم: نوریه

آدرس: انصاریات

مقابل ریاست مطبع دولتی

تیرشون دفتر: ۶۸۴۹

دولتی مطبعه

تکامل این رو تفکر آدمیان نیست بلکه مبارزه طبقاتی نیز درین خصوص نقش مهمی را ایفا میباید درجه یان مبارزه طبقاتی کارگران بود که بورژوازی به عقب نشینی مواجبه گردیده و در تکامل ابزار تولید و توسعه کارگاه ها و صنایع ماشینی پرداخته اند «نقریه تمام اختراعات نتیجه مبارزه میان کارگران و صاحبان کارخانه است... بعد از هر اعتصاب نسبتاً مهم یک ماشین جدید ظهور کرده است»

در اینجا با وصف مطالب پیشین چند مثال می آوریم مثلاً فکر کنیم که طرح ساختن سر پناه برای اولین بار چگونه شکل گرفت. آیا طرح ساختن خانه در قدم اول محصول فکر بود یا انعکاس از احتیاج انسان که باید در زمهره خوراک و پوشاک این ضرورت اولیه رانیز داشته باشد تا مصون بماند بهمین ترتیب آیا بعد از پیدایش طرح داشتن یک سر پناه انسان قادر بود که مانند امروز خانه زیبا و مطلوبی را اعمار نماید؟

مسئله جواب منفی است زیرا در -

قدم اول طرح ساختن سر پناه نه محصول ذهن و فکر، بلکه زاییده احتیاج مادی انسان بود بهمین شکل خانه هم یکباره بوسیله قدرت محض فکری آدمیان ساخته نشد، بلکه تدریجاً چنین احتیاج مرفوع گردید ازین مثال به این نتیجه میرسیم که در قدم اول احتیاج مادی و در قدم دوم پراتیک است که در پیدایش و تکامل فکر کمک بهم میرساند. اما باید تاکید کرد که این سخن مفهوم آن را ندارد که ما از نقش فکر انسان انکار کنیم زیرا فکر به نو به خود نیز در تسریع و بهبود پراتیک نقش ایفا میکند. در مثال دوم باید گفت که اختراع و کشف تمام ماشین و وسایل تخنیک کنونی در قدم اول محصول احتیاج به این ماشین و وسایل میباشد که مخترع و کاشف را به تحقیق و پژوهش و امید دارد. مثلاً اگر موجودیت ابحار مانع حمل و نقل نمیکرد دید اصلاً ساختن کشتی مطرح نمی شد ولی اینکه طرح ساختن کشتی در افکار انسان راه یافت، سپس به ساختن آن اقدام به عمل آمد نمیتوان آن را در قدم اول محصول ذهن و دماغ بشر بدانیم، البته در اینجا تاکید بر «قدم اول» است زیرا فکر در ساختن کشتی نقش موثری حایز میباشد مگر مفهوم آنرا ندارد که همه انقلابات

در حالیکه این کار بدون علوم نظیر کیمیا، جیو لوژی، فزیک بیولوژی و غیره امکان نداشت به تغییر دیگر احتیاج به تولید سریع و رشد محصولات تولیدی پایه های ضروری تکامل علوم و تکنولوژی را می سازد «احتیاج به تولید زیاد تر، منجر به توسعه و تکامل علوم نظیر مکانیک فزیک، کیمیا، هیست و غیره میشود و احتیاج شدیدی به پیشرفت های صنعتی، یعنی ضرورت بکار بردن ابزار و وسایل میخانیکی باعث میشود که دانشمندان درین ساحه از فزیک شاهد پیشرفت های زیاد تری باشد»

در عصر ما، این عقیده که انقلاب علمی و فنی محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ میباشد با این نظر که زبده گان رجال زورمند سیاسی شخصیت های بزرگ، سلاطین و امرا را سازنده تاریخ می دانند هم ساز بوده و از لحاظ مبانی فکری و طبقاتی همگون اند که بیشتر نمایندگان ارتجاع و امپریا لیزم بدان باور دارد مثلاً همانطوریکه در نظر نخست از نقش توده ها و از پراتیک انکار بعمل میاید به همان نحودر نظر دوم نیز از نقش خلاق و سازنده توده ها در امر خصلت تاریخ ساز آنان اغماض میگردد. اگر بگویم که چند نابغه عالم و ساینست نیز پراتیک انجام میدهند، تفکر و تعقل بخرچ می دهند و در فرجامین شیوه تحقیقات اینها است که برخی اختراعات و کشفیات صورت میگیرد از یک جهت درست به نظر میرسد، اما سخن یکجانبه میباشد زیرا «پراتیک دارای خصلت اجتماعی است پراتیک فعالیت این یا آن شخصیت اجتماعی نیست بلکه فعالیت آن توده های مردم فعالیت تمام زحمتهای آن است» درست است که اختراعات و کشفیات تحول شگرفی را در صنایع ماشینی رونما گردانده است اما عاقل محر که وانگیزه اصلی ایکه علما و نوابغ در رشته های مختلف به تحقیقات و امیدارد آن احتیاج به تولید بهتر و بالاخره احتیاج به بهتر ساختن و میل زندگی میباشد.

چون پراتیک مبدا معرفت و عاقل نیست اما باید گفت که پراتیک اشکال متنوع دارد که هر یک در امر رشد و تکامل فکرو در امر توسعه علم و تکنالوژی اثر می اندازند مثلاً تنها عمل تولیدی و احتیاج به نیاز مادی موجب

متعاً قبلاً سوال دیگری مطرح میشود که پس عوامل رشد و تکامل فکر چیست؟ نظیر این سوالات یاد است لذا باید اذعان کرد که این ضرورت زمان و اقتضای شیوه تولید سرما یه داری بود که دگرگونی های شگرفی در ساحه علم و تخنیک رونما گردانید چنانچه «همزمان با تولید کپیتالیستی عامل ساینتیفیک بار اول آگاهانه به پیمانه یی تکامل کرد، تطبیق گردید و بوجود آمد که ادوار پیشین هیچ درکی از آن نداشت»

از آنجا که فکر در جریان تغییر و تحول شیوه تولید نعمات مادی و در کلیت امر در پروسه زمان و زندگی اجتماعی شکل میگیرد، تحول می یابد و تکامل میکند لذا همه انقلابات، خاصتاً انقلاب علمی و فنی در قدم اول زاییده ذهن و دماغ علما و نوابغ نه، بلکه در قدم اول محصول پراتیک تولیدی و بازتابی از ضرورت های عینی زمان میباشد این پراتیک است که تفکر و اندیشه و در مجموع معرفت آدمیان را بوجود آورده و تکامل

مل می بخشد «معرفت خود بر اساس پراتیک و بطور عمده بر اثر تولید مادی پیدا شده است، انسان از همان گام های نخستین موجودیت خود مجبور بود کار کند و وسایل زندگی خود را بدست آورد. او در جریان کار و زحمت بانیروهای طبیعت بر خورد کرد و به تدریج به آنها معرفت یافت. تکامل تولید پیوسته معلومات بیشتر و پیشتری را طلب میکرد. از همان قرون قدیم برای انسان ضرورت اندازه گیری سطح زمین، شمارش افزار کار و محصولات تولید شده پدید آمد. در نتیجه این امر نطفه های معلومات ریاضی بسته شد انسان خانه ساخت جاده و پل ساخت سیستم آبیاری پدید آورده و غیره برای اینها همه دانستن قوانین مکانیک لازم بود بدین ترتیب تحت تأثیر احتیاجات پراتیک استعداد معرفتی انسان رشد یافت علوم پدید آمدند اساس پیدایش علوم اجتماعی نیز پراتیک است»

در جریان رشد نظام کپیتالیسم تحولات و انکشاف میخانیک و ریاضی و علوم دیگر با ارتباط ضرورت های رشد پروسه تولید حمل و نقل، کشتی رانی، تجارت و صنایع ماشینی بمیان آمد و تکامل کرد بهمین نحوه تولید جامعه بورژوازی رشد سریع صنایع ماشینی را طلب میکرد



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library